فضایـل و مسایلِ ماه مبارک رمضان

مؤلف

مولانا محمّد الیاس گهمن حفظه‌الله

مترجم

محمد روشندل ورکاتی حَفِظَهُ‌الله

شناسنامه

بسم الله الرحمن الرحیم

فهرست

بِسمِ اللهِ الرَّحمنِ الرَّحِیمِ

سخن مترجم

دین مبین اسلام دین جامع، کاملی است که پاسخ گوی همه‌ی نیازهای بشری در طول تاریخ از بدو ظهورخویش تا کنون بوده وخواهد بود. کلیات تمام مسایل در نصوص کتاب وسنت به صورت اجمال بیان شده که دانشمندان اسلامی درخور فهم واستعداد خود به تفصیل وتفسیرآن پرداخته، احکام جزئیه را از مناهل شیرین استخراج نموده و شیوه‌ی درست زندگی را در پرتو تعالیم حیات بخش قرآن وحدیث برای مردم تبیین وتشریح کرده‌اند. و با استفاده از اصول کلی دین به بیان مسایل نوظهور ومستحدثه‌ای که در عصر طلایی نبوت و قرون مشهود لها بالخیر سابقه و وجودی نداشته پرداخته‌اند.

از آنجایی که دلایل شرعی به اعتبار ثبوت ودلالت بر معانی، به چهارقسم زیر تقسیم می‌شود:

۱ـ «قطعی الثبوت والدلالة»؛

۲ـ «قطعی الثبوت وظنّی الدلالة»؛

۳ـ «ظنّی الثبوت والدلالة»؛

۴ـ «ظنّی الثبوت وقطعی الدلالة»؛

بجز در قسم اوّل، در اقسام دیگر مجال بحث و گفت وگو برای صاحب نظران وعلما گسترده واختلاف نظر در مسایل، امری بدیهی، طبیعی و اجتناب ناپذیر است. از این جهت در صدر اسلام و در حیات طیبه‌ی رسول اکرمﷺ در تفسیر بعض نصوص بین مجتهدان صحابه نیز اختلاف نظرواقع گشته وحتّی در مواردی این اختلافات به سمع و اطلاع نبی رحمت وپیامبر الفت و

محبتﷺ نیز رسیده و آنحضرت با سکوت و بیان تقریری خویش مهرتأیید و تصدیق برآن نهاده‌اند.

وپس از آن نیز همواره این اختلاف نظرها در میان اندیشمندان وتئوریسین اسلامی وجود داشته وهرکدام برای مبرهن ومدلل نمودن قول ونظر خود، به بیان قراین ودلایلی پرداخته وضمن نقد نظر مخالف وبررسی دلایل آن، احترام فریق مقابل در قلوب‌شان استوارتر از کوه و موّاج‌تر از دریای جوشان بوده است؛ زیرا کنکاش وتحقیق هریک از آنان به منظور انجام وظیفه‌ای بود که شرع مطهر اسلام، بردوش آن‌ها گذارده و برمحورِ احقاق حق دورمی زد وآنان یقین داشتند که پژوهش گران و فرهیختگان دیگَری که پا به پای آن‌ها مشغول تحقیق و بررسی مسایل هستند هرچندهم که به خطا رفته باشند معذور ومأجوراند.

درچنین فضای دوستانه‌ای هریک به تدوین وتنظیم اصول و ضوابطی پرداخت که به آسانی به توان احکام دینی را از چشمه‌های زلال آن استنباط و استخراج نمود. وعوام الناس ومردمی که از توانایی واستعداد کافی اجتهاد برخودار نبودند بدون اکراه و اجبار، وبه مقتضای آیه‌ی﴿...**فَاسْأَلُوا أَهْلَ الذِّكْرِ إِن كُنتُمْ لَا تَعْلَمُونَ**﴾[1] حلّ مسایل ومشکلات خود را از دانشمندان اسلامی که نزد آنان معتمَد و مؤثَّق بوده و به دانش، تقوا و دیانت‌شان اعتماد کامل داشتند جویا می‌شدند. بدین صورت مذاهب فقهی شکل گرفت و از بین مذاهب مختلف، چهار مذهب فقهی اهل سنت که بعدها به نام بنیان گذاران خود شهرت یافتند ودر رأس آن‌ها مذهب امام اعظم ابوحنیفه‌رحمه الله نظر به جامعیت وکمالش در همه‌ی ابعاد زندگی مورد پذیرش و استقبال مردم قرار گرفتند وکم کم مذاهب دیگری که از آن‌ها جز چند مسأله در لابلای کتب

۱ـ الأنبياء: ۷و النحل: ۴۳.

متفرّق چیزی باقی نمانده بود، بنابر عدم توانایی پاسخ گفتن به نیازهای دینی مردم از بین رفت و بدین نحو مذاهب فقهی در چهار مذهب منحصر ومحدود گردید. ﴿ذَٰلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَن يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ﴾[1]

ناگفته نماند که هیچ کدام از ائمه‌ی متبوعین و پیراوان‌شان، برای ائمه حق تشریع قائل نبوده و مدّعی عصمت آنان از خطا نبوده و نیستند. بلکه نظر به تبحّر علمی و تقوا وطهارت‌شان، به تفسیری که آن‌ها از نصوص شرعی ارایه نموده‌اند اعتماد کرده وبه پیروی آنان پرداخته‌اند.کما این که در دیگر مسایل دینی و دنیوی در میان مردم مرسوم ومتداول است.مثلاً؛ مردم برای معالجه‌ی بیماری‌های خود تنها به پزشکی مراجعه می‌کنند که به تشخیص و تخصص او اعتماد دارند. وامور ساختمانی خود را به دست مهندسی می سپارند که بنابر تخصص، تجربه و دیانت خود، اعتماد آن‌ها را به دست آورده است. هیچ گاه دیده نشده و نخواهد شد که فرد به پزشک و مهندسی مراجعه کند که نسبت به تخصص وتجربه‌ی او اعتماد ندارد. ویا برای امور دنیوی خود به فردی جز متخصص آن مراجعه نماید، مثلاً؛ هیچ گاه برای معالجه‌ی خود به مهندس راه و ساختمان و برای کارهای ساختمانی به پزشکی که دارای چندین فوق تخصص از دانشگاه‌های معتبر دنیا است مراجعه نمی‌کنند.حتی ممکن نیست که بیمارقلبی دانسته برای معالجه‌ی خود نزد متخصص چشم برود ویا کسی که از کمبود بینایی در رنج و عذاب است به فوق تخصص قلب وغیره مراجعه کند.

متأسفانه رفتارها عوض واهداف‌ها تغییر کرد.عدّه‌ای به جای تعمیر، راه تخریب را پیش گرفته، به تمسخرافکار و نظریات مردمی کمربستندکه سالیان متمادی عبادت و بندگی خدا را به پیروی از سلف صالح وپیشوایان دینی اعم

---

۱ ـ المائدة: ۵۴.

از صحابه و تابعین وائمه‌ی مجتهدین رحمهم الله انجام می‌دادند. ایشان مقتدی‌ها را نادان و مقتدایان را جاهل قلمداد ومعرّفی کردند. تقلید از ائمه‌ی اربعه را شرك و مقلدان را مشرك عنوان نمودند. وبا طرح مسایلی از باب اولی و عدم اولی مثل: مسأله‌ی «آمین بالجهر»،«رفع یدین»،« محل بستن دست‌ها در نماز» و... به جنگ با مردم برخواسته وشیرازه‌ی وحدت مسلمانان را ازهم پاشیدند وگذشته از آن، اصحاب پیامبر علیه السلام را که آنحضرت صلی الله علیه وسلم آن‌ها را ستارگان آسمان هدایت نامیده و امت را به پیروی ازآنان فرا خوانده‌است به بدعت گذاری در دین متهم نموده و بیست رکعت تراویح را که به اتفاق امت از زمان خلافت فاروق اعظم رضی الله عنه تا به امروز در تمام جهان اسلام جاری وساری بوده خلاف سنت، و بدعت گفتند. گویا (نعوذ بالله) صحابه‌ی پیامبر علیه السلام که شاگردان بلا واسطه‌ی آنحضرت صلی الله علیه وسلم وشاهدان وحی وتنزیل بودند سنت وبدعت را ازهم تشخیص نداده و دین را به درستی درك نکرده بودند وهمه‌ی امت اعم از خلفای راشدین،صحابه‌ی جلیل القدر محمّد امین صلی الله علیه وسلم وتابعین وتبع تابعین وسایر ائمه‌ی مجتهدین پس از اندك زمانی از رحلت جان گداز رسول اکرم صلی الله علیه وسلم در ورطه‌ی بدعت وگمراهی افتادند؟!

کاش این عزیزان به این نصوص توجه کرده و اندکی به اندیشه وتأمّل پیرامون آن می نشستند که خدا و رسول‌خدا صلی الله علیه وسلم در مورد صحابه و بویژه خلفای راشدین چه فرموده وچگونه آن‌ها را مورد تمجید وستایش قرار داده‌اند:

۱ـــ وَقَدْ رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بِإِسْنَادٍ صَحِيحٍ «عَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الرَّاشِدِينَ الْمَهْدِيِّينَ بَعْدِي عَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ.»[۱]

۱ ـ جامع بیان العلم وفضله: حدیث شماره:۱۷۵۸.

ترجمـه: از رسـول‌خداﷺ بـا سـند صـحیح روایـت شـده کـه«سـنت مـن وسـنت خلفـای راشـدین و هـدایت یافتـه بعـد از مـرا برخـود لازم بگیریـد و بـا نواجـذ (دندان‌های عقل) به آن‌ها محکم بچسبید.

۲ـ **عـن حُذَيْفَـةَ بْـنِ الْيَمَـانِ، قَـالَ: قَـالَ رَسُـولُ اللَّهِ صَـلَّى اللهُ عَلَيْـهِ وَسَـلَّمَ: «إِنِّي لَا أَدْرِي مَـا قَـدْرُ بَقَـائِي فِـيكُمْ، فَاقْتَـدُوا بِاللَّـذَيْنِ مِـنْ بَعْـدِي» وَأَشَـارَ إِلَى أَبِي بَكْـرٍ وَعُمَرَ.**[1]

ترجمه:حذیفـه بـن الیمـانس می‌گویـد: رسـول اکـرمﷺ فرمودنـد:«مـن نمـی‌دانم کـه چقـدر درمیـان شـما خـواهم بـود، لـذا بـه دوشـخص بعـد از من اقتدا کنید» وبه سوی ابوبکر وعمرب اشاره کردند.

آیـا فکرکـرده‌ایم کـه پیـامبر÷ عمـل خلفـای راشـدین را سـنت می‌گویـد ومـا بـا بـدعت گفـتن آن، بـه معارضـه بـا آنحضـرت÷ برخاسته‌ایم؟!

آیـا مـی‌دانیم کـه پیـامبرﷺ بـه پیـروی از خلفـای راشـدین امـر فرمـوده و ما مردم را از پیروی آن‌ها تحت عنوان بدعت منع می‌نماییم؟!

آیـا اندیشـیده‌ایم کـه بـا بـدعت گفـتن عمـل خلفـای راشـدین، در برابـر ارشـاد رسـول اکـرم ﷺ قـرار گرفتـه‌ایم کـه آن‌هـا را بـا «**الراشدین المهديين**» وصف نموده‌اند؟!

آیا به عواقب مخالفت با رسول‌خدا ÷ فکر کرده‌ایم؟

بیائید به کلام خداوند متعال نگاهی بیندازیم که می‌فرماید:

۱ــ هـذا الحـديث أخرجـه أحمـد (۲۳۲۴۵)، وابـن ماجـه (۹۷)، والترمـذی (۳۹۹۱)، وابـن حبـان (۶۹۰۲) وهو حديث حسن.

﴿وَمَن يُشَاقِقِ الرَّسُولَ مِن بَعْدِ مَا تَبَيَّنَ لَهُ الْهُدَىٰ وَيَتَّبِعْ غَيْرَ سَبِيلِ الْمُؤْمِنِينَ نُوَلِّهِ مَا تَوَلَّىٰ وَنُصْلِهِ جَهَنَّمَ وَسَاءَتْ مَصِيرًا﴾[۱]

ترجمه: وهرکس، پس از آن‌که راه هدایت برای او آشکار شد با پیامبر به مخالفت برخیزد،و[راهی] غیر راه مؤمنان درپیش گیرد، وی را بدانچه روی خود را بدان سو کرده واگذاریم وبه دوزخش کشانیم، وچه بازگشتگاه بدی است.

﴿وَمَن يُشَاقِقِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَإِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾[۲]

ترجمه: هرکس، با خدا و رسولش به مخالفت برخیزد، قطعاً خدا سخت کیفر است.

آیا تا به حال به این قضیه فکرکرده‌ایم دینی که قرن‌ها کسی آن را نفهمیده وحتی نخستین گرویدگان آن، گمراه وبدعتی باشند، چنین دینی چه ارزش و اعتبار خواهد داشت؟!

آیا این ارشاد پیامبرﷺ را شنیده‌ایم که می‌فرماید: «**لَنْ تَجْتَمِعَ أُمَّتِي عَلَى الضَّلَالَةِ أَبَدًا، فَعَلَيْكُمْ بِالْجَمَاعَةِ فَإِنَّ يَدَ اللهِ عَلَى الْجَمَاعَةِ**».[۳] یعنی؛ امت من هرگز بر گمراهی اجماع نخواهد کرد، لذا جماعت را لازم بگیرید؛ زیرا تأیید خدا با جماعت است.

جالب‌تر این‌که افراد بی سوادی که الفبای دین را نیاموخته و حتی قادر به روخوانی قرآن کریم نیستند نیز بر مقام اجتهاد فایزگشته و به اظهار نظر در امور دین می پردازند.گویا دین در نگاه آنان حتی به اندازه‌ی مسایل پیش پا افتاده‌ی دنیا که ضرر و زیان آن اندك و محدود است، نیز ارزش واهمّیت

---

۱ ـ النساء: ۱۱۵.

۲ ـ الأنفال: ۱۳.

۳ ـ المعجم الکبیر للطبرانی: حدیث شماره:۱۳۶۲۳.

ندارد که باید به کارشناسان آن عرضه و راهکارهای مناسبی برای آن پیدا کنند و به قول دکتر اقبال لاهوری شاعر و اسلام شناس شرق رحمه‌الله:

تنگ بر ما رهگذار دین شده است   هرلئیمی راز دار دین شده‌است

زاجتهاد عالمانِ کم نظر   اقتدا بر رفتگان محفوظ تر

غافل از این‌که قرآن کریم ما را به سپردن امانات به اهل‌شان توصیه نموده و می‌فرماید: ﴿**إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُكُمْ أَن تُؤَدُّوا الْأَمَانَاتِ إِلَىٰ أَهْلِهَا**﴾[1] خداوند شما را به ادای امانت‌ها به صاحبانش امر می کند.

چه امانتی بالاتر از دین و احکام دینی است؟

و بدون توجه به مسؤلیت سنگین شرعی، جسورانه به فتوا مبادرت وشتاب می‌نمایند حال آن‌که رسول الله ﷺ چنین می‌فرماید: «**مَنْ أُفْتِيَ بِفُتْيَا غَيْرَ ثَبَتٍ فَإِنَّمَا إِثْمُهُ عَلَى مَنْ أَفْتَاهُ.**»[2] یعنی؛ کسی که بی دلیل فتوا داده شود گناهش بر گردن کسی‌است که به او فتوا داده است.

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: «مَنْ أَفْتَى فُتْيَا يَعْمَى عَنْهَا، فَإِنَّمَا إِثْمُهَا عَلَيْهِ.»[3] یعنی؛ هر که کورکورانه فتوایی دهد گناه آن فتوا بر گردن او خواهد بود.

خداوند ما را از جسارت در امور دین مصون و به راه راست هدایت فرماید.

کتاب حاضر تلاش مخلصانه و محققانه‌ای است به منظور آگاهی بخشی به مسلمانان در رابطه با فضایل ومسایل ماه مبارك رمضان که توسط عالم فرزانه، سخنور و مناظر چیره دست، حضرت مولانا محمّد الیاس گهمن دام ظله

---

۱ ـ النساء: ۵۸.

۲ ـ سنن ابن ماجه: باب اجتناب الرای والقیاس، وقال الارنؤوط: إسناده حسن، مسلم بن یسار حسن الحدیث ومن دونه ثقات.

۳ـ مسند اسحاق بن راهویه.

به نگارش درآمده و بنده به دستور ایشان آن‌را ترجمه و به فارسی زبانان عزیز تقدیم می‌نمایم. امیدوارم خداوند به لطف خویش آن‌را به شرف قبول بنوازد و مؤلف و مترجم و سایر خوانندگان محترم را به سعادت ابدی نایل گرداند.

بنده کوشیده‌ام ترجمه‌ای ساده و روان ودر عین حال صحیح تقدیم عزیزان بنمایم امّا به هیچ وجه ادّعای عصمت از خطا ولغزش را ندارم، لذا پیشاپیش از دوستانی که خطاهایم را به من گوشزد کنند تقدیر و تشکر نموده و پاداش‌شان را از ایزد منّان مسألت می دارم.

درضمن، یاد آور می‌شوم که مطالب داخل دو قلاب [ ] از طرف مترجم و آنچه داخل پرانتز( ) آمده است از سوی مؤلف محترم می‌باشد. و مطالبی را که مؤلف درون قلاب گذاشته بود، بنده آن‌ها را به منظور جلوگیری از التباس داخل پرانتز گذاشتم.

درپایان از همه‌ی بزرگوارانی که به نحوی بنده را مورد تفقّد و لطف خویش قرار داده‌اند بالاخص عزیزم مولوی محمّد قاسمی پورحفظه الله که در امور رایانه همکاری داشته‌اند صمیمانه قدر دانی نموده وبه همگی«**جزاکم الله خیراً**» می گویم.

اَللَّهُمّ اَرِنَا الحَقَّ حَقّاً وَ ارزُقنَا اتِّبَاعَهُ وَ اَرِنَا البَاطِلَ بَاطِلاً وَارزُقنَا اجتِنَابَهُ وَ صَلَّی اللهُ تَعَالَی عَلَی خَیرِ خَلقِهِ مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ وَصَحبِهِ أَجمَعِینَ .

محمّد روشندل ورکاتی

مدرس جامعة الحرمین الشریفین چابهار

استقبال رمضان

فصل بهار فضل وعنایت و رحم وکرم خداوند متعال شروع شدنی است، ماه رمضان فرا رسیده است. آنجا بنگرید! بهشت بیش از پیش تزیین می‌شود، بادهای رحمت از زیر عرش آماده‌ی وزیدن است. پس از چند روز، صدای دلنواز برگ درختان بهشت به گوش خواهد رسید، حور عین نیز دست به دعا عرض خواهد نمود: بارالها! دراین ماه مبارک بندگان سعادتمند وخوش نصیب تورا که از دیدن آن‌ها دیدگان ما خنک واز [دیدار] ما چشم‌های آنان مسرورشود، [از تو] می جوییم.[1] به روزه دار، حورعین داده خواهد شد.

نخستین شب رمضان است، فقیه امت حضرت عبدالله بن مسعود ﷺ از پیامبر اکرم ﷺ روایت می‌کندکه در این شب، تمام درهای بهشت گشوده می‌شود حتی در تمام ماه، یک در نیز بسته نخواهد شد، وهمه‌ی‌درهای جهنم در تمام ماه بسته می‌شود حتی یک در نیز باز نخواهد ماند. شیاطین متمرّد و سرکش به زنجیر کشیده می‌شوند. آواز دهنده‌ای هرشب تا طلوع فجرندا می دهد: ای جویندگان خیر! خیرالهی را پذیرفته وشادمان باشید، وای جست وجو گران شرّ! دست نگهدارید وبهوش باشید. سپس پژواک صدای رب لم یزل گوش‌ها را نوازش می کند، آیاکسی هست که آمرزش بخواهد تا او را بیامرزیم؟ آیا توبه کننده‌ای هست که توبه‌اش را بپذیریم؟ آیا دعا کننده‌ای وجود دارد که ما مرادش را برآریم؟ آیا سائلی هست تا به او عطا کنیم؟[2]

---

۱ ـ [أخرجه ابن خزیمة فی صحیحه، باب تزیین الجنّة فِی شهر رمضان:۹۰۹/۲، رقم الحدیث:۱۸۸۶.معجم الأوسط للطبرانی، رقم الحدیث:۶۸۰۰، و....]

۲ ـ[فضائل الأوقات للبیهقی:۱۶۶/۱،حدیث شماره: ۵۱.]

هرشب شصت هزار جهنمی، از جهنم نجات می‌یابد، وروز عید فطر به اندازه‌ی تمام آزاد شدگان شب‌های رمضان، از جهنم آزاد می گردد.[۱]

این‌ها در آسمان‌ها جریان دارد. اینك به زمین متوجه می‌شویم: مقصود تخلیق وآفرینش کائنات حضرت محمّد رسول الله ﷺ از آغاز ماه رجب، رمضان را [ازخدا] تمنا می کرد ومی فرمود:«**اَللّهُمَّ بَارِك لَنَا فِی رَجَبَ وَشَعبَانَ وَبَلِّغنا رَمَضَانَ.**»[۲] (پروردگارا! ماه رجب وشعبان را برای ما با برکت کن وما را به رمضان برسان). و هنگامی که شعبان فرا می‌رسید، زبان نبوت، این گونه گوهر افشانی می‌نمود که: «**اَللَّهُمَّ هذا شَعبَانُ، وَبَلِّغنا رَمَضَانَ.**»[۳] (پروردگارا! این ماه شعبان است[که به لطف خویش به ما عطا نمودی، لذا] مارا به رمضان[نیز] برسان).

پیامبراکرم ﷺ از دو ماه پیش به استقبال این میهمان خجسته یعنی؛ ماه رمضان می‌شتافت وچون آخرین شب شعبان می‌شد، اصحاب جان نثارش را جمع وبه ذکر اهمیت، سودمندی، ویژگی‌ها وامتیازات ماه مبارك رمضان می‌پرداخت.

حضرت سلمان فارسی رضی الله عنه می گوید: رسول خدا ﷺ [مارا درچنین شبی گرد آورده] فرمودند:

« اَیُّهَاالنَّاسُ! قَد اَظَلَّکُم شَهرٌ عَظِیمٌ مبارکٌ، شَهرٌ فِیهِ لَیلَةٌ خَیرٌ مِن اَلفِ شَهرٍ، جَعَلَ اللهُ صِیَامَه فَرِیضَةً وَقِیَامَ لَیلِه تَطَوُّعاً،مَن تَقَرَّبَ فِیهِ بِخَصلَةٍ مِنَ الخَیرِ کَانَ کَمَن أَدَّی فَرِیضَةً فِیمَا سِوَاه، ومَن أَدَّی فیهِ فریضَةً کَانَ کَمَن أَدَّی سَبعِینَ

۱ـ [فضائل الأوقات للبیهقی:۱۶۶/۱، حدیث شماره:۵۱، شعب الإیمان، حدیث شماره:۳۳۳۴، باب فضائل شهررمضان.]

۲ ـ[مسند البزار، حدیث شماره:۶۴۹۶، المعجم الأوسط للطبرانی۳۹۳۹،شعب الإیمان ۳۵۳۴،معجم ابن عساکر،شماره:۳۰۹]

۳ ـ[لَم اَجِدِ الروایةَ بهذه الألفاظ. مترجم]

فَرِيضَـةً فِيمـا سِـوَاه، وهـو شَـهرُ الصَّـبرِ والصَّـبرُ ثَوَابُـه الجَنَّـةُ، وَ شَـهرُ المُوَاسَـاةِ وشَـهرٌ يَـزدَادُ رِزقُ المُؤمِنِ، مَـن فَطَّـرَ صَـائِماً كـان مغفـرةً لِذُنُوبِـهِ وعِتـقُ رَقَبَتِـهِ مِـنَ النَّـارِو كـان لـه مثلُ أَجرِهِ مِـن غَـيرِ أَن يَنـتَقِصَ مِـن أَجـرِه شـيءٌ، قَـالُوا: لَـيسَ كُلُّنَـا يَجِـدُ مَـا يُفَطِّـرُ الصَّـائِمَ فَقَـالَ: يُعطِـى اللهُ هـذا الثَّـوَابَ مَـن فَطَّـرَ صَـائِماً علـى تَمـرَةٍ أَو شَـربَةِ مَـاءٍ أَو مُذقَـةِ لَـبَنٍ، وهـو شَـهرٌ أَوَّلُـهُ رَحمَـةٌ و أَوسَـطُه مَغفِـرَةٌ و آخِـرُه عِتـقٌ مِـنَ النَّـارِ، مَـن خَفَّـفَ عَـن مَملُوكِـهِ غَفَـرَ اللهُ لَـهُ و أَعتَقَـهُ مِـنَ النَّـارِ، وَاستَكثِرُوا فِيـهِ مِـن أَربَـعِ خِصَـالٍ: خَصـلَتَينِ تُرضُـون بِهِمَـا رَبَّكُـم وَ خَصـلَتَينِ لاَ غِنَـى بِكُـم عَنهُمَـا، فَأَمَّـا الخَصـلَتَانِ اللَّتَـانِ تُرضُـونَ بِهِمَـا رَبَّكُـم: فَشِـهَادَةُ أَن لاَ إِلـهَ إِلاَّ اللهُ وتَسـتَغفِرُونَهُ، وأَمَّـا اللَّتَـانِ لاَغِنَـى لَكُـم عَنهُمَـا: فَتَسـأَلُونَ اللهَ الجَنَّـةَ وتَعُـوذُونَ بِـهِ مِـنَ النَّـارِ، مَـن أَشـبَعَ فيـهِ صَـائِماً سـقاهُ اللهُ مِـن حَوضِـي شَـربَةً لاَ يَظمَـأُ حَتَّـى يَـدخُلَ الجَنَّـةَ.»[۱] ترجمـــه: ای مـردم! مـاه بـا عظمـت و مبـارکی برشـما سـایه افکنـده‌اسـت، درآن شـبی وجـود دارد کــه از هــزار مــاه بهتراســت. خداونــد روزه‌اش را فــرض وقیــام شــب‌هــایش را موجـب ثـواب قـرار داده‌اسـت. هـرکس در ایـن مـاه بـا انجـام کـار خیـری تقـرّب ونزدیکی خـدا را حاصـل کنـد ماننـد کسـی اسـت کـه در غیـر رمضـان فرضـی را ادا نمایـد وهـرکس فرضـی بجـا آورد چنـان اسـت کـه در غیـر رمضـان هفتـاد فـرض ادا کند. این ماه، مـاه صـبر اسـت وپـاداش صـبر بهشـت. ومـاه غمخـواری اسـت. در ایـن مـاه رزق مـؤمن افـزایش مـی‌یابـد. هـرکس روزه داری را افطاریـه دهـد، موجـب معـاف شـدن گناهـان و رهـایی او از عـذاب جهـنم خواهـد بـود، وبـه او بـه انـدازه‌ی ثـــواب روزه دار، بـــی آن کـــه از ثـــواب روزه دار کســـر گـــردد ثـــواب خواهـــد رسید.[صـحابه] عـرض کردنـد: ای رسـول خـدا! همـه‌ی مـا توانـایی افطـار دادن روزه دار نـداریم، فرمودنـد: (ایـن ثـواب بـه سـیر کـردن شـکم روزه دار موقـوف

۱ـ صحیح ابن خزیمه، ۹۱۱/۲، باب فضائل شهر رمضان، حدیث شماره:۱۸۸۷.

نیست بلکه) خداوند این ثواب را به کسی که با دانه‌ای خرما، یا جرعه‌ای آب یا شیر روزه‌ی روزه دار را افطارکند نیز عطا می‌کند.واین ماهی است که آغازش رحمت، درمیانش مغفرت، وآخرش آزادی از آتش جهنم است. هرکه درآن، بار[و مسئولیت کاری] خدمت گزارش را سبک کند، خداوند او را می‌آمرزد واز آتش جهنم رهایی می‌بخشد.

دراین ماه چهار چیز را به کثرت انجام دهید؛ دو چیز موجب خشنودی پروردگارتان است واز دو چیز دیگر چاره‌ای ندارید. اما دو چیزی که پروردگار خویش را بدان راضی می‌کنید:[یکی] گواهی دادن است به این که جزخداوند، معبود به حقی نیست. [دوّم این که] از او آمرزش بخواهید. امّا دو چیز دیگر که از آن‌ها چاره‌ای ندارید: [یکی] طلب بهشت و[دیگری] پناه خواستن از جهنم است. هرکه روزه داری را سیر[آب] کند خداوند متعال او را (در قیامت) از حوض من، آبی می‌نوشاند که تا زمان داخل شدن بهشت تشنه نخواهد شد.

[پس] بیائید ما نیز آمادگی استقبال از میهمان خویش[یعنی؛ ماه رمضان] را شروع کنیم، امّا نه فقط با جلسه وجلوس[وشعارهای لفظی] بلکه با ایجاد شوق ورغبت عبادت، وبا جای دادن راهنمایی‌های هادی عالم ﷺ در اذهان وقلوب خویش، وبا تصمیم کامل به این که اسباب مغفرت وآمرزش گناهان خویش را در این ماه با اخلاص نیت[فراهم و] اختیار نماییم. چنان که به محض دیدن هلال رمضان دست دعا برداشته وبگوییم:«**اللَّهُمَّ أَهِلَّهُ عَلَيَنَابِالْيُمنِ والإِيمَانِ والسَّلاَمَةِ والإِسلاَمِ والتَّوفِيقِ لِمَا تُحِبُّ وتَرضَى، ربّى وربّک اللهُ.**»[1] (پروردگارا! این ماه را برای ما موجب برکت وایمان، سلامتی واسلام

۱ـ[ناسخ الحدیث ومنسوخه للأثرم، باب الهلال یری مایقول: ۱۹۹/۱.]

وتوفیق [انجام] کارهایی که تومی پسندی وراضی می‌شوی بگردان،(ای ماه!) پروردگار من وتو الله است.

آنگاه باید با دل وجان، احساس قدر دانی از ماه مبارك رمضان در ما پدیدآید، وخواسته‌هایش را [با رعایت همه‌ی] شرایط وآداب برآورده سازیم وبه یاد داشته باشیم که به کثرت استغفار نموده ، بیست رکعت نماز تراویح را با ذوق وشوق ادا وپس از ادای سه رکعت وتر، خوب دعا کنیم. وبرای این که در بیداری جهت خوردن سحری دچار مشکل وپریشانی نشویم زود بخوابیم. وهنگام خوابیدن دعای«**اللَّهُمَّ بِاسْمِکَ أَمُوتُ وأَحيَی**».[1](پروردگارا! من فقط با نام تو می‌خوابم وبا نام تو بیدار می‌شوم.) وپس قرائت سوره‌ی«ملك» و«آیة الکرسی» مطابق سنت بر پهلوی راست بخوابیم. وچون وقت سحری فرا رسید، باخوشحالی وچستی برخیزیم، با اهل خانه در امور خانگی همکاری نموده، وضو کرده، نماز تهجد را بجا آوریم وبکوشیم تهجد، شیوه‌ی همیشگی ومعمول دائم ما باشد؛ زیرا در حدیث آمده است:«**أَفضَلُ الصَّلوةِ بَعدَ الفَرِيضَةِ صلوةُ اللَّيلِ.**»[2](افضل ترین نماز بعد از فرایض نمازشب[تهجد] است.

حتماً سحری بخوریم؛ زیرا رسول اکرمﷺ با تأکید فرمان داده وآن را غذای با برکت عنوان نموده، می‌فرماید: «**تَسَحَّرُوا فَإِنَّ فِی السُّحُورِ بَرَكَةٌ.**»[3] (سحری بخورید؛ زیرا در سحری خوردن برکت است.) اولاد خود را نیز به آن عادت دهیم، در زندگی صحابه‌ی کرام رضی الله عنهم نمونه‌های فراوانی برای ما وجود دارد.

---

۱ ـ[أخرجه البیهقی فِی شعب الإیمان بلازیادة «اللّهمّ» برقم:۴۰۷۶]

۲ ـ[صحیح مسلم،باب فضل صوم محرّم :۸۲۱/۲، شماره حدیث:۲۰۲ (۱۱۶۳)]

۳ ـ[مختصرصحیح البخاری، باب إذا نوی بالنهار صوماً، حدیث شماره:۸۹۹]

پس از خوردن سحری اگر وقتی باقی است به تلاوت قرآن، ذکر و استغفار بپردازیم،[و] به دعا ونیایش اهتمام ورزیم. مردان نماز خود را با تکبیرالأولی [باجماعت] در مسجد اداکنند. واگر در مسجد برنامه‌ی درس قرآن یا خلاصة القرآن هست، حتماً باید شرکت کنیم ورنه با مشوره‌ی هم از عالم مستند ومعتبری درخواست کنیم تا هر روز به ما درس قرآن بدهد.

بعد از نماز فجر تا وقت اشراق به ذکر اشتغال ورزیده، وسپس نماز اشراق را ادا نماییم، درحدیثی رسول خداﷺ پاداش آن را با حج یا عمره‌ی کاملی برابر دانسته است.

از سرو صدا در مساجد باید اجتناب نمود؛ زیرا این کار نیکی‌ها را مانند آتشی که هیزم‌ها را می‌سوزد، نابود خواهد کرد.

پس از بازگشت از مسجد، به امور زندگی مشغول شده و بکوشیم تا از زبان ما سخن نا درستی بیرون نیاید، بلکه در حدیث تا این اندازه تأکید شده که اگر کسی سخن ناپسندیده‌ای به تو گفت وسعی کرد با تو درگیر شود[تو بجای درگیرشدن با وی]بگوی: «**إِنِّي صَائِمٌ**»[1] (من روزه ام.)

درتمام روز، زبان، چشم، گوش وسایر اعضای خویش را حفاظت نماییم و زبان را از دروغ، غیبت، بهتان، سخن چینی، ناسزاگویی وسخنان بیهوده پاک نگهداریم وبا تیغ زبان، قلب کسی را مجروح نسازیم ومرتکب حرمت شکنی، بی عزتی وتحقیر احدی نشویم.

ازفیلم، ترانه، موسیقی، رقص، بدنظری، ونگاه به نامحرم اجتناب کنیم. وگوش را از شنیدن غیبت، سخنان بیهوده، صحبت‌های بی ضرورت نامحرمان به دور داشته، قلب را از حسد، بغض، کینه، عداوت، نفرت، تکبر، غرور، وخود برتر بینی پاک سازیم.

۱ـ[مختصرصحیح البخاری، باب هَل یَقولُ: إنی صَائِمٌ إذا شُتِمَ؟، حدیث شماره: ۸۸۷]

نارضایتی‌ها را از بین برده، روابط با یکدیگر را استحکام بخشیم، از قطع رحم پرهیز وصله‌ی رحمی را گسترش وتعمیم دهیم، ورنه در حدیث آمده است که آنحضرتؑ فرمودند:[**رُبَّ صَائِمٍ لیس له مِن صِیَامِهِ إِلاَّ الجوعُ**[1]] بسیاری از روزه داران هستند که از روزه جز[تحمل] گرسنگی چیزی ندارند.[و] در صحیح بخاری آمده است:«**مَن لَمْ یَدَع قَولَ الزُّورِ والعَمَلَ بِهِ فَلَیسَ لِلّهِ حَاجَةٌ فِی أَن یَدَعَ طَعَامَهُ وَشَرَابَهُ**»[2]. (کسی که سخن دروغ وعمل بدان را رها نکند، خداوند نیازی به این که او ازخوردن وآشامیدن دست بکشد، ندارد).

[حقوق قرآن:]

روزانه قرآن را به کثرت تلاوت کنیم؛ زیرا قرآن برما پنج حق دارد:

۱ــ ایمان آوردن: [ایمان] به این که قرآن کریم قطعاً از سوی خداوند متعال، توسط جبرئیل [امین] ؑ بر رسول اکرمﷺ نازل شده، از تحریف وتبدیل منزه وپاک بوده، خداوند متعال حفاظت آن را بر عهده گرفته، وهرچه درآن بیان شده، بدون شک همه راست ودرست است.

۲ــ تلاوت آن: تلاوت قرآن موجب اجر وپاداش ویکی از حقوق آن برماست.

۳ــ اندیشیدن وتفکر درآن: یعنی؛ درک اوامر ونواهی قرآن وپی بردن به این که قرآن کریم در فلان زمان ازما چه مطالبه‌ای دارد، درس گرفتن از داستان‌های اقوام فلاح یافته ورستگار و عبرت آموزی از قصه‌های انسان‌ها واقوام هلاک شده.

۱ـ[سنن ابن ماجه،حدیث شماره:۱۶۹۰.]

۲ـ[مختصر صحیح البخاری، باب مَنْ لَمْ یدَعْ قوْلَ الزُّورِ والعَمَلَ بِهِ فی الصَّومِ، حدیث شماره:۸۸۶]

۴ـ عمل نمودن: عمل به آنچه درقرآن آمده است. البته این نکته را به خاطر باید سپرد که آیات منسوخه را فقط تلاوت باید کرد و از عمل برآن، خود شریعت منع نموده است.

۵ ـ تبلیغ، تحفیظ، وتنفیذآن: یعنی؛ تلاش به قدرامکان برای گسترش[تعالیم آن]وحفظ ونگهداری واجرای احکام ودستورات آن[در زندگی فردی واجتماعی].

ومستحب است که در وقت تلاوت قرآن کریم، با وضو بوده، عطرو خوشبواستعمال نموده، رو به قبله، با رعایت ادب و تفکر در[معانی] آیات ، به تلاوت بپردازیم. از بعض امور نباید غافل بود،[مثلاً] به احکام سجده‌ی تلاوت که ما آن‌ها را بیان خواهیم کرد، توجه باید نمود. واگر می‌خواهی قرآن را با ترجمه وتفسیر بخوانی، تفاسیر زیر را بخوان:

[۱ـ] تفسیر عثمانی: از علامه شبیراحمد عثمانی رحمه الله.

[۲ـ] تفسیر معارف القرآن: ازمفتی اعظم پاکستان، مفتی محمّد شفیع عثمانی رحمه الله

[۳ـ] معالم العرفان فی دروس القرآن: از صوفی عبدالحمید سواتی رحمه الله

[۴ـ] ترجمه‌ی آسان قرآن: از شیخ الاسلام مفتی محمّد تقی عثمانی [حفظه الله تعالی]

به خاطر بسپار که نگاه و مطالعه‌ی تراجم [وتفاسیر] علمای گمراه وغیر مستند،چه بسا ممکن است عقاید تو را به باد دهد؛ لذا اجتناب باید نمود.

درکار خدمت گزاران وکارمندانی که در خانه، دفتر، ویا زمین‌های تو مشغول کارهستند، تخفیف ایجاد نمای، نمازها را به موقع ادا و درآماده سازی افطار[وغیره] به اهل خانه کمک کن، هرگز برآن‌ها نهیب مزن، واگر خلاف طبع چیزی دیدی از عفو و گذشت کارگیر، افطار دادن را باید معمول خود قرارداد؛ زیرا در حدیث فضیلت زیادی برای آن وارد شده است.

به وقت افطار از سر و صداها و حرکات بچه گانه‌ای که تقدس مسجد را پایمال می‌کند، اجتناب باید نمود.

پس از نماز مغرب، ادای شش رکعت اوّابین را معمول خود قرار ده؛ زیرا درحدیث آمده است: کسی که بعداز نماز مغرب، شش رکعت ادا کند در حالی که درمیان آن‌ها مرتکب سخن ناروایی نشده باشد، ثواب عبادت دوازده سال را خواهد یافت.[1] بهتر است حافظان کلام الله [حزب و] منزل خود را در نماز اوّابین خوانده[و دور کنند].

[سپس] آمادگی کامل نماز عشاء را گرفته، با خشوع وخضوع نماز را باید ادا نمود. در نماز تراویح به جای حافظان تیز رفتار از قاریان خوش صدایی که قرآن را آهسته[وروان] قرائت می‌کنند استفاده باید کرد؛ زیرا تراویح از عبادات بسیارمهم رمضان مبارك است. از عادات انسان‌های[نادان و] بی شعوری که در وقت تراویح می‌نشینند، مشغول تلفن و پیام بازی هستند ویا به بهانه‌ی نوشیدن آب، اجر وپاداش خود را ضایع می‌کنند و هنگامی که امام به رکوع می‌رود ، دوان دوان شامل رکوع می‌شوند،پرهیز باید نمود.

باالحاح وزاری فراوان برای خود، خانواده وکشور خود، بلکه برای تمام عالم اسلام دعا باید کرد.

پس از آن زود به خانه برگشته وبعد از فراغت از نیازهای طبعی، اندك زمانی به محاسبه خویش پرداخته، به خاطر تمام کارهای خوب خدا را شکر نموده،و اگر احیاناً کارخلافی سرزده است، ازان توبه[واستغفار] نماید. یعنی؛ با احساس ندامت وپشیمانی فوراً ازآن، دست بردارد وعزم کند که دیگرآن

---

1 ـ [صحیح ابن خزیمة، حدیث شماره:1195،المعجم الأوسط، حدیث شماره:819 ،الترغیب فی فضائل الأعمال وثواب ذالك لإبن شاهین، شماره:78 ،ترمذی، شماره:435 ، شرح السنة، شماره 896، و...]

کار را انجام ندهد. آنگاه زود بخوابد تابتواند صبح زود برخیزد و معمولات خود را به نحو شایسته ومطلوب انجام دهد.

در رمضان با سینه‌ای کشاده[و دستی باز] خوب باید صدقه نمود، زکات را (که احکام آن را ما به تفصیل [درهمین رساله] نوشته ایم) پرداخت باید کرد. در عشراخیر رمضان، به اعتکاف بنشیند، بهتر این است که نزد شیخ ومرشد خود اعتکاف کند، تا هم ثواب اعتکاف یابد وهم به پیشرفت‌های ظاهری وباطنی نایل گردد و هم صحبت شیخ، بیش از پیش میسر شود.

اعتکاف بهترین فرصت برای جست وجوی لیلة القدر است، لیلةالقدر را درشب‌های طاق[فرد] جست وجو کنید. و هنگام پرداخت صدقه‌ی فطر وزکات، مدارس مستحق بویژه اداره‌ی دینی خود «مرکز اهل السنة والجماعة» راکه موسسه‌ای است جهت نشر، تحفظ ونگهداری قرآن، سنت و فقه فراموش نکنید.

آمادگی نماز عید را نموده، برای خود و فرزندان خود لباس نو[یا شسته شده وتمیز] تهیه نمایید وپس از نماز عید خوب دعا کنید.

تذکر: اگرصاحب نصاب[واستطاعت مالی] هستی ، در رمضان عمره بجای آور[؛زیرا] درحدیث پاک وارد شده است که: «**عُمرَةٌ فِی رَمَضَان تعدلُ حَجَّةً**».[1] [یعنی؛] (یک عمره در رمضان مساوی با یک حج است).

[مولانا] محمّد الیاس گهمن[حفظه الله]

---

۱ ـ صحیح مسلم، باب فضل العمرة فی رمضان، حدیث شماره:۱۲۵۶.

عبادات رمضان

رمضـان مبـارک برمـاه‌هـای دیگـر فضـیلت وبرتـری دارد، درایـن مـاه رحمـت، عنایـت ونـوازش‌هـای خداونـد متعـال شـأن عجیبـی پیـدا مـی کنـد، ثمـره‌ی همـین برکـات اسـت کـه ثـواب یـک نفـل در رمضـان، برابـر بـا ثـواب یـک فـرض درماه‌های دیگرو ثواب یک فرض مساوی با هفتاد فرض می‌باشد.[۱]

در ایـن مـاه عبـادات و ریاضـت‌هـا چگونـه بایـد باشـد؟ بـه حـدیث مـروی از اُمُّ المـؤمنین عائشـه رضی الله عنها نظـر بیندازیـد کـه مـی‌فرمایـد: «**كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى اللهُ عليهِ وسلم إِذَا دَخَلَ شَهرُ رَمَضَان شَدَّ مِئزَرَهُ، ثُمَّ لَم يَأتِ فِرَاشَهُ حَتَّى يَنسَلِخَ.**»[۲]

ترجمـه: چـون مـاه رمضـان فـرا مـی‌رسـید پیـامبراکرم صلی الله علیه وسلم کمـر همّـت مـی‌بسـت وسپس تا سپری شدن ماه رمضان بر بستر خویش تشریف نمی‌آورد.

لـیکن هنگـامی کـه ده شـب پایـانی رمضـان مـی‌رسـید بـه قـول سـیده عائشـه صـــدیقه رضی الله عنها «**كَـانَ رَسُـولُ اللهِ يَجتَهِـدُ فِـى العَشـرِ الأَوَاخِـرِ مَـا لاَ يَجتَهِـدُ فِـى غَيرِهَا.**»[۳]

ترجمـه: رسـول اکـرم صلی الله علیه وسلم در ده روز پایـانی رمضـان بـه قـدری در عبـادت مـی کوشید که درغیر آن نمی کوشید.

چـون در مـاه رمضـان اجـر وپـاداش چنـد برابـر افـزایش مـی‌یابـد، از ایـن جهـت انسان تـا مـی‌توانـد، در عبـادت تـلاش کنـد و اگـر عبـادت‌هـای روزمـرّه بـا اسـتقلال مزاج ، اعتدال و اطمینان انجام داده شود بسیار مفید خواهد بود.

---

۱ ـ مشكوة المصابيح،۱۷۳/۱، كتاب الصوم الفصل الاوّل.

۲ ـ شعب الإيمان للبيهقى،۳۱۰/۳، فضائل شهر رمضان.

۳ـ صحيح مسلم، ۳۷۲/۱، باب الإجتهاد فى العشر الأواخر...).

۱ـ فضیلت تهجد:

نماز تهجد را باید معمول زندگی خود قرار داد، ورنه حد اقل در رمضان مبارک آن را ادا باید نمود؛ زیرا دراین ایام هم فرصت و وقت کافی داریم و هم دل‌ها به نور هدایت و روحانیت منوّر است. [ذیلاً] چند حدیث در این مورد تقدیم می گردد:

[۱ــ] از حضرت ابو هریره رضی الله عنه روایت است که آنحضرت علیه السلام فرمودند:« **أَفضَلُ الصَّلوةِ بَعدَ الفَرِيضَةِ صَلوةُ اللَّيلِ.**»[1]

[ترجمه :] افضل‌ترین نماز بعد از فرایض، نماز تهجد است.

[۲ـ] از حضرت علی مرتضی رضی الله عنه مروی است که رسول خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند:

«إِنَّ فِی الجَنَّةِ غُرَفاً تُرَی ظُهُورُهَا مِن بُطُونِهَا وبُطُونُهَا مِن ظُهُورِهَا، فَقَامَ أَعرابِیٌ فَقَالَ: لِمَن هِیَ يارسولَ اللهِ؟ فَقَالَ: لِمَن أَطَابَ الكَلاَمَ، وَ أَطعَمَ الطَّعَامَ، وَ اَدَامَ الصِّيَامَ، وصلَّی بِاللَّيلِ والنَّاسُ نِيَامٌ».[2]

ترجمه: در بهشت غرفه‌هایی وجود دارد که بیرون‌شان از درون و درون‌شان از بیرون دیده می‌شود، یک اعرابی برخاست وپرسید: ای رسول خدا صلی الله علیه وسلم ! این غرفه‌ها ازآنِ چه کسی است؟ آنحضرت علیه السلام فرمودند: برای کسی که سخن نیکو گوید، (به مساکین) طعام دهد، پیوسته روزه بگیرد، وشب در حالی که مردم خواب‌اند، نماز بگزارد.

[۳ــ] حضور اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: خداوند متعال در ثلث آخر شب[آن گونه که شایسته‌ی اوست] به آسمان دنیا فرود می‌آید و[اعلان] می‌فرماید: آیا کسی

۱ـ جامع الترمذی،۹۹/۱ ، باب ما جاء فی فضل صلوة اللیل .

۲ ـ جامع الترمذی،۱۹/۲، باب ما جاء فی قول المعروف.

هست که از من بخواهد تا به او عطا کنم؟ آیا کسی هست که آمرزش طلب کند تا او را بیامرزم؟[۱]

[۴ـ] در حدیث دیگری وارد شده‌است: خداوند متعال درآخرین بخش شب، به بنده نزدیک‌تر می‌شود، پس حتی الإمکان، از بندگانی باشید که درآن وقت خدا را یاد می‌کنند.[۲]

وقت تهجد:

وقت تهجد از نیمه‌ی شب شروع می‌شود. روش سنت این است که بعد از نماز عشاء بخوابد، سپس برخاسته تهجد را بجاآورد، همان‌گونه که حضرت عائشه ﵂ در مورد رسول خدا ﷺ بیان می‌فرماید:

«كَانَ يَنَامُ اَوَّلَهُ وَ يَقُومُ آخِرهُ فَيُصَلِّى ثُمَّ يَرجِعُ إِلَى فِرَاشِهِ.»[۳]

[ترجمه:] آنحضرت ﷺ اوّل شب می خوابید وآخرشب بیدارشده تهجد ادا می‌نمود وسپس به رختخواب خویش بازمی‌گشت.

تعداد رکعات تهجد:

عادت آنحضرت ﷺ در مورد تعداد رکعات تهجد متفاوت بود. چهار، شش، هشت وحتی ده رکعت نیز از وی منقول است.

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَبِي قَيْسٍ، قَالَ: قُلْتُ لِعَائِشَةَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا: بِكَمْ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُوتِرُ؟ قَالَتْ: «كَانَ يُوتِرُ بِأَرْبَعٍ وَثَلَاثٍ، وَسِتٍّ

۱ـ صحیح بخاری.

۲ ـ جامع الترمذی.

۳ـ صحیح البخاری، باب من نام اوّل اللیل وأحیَی آخره.

وَثَلَاثٍ، وَثَمَانٍ وَثَلَاثٍ، وَعَشْرٍ وَثَلَاثٍ، وَلَمْ يَكُنْ يُوتِرُ بِأَنْقَصَ مِنْ سَبْعٍ، وَلَا بِأَكْثَرَ مِنْ ثَلَاثَ عَشْرَةَ.»[۱]

ترجمه: حضرت عبد الله بن ابوقیس رحمه الله می گوید: از حضرت عائشه رضی الله عنها پرسیدم که آنحضرت ﷺ وتر را با چند رکعت می‌خواند؟ ایشان جواب دادند: چهار و سه، شش وسه، هشت و سه رکعت [وتر با تهجد ادا می‌فرمود،] نماز وتر(وتهجد) پیامبر ﷺ نه بیش از سیزده رکعت می‌بود و نه کم‌تر از هفت رکعت.

عَبْدُ اللَّهِ بْنُ شَقِيقٍ، عَنْ عَائِشَةَ قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ تِسْعَ رَكَعَاتٍ فِيهِنَّ الْوِتْرُ.[۲]

ترجمه: از حضرت عائشه رضی الله عنها روایت است که پیامبراکرم ﷺ به همراه وتر نه رکعت می خواند.

از حضرت جابر رضی الله عنه مروی است: **أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى بَعْدَ الْعَتَمَةِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً.**[۳]

ترجمه: رسول الله ﷺ بعد از عشاء سیزده رکعت می‌خواند.

فایده: پیامبر عليه السلام این رکعات را در اوقات مختلف بجا می‌آورد، ولی بیشترین معمول او در تهجد، هشت رکعت بود، چنان که حضرت عائشه رضی الله عنها می‌فرماید:

۱ـ سنن ابی داود، ۲۰۰/۱، باب فی صلوة اللیل.

۲ـ صحیح ابن خزیمه،۵۷۷/۱ ، حدیث شماره:۱۱۶۷.

۳ـ صحیح ابن خزیمه،۵۷۶/۱، حدیث شماره:۱۱۶۵.

«مَا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَزِيدُ فِي رَمَضَانَ وَلاَ فِي غَيْرِهِ عَلَى إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً يُصَلِّي أَرْبَعًا، فَلاَ تَسَلْ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطُولِهِنَّ، ثُمَّ يُصَلِّي أَرْبَعًا، فَلاَ تَسَلْ عَنْ حُسْنِهِنَّ وَطُولِهِنَّ، ثُمَّ يُصَلِّي ثَلاَثًا.»[1]

ترجمه: پیامبر ﷺ در رمضان وغیر رمضان بیش از یازده رکعت نمی‌خواند.(هشت رکعت تهجد وسه رکعت وتر).

۲ـ فضیلت سحری:

این لطف خداوندی است که در[برابر] برآوردن نیازهای جسمانی [و طبعی] نیز به ما اجر و پاداش عطا می کند، سحری نیز یکی از نیازهای جسمانی ماست که خداوند بخاطر آن ، با انعام، اکرام، وبرکات خویش[بنده را] می نوازد، چنان که:

[۱ـ] رسول خدا ﷺ فرمودند: «**تَسَحَّروا فَاِنَّ فی السَّحُورِ بَرَكةٌ** ».[2]

[ترجمه:] سحری بخورید؛ زیرا در خوردن سحری برکت است.

[۲ـ]رسول خدا ﷺ فرمودند:«**فَصلُ مَا بَينَ صِيَامِنَا و صِيَام اَهلِ الكِتابِ؛اَكلةُ السَّحَرِ**». [3]

[ترجمه:] تفاوت روزه‌های ما با اهل کتاب، خوردن سحری است.

[۳ـ] رسول خدا ﷺ در مورد خوردن سحری فرمودند : «**إِنَّهَا بَرَكَةٌ أَعْطَاكُمُ اللَّهُ إِيَّاهَا فَلَا تَدَعُوهُ**».[4]

[ترجمه:] سحری برکتی است که خداوند متعال به شما عطا کرده است، لذا آن را ترک نکنید.

[۴ـ] آن حضرت ﷺ فرمودند:«**تَسَحَّرُوا وَلَوْ بِجُرْعَةٍ مِنْ مَاءٍ**.»[5]

۱ـ صحیح بخاری، ۱۵۴/۱،باب قیام النبی باللیل فی رمضان وغیره.

۲ ـ متفق علیه.

۳ـ صحیح مسلم.

۴ ـ سنن نسائی.

۵ ـ صحیح ابن حبّان.

[ترجمه:] حتماً سحری بخورید، اگرچه با جرعه‌ای آب باشد.

[۵ـ] ونیز فرمودند: «**إِنَّ الله وَمَلائِكَتَهُ يُصَلُّونَ عَلَى الْمُتَسَحِّرِينَ.**»[1]

[ترجمه:] همانا خداوند متعال بر سحری خوردندگان رحمت می‌فرستد و فرشتگان دعا می کنند.

۳ـ فضیلت روزه:

روزه از مهم‌ترین عبادات ماه مبارک رمضان است،[از این رو] چند حدیث که مشتمل بر فضیلت رمضان است، تقدیم می‌نماییم:

[۱ـــ] «**عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أُعْطِيَتْ أُمَّتِي خَمْسَ خِصَالٍ فِي رَمَضَانَ لَمْ تُعْطَهَا أُمَّةٌ قَبْلَهُمْ خُلُوفُ فَمِ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدَ اللّٰهِ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ وَتَسْتَغْفِرُ لَهُمْ الْمَلَائِكَةُ حَتَّى يُفْطِرُوا وَيُزَيِّنُ اللّٰهُ عَزَّوَجَلَّ كُلَّ يَوْمٍ جَنَّتَهُ ثُمَّ يَقُولُ يُوشِكُ عِبَادِيَ الصَّالِحُوْنَ أَنْ يُلْقُوا عَنْهُمْ الْمَئُونَةَ وَالْأَذَىٰ وَيَصِيرُوا إِلَيْكِ وَيُصَفَّدُ فِيهِ مَرَدَةُ الشَّيَاطِينِ فَلَا يَخْلُصُوا إِلَى مَا كَانُوا يَخْلُصُونَ إِلَيْهِ فِي غَيْرِهِ وَيُغْفَرُ لَهُمْ فِي آخِرِ لَيْلَةٍ قِيلَ يَا رَسُولَ اللّٰهِ أَهِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ؟ قَالَ لَا وَلٰكِنَّ الْعَامِلَ إِنَّمَا يُوَفَّىٰ أَجْرَهُ إِذَا قَضٰى عَمَلَهُ.**»[2]

ترجمه: ازحضرت ابوهریره ﷺ روایت است که پیامبراکرم ﷺ فرمودند: به امت من در رمضان مبارک پنج ویژگی عطا شده که به امت‌های دیگر داده نشده است:

۱ـ بوی دهان روزه دار، نزد خدا از بوی مشک نیز پسندیده‌تر است.

۲ـ فرشتگان، تا وقت افطار برای روزه دار دعا می کنند.

۱ـ صحیح ابن حبان.

۲ ـ مسند امام احمد،۳۰/۸، حدیث شماره:۷۹۰۴.

۳ـ بهشت هر روز برای روزه داران تزیین می‌شود، آنگاه خداوند [خطاب به بهشت] می‌فرماید: دیری نخواهد پایید که بندگان نیک من، مشقت‌های دنیا را از خود دورکرده و به سوی تو می‌آیند.

۴ـ در این ماه، شیطان‌های متمرّد و سرکش زندانی می‌شوند، لذا مردم نمی توانند به سوی گناهانی روی آورند که در غیر رمضان به آن‌ها روی می آوردند.

۵ـ در آخرین شب رمضان، روزه داران آمرزیده خواهند شد.

صحابه رضی الله عنهم عرض کردند: آیا این شب قدر است؟ فرمودند: خیر، ولی قانون است که کارگر به وقت پایان کار، مزدش را دریافت می کند.

[۲ـ] « عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ عَنْ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَنَّهُ قَالَ مَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا فِي رَمَضَانَ مِنْ غَيْرِ رُخْصَةٍ رَخَّصَهَا اللهُ لَمْ يَقْضِ عَنْهُ صِيَامُ الدَّهْرِ.»[۱]

ترجمه: ابوهریره رضی الله عنه از آنحضرت صلی الله علیه وسلم روایت می کند که فرمودند: هر که بدون عذر، روزه‌ای از رمضان را افطار کند، روزه‌ی تمام عمر نیز نمی‌تواند آن را جبران نماید.

[۳ـ] « قَالَ أَبُو عُبَيْدَةَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ الصَّوْمُ جُنَّةٌ مَا لَمْ يَخْرِقْهَا.»[۲]

ترجمه: حضرت ابو عبیده رضی الله عنه می‌فرماید: از رسول خدا صلی الله علیه وسلم شنیدم که می‌فرمود: روزه(برای انسان) تا زمانی که آن را پاره نکند، سپر است.

فایده: مراد از سپر بودن روزه، این است همان‌گونه که انسان به وسیله‌ی سپر خودش را [از حملات دشمن] حفاظت می کند، به وسیله‌ی روزه نیز می‌تواند خود را از [تهاجم] شیطان حفظ نماید. و مراد از پاره کردن روزه، این که در حال روزه، کارهای ناجایزی ازقبیل دروغ، غیبت و... مرتکب شود.

۱ـ مسند امام احمد، ۳۴۶/۹، حدیث شماره: ۹۸۷۰.

۲ـ سنن نسائی: ۳۱۱/۱، باب فضل الصیام.

لذا فواید وثمرات حقیقی روزه زمانی بدست خواهد آمد که انسان از گناه و امور بیهوده اجتناب نماید.

[۴-] «عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ ثَلَاثَةٌ لَا يُرَدُّ دُعَاؤُهُمْ؛ اَلْإِمَامُ الْعَادِلُ وَالصَّائِمُ حَتَّى يُفْطِرَ وَدَعْوَةُ الْمَظْلُومِ يَرْفَعُهَا اللهُ فَوْقَ الْغَمَامِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ وَيَفْتَحُ لَهَا أَبْوَابَ السَّمَاءِ وَيَقُولُ الرَّبُّ عَزَّ وَجَلَّ بِعِزَّتِي لَأَنْصُرَنَّكَ وَلَوْ بَعْدَ حِينٍ.»[1]

ترجمه: از حضرت ابوهریره ﷺ مروی است که رسول خدا ﷺ فرمودند: دعای سه کس رد نمی‌شود: یکی پادشاه عادل، دوّم روزه دار، تا زمانی که افطار نکرده باشد، سوّم مظلوم، خداوند آن‌را روز قیامت بر فراز ابرها بالا می‌برد و دروازه‌های آسمان را به رویش می گشاید وارشاد می‌فرماید: (ای بنده ی من!) به عزّتم سوگند ، حتماً تو را یاری خواهم نمود، اگرچه (بنابر مصلحتی) مدتی بگذرد.

[۵-] «عَنْ كَعْبِ بْنِ عُجْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: أُحْضُرُوا الْمِنْبَرَ فَحَضَرْنَا، فَلَمَّا ارْتَقَى دَرَجَةً قَالَ: آمِينَ ، فَلَمَّا ارْتَقَى الدَّرَجَةَ الثَّانِيَةَ قَالَ: آمِينَ ، فَلَمَّا ارْتَقَى الدَّرَجَةَ الثَّالِثَةَ قَالَ: آمِينَ ، فَلَمَّا فَرَغَ نَزَلَ مِنَ الْمِنْبَرِ قَالَ: فَقُلْنَا لَهُ يَا رَسُولَ اللهِ لَقَدْ سَمِعْنَا الْيَوْمَ مِنْكَ شَيْئًا لَمْ نَكُنْ نَسْمَعُهُ قَالَ: إِنَّ جِبْرِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَرَضَ لِي فَقَالَ: بَعُدَ مَنْ أَدْرَكَ رَمَضَانَ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَقُلْتُ: آمِينَ فَلَمَّا رَقِيتُ الثَّانِيَةَ قَالَ: بَعُدَ مَنْ ذُكِرْتَ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَيْكَ فَقُلْتُ: آمِينَ، فَلَمَّا رَقِيتُ الثَّالِثَةَ قَالَ: بَعُدَ مَنْ أَدْرَكَ وَالِدَيْهِ الْكِبَرَ عِنْدَهُ أَوْ أَحَدَهُمَا، فَلَمْ يُدْخِلَاهُ الْجَنَّةَ – أَظُنُّهُ قَالَ– فَقُلْتُ: آمِينَ.»[2]

ترجمه: حضرت کعب بن عجره ﷺ فرمود: باری رسول اکرم ﷺ فرمودند: به منبر نزدیک شوید. ما نزدیک شدیم، چون پیامبر ﷺ پا بر اوّلین پلّه‌ی منبر گذاشت فرمود: آمین . و زمانی که بر پلّه‌ی دوّم بالا رفت (باز) فرمود: آمین. وهنگامی که از پلّه‌ی سوّم بالا رفت [باز] آمین گفت. چون

---

۱ ـ مسند امام احمد،۲۹۸/۹، حدیث شماره:۹۷۰۳.

۲ ـ شعب الإیمان للبیهقی،۲۱۴/۲، باب فی تعظیم النبی صلی الله علیه وسلم...

پیامبر اکرم ﷺ بعد از سخنرانی از منبر پایین آمدند، ما از ایشان پرسیدیم: ای رسول خدا! امروز از تو چیزی شنیدیم که قبلاً نشنیده بودیم، فرمودند: زمان بالا رفتن بر منبر، جبریل علیه السلام نزد من آمد، چون بر پلّه‌ی اوّل قدم گذاشتم فرمود: هلاک باد کسی که رمضان را دریابد و آمرزیده نشود، گفتم: آمین. وزمانی که برپلّه‌ی دوّم بالا رفتم، فرمود: هلاک باد آن که نزد او تذکره‌ی تو به میان آید و او بر تو درود نفرستد، گفتم : آمین. وهنگامی که بر پلّه‌ی سوّم قدم نهادم فرمود: هلاک باد کسی که پدر ومادرش یا یکی از آن دو، نزد او به پیری برسند و او را وارد بهشت نکنند، گفتم: آمین.

[۶ـ] « عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ قَالَ سَمِعْتُ رَسُولَ اللهِ صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُوْلُ: ذَاكِرُ اللهِ فِيْ رَمَضَانَ يُغْفَرُ له وَسَائِلُ اللهِ فِيه لَا يَخِيْبُ.»[1]

ترجمه: حضرت عمر بن خطّاب رضی الله عنه می‌فرماید: از رسول‌خدا ﷺ شنیدم که می‌فرمود: یادکننده‌ی خدا در رمضان، بخشیده می‌شود و سؤال کننده‌ی از او، ناکام نخواهد شد.

[۷ـ] « عَنْ زَيْدِ بْنِ خَالِدٍ الْجُهَنِيِّ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا أَوْ جَهَّزَ غَازِيًا فَلَهُ مِثْلُ أَجْرِهِ.»[2]

ترجمه: حضرت زید بن خالد جهنی رضی الله عنه از رسول‌خدا ﷺ روایت می کند که ایشان فرمودند: کسی که روزه داری را افطار دهد یا مجاهدی را تجهیز کند، به اندازه‌ی آن‌ها اجر خواهد یافت.

۴ـ محافظت برنمازهای فرض:

نماز مهم‌ترین عبادت است، پای بندی بر آن ضروری است، ازآیات قرآنی و احادیث فراوانی فضیلت آن ثابت است. [ازان جمله] چند حدیث، تقدیم خدمت می‌باشد:

[۱ـ] رسول‌خدا ﷺ ارشاد فرمودند: «کسی که بر نماز پای بندی کند، نماز روز قیامت برای او نور، حجّت و سبب نجات خواهد بود.»[1]

۱ـ شعب الإيمان للبيهقي، ۳۱۱/۳،[باب] فضائل شهر رمضان.

۲ ـ السنن الكبرى للبيهقي،۲۴۰/۴.

[۲ـ] باری آنحضرتﷺ در فصل پاییز بیرون تشریف برده، دوشاخه‌ی یک درخت را گرفته وتکان دادند که بر اثر آن برگ‌ها شروع به ریختن کرد، [آنگاه] آنحضرتﷺ [خطاب به حضرت ابوذر رضی الله عنه] فرمود: ای ابوذر! ابوذر عرض نمود: حاضرم ای رسول خدا! فرمود: زمانی که بنده برای خشنودی خدا نماز بخواند، گناهانش مانند برگ‌های این درخت خواهد ریخت.»[۲]

[۳ـ] رسول خدا ﷺ فرمودند: «اگر بر دروازه‌ی کسی از شما نهری باشد که او روزی پنج بار درآن غسل نماید آیا چرکی بر بدنش باقی می‌ماند؟ صحابه عرض کردند: خیر، آنحضرت ﷺ فرمودند: مثال نمازهای پنج گانه نیز چنین است، خداوند به سبب آن گناهان را محو می‌فرماید.»[۳]

[۴ـ] فقیه امت حضرت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه می گوید: من از آنحضرتﷺ پرسیدم: ای رسول خدا! محبوب‌ترین عمل انسان نزد خداوند کدام است؟ فرمودند: « نماز به موقع.»[۴]

۵ـ تلاوت قرآن:

قرآن کریم با رمضان مبارک نسبت زیادی دارد، در همین ماه مبارک ، قرآن نازل شد، و رسول‌خدا ﷺ در همین ماه با جبرئیل علیه السلام قرآن را دور می‌نمود. [در احادیث فراوانی امر به تلاوت قرآن وارد شده است، از جمله:]

[۱ـ] رسول خدا ﷺ فرمودند:«**إِقرَؤُا القُرآنَ فَإِنَّهُ يَأتِي يَومَ القِيَامَةِ شَفِيعاً لأَصحَابِهِ.**»[۵]

[ترجمه:] قرآن را بخوانید؛ زیرا او در قیامت برای قاری [خواننده‌ی] خود شفارش می‌نماید.

[۲ـ] آنحضرت ﷺ فرمودند: « ماهر قرآن با فرشتگانِ معزز خواهد بود، وکسی که قرآن را با مشقت بخواند برای او دو اجرمی‌باشد.» (متفق علیه)

۱ـ مشکوة المصابیح.
۲ـ مسند امام احمد.
۳ـ صحیح بخاری .
۴ـ صحیح بخاری .
۵ـ صحیح مسلم .

[۳ـ] در حدیث است که : «در قیامت به صاحب قرآن می‌گویند: قرآن را آهسته وبا ترتیل همان‌گونه که در دنیا قرائت می‌کردی قرائت کن و از درجات بهشت بالا برو ؛ زیرا جایگاه تو نزد آخرین آیتی است که آن‌را می‌خوانی.»[1]

[۴ـ] رسول الله ﷺ فرمودند:

«لاَتَجعَلُوا بُيُوتَكُم مَقَابِرَ، إِنَّ الشَّيطَانَ يَنفِرُ مِنَ البَيتِ الَّذِى يُقرَأُ فِيهِ سُورَة البَقَرَة.»[2]

[ترجمه:] خانه‌های‌تان را گورستان نکنید، بی تردید شیطان از خانه‌ای که درآن سوره‌ی «بقره» قرائت شود، می گریزد.

آنحضرت ﷺ فرمودند: « بهترین عمل آن است که برآن مداومت شود، گرچه اندک باشد.»

لذا نظر به این حدیث پاک به منظور تسهیل تلاوت قرآن نقشه‌ای تقدیم می گردد.

وقت	مقدار تلاوت	در ماه
۳۰دقیقه (نیم ساعت) درروز	یک جزء	یک ختم
۶۰دقیقه(یک ساعت) در روز	دو جزء	دو ختم
۹۰ دقیقه(یک ونیم ساعت) درروز	۳ جزء	سه ختم
۱۲۰دقیقه(دوساعت) در روز	۴ جزء	چهار ختم
۱۵۰ دقیقه(دو ونیم ساعت) در روز	۵ جزء	پنج ختم

و اگر با اسقلال مزاج تلاوت کرده شود، بیش‌تر از این نیز می‌توان تلاوت نمود.

۶ـ فضیت توبه و استغفار

ما فرشته نیستیم که هیچ وقت مرتکب گناه نشویم، [ولی] نباید همچون شیطان همیشه مبتلای گناه باشیم، بلکه اگر گناهی از ما سر زد، توبه واستغفار نماییم تا در آینده از نا فرمانی خدا وپیامبرش

۱ ـ جامع الترمذی.
۲ ـ صحیح مسلم.

نجات یابیم. واگر فرضاً بار بار مرتکب توبه شکنی شدیم ، تا هم نا امید نشویم [؛ چرا که] رسول الله ﷺ فرمودند:

«**إِنَّ الشَّيْطَانَ قَالَ: وَعِزَّتِکَ يَا رَبِّ، لَا أَبْرَحُ أُغْوِي عِبَادَکَ مَادَامت اَرْوَاحُهُمْ فِي أَجْسَادِهِمْ. قَالَ الرَّبُّ: وَعِزَّتِي وَجَلَالِي لَا أَزَالُ أَغْفِرُلَهُمْ مَا اسْتَغْفَرُوْنِي.**»[1]

ترجمه: شیطان (در بارگاه الهی) گفت: (ای خداوند متعال!) مرا به عزّت تو سوگند! بندگان تو را تا زمانی که روح در بدن دارند گمراه خواهم کرد. خداوند در جواب فرمودند: مرا [نیز] به عزّت و جلالم سوگند! ما دامی که استغفار نموده و از من آمرزش بطلبند، آن‌ها را خواهم بخشید.

رسول‌خدا ﷺ فرمودند: «هرکه در مجلسی نشست ومرتکب سخنان بیهوده‌ی زیادی شد، اگر پیش از برخاستن از مجلس این را بخواندکه: «**سُبْحَانَکَ اللَّهُمَّ وَبِحَمْدِکَ، أَشْهَدُ أن لَا إِلٰهَ إِلَّا أَنْتَ أَستَغفِرُکَ وَ أَتُوْبُ إِلَيْک.**» (پروردگارا ! با حمد و ستایش، پاکی تو را بیان می‌کنم، گواهی می‌دهم که جز تو معبودی نیست، از توآمرزش می‌خواهم و به سوی تو برمی‌گردم) کفاره‌ی سخنان لغو او خواهد بود.»[2]

۷ـ فضیلت صدقه و خیرات:

در رمضان مبارک همان‌گونه که پاداش اعمال دیگر افزایش می‌یابد، پاداش صدقه و خیرات نیز بالا می‌رود، در این مورد چند حدیث تقدیم می‌گردد:

[۱ـ] « **عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ قَالَ كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَجْوَدَ النَّاسِ وَكَانَ أَجْوَدُ مَا يَكُونُ فِي رَمَضَانَ حِينَ يَلْقَاهُ جِبْرِيلُ وَكَانَ يَلْقَاهُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ رَمَضَانَ فَيُدَارِسُهُ الْقُرْآنَ فَلَرَسُولُ اللهِ صَلَّى الله عَلَيْهِ وَسَلَّمَ أَجْوَدُ بِالْخَيْرِ مِنْ الرِّيحِ الْمُرْسَلَةِ.**»[3]

---

۱ ـ مسند امام احمد .

۲ ـ جامع الترمذی.

۳ ـ صحیح البخاری، ۳/۱ ، باب کیف کان بدء الوحی إلی رسول الله صلی الله علیه وسلم.

ترجمه: از حضرت عبد الله بن عباس رضی الله عنهما روایت است که رسول‌خدا ﷺ در جود و سخا از همه‌ی انسان‌ها برتر بود، و در رمضان مبارک آنگاه که جبریل علیه السلام نزد او می‌آمد، سخاوتش بسیار افزایش می‌یافت، جبرئیل علیه السلام هر شب رمضان نزد او می‌آمد و با آنحضرت علیه السلام قرآن را دَور می‌فرمود، درآن زمان پیامبر اکرم ﷺ در فیّاضی، سخاوت و نفع رسانی ، از باد رحمت نیز پیشی می‌گرفت.

[۲ـ] حضرت انس بن مالک رضی الله عنه می‌گوید: از آنحضرت ﷺ سؤال شد که کدام صدقه افضل است؟ فرمودند: صدقه دادن در رمضان افضل است[۱].

تذکر: در این ماه بیش از پیش ، در انفاق و خرج نمودن در راه خدا باید کوشید. صدقه فطر و زکات واجب [به هر حال] بر ذمه‌ی انسان هست [که باید آن را ادا کند، ولی] همراه با آن، به صدقات نفلی نیز اهتمام بورزد.

افطار دادن به فقراء، کمک به مستمندان، برآوردن حاجت نیازمندان، وتوجه به ایتام و بیوگان ، از نیکی‌هایی هستند که در این ماه مقدس باید به آن‌ها پرداخت.

۸ـ فضیلت صبر و برد باری:

در رمضان مبارک به سبب روزه، خشکی و در طبیعت بداخلاقی وتند خویی پدید می‌آید، از این جهت در چنین زمانی کنترل نمودن خود، و کار گرفتن از صبر بسیار ضروری است. بعضی از علما صبر و تحمل را تقریباً هم معنا می‌دانند، درصبر، خشم وغضب خود راکنترل می‌کند ودر تحمّل و برد باری خشم دیگران را بر داشت می‌نماید.

نبی اکرم ﷺ شخص بردبار و حلیم را ستایش نموده ، می‌فرماید: « پهلوان آن نیست که در وقت خشم وغضب دیگری را بر زمین زند، بلکه پهلوان [واقعی] آن است که به وقت خشم، خودش را کنترل بنماید.»[۱]

۱ـ جامع الترمذی.

۹ـ فضیلت نوافل:

همان گونه که در حدیث آمده‌است ؛ ثواب نوافل در رمضان مبارک برابر با ثواب فرایض می‌باشد، از این رو باید کوشید که علاوه بر فرایض ، به سنن ونوافل نیز با رغبت و شوق اهتمام ورزید.

نماز اشراق:

وقت نماز اشراق، حدود پانزده الی بیست دقیقه بعد از طلوع خورشید شروع و دو یا چهار رکعت خوانده می‌شود که ثواب آن برابر با یک حج وعمره می‌باشد.

[۱ـ] «عَنْ اَنَسٍ رضی الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ الله صلی الله علیه وسلم مَنْ صَلَّی الْفَجْرَ فِیْ جَمَاعةٍ ثُمَّ قَعَدَ یَذْکُرُ اللهَ حَتّٰی تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ صَلّٰی رَکْعَتَیْنِ کَانَتْ لَهُ کَاَجْرِحَجَّةٍ وَّ عُمْرَة قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ الله صلی الله علیهِ وسلم: تَامَّةٍ تَامَّةٍ تَامَّةٍ.» [۲]

ترجمه: از حضرت انس ﷛ روایت است که رسول‌خدا ﷺ فرمودند: هرکه نماز فجر را با جماعت ادا نموده، و سپس برای ذکر الله تا طلوع خورشید همانجا بنشیند، وپس ازآن دو رکعت بخواند، ثواب یک حج و عمره‌ی کاملی خواهد یافت. آنحضرت ﷺ لفظ «کامل» را سه بار تکرار نمودند.

[۲ـ] «عَنْ حَسَنِ بْنِ عَلِیٍّ رضی اللهُ عَنهُ قَالَ: قَالَ رَسُوْلُ اللهِ صلی اللهُ علیهِ وسلم مَنْ صَلَّی الْفَجْرَ ثُمَّ قَعَدَ فِیْ مَجْلِسهِ یَذْکُرُ اللهَ عَزَّوَجَلَّ حَتّٰی تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ قَالَ فَصَلّٰی رَکْعَتَیْنِ حَرَّمَ اللهُ عَلَی النَّارِ اَنْ تَلْفَحَهُ اَوْ تَطْعَمَهُ.» [۳]

۱ـ [أخرجه البخاری عن أبی هُرَیْرَةَ رضی الله عنه أنَّ رسولَ الله – صلی الله علیه وسلم – قال:"لَیْسَ الشَّدِیدُ بِالصُّرَعَةِ ، إِنَّما الشَّدِیدُ الَّذی یَمْلِكُ نَفْسَهُ عِنْدَ الغَضَبِ". (مختصرصحیح البخاری، حدیث شماره:۲۳۶۲.]

۲ـ سنن الترمذی،۱۳۰/۱، باب ذکر ما یستحب من الجلوس فی المسجد.

۱ـ شعب الإیمان للبیهقی،۸۵/۳

ترجمه: حضرت حسن بن علی رضی الله عنهما می‌فرماید: رسول‌خدا صلی الله علیه وسلم فرمودند: هر که بعد نماز فجر تا طلوعِ آفتاب برجای خود بنشیند، سپس دو رکعت نماز بخواند، خداوند بدن او را برآتش جهنم حرام می گرداند.

[۳ـ] در روایت حضرت ابو امامه رضی الله عنه «**ثُمَّ صَلّٰی رَكْعَتَیْنِ اَوْ اَرْبَعَ رَكْعَاتٍ**» (سپس دو یا چهار رکعت ادا کند) وارد شده است.[۱]

فضیلت نماز چاشت:

[۱ـ] «**عَنْ اَبِی الدَّرْدَاءَ رضی اللهُ عنه قَالَ:قَالَ رَسُوْلُ اللهِ** صلی اللهُ علیهِ وسلم: **مَنْ صَلّٰی الضُّحٰی رَكْعَتَیْنِ لَمْ یُكْتَبْ مِنَ الْغَافِلِیْنَ وَمَنْ صَلّٰی اَرْبَعاًكُتِبَ مِنَ الْعَابِدِیْنَ وَمَنْ صَلّٰی سِتًّاكُفِیَ ذٰلِكَ الْیَوْمَ وَمَنْ صَلّٰی ثَمَانِیًاكَتَبَهُ اللهُ مِنَ الْقَانِتِیْنَ وَمَنْ صَلّٰی ثِنْتَیْ عَشَرَةَ بَنَی اللهُ لَهُ بَیْتًا فِی الْجَنَّةِ.**»[۲]

ترجمه: از حضرت ابو درداء رضی الله عنه روایت است که پیامبر اکرم صلی الله علیه وسلم فرمودند: هرکس دو رکعت(نماز چاشت) بخواند، از غافلین شمرده نمی‌شود. و هر که چهار رکعت اداکند، اسمش در ردیف عبادت گذاران نوشته می‌شود و هر که شش رکعت بخواند، دران روز کفایت خواهد شد. و هرکه هشت رکعت بخواند از اطاعت شعاران محسوب می‌شود وکسی که دوازده رکعت بخواند، خداوند برای او در بهشت خانه‌ای بنا می‌فرماید.

[۲ـ] «**عَنْ اَبِیْ ذَرٍّ رضی الله عنه عَنِ النَّبِیِّ صلی الله علیهِ وسلم اَنَّهُ قَالَ: یُصْبِحُ عَلٰی كُلِّ سَلَامٰی مِنْ اَحَدِكُمْ صَدَقَةٌ فَكُلُّ تَسْبِیْحَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَحْمِیْدَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَهْلِیلَةٍ صَدَقَةٌ وَكُلُّ تَكْبِیْرَةٍ صَدَقَةٌ وَاَمْرٌ بِالْمَعْرُوْفِ صَدَقَةٌ وَنَهْیٌ عَنِ الْمُنْكَرِصَدَقَةٌ وَیُجْزِئُ مِنْ ذٰلِكَ رَكْعَتَانِ یَرْكَعُهُمَا مِنَ الضُّحٰی.**»[۳]

۱ـ الترغیب والترهیب للمنذری، ۱۷۸/۱.

۲ـ مجمع الزوائد للهیثمی، ۴۹۴/۲، باب صلوة الضحی، حدیث شماره:۳۴۱۹.

۳ـ صحیح مسلم، ۲۵۰/۱، باب استحباب صلوة الضحی.

ترجمه: از حضرت ابوذر ﷺ روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: زمانی که صبح می‌شود بر هر بندی از انسان صدقه‌ای واجب می‌گردد. هر بارگفتن«**سُبحَانَ اللهِ**» یک صدقه، «**اَلحَمدُ لِلهِ**» یک صدقه، «**لا إله الاّ الله**» یک صدقه، «**اللهُ اَکبَرُ**» یک صدقه، امر به معروف یک صدقه و نهی از منکر یک صدقه به حساب می‌آید که بجای همه، دو رکعت نماز چاشت کفایت می‌نماید.

تعداد رکعات نماز چاشت:

نماز چاشت، [بنابر دلایل زیر] حد اقل دو رکعت، وحدّ اکثر دوازده رکعت است:

[۱ـ] حدیث گذشته حضرت ابو درداء ﷺ که درآن از دو رکعت تا دوازده رکعت مذکور است[۱].

[۲ـ] حضرت معاذه عدویه از حضرت عائشه ﷺ روایت می‌کند: «**كَانَ رَسُوْلُ اللهِ صلى اللهُ عليهِ وسلم يُصَلِّى الضُّحٰى اَرْبَعًا وَيَزِيْدُ مَاشَاء اللهُ.**»[۲]

ترجمه: رسول اکرم ﷺ (عموماً) چهار رکعت نماز چاشت می‌خواند، (گاهی) هر اندازه که خدا می‌خواست، اضافه می‌نمود.

[۳ـ] «**عَنْ اُمِّ هَانِئٍ رضى اللهُ عنها قَالَتْ: اِنَّ النَّبِىَّ صلى اللهُ عليه سلم دَخَلَ بَيْتها يَوْمَ فَتْحِ مَكّة فَاغْتَسَلَ وَصَلّٰى ثَمَانِىَ رَكْعَاتٍ فَلَمْ اَرَ صَلٰوة قَطُّ اَخَفَّ منها غَيْرَ أَنَّهُ يُتِمُّ الرُّكُوْعَ وَالسُّجُوْدَ... وَقَالَتْ: فِى رِوَايَةٍ اُخْرىٰ... وَذٰلِكَ ضُحىً.**»[۳]

ترجمه: حضرت ام هانی ﷺ می‌فرماید: روز فتح مکه رسول الله به خانه‌ی من تشریف آورد، غسل نموده و هشت رکعت نماز ادا فرمود، من نمازی خفیف‌تر از این ندیده بودم، ولی آنحضرت ﷺ رکوع وسجده را کامل ادا می‌نمود، واین نمازِ چاشت بود.

---

۱ ـ مجمع الزوائد للهیثمی،۴۹۴/۲، باب صلوة الضحی، حدیث شماره:۳۴۱۹.

۲ ـ صحیح مسلم،۲۴۹/۱، باب استحباب صلوة الضحی.

۳ ـ مشکوة المصابیح،۱۱۵/۱، باب صلوة الضحی

وقت نماز چاشت:

[وقت نماز چاشت] از طلوع آفتاب آغاز و تا زوال آن ادامه دارد. ولی افضل این است که بعد از گذشت یک چهارم روز خوانده شود، چنان که از حضرت زید بن ارقم ﷺ مروی است که آنحضرت ﷺ فرمودند:

« صَلٰوةُ الْاَوَّابِيْنَ حِيْنَ تَرْمَضُ الْفِصَالُ.»[1]

ترجمه: نماز چاشت زمانی است که پاهای شتر بچه از گرمی بسوزد.

نماز اوّابین:

[نماز اوّابین] شش رکعت نماز است که بعد از نماز مغرب خوانده می‌شود.

[۱ـــ]«عَنْ أَبِي هُرَيْرَةَ قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:«مَنْ صَلَّى سِتَّ رَكَعَاتٍ بَعْدَ الْمَغْرِبِ لَا يَتَكَلَّمُ بَيْنَهُنَّ بِشَيْءٍ إِلَّا بِذِكْرِ اللَّهِ عُدِلْنَ لَهُ بِعِبَادَةِ اثْنَيْ عَشْرَةَ سَنَةً.»[2]

ترجمه: حضرت ابوهریره ﷺ می گوید: هرکه بعد از مغرب شش رکعت بخواند ودر میان شان سخن نا زیبایی بر زبان نیاورد، ثواب عبادت دوازده سال می‌یابد.

[۲ـ] حضرت عمّاربن یاسر ﷺ می فرماید:

« قَالَ: رَأَيْتُ حَبِيبِي رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ صَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ سِتَّ رَكَعَاتٍ، وَقَالَ: «مَنْ صَلَّى بَعْدَ الْمَغْرِبِ سِتَّ رَكَعَاتٍ غُفِرَتْ لَهُ ذُنُوبُهُ وَإِنْ كَانَتْ مِثْلَ زَبَدِ الْبَحْرِ.»[3]

---

۱ ـ صحیح مسلم، ۲۵۷/۱ ، باب صلوة اللیل وعدد رکعات النبی.

۲ ـ جامع الترمذی، ۹۸/۱.

۳ ـ المعجم الاوسط للطبرانی، ۲۵۵/۵، حدیث شماره: ۷۲۴۵.

ترجمه: محبوبم رسول‌خدا ﷺ را دیدم که بعد از مغرب شش رکعت ادا نموده و می‌فرمود: هر که بعد ازمغرب شش رکعت بخواند، گناهانش بخشیده می‌شود گرچه به اندازه‌ی کف دریا باشد.

[۳ـــ] « عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ عُمَرَ، قَالَ:«صَلَاةُ الْأَوَّابِينَ، مَا بَيْنَ أَنْ يَلْتَفِتَ أَهْلُ الْمَغْرِبِ، إِلَى أَنْ يَثُوبَ إِلَى الْعِشَاءِ.»[۱]

ترجمه: حضرت عبدالله بن عمر رضی الله عنهما می‌فرمود: وقت نماز اوّابین ، از زمان فراغت از مغرب تا هنگام اذان عشاء است.

[۴ـــ] «عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ:«إِنَّ الْمَلائِكَةَ لَتَحُفُّ بِالَّذِينَ يُصَلُّونَ بَيْنَ الْمَغْرِبِ إِلَى الْعِشَاءِ، وَهِيَ صَلاةُ الأَوَّابِينَ.»[۲]

ترجمه: حضرت ابن عباس رضی الله عنهما می‌فرماید: فرشتگان کسانی را که بین مغرب وعشاء نماز **«اوّابین»** می‌خوانند، احاطه می کنند.

یادآوری: درمورد مهم‌ترین عبادات رمضان مبارک،[مانند] تراویح،شب قدر، نمازتسبیح، زکات ، صدقه‌ی فطر و... مستقلاً مطالبی خواهد آمد.

۳ـ مصنف ابن ابی شیبه،۲۶۶/۴ـ۲۶۷، فی الصلوة بین المغرب العشاء.

۲ ـ شرح السنة للبغوی،۴۳۹/۲، باب الصلوة بین المغرب والعشاء.

مسایل روزه

برعوام لازم است برای دانستن مسایل رمضان مبارک ، بویژه روزه وتراویح به علما ی منطقه‌ی خود مراجعه نمایند. بسا اوقات سخنی را کم اهمیت تصور کرده ، رها می‌نماییم حال آن که خیلی حایز اهمّیت می‌باشد. وگاهی چنین می‌شود که سخنی را بی‌ارزش دانسته وترک می کنیم ، در حالی که به سبب آن نیکی بزرگی ضایع گشته و گناه به گردن ما می‌افتد. خصوصاً در مسایل روزه غفلت وسهل انگاری می‌شود ، از این رو احکام ومسایل روزه را به طور مستقل نوشته‌ایم تا از ضایع شدن مهم‌ترین عبادت رمضان نجات یابیم.

تلاش نموده‌ایم گزیده‌ای از مهم‌ترین مسایل روزه را بنویسیم، ولی باز هم اگر مسأله‌ای پیش آمد که در اینجا نوشته نشده بود، فوراً به نزدیک‌ترین عالم [معتبر] ویا [نزدیک‌ترین] دارالإفتاء مراجعه فرمایند.

مسأله ۱: روزه‌ی رمضان برهر انسان عاقل و بالغ فرض است، و بدون عذر ترک آن جایز نیست. برکسی که نذر به گرفتن روزه نماید، روزه فرض می گردد. روزه‌ی قضا و کفّاره نیز فرض است، غیر از این‌ها ، روزه‌های دیگر نفل هستند که اگر گرفته شوند موجب ثواب‌اند ورنه گناهی [به ترک آن‌ها] نیست. البته روزه‌ی دو عید، وسه روز بعد عید قربان حرام است.

مسأله ۲: از طلوع فجر تا غروب آفتاب، به نیت روزه ترک خوردن وآشامیدن وترک مقاربت وهمبستری با همسر، شرعاً «روزه» نامیده می‌شود.

مسأله ۳: نیت نمودن به زبان، وتلفظ چیزی لازم نیست، بلکه وقتی شخصی به قصد این که من روزه‌ام، تمام روز از خورد ونوش ومقاربت باهمسر اجتناب نماید، روزه‌اش ادا شده است. واگر کسی به زبان آورد که خدایا! من فردا برای تو روزه می گیرم، ویا به عربی« **بصومِ غدٍ نویتُ**» بگوید اشکالی ندارد، [بلکه] این بهتر است.

مسأله۴: اگر کسی تمام روز بدون نیت روزه از خوردن و آشامیدن دوری کند، خواه بدین سبب که گرسنگی به او دست نداده ویا به سببی دیگر، فرصت خوردن وآشامیدن [و...] نیافته باشد، روزه‌اش ادا نمی‌شود، واگر در دل نیت روزه می کرد، روزه‌اش ادا می‌شد.

مسأله۵: روزه، در شرع از صبح صادق شروع می‌شود، از این رو، تا صبح طلوع نکرده خوردن و آشامیدن وغیره جایز است. بعضی بعد از خوردن سحری ونیت روزه ، چنین می‌پندارند که دیگر خوردن وآشامیدن جایز نیست، باید دانست که این گمان‌شان غلط است وتا زمانی که صبح صادق طلوع نکرده است خوردن وآشامیدن و غیره اشکالی ندارد خواه بعد از نیت باشد یا قبل از آن.

مسأله۶: در رمضان، این نیت و اراده که من فردا روزه‌ام کفایت می کند، گرچه این گونه نیت نکند که روزه‌ی رمضان ، یا روزه‌ی فرض می گیرم.

مسأله۷: اگر [بعد از] ۲۹ شعبان ماه رمضان دیده شد، روزه بگیرند، واگر هلال طلوع نکرد ویا به علت ابری بودن آسمان ماه دیده نشد، صرفاً به خاطر شک که امروز رمضان است یا نه، روزه نگیرند بلکه ماه شعبان را سی روز کامل نموده سپس روزه‌ی رمضان را شروع کنند.

مسأله۸ : اگر سی‌ام شعبان (به دلیل گرد وغبار) ماه رمضان دیده نشد، نباید به نیت نفل روزه گرفت، البته اگر شخصی عادت داشت که همیشه روز معینی مثلاً دوشنبه، یا پنج شنبه ویا روز دیگری روزه بگیرد، و اتفاقاً روز معیّن او با سی‌ام شعبان مصادف شد، بهتر است به نیت نفل روزه بگیرد، چنان چه اگر از جایی دیگر خبر رؤیت هلال برسد، همان روزه‌ی نفل به جای فرض رمضان کفایت می کند ونیاز به قضا ندارد.

چیزهایی که روزه را نمی‌شکنند

مسأله ۱: اگـر روزه دار بـه فراموشـی بخـورد، یـا بیاشـامد ویـا بـا همسـر خـود مقاربـت کنـد، روزه‌اش نمی‌شکند، حتی اگر به پری شکم بخورد ویا چند بار فراموشی‌اش تکرار شود.

مسـأله ۲: اگـر شخصـی را دیـد کـه بـه فراموشـی مشـغول خـوردن وآشـامیدن اسـت، [بایـد بـه وضـعیت شـخص بنگـرد] از بـه قـدری تواناسـت کـه روزه او را خیلـی اذیـت نمی‌کنـد، واجـب اسـت او را یـاد آوری نمایـد، واگـر ضـعیف اسـت و روزه موجـب اذیـت او می‌شـود، او را به حال خودش رها کند.

مسأله ۳: از فرو بردن آب دهان ، هر اندازه باشد، روزه باطل نمی‌شود.

مسأله ۴: اگـر بعـد از خـوردن پـان، خـوب مضمضـه نمـوده ، دهـانش را صـاف کـرد ولـی سرخی ورنگ آب دهان باقی است، روزه‌اش بدون اشکال ودرست می باشد.

مســأله ۵: بالاکشـیدن آب بینـی بـه گونـه‌ای کـه در حلـق فـرو رود، روزه را باطـل نمی‌کند، همچنین اگر آب دهان را فرو برد روزه نمی‌شکند.

مسـأله ۶: خـون اگـر کـم‌تـر از آب دهـان باشـد و طعـم آن محسـوس نباشـد، روزه را نمی‌شکند.

مســأله ۷: اگـر بـا زبـان چیـزی را چشـید وسـپس آب دهـانش را بیـرون انـداخت، روزه‌اش باطل نمی‌شود، ولـی بـدون ضـرورت ایـن عمـل مکـروه اسـت. البتـه اگـر زنـی شـوهر بد اخلاقی دارد کـه از کـم وزیـاد شـدن نمـک غـذا خشـمگین می‌شـود، چشـیدن نمـک غـذا برای او مکروه نیست.

مسـأله ۸: جویـدن چیـزی و خورانـدن آن بـه بچـه مکـروه اسـت، مگـر این‌کـه مجبـور بـه چنین کاری شود.

مسأله ۹: مسـواک زدن خـواه بـا مسـواک خشـک باشـد یـا تـر وتـازه، جـایز اسـت. حتـی اگـر مسـواک درخـت «نـیم» باشـد که تـازه بریـده شـده وتلخـی وطعمـش معلـوم و محسـوس است، باز هم مکروه نیست.

[صورت‌هایی که] روزه می‌شکند و فقط قضا واجب می‌شود

مسأله ۱ : کسی با اجبار چیزی در دهان دیگری ریخت و آن فرو رفت ، (روزه فاسد شده وقضای آن لازم است).

مسأله ۲ : روزه را به یاد داشت ولی هنگام مضمضه وآب در دهان نمودن بی اختیار آب از گلویش فرو رفت.

مسأله ۳ : اگر استفراغ به خودی خود آید، خواه کم باشد یا زیاد، روزه را نمی‌شکند، البته اگر به عمد استفراغ کند وآن به پری دهان باشد روزه را از بین می‌برد و اگر کم‌تر از پری دهان است در این صورت نیز روزه فاسد نخواهد شد.

مسأله ۴ : اندکی قی آمد وبی اختیار در گلو فرو رفت، روزه نمی شکند، البته اگر به عمد فرو برَد روزه فاسد می گردد.

مسأله ۵ : اگر شخصی استفراغ نمود وسپس به گمان این که روزه‌اش باطل شده به عمد چیزی خورد، بر او قضا لازم است، نه کفّاره.

مسأله ۶ : اگر چیزی را که درون دندان‌ها گیر کرده بود با زبان درآورد وآن‌را فرو برد، درصورتی که به اندازه‌ی دانه‌ی نخودی یا بزرگ‌تر از آن باشد، [روزه‌اش باطل می‌شود] واگر بعد از بیرون آوردن از دهان، بخورد ، خواه به اندازه‌ی نخود باشد یا کوچک‌تر، روزه باطل خواهد شد.

مسأله ۷ : ناس در بینی کردن.

مسأله ۸ : فرو بردن خون خارج شده از دندان‌ها در صورتی که خون بیش‌تر از آب دهان باشد.

مسأله ۹ : خوردن وآشامیدن عمدی بعد از خوردن ونوشیدن به فراموشی به گمان این که روزه اش فاسد شده است.

مسأله ۱۰ : خوردن سحری به گمان این که هنوز صبح صادق طلوع نکرده، حال آن که صبح صادق طلوع نموده بود.

مسأله ۱۱: به سبب ابر ، یا غبار، فکر کرد که آفتاب غروب نموده، لذا افطار نمود، بعداً متوجه شد که هنوز روز باقی است.

مسأله ۱۲: غیر از روزه‌ی رمضان، روزه‌ی دیگری را به عمد افطار کرد.

مسأله ۱۳: زنی به عمد روزه‌اش را افطار نمود، سپس در همان روز حیضش شروع شد، یا بیماری ، ویا بی هوشی بر او طاری گردید.

مسأله ۱۴: نگاهش به زنی افتاد ، به گمان این که روزه‌اش باطل شده است خورد یا آشامید.

مسأله ۱۵: با شهوت زنی را بوسید، [یا] به او چسبید، [و] انزال گردید، قضای روزه واجب است، واز افطار روزه به اکراه واجبار[نیز] فقط قضا لازم می شود، نه کفّاره.

مسأله ۱۶: اگر در صورت روزه گرفتن بیماری تشدید شود، یا ظن غالب افزایش بیماری وجود داشته باشد، افطار روزه جایز وقضا لازم می گردد.

مسأله ۱۷: پشّه‌ای در حلق فرو رفت، یا خود بخود دود یا گرد وغبار داخل شد، روزه باقی است البته اگر عمداً چنین کند، روزه‌اش باطل می‌شود.

مسأله ۱۸: عود (نوعی از بخور که از گذاشتن برآتش بوی خوش می‌دهد) یا چیز دود کردنی دیگری را روشن نموده، سپس آن‌را به خود نزدیک کرده و ببوید، روزه‌اش از بین می‌رود.

مسأله ۱۹: اگر کسی سنگ ریزه، تکّه‌ی آهن یا چیزی را که عموماً به صورت غذا ، ویا دارو خورده نمی‌شود، بخورد روزه‌اش باطل می‌شود ، ولی براو کفاره واجب نیست.

مسأله ۲۰: تنها از افطار روزه‌ی رمضان [به عمد] کفّاره واجب می‌شود، از افطار روزه‌های دیگر ولو قضای رمضان، به هر شکلی که افطار کند، کفّاره واجب نمی‌شود. البته اگر از شب نیت روزه نداشته باشد ویا زنی بعد از افطار روزه، در همان روز مبتلای حیض شود، بر او کفّاره واجب نخواهد شد.

مسـأله ۲۱: جویـدن زغـال ومالیـدن دنـدان‌ها ، همچنـین مالیـدن پـودر دنـدان بـر روی دندان‌ها مکروه است، واگر[احیاناً] چیزی ازآن به حلق فرو رود، روزه باطل خواهد شد.

مسـأله ۲۲: شخصـی بـه فراموشـی چیـزی خـورد، سـپس گمـان بـرد کـه روزه‌اش فاسـد شده است ، لـذا [بـاز] بـه عمـد ، خـورد[ویـا نوشـید] روزه‌اش فاسـد و بـر او فقـط قضـا واجـب است.

[صورت‌هایی که دران] قضا وکفّاره واجب می‌شود[

مسـأله ۱: از خـوردن چیـزی کـه بـه طـور غـذا، یـا دوا [ویـا] تلـذذ[و تفکّـه] اسـتعمال می‌شود،از روی عمد قضا و کفّاره؛ هردو واجب می گردد.

مسأله ۲: به عمد در حالت روزه مقاربت کند.

مسأله ۳: سـرمه نمـود، سـپس بـه گمـان ایـن کـه روزه‌اش از بـین رفتـه بـه عمـد خـورد یـا آشامید.

مسأله ۴: مسواک زد، سپس به گمان از بین رفتن روزه به عمد خورد یا نوشید.

مسأله ۵: غیبت نمود سپس به زعم از بین رفتن روزه، عمداً خورد یا نوشید.

مسأله ۶: اگـر مـردی زنـی را مجبـور بـه مقاربـت کنـد، وپـیش قـدمی از سـوی مـرد دیـده شود، برمـرد قضـا و کفّـاره وبـر زن فقـط قضـا لازم می گـردد، همچنـین اگـر زن در ابتـدا راضـی نباشد وبعداً راضی شود، باز هم بر او فقط قضا لازم خواهد شد.

مسأله ۷: اگر زنـی بـا بچـه‌ی نابـالغ، یـا دیوانـه‌ای مقاربـت کنـد، بـر زن کفّـاره لازم خواهـد شد.

مسـأله ۸: زنـی بـه گمـان ایـن کـه امـروز او را حـیض می‌آیـد، روزه‌اش را افطـار نمـود، ولی حیض نیامد قضا و کفّاره [هر دو بر او] واجب می گردد.

مسأله ۹: اگر چیزی را که مردم به طور غذا می‌خورند، بخورد یا بیاشامد، ویا چیزی را که مردم به وقت ضرورت به طور دوا می خورند، بخورد روزه‌اش از بین رفته قضا و کفّاره بر او واجب است.

مسأله ۱۰: ازکشیدن قلیان یا سیگار ، در حال روزه، روزه فاسد می‌شود، و اگر این کار را به عمد انجام دهد قضا و کفّاره [هردو] واجب می گردد.

تذکر: مراد از« قضا» این است که دو باره روزه گیرد، و مراد از « کفّاره » این که یا به شصت مسکین طعام بدهد و یا شصت روز، پی درپی و متوالی روزه بگیرد، در اثنای این دو ماه اگر یک روزه را هم ترک نمود، از سرنو، [شصت روز] روزه بگیرد، البته زن در ایام حیض روزه نمی گیرد وبعد حیض روزه‌هایش را دنبال می کند، و به سبب حیض، تسلسل[روزه‌های] زن از بین نمی‌رود.

یک درخواست: علمای کرام، ائمه‌ی مساجد، وخطبا ، در رمضان مبارک، همراه با فضایل رمضان، روزه، تلاوت قرآن، و اذکار، مهم‌ترین مسایل رمضان از قبیل تهجّد، تراویح، وتر، شب قدر، قضای عمری، صدقه‌ی فطر، زکات و... را نیز به مردم تفهیم و تبیین نمایند.

فضایل و مسایل تراویح

ماه رمضان فصل بهار عالم معنا ست، روزها روزه گرفتن و شب‌ها خواندن نماز مسنون تراویح از عبادات ویژه‌ی این ماه است. درحدیث آمده است :

« شَهْرٌ كَتَبَ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ صِيَامَهُ وَسَنَنْتُ لَكُمْ قِيَامَهُ.»[۱]

ترجمه: الله تعالی روزه‌ی این ماه را بر شما فرض نموده و من قیام آن (تراویح) را برای شما سنت قرار داده‌ام.

یکی از برکات این ماه، این است که ثواب یک نفل برابر با ثواب یک فرض و ثواب یک فرض مساوی با هفتاد فرض است[۲].

از این جهت، این لحظات مبارکه را غنیمت باید شمرد؛ زیرا معلوم نیست که درآینده چنین فرصتی به ما دست دهد یا نه.

امّ المؤمنین حضرت عائشه صدیقه رضي الله عنها می‌فرماید:

«كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ شَدَّ مِئْزَرَهُ، ثُمَّ لَمْ يَأْتِ فِرَاشَهُ حَتَّى يَنْسَلِخَ.»[۳]

ترجمه: چون رمضان فرا می‌رسید، آنحضرت ﷺ کمر همّت را بسته و تا گذشت رمضان بر رختخواب تشریف نمی‌آورد.

چون ده روز پایانی رمضان می‌رسید، سیده عائشه رضي الله عنها می‌فرماید:

«كَانَ رَسُولُ اللّٰهِ صَلَّى اللّٰهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَجْتَهِدُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مَا لاَ يَجْتَهِدُ فِي غَيْرِهَا.»[۴]

---

۱ ـ سنن ابن ماجه: ص۹۴، باب ما جاء فی قیام شهر رمضان.

۲ ـ مشکوة : ۱۷۳/۱.

۳ ـ شعب الإیمان للبیهقی: ۳۱۰/۳.

۴ ـ صحیح مسلم: ۳۷۲/۱، باب الإجتهاد فی العشر الأواخر.

ترجمه: رسول خدا ﷺ در ده روز پایانی رمضان به قدری [در عبادت] می کوشید که در غیر آن نمی‌کوشید.و نیز امت را در این ماه به عبادت ترغیب می‌نمود، حضرت ابو هریره رضی الله عنه می‌فرماید: «**أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: مَنْ قَامَ رَمَضَانَ إِيمَانًا وَاحْتِسَابًا غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِنْ ذَنْبِهِ.**»[1]

ترجمه: رسول خدا ﷺ فرمودند: هر که در رمضان به حالت ایمان وبه منظور طلب ثواب، تراویح بخواند گناهان گذشته‌ی اوبخشیده خواهد شد.

از این احادیث معلوم شد که آنحضرت ﷺ هم خودش در رمضان به کثرت عبادت می‌فرمود وهم امت را به عبادت زیادترغیب می‌نمود، از این‌جهت ، حتی الامکان در این ماه باید برای عبادت کمر همت بسته وتلاش نمود.

قیام رمضان

آنحضرت ﷺ در قیام رمضان (تراویح) بیست رکعت [ادا] فرمود، ازمیان خلفای راشدین حضرت عمر، حضرت عثمان، حضرت علی، دیگر صحابه‌ی کرام رضی الله عنهم ، ائمه‌ی مجتهدین وحضرات مشایخ [رحمهم الله] برهمین روش عمل پیرا بوده، ودر تمام بلاد اسلامی چهارده قرن این کار معمول و امت برآن اجماع نموده است. توضیح همین مطلب در سطور آینده خواهد آمد.

واژه‌ی تراویح

حافظ ابن حجر عسقلانی شافعی رحمه الله می‌فرماید : **وَالتَّرَاوِيحُ جَمْعُ تَرْوِيحَةٍ وَهِيَ الْمَرَّةُ الْوَاحِدَةُ مِنَ الرَّاحَةِ كَتَسْلِيمَةٍ مِنَ السَّلَامِ**[2].

ترجمه: تراویح جمع «ترویحه» است، به معنای یک بار راحت نمودن، همان گونه که «تسلیمه» یک بار سلام گفتن را گویند.

---

۱ ـ *صحیح بخاری: ۱۰/۱، باب تطوع قیام رمضان من الإیمان.*

۲ ـ فتح الباری:۳۱۷/۴.

تراویح چیست؟

«ترویحه» نشستی است که دران قدری استراحت می‌شود، چون بعد از هرچهار رکعت تراویح برای مدتی کوتاه استراحت کرده می‌شود، از این رو هرچهار رکعت تراویح یک «ترویحه» گفته می‌شود وازآنجایی که درتمام نماز تراویح، پنج ترویحه وجود دارد، مجموعه‌ی آن، تراویح نامیده می‌شود.

علامه حافظ ابن حجر عسقلانی شافعی رحمه‌الله می‌گوید:

«سُمِّيَتِ الصَّلَاةُ فِي الْجَمَاعَةِ فِي لَيَالِي رَمَضَانَ التَّرَاوِيحَ لِأَنَّهُمْ أَوَّلَ مَا اجْتَمَعُوا عَلَيْهَا كَانُوا يَسْتَرِيحُونَ بَيْنَ كُلِّ تَسْلِيمَتَيْنِ.»[۱]

ترجمه: نمازی که در شب‌های رمضان با جماعت ادا کرده می‌شود، «تراویح» نام نهاده شده است؛ زیرا هنگامی که حضرات صحابه رضی‌الله‌عنهم برای بار نخست، برآن گردآمدند پس از هر دو سلام(چهار رکعت) استراحت می‌نمودند.

تراویح سنت مؤکّده است

رسول اکرم علیه‌السلام قیام رمضان را سنت قرار دادند، همان گونه که مأخذ آن گذشت. پس از آنحضرت صلی‌الله‌علیه‌وسلم، خلفای راشدین و دیگر صحابه رضی‌الله‌عنهم نیز به نحوی که بیان خواهد شد، برآن مواظبت فرمودند. و همین مواظبت دلیل سنت مؤکّده بودن تراویح است.

حضرت عرباض بن ساریه رضی‌الله‌عنه این ارشاد رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم را نقل می‌فرماید:

«فَعَلَيْكُمْ بِسُنَّتِي وَسُنَّةِ الْخُلَفَاءِ الْمَهْدِيِّينَ الرَّاشِدِينَ تَمَسَّكُوا بِهَا وَعَضُّوا عَلَيْهَا بِالنَّوَاجِذِ.»[۲]

ترجمه: پس سنت من و سنت خلفای راشدین وهدایت یافته‌ی مرا برخود لازم گرفته، و آن‌ها را محکم بگیرید.

---

۱ ـ فتح الباری:۳۱۷/۴.

۲ ـ سنن ابی داؤد: ۲۹۰/۲، باب فی لزوم السنة.

در این حدیث، همان گونه که رسول الله ﷺ جهت عمل بر سنت خود با لفظ «**علیکم**»(برشما لازم است) «**وعضّوا علیها بالنواجذ**»(برآن محکم چنگ بزنید) تأکید فرموده‌است، همچنین عمل بر سنت خلفای راشدین ﭫ را نیز مؤکّد نموده‌اند که دلیل سنت مؤکده بودن تراویح می‌باشد.

جماعت تراویح در سه شب:

از آنحضرت ﷺ نماز تراویح با جماعت صرفاً در سه شب ثابت است، وهمان طور که در احادیث مصرّح است جز در آن سه شب، در دیگر شب‌های ماه، با صحابه ﭫ جماعتی برگزار ننمودند، چنان‌که از حضرت ابوذر ﭬ روایت است:« **قَالَ: صُمْنَا مَعَ رَسُولِ اللَّهِ –صلى الله عليه وسلم– رَمَضَانَ فَلَمْ يَقُمْ بِنَا شَيْئًا مِنَ الشَّهْرِ حَتَّى بَقِىَ سَبْعٌ فَقَامَ بِنَا حَتَّى ذَهَبَ ثُلُثُ اللَّيْلِ فَلَمَّا كَانَتِ السَّادِسَةُ لَمْ يَقُمْ بِنَا فَلَمَّا كَانَتِ الْخَامِسَةُ قَامَ بِنَا حَتَّى ذَهَبَ شَطْرُ اللَّيْلِ فَقُلْتُ يَا رَسُولَ اللَّهِ لَوْ نَفَّلْتَنَا قِيَامَ هَذِهِ اللَّيْلَةِ. قَالَ فَقَالَ « إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا صَلَّى مَعَ الإِمَامِ حَتَّى يَنْصَرِفَ حُسِبَ لَهُ قِيَامُ لَيْلَةٍ ». قَالَ فَلَمَّا كَانَتِ الرَّابِعَةُ لَمْ يَقُمْ فَلَمَّا كَانَتِ الثَّالِثَةُ جَمَعَ أَهْلَهُ وَنِسَاءَهُ وَالنَّاسَ فَقَامَ بِنَا حَتَّى خَشِينَا أَنْ يَفُوتَنَا الْفَلاَحُ. . . . ثُمَّ لَمْ يَقُمْ بِنَا بَقِيَّةَ الشَّهْرِ**[1].

ترجمه: با رسول‌خدا ﷺ رمضان را روزه گرفتیم، آنحضرت ﷺ در تمام ماه، شب‌ها با ما نماز شب[تراویح] را ادا نکرد، تا این که هفت شب [به پایان ماه] باقی مانده بود، (شب بیست وسوم) امامت وپیشنمازی ما را [در جماعت تراویح] بجا آورد، وتا یک سوم از شب ادامه داشت، شب بیست وچهارم نمازجماعت برگزار ننمود، تا این که شب بیست وپنجم فرا رسید، تا نیمه‌ی شب با ما به نماز پرداخت، من عرض نمودم: ای رسول‌خدا! چه خوب می‌شد

۱ـ سنن ابی داؤد: ۲۰۴/۱، باب فی قیام شهر رمضان.

اگرباقی‌مانده‌ی شب [نیز] با ما نفل ادا می‌فرمودی!] ودر نوافل امامت می‌نمودی] فرمودند: اگر شخصی نماز عشاء را پشت سر امام با جماعت ادا کرده و سپس به خانه‌ی خود برگردد، ثواب قیام اللیل[نماز شب] می‌یابد.

حضرت ابوذر‌ﷺ می گوید: شب بیست وششم، با ما نماز[تراویح] برپا نکرد، چون شب بیست وهفتم شد، آنحضرت‌ﷺ اهل خانه و افراد دیگر را گرد آورد، ونماز جماعت بپا نمود وبه قدری نماز را طولانی کرد که ما از فوت شدن سحری می ترسیدیم. پس از آن در ایام باقی‌مانده نماز جماعت برپا ننمودند.

تعداد رکعات تراویح

دلیل اوّل:

«عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ:أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُصَلِّي فِي رَمَضَانَ عِشْرِينَ رَكْعَةً وَالْوِتْرَ.»[1]

ترجمه: حضرت ابن عباس ﷺ روایت می‌کند: آنحضرت ﷺ در رمضان بیست رکعت تراویح و وتر را می‌خواند.

فایده: سند[این روایت] «حسن» است،[ولی] به سبب تلقی بالقبول امت« صحیح» شمرده می‌شود.

شبه:

آقای «علی زئی» غیر مقلد نوشته که: این حدیث موضوع وساختگی است.[2]

---

۱ ـ مصنف ابن ابی شیبه:۲۸۴/۲، باب کم یصلی فی رمضان من رکعة، المعجم الکبیر للطبرانی: ۴۳۳/۵، حدیث شماره:۱۱۹۳۴، المنتخب من مسند عبد بن حمید:ص۲۱۸، حدیث شماره:۶۵۳، السنن الکبری للبیهقی: ۴۹۶/۲، باب مَا رُوِیَ فی عدد رکعات القیام فی شهر رمضان.

۲ ـ تعداد رکعات قیام رمضان: ص ۲۸.

واین جمله را نقل نموده که: «**وهو ضعيف، هذا حديث ضعيفٌ**»(ایضاً) نیز یکی از راویان آن، به نام «ابراهیم ابن عثمان» مجروح است. همین سخن را غلام مصطفی غیر مقلد[نیز] نوشته‌اند.[1]

جواب اوّل:

خداوند به تو [درک و] فهم عطا کند، ضعیف بودن حدیث را نقل نموده، حکم به موضوع بودنش می‌کنی! آیا حدیث ضعیف، [همان] حدیث موضوع وساختگی است؟! (حال آن‌که حدیث زیر بحث، به درجه‌ی «حسن» قرار دارد وبنابر مؤیدات دیگرقوی‌تر[از حسن] می‌باشد، تفصیل بعداً خواهد آمد.) اگر همین اصل نزد شما مسلّم است، پس باید بر روایاتی از سنن اربعه که محدّثین آن‌ها را ضعیف خوانده‌اند، حکم به «موضوع» بودن کنی، که از سوی جناب‌عالی خدمت بزرگی برای علم حدیث خواهد بود.

اوّلاً ؛ «ابراهیم بن عثمان، ابوشیبه العنبسی» که جناب‌عالی بر آن جرح نموده‌اید، آن قدر مجروح نیست که روایتش رد کرده شود، بلکه از بعض محدثین، تعدیل وتوثیق ومدح وثنای او نیز ثابت شده است:

۱ـ امام شعبه بن الحجاج (م ۶۰۰ه) از ابو شیبه روایت نموده است[2].

ونزد غیر مقلدان این اصل موجود است که: امام شعبه از راویی روایت می‌کند که ثقه ورواياتش صحیح باشد[3].

اگر ابوشیبه این قدر ضعیف می‌بود که منکرین فقه می‌گویند، امام شعبه از وی روایت نمی‌کرد.

۱ـ هشت رکعت نماز تراویح: ص۶.

۲ـ تهذیب الکمال للمزی: ۲۶۸/۱، تهذیب التهذیب: ۱۳۶/۱.

۳ـ *القول المقبول فی شرح صلوة الرسول : ص۳۸۶، نیل الاوطار: ۱۶/۱.*

۲ـ حضرت یزید بن هارون استاد اساتید امام بخاری ﷫در زمان قضاء ابراهیم بن عثمان ابوشیبه کاتب او و از مدّاحان بزرگ اوست، او می گوید: «**ماقضی علی الناس یعنی فی زمانه اعدل فی قضاء منه.**»[1]

ترجمه: در زمان ابراهیم بن عثمان قاضی عادل‌تری از وی وجود نداشت.

۳ـامام ابن عدی [﫼] می‌فرماید: «**لَهُ احادیث صالحَةٌ.**»[2]

ترجمه: ابو شیبه دارای احادیث درستی است.

وی اضافه می کند: «**وهو وإن نسبوه إلی الضعف خیر من إبراهیم بن أبي حیة.**»[3]

ترجمه: گرچه مردم او را به ضعف نسبت نموده‌اند، امّا از ابراهیم بن ابوحیه بهتراست.

و امام یحیی بن معین [﫼]در مورد ابراهیم ابن ابو حیّه می‌فرماید: «**شیخ، ثقَةٌ کبیر.**»[4]

ترجمه: او شیخ و ثقه‌ی بزرگی است.

پس زمانی که «ابراهیم ابن ابو حیّه» نزد یحیی بن معین[﫼] ثقه می‌باشد، ابراهیم ابن عثمان ابوشیبه چرا بیش از حد ضعیف باشد؟ وچرا حدیث او موضوع وساختگی[قرار داده شود]؟

ثانیاً؛ بعضی از جرح‌های وارد بر ابراهیم بن عثمان[﫼] مبهم وغیر مفسّر وبعض دیگر غیر مقبول ومردود است. مثلاً آقای علی زئی می گوید: شعبه او را دروغ گوی گفته است.[5]

۱ـ تهذیب الکمال: ۱/ ۲۷۰.

۲ـ تهذیب الکمال: ۱/ ۲۷۰.

۳ـ تهذیب الکمال ج ۱/ ۲۷۰.

۴ـ لسان المیزان: ۱/ ۵۳، ترجمه شماره: ۱۲۷.

۵ـ تعدادِ رکعات قیام رمضان: ص۲۹.

حال‌آن‌که از بررسی عبارت کامل علامه ذهبی و حافظ ابن حجر[رحمهما الله] واضح می‌شود که جرح امام شعبه [رحمه الله] غیر مقبول است، و نزد خود علامه ذهبی[رحمه الله] این جرح، غلط ثابت می‌شود، عبارت بدین قرار است:

«كذّبه شعبةُ لكونهِ روى عن الحكم عن ابن ابى ليلىٰ انّه قال: شهد صفين من اهل بدر سبعون فقال شعبة: كذب والله لقد ذاكرت الحكم فما وجدنا شهد صفين احدا من اهل بدر غير خزيمة ـقلت: سبحان الله! اما شهدها على؟اما شهدها عمار؟.»[1]

ترجمه: امام شعبه به این خاطر ابراهیم بن عثمان را تکذیب کرده، که او از حکم روایت کرده که ابن ابی لیلی گفته: در جنگ «صفین»هفتاد بدری حضور داشته است. شعبه گفت: والله! ابراهیم بن عثمان دروغ گفته است؛ من شخصاً با امام حکم مذاکره نمودم، سوای حضرت خزیمه[رضی الله عنه] احدی از اهل بدر را نیافتیم. من(ذهبی)می‌گویم: سبحان الله! آیا در «صفین» حضرت علی رضی الله عنه و حضرت عمار رضی الله عنه حاضر نبودند؟

از این تفصیل حقیقت تکذیب امام شعبه [رحمه الله] واضح گردیدکه او صرفاً بخاطر نقل قول از ابن ابی لیلی به واسطه‌ی حکم گفته که در [غزوه] بدر هفتاد بدری شرکت داشتند. از این دروغ گو بودن ابراهیم چگونه ثابت می‌شود؟ بلکه دروغ زمانی ثابت می‌شد که هنگامی که امام شعبه برای مذاکره نزد حکم رفته بود، حکم این بیان را انکار می‌کرد، ولی حکم این را انکار نکرد، آری پس از مذاکره فقط [شرکت یک] بدری ثابت شد. معلوم شد که حکم این مطلب را بیان نموده بود، ولی نتوانست در مذاکره با شعبه آن‌را اثبات کند. در این بین تقصیر ابراهیم چیست؟ علاوه بر این، علامه ذهبی نیز بیان شعبه را این‌گونه رد نمود که حضرت علی وحضرت عمار رضی الله عنهما قطعاً در جنگ حضور داشتند، پس چگونه فقط حضور یک بدری مشخص ثابت گردید؟ حد اقل سه بدری می‌گفتید! یعنی از این گونه بررسی ممکن است افراد

---

۱ ـ میزان الإعتدال:۸۴/۱

دیگری ظاهر شود. معلوم می‌شود که نزد امام ذهبی نیز جرح امام شعبه مردود است. امّا دیانت آقای علی زئی نیز قابل جایزه می‌باشد.

ثالثاً؛ [محدثین] بر ابراهیم بن عثمان ابوشیبه قدری کلام نیز نموده، واو را ضعیف هم گفته‌اند ولی ضعف او به اندازه‌ای نیست که روایتش علی الاطلاق متروک گردد، بلکه بنابر مؤیِّدات دیگر(که بیان آن خواهد شد) این روایت چنان مستحکم و قوی است که با ضعیف گفتن آن ، خود را آزاد نمودن ناممکن می‌شود، چنان که محدّث شهیر حضرت مولانا حبیب الرحمن اعظمی رحمه الله می‌فرماید:

این حدیث ابوشیبه گرچه از نظر اسناد ضعیف هم باشد، ولی از این جهت بسیار قوی ومستحکم است که از عهد فاروق اعظم[رضی الله عنه] عمل علانیه مسلمانان با آن موافق بوده و یا کم از کم در آخر مسلمانان برآن قرار گرفتند، واز روایات موافقت مسلمانان در عهد حضرت علی[رضی الله عنه] نیز ثابت می‌شود، و[مزید برآن] اقوال ائمه‌ی چهارگانه [اهل سنت] با آن موافق می‌باشد.ونیز پس از عهد فاروقی همواره عمل امت بلا اضافت یا با اضافت موافق آن بوده است. نظر به این مطالب روایت ابوشیبه به قدری مستحکم وقوی است که به راحتی نمی‌توان با ضعیف گفتن آن جان بدر برد.[۱]

جواب دوّم:

این روایت تلقی بالقبول یافته وقانون است، اگر روایتی تلقی بالقبول حاصل کند[یعنی؛ با پذیرش عموم مواجه گردد]، درجه‌ی صحت می‌یابد.

۱ ـ امام شافعی رحمه الله (۲۰۴هـ) می‌فرماید:

«حدیث لا وصیة لوارث إنه لا یثبته أهل الحدیث ولکن العامه تلقته بالقبول وعملوا به حتی جعلوة ناسخا لآیةِ الوصیه له.»[۲]

---

۱ ـ رکعات تراویح ص ۶۰.

۲ ـفتح المغیب شرح الفیة الحدیث للسخاوی: ۲۸۹/۱.

ترجمه: محدّثین حدیث «**لا وصیة لوارثٍ**» را ثابت نمی دانند، ولی [عامه‌ی] علما آن را پذیرفته وبه موجب آن عمل نموده اند، حتی علمای محدثین آن را ناسخ آیه‌ی وصیت قرار داده‌اند.

۲ـ امام جلال الدین سیوطی رحمه الله (۹۱۱هـ) می‌فرماید:

«**قال بعضهم یحکم للحدیث بالصحة اذا تلقاه الناس بالقبول وان لم یکن له اسناد صحیح.**»[۱]

ترجمه: بعضی از محدثین می‌فرمایند، زمانی‌که امت حدیثی را بپذیرد، حکم به صحت آن حدیث می‌شود، گرچه سند صحیحی نداشته باشد.

۳ـ حضرت علامه محمّد انور شاه کشمیری رحمه الله می‌فرماید:

«**وذهب بعضهم الی ان الحدیث اذا تاید بالعمل ارتقی من حال الضعف الی مرتبةِ القبول. قلت: وهو الأوجهُ عندی.**»[۲]

ترجمه: نظر بعض علما بر این است که هرگاه حدیثی نزد امت پذیرفته شده باشد، درجه‌ی قبول می‌یابد. من(علامه کشمیری رحمه الله) می گویم: همین رأی نزد من پسندیده‌تر است.

۴ـ عالم غیر مقلِّد، ثناء الله امرتسری اعتراف نموده[فرمودند:] بعضی از ضعف‌ها طوری هستند که از تلقی بالقبول برطرف می‌شوند.[۳]

لذا این روایت بنابر تلقی بالقبول صحیح وحجت می‌باشد.

جواب سوّم:

روایت کننده‌ی این حدیث از ابراهیم بن عثمان چهارتن از محدثین هستند:

۱ـ *تدریب الراوی: ص۲۹.*

۲ـ فیض الباری شرح البخاری:۴۰۹/۳ کتاب الوصایا، باب الوصیة لوارث.

۳ـ اخبار اهل حدیث مورخه ۱۹ آوریل۱۹۰۷ به نقل از رسائلِ اعظمی: ص۳۳۱.

۱ـ یزید بن هارون؛[۱]

۲ـ علی بن جعد؛[۲]

۳ـ ابو نعیم فضل بن دکین؛[۳]

۴ـ منصور بن ابی مزاحم؛[۴]

واین هر چهارنفر ثقه هستند.

۱ـ یزید بن هارون: **ثقة، متقنٌ**[۵].

۲ـ علی بن الجعد: **ثقةٌ، صدوقٌ**[۶].

۳ـ ابو نعیم فضل بن دکین: **ثقةٌ، ثبتٌ**[۷].

۴ـ منصور بن ابی مزاحم: ثقةٌ[۸].

اتفاق این چهار محدث ثقه و بزرگوار، در نقل بیست رکعت تراویح از ابراهیم بن عثمان، تأیید قویی است که حدیث مذکور ثابت وصحیح است ورنه این ثقات، این گونه متفق نمی‌شدند.

دلیل دوّم:

«عَنْ جَابِرِ بْنِ عَبْدِالله قَالَ: خَرَجَ النَّبِیُّ صَلَّی الله عَلَیه وَسَلَّمَ ذَاتَ لَیْلةٍ فِیْ رَمَضَانَ فَصَلَّی النَّاسَ اَرْبَعةٍ وَّعِشْرِیْنَ رَکْعةً وَاَوْتَرَ بِثَلَاثةٍ.»[۱]

۱ـ مصنف ابن ابی شیبه:۲۸۴/۲.

۲ـ المعجم الکبیر للطبرانی:۴۳۳/۵، حدیث شماره: ۱۱۹۳۴.

۳ـ المنتخب من مسند عبد بن حمید: ص۲۱۸،حدیث شماره: ۶۵۳.

۴ـ السنن الکبری للبیهقی: ۴۹۶/۲.

۵ـ تقریب التهذیب، ص ۶۳۸.

۶ـ سیر اعلام النبلاء للذهبی:۴۶۶/۱

۷ـ تقریب التهذیب،ص۴۷۵.

۸ـ تقریب التهذیب، ص۵۷۶.

ترجمه: حضرت جابر بن عبد الله رضی الله عنه می‌فرماید: رسول‌خدا صلی الله علیه وسلم در یکی از شب‌های رمضان تشریف آورده، با مردم چهار رکعت فرض، بیست رکعت تراویح و سه رکعت وتر ادا فرمودند.

فایده: سند این روایت به درجه‌ی «حسن» است[؛زیرا] از سوی امت ،تلقی بالقبول یافته، حضرات صحابه کرام رضی الله عنهم به ویژه از خلفای راشدین حضرت عمر، حضرت عثمان وحضرت علی رضی الله عنهم ، تابعین، ائمه اربعه، ومشایخ امت رحمهم الله برآن عمل نموده‌اند.و در بلاد اسلامی و حرمین شریفین همین بیست رکعت معمول بوده‌است.

محدّثین تصریح نموده‌اند که از تلقی بالقبول، حدیث به درجه‌ی صحّت می‌رسد.(همان طور که منابع آن گذشت) لذا این روایت به درجه‌ی صحیح می‌رسد.

شبه: در این روایت، دو راوی ضعیف به نام‌های «محمّد بن حمید الرازی» و«عمر بن هارون البلخی» وجود دارد.

جواب: این‌ها از راویان حسن الحدیث هستند.

محمّد بن حمید الرازی رحمه الله: (م۲۴۸هـ) از راویان ابو داود، ترمذی و ابن ماجه می‌باشد[۲].

اگرچه از بعض محدّثین جرح او منقول است، امّا بسیاری از ائمه‌ی جلیل القدر حدیث، تعدیل، توثیق و مدح او را بیان نموده‌اند. مثلاً:

۱ـ امام احمد بن حنبل: وَثَّقَهُ (او را توثیق نموده است)[۳].

باری فرمودند:«**لایزال بالری علم مادام محمد بن حمید حیاً.**»[٤]

---

۱ ـ تاریخ جرجان للسهمی:ص۳۱۷، وفی نسخة۱۴۲.

۲ ـ تهذیب التهذیب:۵۴۷/۵.

۳ ـ طبقات الحفاظ للسیوطی:۴۰/۱.

۴ ـ تهذیب الکمال للمزی:۶۵۲/۸.

ترجمه: علم همیشه در شهر ری باقی خواهد بود تا زمانی که محمّد بن حمید زنده است.

۲ـ امام یحیی بن معین: «**ثقةٌ لیس بِهِ بأسٌ، رازی کیسٌ**» (ثقه است، براحادیثش حرفی نیست،[آدم] فهمیده است.)[1]

۳ـ امام جعفر بن عثمان الطیالسی: **ثقةٌ**.[2]

۴ـ علامه ابن حجر: الحافظ (حافظ است)[3].

۵ ـ علامه هیثمی در مورد یک روایت می‌نویسد:« **وفی اسناد بزار محمد بن حمید الرازی وهو ثقةٌ**».(در سند بزار محمّد بن حمید الرازی وجود دارد که ثقه است)[4].

چون هم بر او کلام است وهم توثیق شده، اصولاً از راویان«حَسَن» به شمار می‌آید.

عمر بن هارون البلخی (م۲۹۴ه)رحمه الله :

او از راویان ترمذی وابن ماجه است، بعضی او را جرح نموده وتعداد زیادی از ائمه در تعدیل، توثیق، مدح وثنا او این کلمات را به کار برده‌اند: «**الحافظ،الامام ،المکثر، عالم خراسان ،من اوعیةِ العلم**» (از گنجینه های دانش است) « **کثیر الحدیث،وارتحل**» (برای تحصیل علم سفر نموده‌است) «**ثقة ،مقارب الحدیث**.»[5]

لهذا از نظر اصول، او از راویان «حسن الحدیث» می باشد.

---

۱ ـ منبع سابق.

۲ ـ تهذیب الکمال: ۶۵۳/۸.

۳ ـ تهذیب التهذیب: ۵۴۷/۵.

۴ ـ مجمع الزوائد:۴۷۵/۹.

۵ ـ تذکرة الحفاظ للذهبی:۲۴۸/۱،۲۴۹، سیراعلام النبلاء:۱۴۸/۷تا۱۵۲، تهذیب التهذیب:۳۱۵/۴ تا۳۱۷.

تذکر: نگارنده در فصل نامه‌ی « قافله حق» ج۴،ش:۳ ، مقاله‌ای تحقیقی تحت عنوان« بیست رکعت تراویح در پرتو دلایل» نوشته بودم که بعض اهل حدیث در رساله‌ی« الحدیث» ش:۷۶ با زبان بازاری و نا زیبا چند اعتراض بیهوده، از جمله بر این حدیث مطرح کرده بودند که در شماره‌ی بعدی، اداره به جواب آن‌ها پرداخت، به منظور افاده تقدیم خدمت می‌باشد:

غیرمقلدان نوشته بودند:«گهمن در ترجمه بد دیانتی نموده، چهار رکعت فرض را از طرف خود افزوده است؛ زیرا از این روایت جعلی، بیست وچهار رکعت تراویح ثابت می‌شود.»[1]

نقد و بررسی:

الفاظ موجود در حدیث مبارک این است:(**اربعة وعشرین رکعة و اوتر بثلاثة**)که درآن تمام نمازهایی که با جماعت ادا شده‌اند، مذکور است. واین را هر انسانی که از نعمت عقل محروم نباشد به خوبی درک می‌کند که امام در رمضان نخست چهار رکعت فرض، بعد بیست رکعت تراویح وسه رکعت وتر ادا می‌نماید.

۱ـامام ابن بطال [م۴۴۹ه] رحمه‌الله از حضرت عطاء بن ابی رباح رحمه‌الله «**یصلون ثلاثا وعشرین رکعة**» نقل نموده که آن‌ها بیست وسه رکعت می‌خواندند وسپس توضیح دادند که «**الوتر منها ثلاثاً**» سه رکعت وتر بود[2].

۲ ـ امام ابن عبد البرّ[م ۴۶۳ه]رحمه‌الله بعد از نقل این سخن سائب بن یزید که «**وکان القیا م علی عهده (یعنی علی عهد عمر) بثلاث وعشر ین رکعة**» یعنی؛ در زمان

---

۱ ـ الحدیث: ش۷۶، ص۳۳.

۲ ـ شرح البخاری لابن البطّال:۱۴۹/۳.

مبارک حضرت عمر[ﷺ] بیست وسه رکعت ادا می‌شد، می‌فرماید:«**وهذا محمول علی ان الثلاث للوتر**» این براین حمل می‌شود که سه رکعت وتر بوده است[۱].

۳ـ خود امام ابن عبد البرّ[ﷺ] از ابن عباس [ﷺ] مرفوعاً این الفاظ را تخریج نموده که«**کَا نَ یُصَلّی فِی رَمَضَا نَ عِشرِینَ رَکعَةً**» [یعنی؛] او در رمضان بیست رکعت می‌خواند.پس ازآن می گوید:«**هَذَا ایضاً سِوَی الوِترِ**» [یعنی؛] این غیر وتر است[۲].

۴ـ امام ابن حجر[۸۵۲ هـ] از سیدنا سائب بن یزیدﷺ «**عِشرِینَ رَکعَةً**» نقل نموده سپس فرمودند: «**هَذَا مَحمُولٌ عَلَی غَیرِ الوِترِ**»[یعنی؛] این بر غیر وتر محمول است[۳].

خلفای راشدین ﷺ وتراویح

حضرات صحابه کرامﷺ در حیات رسول‌خداﷺ عمل براین سنت پیامبرﷺ را آغاز کرده بودند، به جماعت‌ها وگروه‌های مختلفی تقسیم شده تراویح می‌خواندند، حضور اکرم ﷺ آن‌ها را می‌دید وهیچ‌گاه اظهار ناپسندی و نا رضایتی نفرمود بلکه با اظهار پسند، مدرک رضایت به آن‌ها عطا نمود.

حضرت ابوهریره ﷺ می‌فرماید:

«**خَرَجَ رَسُولُ اللَّهِ –صلى الله عليه وسلم– فَإِذَا أُنَاسٌ فِى رَمَضَانَ يُصَلُّونَ فِى نَاحِيَةِ الْمَسْجِدِ فَقَالَ « مَا هَؤُلاَءِ ». فَقِيلَ هَؤُلاَءِ نَاسٌ لَيْسَ مَعَهُمْ قُرْآنٌ وَأُبَىُّ بْنُ كَعْبٍ يُصَلِّى وَهُمْ يُصَلُّونَ بِصَلاَتِهِ. فَقَالَ النَّبِىُّ –صلى الله عليه وسلم– «أَصَابُوا وَنِعْمَ مَا صَنَعُوا.»**[۴]

---

۱ ـ التمهید لابن عبد البر:۵۱۹/۳، الاستذکار لابن عبد البر:۹۶/۲ ومثله فی عمدة القاری علی البخاری لحافظ العینی عن ابن عبد البر:۲۴۵/۸.

۲ ـ التمهید لابن عبدالبرّ:۵۱۹/۴.

۳ ـ فتح الباری:۳۲۱/۴.

۴ ـ سنن ابی داؤد:۲۰۴/۱، باب فی قیام شهر رمضان.

ترجمه: شبی رسول‌خداﷺ به مسجد تشریف آورده مشاهده فرمودند که مردم در گوشه‌ای از مسجد نماز می‌خوانند. آنحضرت‌﵇ پرسیدند: «این ها چه کار می کنند؟» در جواب عرض شد، ایشان کسانی هستند که حافظ قرآن نیستند به اقتدای ابی بن کعب نماز تراویح می‌خوانند. پیامبرﷺ فرمودند: «آن‌ها صحیح و درست عمل نمودند.»

به همین مضمون روایتی از حضرت ثعلبه بن ابی مالك القرظی﵁ نیز مروی است که: « **قَالَ** :«**قَدْ أَحْسَنُوا ، أَوْ قَدْ أَصَابُوا** ». **وَلَمْ يَكْرَهْ ذَلِكَ لَهُمْ**.»[1]

ترجمه: آنحضرتﷺ فرمودند: «خوب کردند»، یا فرمود: «درست عمل نمودند» واین کار شان را ناپسند نداشتند.

پس از وفات آنحضرتﷺ همه‌ی انصار ومهاجران، صدیق اکبر﵁ را به خلافت برگزیدند، در زمان خلافت او نیز همان سلسله‌ی نماز تراویح که درآخر عهد زرّین رسول‌خدا ﷺ به صورت انفرادی یا جماعت‌های مختلف جریان داشت، ادامه یافت. چنان که حضرت ابوهریره ﵁ می گوید: «**ثُمَّ كَانَ الْأَمْرُ عَلَى ذَلِكَ فِي خِلَافَةِ أَبِي بَكْرٍ وَصَدْرًا مِنْ خِلَافَةِ عُمَرَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا**.»[2]

ترجمه: سپس این عمل[عهد نبوت] در خلافت صدیقی وابتدای عهد فاروقی﵄ به همین منوال ادامه یافت.

یعنی در زمان صدیق اکبر ﵁ نه مستقلاً جماعتی برای اقامه‌ی تراویح وجود داشت ونه رکعات مشخصی برای جماعت‌های پراکنده؛ زیرا حضرت ابوبکر صدیق ﵁ در دوران مختصر خلافت خویش بنابر نبرد آزمایی با فتنه‌ی مرتدان، مدّعیان دروغین نبوّت، ومانعان زکات، نتوانست به این مسأله بذل توجه فرماید.

۱ـ السنن الکبری للبیهقی: ۴۹۵/۲.

۲ـ صحیح بخاری: ۲۶۹/۱، باب فضل من قام رمضان.

اهتمام ورزیدن به جماعت تراویح:

در بیست و دوّم جمادی الثانی [سال] سیزدهم هجری، صدیق اکبر ﷺ راهی سفر آخرت گردید. وبه انتخاب خود او، حضرت عمر ﷺ زمام دار خلافت شد، تقریباً دو ماه بعد از خلافت فاروق ﷺ رمضان مبارك فرا رسید، وی در آغاز رمضان به ایراد سخن پرداخت، چنان که حضرت عبد الله بن عکیم الجهنی ﷺ می فرماید: پس از نماز مغرب در شب نخست رمضان، حضرت عمر ﷺ به سخنرانی پرداخت و گفت:

«فان هَذا الشهركتب عليكم صيامه،ولم يكتب عليكم قيامه، فمن استطاع منكم ان يقوم فليقم فانها نوافل الخير فمن لم يستطع فلينم على فراشه.»[1]

ترجمه: همانا این ماهی است که روزه‌اش بر شما فرض شده، اما قیام آن برشما فرض نشده است لذا کسانی از شما که توانایی قیام دارند قیام کنند ؛ چرا که این‌ها نوافل خوبی هستند واشخاصی که قادر به قیام نیستند بر رختخواب خود استراحت نمایند.

گویا در ابتدای عهد فاروقی [ﷺ] نماز تراویح به کیفیت سابقه‌ی خود باقی و در درجه‌ی نوافل یا سنن استحبابی[سنن زواید] قرار داشت. ولی سال بعد حضرت فاروق اعظم ﷺ در مورد تراویح یك دستور حکومتی صادر نمود، چنان که حضرت عبد الرحمن بن عبد القاری ﷺ می فرماید:« در یکی از شب‌های رمضان به همراه فاروق اعظم ﷺ روانه‌ی مسجد شدم، دیدیم مردم در گروه‌های مختلف به صورت پراکنده مشغول نماز هستند.

۱ ـ مصنف عبدالرزاق:۲۰۴/۴، باب قیام رمضان.

«فَقَالَ عُمَرُ إِنِّي أَرَى لَوْ جَمَعْتُ هَؤُلَاءِ عَلَى قَارِئٍ وَاحِدٍ لَكَانَ أَمْثَلَ ثُمَّ عَزَمَ فَجَمَعَهُمْ عَلَى أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ ثُمَّ خَرَجْتُ مَعَهُ لَيْلَةً أُخْرَى وَالنَّاسُ يُصَلُّونَ بِصَلَاةِ قَارِئِهِمْ قَالَ عُمَرُ نِعْمَ الْبِدْعَةُ هَذِهِ.»[1]

ترجمه: حضرت عمر ﷺ فرمود: اگر من این‌ها را بریک امام گرد آورم بهترخواهد بود، چنان که او تصمیم قطعی گرفت و (پس ازچند روز) آن‌ها را بر اقتدا به ابی بن کعب ﷺ جمع نمود. پس ازآن، دریکی از شب‌های رمضان در حالی مردم پشت سر حضرت ابی بن کعب ﷺ مشغول تراویح بودند، به مسجد رفتیم با دیدن این حال، حضرت عمر ﷺ فرمودند: چه ابتکار وابداع خوبی است!

در صفحات گذشته واضح گردید که رسول‌خدا ﷺ فقط سه شب جماعت تراویح را بپا نمود، وبر آن مداومت نفرمود، حضرت عمر ﷺ نخستین کسی است که جماعت قیام رمضان [نماز تراویح] را به اجرا گذاشت.

مراد از«سنت فاروقی» بودن تراویح:

نماز تراویح را بدین جهت «سنت فاروقی» می گویند که حضرت عمر ﷺ به شکل منظم به اهتمام جماعت درآن پرداخت، ودستور برپا نمودن آن، در تمام ماه رمضان را صادر فرمود.چنان که علامه جلال الدین عبدالرحمن بن ابی بکر سیوطی[رحمه الله] می نویسد:«**وفی الاوائل للعسکری: اول من سن قیام رمضان عمر سنة اربع عشرة.**»[2]

ترجمه: در کتاب « اوائل» علامه عسکری [رحمه الله] آمده است: نخستین کسی که قیام رمضان [نماز تراویح] را بنا نهاد، حضرت عمر ﷺ به سال چهارده هجری بود.

حضرت هشام بن عروه [رحمه الله] از پدرش روایت می کند:

۱ـ صحیح بخاری:۲۶۹/۱، باب فضل من قام رمضان.

۲ـ الحاوی للفتاوی:۳۳۶/۱.

«ان عمر بن الخطاب اول من جمع الناس علی قیام شهر رمضان الرجال علی ابی بن کعب والنساء علی سلیمان بن ابی حثمة.»[۱]

ترجمه: حضرت عمربن خطاب[ﷺ] نخستین کسی است که مردم را در قیام رمضان یعنی تراویح متفق نمود، چنان که مردان را بر امامت حضرت ابی بن کعب ﷺ وزنان را بر امامت حضرت سلیمان بن ابی حثمه ﷺ گرد آورد.

خلاصه، نفس تراویح سنت مبارکه‌ی رسول‌خدا ﷺ و اجرای با جماعت آن به صورت منظم سنت عمر فاروق ﷺ می‌باشد.

یک پرسش و پاسخ:

در اینجا این سؤال پیش می‌آید‌که وقتی رسول‌خدا ﷺ فقط سه شب جماعت تراویح برپا نمود، چرا حضرت عمر ﷺ در تمام ماه بدان اهتمام ورزید؟

جواب:

پیامبر ﷺ بدین جهت در تمام رمضان بدان اهتمام نورزید تا بر امت فرض نشود وبراثر ترک آن از روی ناتوانی گنهکار نگردد، چنان که حضرت زید بن ثابت ﷺ روایت می فرماید که آنحضرت ﷺ فرمودند:

«خَشِيتُ أَنْ يُكْتَبَ عَلَيْكُمْ وَلَوْ كُتِبَ عَلَيْكُمْ مَا قُمْتُمْ بِهِ.»[۲]

ترجمه: ازان ترسیدم که این نماز برشما فرض شود، آنگاه نتوانید آن را بجا آورید.

---

۱ ـ الحاوی للفتاوی:۳۳۶/۱، السنن الکبری للبیهقی:۴۹۴/۲.

۲ ـ سنن النسائی:۲۳۷/۱، باب الحثّ علی الصلوة فی البیوت...

چون آنحضرتﷺ رحلت فرمود، سلسله‌ی وحی نیز قطع گردید، و دیگر احتمال فرض شدن آن نمانده بود لذا حضرت عمرؓ با توجه به اراده‌ی نبوی،حکم به اهتمام آن در تمام رمضان نمود، چنان که علامه ابن حجر؏ می نویسد:

«استنبط عمر ذلك من تقرير النبي صلى الله عليه و سلم من صلى معه في تلك الليالي وأن كان كره ذلك لهم فإنما كرهه خشية أن يفرض عليهم ... فلما مات النبي صلى الله عليه و سلم حصل الأمن من ذلك ورجح عند عمر ذلك ... وإلى قول عمر جنح الجمهور.»[1]

ترجمه: [حضرت عمر ؓ استنباط فرمود] صحابه با آنحضرت ﷺ نماز می‌خواندند وبا وجود ناپسندی پیامبرآن‌ها را منع نفرمود، وعلت این ناپسندی نیز این بود که مبادا بر امت فرض شود، امّا زمانی که حضرت ﷺ رحلت فرمود، این اندیشه باقی نماند از این رو نظر عمر ؓ برهمین قرار گرفت که با اهتمام ادا گردد و جمهور[صحابه نیز] نظر او را پذیرفتند.

تعداد رکعات تراویح در زمان حضرت عمر ؓ:

بیان کنندگان تعداد رکعات تراویح در زمان حضرت عمر ؓ شش نفراند که همه بیست رکعت روایت نموده‌اند.[البته] (روایات مضطرب وضعیف اعتباری ندارند)که در ذیل، تقدیم خدمت می‌باشند:

۱ـ حضرت ابی بن کعب ؓ:

---

۱ ـ فتح الباری شرح صحیح بخاری:۳۲۰/۴.

«عَنْ اُبَيّ بْنِ كَعْبٍ اَنَّ عُمَرَ اَمَرَ اُبَيًّا اَنْ يُّصَلِّيَ بِالنَّاسِ فِيْ رَمْضَانَ فَقَالَ اِنَّ النَّاسَ يَصُوْمُوْنَ النهارَ وَ لَايُحْسِنُوْنَ اَنْ يَّقْرَأُ وْا فَلَوْ قَرَأتَ الْقُرْآنَ عَلَيهم بِاللَّيْلِ فَقَالَ: يَااَمِيْرَ الْمُؤمِنِيْنَ! هذا شَيْئٌ لَمْ يَكُنْ۔ فَقَالَ؛ قَدْعَلِمْتُ وَلٰكِنّه اَحْسَنُ۔ فَصَلّٰى بِهِم عِشْرِيْنَ رَكْعةً.»[1]

ترجمه: حضرت ابی بن کعب رضی الله عنه می فرماید: حضرت عمر بن خطاب رضی الله عنه به من دستور داد که در شب‌های رمضان نماز(تراویح) بخوانم، وی فرمود: مردم در روز روزه می گیرند، وبه خوبی نمی‌توانند قرآن را بخوانند، خوب است اگر شما در شب برای آن‌ها قرآن را بخوانی ، عرض نمودم: امیر المؤمنین! این چیز [که مرا به آن امر می کنی] در گذشته نبوده است، فرمودند: می‌دانم ولی این روش خوبی است، لذا حضرت ابی رضی الله عنه در بیست رکعت(تراویح] امامت فرمود.

فایده: سند این روایت صحیح و راویانش ثقه هستند.

اعتراض:

[یکی از] اهل حدیث می نویسد: این روایت در کتاب«اتحاف الخیرة المهرة للبوصیری» بدون سند از احمد بن منیع منقول است، سرفراز صفدر دیوبندی می‌نویسد:«سخن بی سند اعتباری ندارد.[2]

غلام مصطفی ظهیر غیرمقلد با به کارگیری زبان بازاری‌ها[یعنی؛ زبان عامیانه وغیر عالمانه] نوشتند:«روایات بی سند را کسی ارایه می کند که خودش سند نداشته باشد.»[3]

جواب:

خداوند به تو اخلاق حسنه عطا فرماید، حدیث در کتاب« الاحادیث المختارة للمقدسی» با سند موجود است. برای تسلی جناب عالی سند تقدیم خدمت می‌باشد:

---

۱ ـ مسند أحمد بن منیع به نقل از: اتحاف الخیرة المهرة:۴۲۴/۲، باب فی قیام رمضان.

۲ ـ مقدار رکعات قیام رمضان، ص۷۴.

۳ ـ هشت رکعت نماز تراویح،ص۸

«أخبرنا أبو عبدالله محمود بن أحمد بن عبدالرحمن الثقفي بأصبهان أن سعيد بن أبي الرجاء الصيرفي أخبرهم قراءة عليه أنا عبدالواحد بن أحمد البقال أنا عبيدالله بن يعقوب بن إسحاق أنا جدي إسحاق بن إبراهيم بن محمد بن جميل أنا أحمد بن منيع أنا الحسن بن موسى نا أبو جعفر الرازي عن الربيع بن أنس عن أبي العالية عن أبي بن كعب أن عمر أمر أبيا أن يصلي بالناس في رمضان الحديث.»[1]

تذکر: علامه ابن تیمیه [رحمه‌الله] خواندن بیست رکعت تراویح حضرت ابی بن کعب رضی‌الله‌عنه را ثابت می‌داند، چنان که می نویسد:

« قد ثبت ان ابی بن کعب کان یقوم بالناس عشرون رکعة و یوتر بثلاث فرأی اکثر من العلماء ان ذلک هو السنة لانّه قام بين المهاجرين والانصار ولم ينكره منكر.»[2]

ترجمه: این به اثبات رسیده که حضرت ابی بن کعب رضی‌الله‌عنه با مردم بیست رکعت تراویح وسه رکعت وتر ادا می‌فرمود، از این رو نظر اکثر علما برسنت بودن بیست رکعت است؛ زیرا حضرت ابی بن کعب رضی‌الله‌عنه در حضور صحابه‌ی مهاجر وانصار رضی‌الله‌عنهم بیست رکعت می خواند وکسی نیز(برسنیت بیست رکعت) انکار ننمود[3].

۲ـ حضرت سائب بن یزید رضی‌الله‌عنه :

۱.«عَنْ يَزِيْدِ بْنِ خُصَيْفَةَ عَنِ السَّائِبِ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: كَانُوا يَقُومُونَ عَلَى عَهْدِ عُمَرَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِعِشْرِينَ رَكْعَةً وَ اِنْ كَانُوا لَيَقْرَءُونَ بِالْمِئِينِ مِنَ الْقُرْآنِ.»[4]

ترجمه: حضرت سائب بن یزید رضی‌الله‌عنه می‌فرماید: اصحاب کرام [رضی‌الله‌عنهم] در زمان حضرت عمر رضی‌الله‌عنه (و حضرت عثمان رضی‌الله‌عنه) بیست رکعت تراویح می‌خواندند، وپیش نماز سوره‌های «مِئِین» یعنی صد آیه‌ای را قرائت می‌نمود.

---

۱ ـ الأحاديث المختارة للمقدسی:۳۶۷/۳، حدیث شماره:۱۱۶۱.

۲ ـ فتاوی ابن تیمیه قدیم:۱۸۶/۱، فتاوی ابن تیمیه جدید:۱۱۲/۲۳.

۳ ـ به نقل از تجلیات صفدر:۳۱۷/۳ و۳۱۸.

۴ ـ مسند ابن الجعد: ص۴۱۳،حدیث شماره:۲۸۲۵.

فایده: سند این روایت مطابق شرط بخاری صحیح است.

۲ـ« عن یزید بن خصیفة عنِ السَّائِبِ بْنِ یَزِیدَ قَالَ : کَانُوا یَقُومُونَ عَلَى عَهْدِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ فِی شَهْرِ رَمَضَانَ بِعِشْرِینَ رَکْعَةً وَکَانُوا یَقْرَءُونَ بِالْمِئِینِ ، وَکَانُوا یَتَوَکَّئُونَ عَلَى عُصِیِّهِمْ فِی عَهْدِ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ رَضِیَ اللَّهُ عَنْهُ مِنْ شِدَّةِ الْقِیَامِ.»[1]

ترجمه: حضرت سائب بن یزید ﷺ می‌گوید: صحابه کرام ﷺ در زمان حضرت عمر ﷺ (وحضرت عثمان ﷺ) بیست رکعت تراویح ادا می‌کردند وامام سوره‌های صد آیه‌ای را قرائت می‌نمود [تا جایی که] مردم بنا بر قیام طولانی در زمان حضرت عثمان ﷺ برچوب دستی‌های خود تکیه می‌زدند.

فایده: این روایت[نیز] مطابق شرط [شیخین] بخاری ومسلم [و] صحیح است.

۳ـ «روی مالک من طریق یزید بن خصیفة عن السائب بن یزید عشرین رکعة.»[2]

ترجمه: امام مالك [ﷺ] از طریق یزید بن خصیفه[ﷺ] از سائب بن یزید [ﷺ] روایت نموده که (در عهد فاروقی) تراویح بیست رکعت بود.

تذکّر: این طریق در «صحیح البخاری:۳۱۲/۱» موجود است.

۴ـ «عن السائب بن یزید قال...القیام علی عهد عمر ثلاثة وعشرین رکعة.»[3]

ترجمه: حضرت سائب بن یزید ﷺ می‌گوید: در زمان حضرت عمر ﷺ بیست(رکعت تراویح) و سه رکعت (وتر) خوانده می‌شد.

۵ ـ «عن السائب بن یزید قال: کنا نقوم فی زمان عمر بن الخطاب بعشرین رکعة و الوتر.»[4]

---

۱ ـ السنن الکبری للبیهقی:۴۹۶/۲، باب ما رُوِیَ فِی عدد رکعات القیام فی شهر رمضان.

۲ ـ نیل الاوطارللشوکانی:۵۱۴/۲.

۳ ـ مصنف عبدالرزاق:۲۰۱/۴، حدیث شماره: ۷۷۶۳.

۴ ـ معرفة السنن والآثار للبیهقی:۳۰۵/۲، باب قیام رمضان حدیث شماره: ۱۳۶۵.

ترجمه: حضرت سائب بن یزیدﷺ می گوید: ما در زمان حضرت عمرﷺ بیست رکعت تراویح و وتر را می‌خواندیم.

تصحیح روایت سائب بن یزید ﷺ :

۱ـ امام نووی[ﷺ] سند این حدیث را «صحیح» گفته است[1].
۲ـ علامه نیموی [ﷺ] می گوید: این حدیث صحیح است[2].

ازاله‌ی بعض شبهات:

برخی از مردم شبهات خنده آوری بر این حدیث مطرح نموده اند، مثلاً:
۱ـدر این روایت قیام کنندگان معرفی نشده‌اند، آن‌ها را نام ببرید و...[3]

جواب: در روایت تصریح است که مردم زمان حضرت عمر بن خطاب وحضرت عثمانﷺ بودند، و بدیهی است که آن‌ها صحابه وتابعین بودند، کفّار نبودند؛ زیرا در کتاب« معرفة السنن للبیهقی» آمده که خود سائب بن یزید [ﷺ] می‌فرماید:
«**كُنَّا نَقُومُ فِي زَمَانِ عمرَ بن الخطاب.**»(منبع سابق) و او از صغار صحابه می‌باشد.[4]
که تروایح معاصران خویش یعنی کبارصحابه ﷺ وتابعین ﷺ را بیان می فرماید.

اگر بعض الناس [یعنی؛ آقایان معترض] حضرت سائب بن یزیدﷺ ودیگر صحابه ﷺ را نمی‌شناسند، به تحقیقات خود جایزه داده و دست از اعتراضات بیهوده علیه این اثر صحیح بر دارند.

۲ـ اهل حدیث می‌نویسد: این روایت شاذ است.[1]

---

۱ ـ مرقات:۲/۱۹۴.
۲ ـ التعلیق الحسن علی آثار السنن:ص ۲۲۲.
۳ ـ تعداد رکعات قیام رمضان: ص ۷۷،۷۸.
۴ ـ تقریب التهذیب: ص۲۶۳.

جواب: این قول اهل حدیث به علت بی دلیل بودن مردود است، چون اثر سائب بن یزید [رضی الله عنه] با روایات ابی بن کعب، یزید بن رومان، عبد العزیز بن رفیع، یحیی بن سعید، محمّد بن کعب القرظی [رضی الله عنهم] که درآن بیست رکعت مذکوراست، شاذ نمی‌باشد. (بحث تفصیلی درصفحات بعدی خواهد آمد.)

۳. حضرت محمّد بن کعب القرظی رحمه الله:

« قال محمد بن کعب القرظی کان الناس یصلون فی زمان عمر بن الخطاب فی رمضان عشرین رکعة.»[۲]

ترجمه: محمّد بن کعب القرظی(که از تابعین جلیل القدر است) می‌فرماید: مردم در زمان حضرت عمر رضی الله عنه بیست رکعت تراویح می‌خواندند.

شبه: این روایت مرسل ومنقطع می‌باشد؛ زیرا ملاقات محمّد بن کعب القرظی[رحمه الله] با حضرت عمر بن الخطاب [رضی الله عنه] ثابت نیست.

جواب: محمّد بن کعب القرظی(م۱۲۰ه) ازمحدّثین ثقه‌ی خیرالقرون است.[۳]

نزد جمهور محدّثین به ویژه احناف و موالك ارسال و انقطاع خیرالقرون مضرّ صحت نیست.[۴]

لذا روایت صحیح و قابل استدلال است.

---

۱ ـ تعداد رکعات قیام رمضان،ص۱۶.

۲ ـ قیام اللیل للمروزی: ص۱۵۷.

۳ ـ تقریب التهذیب: ص۵۳۴.

۴ ـ قواعدٌ فی علوم الحدیث للعثمانی:ص۱۳۸وغیره.

۴ـ حضرت یزید بن رومان رحمه‌الله :

« عَنْ يَزِيدَ بْنِ رُومَانَ أَنَّهُ قَالَ كَانَ النَّاسُ يَقُومُونَ فِي زَمَانِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ فِي رَمَضَانَ بِثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ رَكْعَةً.»[۱]

ترجمه: یزید بن رومان[رحمه‌الله] می گوید: مردم(صحابه وتابعین) در زمان حضرت عمر رضی‌الله‌عنه بیست وسه رکعت(بیست تراویح وسه وتر) می‌خواندند.

سند این روایت مطابق شرط بخاری ومسلم است.

شبه: بعضی از غیرمقلدان ایراد می‌گیرند که یزید بن رومان، زمان حضرت عمر رضی‌الله‌عنه را نیافته‌است؛ از این جهت سند منقطع می‌باشد.[۲]

جواب اوّل: این اثر در کتاب«مؤطا امام مالک»(ص۹۸) مذکور است، دیدگاه محدّثین در مورد« مؤطا امام مالک» این‌است:

«قال الشافعي : أصح الكتب بعد كتاب الله موطأ مالك ، واتفق أهل الحديث على أن جميع ما فيه صحيح على رأي مالك ومن وافقه ، وأما على رأي غيره فليس فيه مرسل ولا منقطع إلا قد اتصل السند به من طرق أخرى ، فلا جرم أنها صحيحة من هذا الوجه ، وقد صنف في زمان مالك موطآت كثيرة في تخريج أحاديثه ووصل منقطعه ، مثل كتاب ابن أبي ذئب وابن عيينة والثوري ومعمر.»[۳]

ترجمه: امام شافعی رحمه‌الله می‌فرماید: صحیح‌ترین کتاب بعد از کتاب الله،«مؤطا امام مالک» است محدّثین متفق‌اند که تمام روایات موجود درآن نزد امام مالک[رحمه‌الله] و موافقان او صحیح هستند(؛ زیرا آنان مرسل را نیز صحیح و مقبول می‌دانند) ودر نگاه دیگران هیچ مرسل ومنقطعی درآن وجود ندارد که از طرق دیگر سندش متصل نباشد.

---

۱ ـ موطا امام مالک: ص۹۸.

۲ ـ تعداد رکعات قیام رمضان،ص۷۷.

۳ ـ حجة الله البالغة:ص۲۸۱، باب طبقات کتب الحدیث.

ودر زمان امام مالک [رحمه‌الله] جهت تخریج احادیث«مؤطا» و اثبات اتصال روایات منقطع آن کتاب‌های فراوانی امثال کتب ابن ابی ذئب، ابن عیینه، ثوری ومعمر[رحمهم‌الله] تصنیف گردید. لذا اعتراض افراد بی علم باطل است.

جواب دوّم: یزید بن رومان(م ۱۳۰هـ) راوی ثقه‌ای است.[۱]

وقبلاً گذشت که انقطاع وارسال خیر القرون نزد محدّثین به ویژه احناف و مالکیه منافی صحت نیست. لذا روایت صحیح وقابل استدلال بوده واعتراض باطل است.

جواب سوّم: حافظ ابن حجر[رحمه‌الله] می‌نویسد:

« **وقال الشافعي: يُقْبَلُ إن اعْتَضَد بمجيئه مِن وجهٍ آخرَ يُبايِنُ الطريقَ الأُولى، مسنَداً أو مرسَلاً.**»[۲]

ترجمه: امام شافعی [رحمه‌الله] می‌فرماید: هرگاه مرسل از طریق دیگری تأیید شود ولو با طریق اوّل مباین باشد، مقبول می‌شود، خواه طریق دوّم مسند باشد یا مرسل.

و اثر یزید بن رومان، مؤیَّد به چندین مرسل است(که تفصیل آن خواهد آمد) لذا این اثر مقبول است.

۵ ـ حضرت یحیی بن سعید رحمه‌الله:

«**عَنْ يَحْيَى بْنِ سَعِيدٍ، أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ رَضِيَ الله عَنه أَمَرَ رَجُلاً يُصَلِّي بِهِمْ عِشْرِينَ رَكْعَةً.**»[۳]

ترجمه:یحیی بن سعید[رحمه‌الله] می گوید: حضرت عمر رضی‌الله‌عنه شخصی را مأمور نمود که با مردم بیست رکعت[تراویح] بخواند.

---

۱ ـ تقریب التهذیب:ص ۶۳۲.

۲ ـ نزهة النظر فی توضیح نخبة الفکر:ص ۱۰۱.

۳ ـ مصنف ابن ابی شیبه:۲۸۵/۲، باب کم یصلی فی رمضان من رکعة.

شبه: بعض اهل حدیث نوشته‌اند: یحیی بن سعید، عمرﷺ را نیافته‌است لذا این روایت منقطع می‌باشد.[1]

جواب: امام یحیی بن سعید(م ۱۴۴ھ) از محدثین ثقه ونیک خیرالقرون است.[2] وقبلاً با وضاحت گذشت که نزد جمهور به ویژه احناف، انقطاع وارسال خیر القرون منافی صحت نیست، لذا این اثر صحیح است.

۶ ـ حضرت عبد العزیز بن رفیع ﷺ :

او ﷺ از تابعین مشهور و از شاگردان حضرت انس، حضرت ابن زبیر، حضرت ابن عباس، حضرت ابن عمر و... [ﷺ] واز راویان صحاح سته می‌باشد.[3]

اومی گوید: «**كَانَ أُبَيّ بْنُ كَعْبٍ رَضِيَ الله عنه يُصَلِّي بِالنَّاسِ فِي رَمَضَانَ بِالْمَدِينَةِ عِشْرِينَ رَكْعَةً وَ يُوتِرُ بِثَلاَثٍ.**»[4]

[ترجمه: حضرت ابی بن کعبﷺ در مدینه، ماه رمضان با مردم بیست رکعت تراویح و سه رکعت وتر ادا می‌فرمود.]

فایده: [همه‌ی] راویان این روایت ثقه هستند.

شبه: بعضی نوشته‌اند: الفاظ «**عِشرِينَ ركعَةً**» تحریف دیوبندی است، محمود الحسن دیوبندی(۱۲۶۸ـ۱۳۳۹) مرتکب این تحریف شده که بجای «**عشرين ليلة**»،«**عشرين ركعة**» قرار داد.[1]

---

۱ ـ ملخصاً از: مقدار قیام رمضان:ص۷۶.

۲ ـ تقریب التهذیب:ص ۶۲۲.

۳ ـ تهذیب التهذیب:۱۸۹/۴ـ۱۹۰.

۴ ـ مصنف ابن ابی شیبه:۲۸۵/۲، باب کم یصلی فی رمضان من رکعة.

بعضی نوشتند: این دروغ آشکاری است.[۲]

جواب:

اولاً؛ حضرت [مولانا] اکاروی رحمه الله در جواب سلطان محمود جلال پوری غیر مقلد می‌فرماید:«ابوداود دونسخه دارد، در نسخه‌ای «**عشرين ركعة**» ودر دیگری«**عشرين ليلة**» آمده است. همان گونه که دو قرائت قرآن کریم ، باید پذیرفته شود، ما هردو نسخه را می‌پذیریم. ولی سلطان محمود جلال پوری که عادی به بهانه جویی در انکار حدیث است، انکار و علمای دیوبند را متهم ساخت.»[۳]

ثانیاً؛ محدّثان جلیل القدر و محققان «**عشرين ركعةً**» نقل نموده‌اند، مثلاً:

۱ـ علامه ذهبی[رحمه الله] به نقل از ابوداود «**عشرين ركعة**» نوشته‌اند.[۴]

۲ـ علامه ابن کثیر.[۵]

۳ـ شیخ محمّد علی الصابونی.[۶]

۴ـ شیخ الهند مولانا محمود الحسن.[۷]

۵ـ نسخه مطبوع عرب.[۸]

این منابع برای خاموش نمودن افراد بی علم کفایت می کند.

۱ـ هشت رکعت نماز تراویح:ص۹.

۲ـ مقدار رکعات قیام رمضان:ص ۳۰.

۳ـ تجلیات صفدر:۳۱۶/۳.

۴ـ سیر اعلام النبلاء:۱۷۶/۳و۱۷۷ ، تحت ترجمه ابی بن کعب ترجمه شماره :۲۲۳.

۵ـ جامع المسانید والسنن:۵۵/۱.

۶ـ الهدی النبوی الصحیح فی صلوة التراویح:ص۵۶.

۷ـ سنن ابی داود، تحقیق شیخ الهند:۲۱۱/۱.

۸ـ ص۱۴۲۹به نقل از: تجلیات صفدر،۳۱۶/۳.

فایده: شش نفر از راویان تراویح زمان حضرت عمر ﷺ گذشتند که همگی «**عشرين ركعةً**» یعنی بیست رکعت روایت نمودند، این خود تأیید بزرگی است که نسخه‌ی «**عشرين ركعةً**» ابوداود نیز صحیح وثابت است.

خلاصه‌ی روایات:

از این روایات بیست رکعت تراویح و مواظبت برآن در زمان حضرت عمرﷺ قولاً، فعلاً وتقریراً ثابت گردید، واین عمل او در حضور تمام مهاجران وانصار ﷺ انجام گرفت وکسی برآن انکار ننمود. چنان که علامه ابن تیمیه [ﷺ] می‌نویسد:

« **قد ثبت ان ابی بن کعب کان یقوم بالناس عشرين ركعة فى قيام رمضان ويوتر بثلات فرای کثیرمن العلماء ان ذلک هو لأنّه اقامه بين المهاجرين والانصار، ولم ينكره منكر.**»[1]

ترجمه: این سخن ثابت است که حضرت ابی بن کعب[ﷺ] با مردم بیست رکعت تراویح و سه رکعت وتر ادا می‌فرمود، از این جهت نظر اکثر علما براین است که بیست رکعت سنت می‌باشد؛ زیرا حضرت ابی بن کعب ﷺ، با مهاجران وانصار ﷺ بیست رکعت ادا فرمود وکسی(سنّیت بیست رکعت تراویح را) انکار ننمود.

تعداد رکعات تراویح در زمان حضرت عثمان ﷺ

درزمان خلافت حضرت عثمان ﷺ نیز مانند عهد فاروقیﷺ بیست رکعت تراویح خوانده می‌شد، پیشنمازها سوره‌هایی را که صدآیه داشت قرائت می‌کردند، ومقتدی‌ها از شدت خستگی بر چوب دستی‌های خود تکیه می‌زدند، حضرت سائب بن یزید ﷺ می‌فرماید:

---

۱ ـ فتاوی ابن تیمیه:۱۲۲/۲۳.

«كَانُوا يَقُومُونَ عَلَى عَهْدِ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِعِشْرِينَ رَكْعَةً وَكَانُوا يَقْرَءُونَ بِالْمِئِينِ ، وَكَانُوا يَتَوَكَّئُونَ عَلَى عُصِيِّهِمْ فِي عَهْدِ عُثْمَانَ بْنِ عَفَّانَ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ مِنْ شِدَّةِ الْقِيَامِ.»[1]

ترجمه: (صحابه کرام رضی الله عنهم)در زمان حضرت عمر رضی الله عنه (ودرزمان حضرت عثمان رضی الله عنه) بیست رکعت تراویح(با جماعت) ادا می‌کردند، امام سوره‌های صدآیه‌ای را قرائت می نمود، و مردم به خاطر طول قیام در زمان حضرت عثمان برعصاهای خود تکیه می زدند.

فایده: سند این روایت مطابق شرط بخاری و مسلم [و] صحیح است.

از این روایت بیست رکعت تراویح در زمان خلافت حضرت عثمان رضی الله عنه ثابت می گردد.

همچنین خود خلفا نیز در نماز تراویح شرکت می‌نمودند، چنان که در«المدوّنة الکبری» کتاب معروف فقه مالکی تصریح شده است:

«**ان عمر و عثمان کانا یقومان فی رمضان مع الناس فی المسجد.**»[2]

ترجمه: حضرت عمر وحضرت عثمان رضی الله عنهما در رمضان مبارك در مسجد نمازتراویح را با جماعت ادا می کردند.

تعداد رکعات تراویح در زمان خلافت حضرت علی رضی الله عنه

درزمان خلافت حضرت علی رضی الله عنه نیز بیست رکعت تراویح خوانده می شد،روایت کنندگان این تراویح سه نفر اند که روایات ایشان تقدیم خدمت است:

---

۱ ـ السنن الکبری للبیهقی: ۴۹۶/۲ باب مَا رُوِىَ فِى عَدَدِ رَكَعَاتِ الْقِيَامِ فِى شَهْرِ رَمَضَانَ.
۲ ـ[المدونة:](۱۹۴/۱).

۱ـ حضرت حسین بن علی رضی الله عنهما:

« رَوَى الْإِمَامُ الْحَافِظُ زَيْدُ بْنُ عَلِيِّ الهاشْمِيُّ فِيْ مُسْنَدِهِ كَمَا حَدَّثَنِيْ زَيْدُ بْنُ عَلِيٍّ عَنْ اَبِيهِ عَنْ جَدِّهِ عَنْ عَلِيٍّ أَنَّهُ اَمَرَ الَّذِىْ يُصَلِّيْ بِالنَّاسِ صَلَاة الْقِيَامِ فِيْ شَهرِ رَمْضَانَ اَنْ يُّصَلِيَّ بِهِم عِشْرِيْنَ رَكعَةً يُّسَلِّمُ فِيْ كُلِّ رَكْعَتَيْنِ وَيُرَاوِحَ مَابَيْنَ كُلِّ اَرْبَعِ رَكْعَاتٍ.»[۱]

ترجمه: امام زید [رحمه الله] از پدرش زین العابدین رحمه الله و او ازپدرش حسین [بن علی] رضی الله عنه روایت می کند که حضرت علی رضی الله عنه به پیشنماز تراویح در رمضان دستور داد که با مردم بیست رکعت [به این کیفیت] ادا کند که برهر دو رکعت سلام دهد، بعد از هرچهار رکعت به قدری که صاحب حاجت فارغ شده و وضو کند، استراحت نماید.(و نیز فرموده بود که) درآخر، وتر را با جماعت ادا بفرماید.

۲ـ حضرت ابو عبدالرحمن السلمی رحمه الله:

«عَنْ أَبِي عَبْدِ الرَّحْمَنِ السُّلَمِيِّ عَنْ عَلِيٍّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ قَالَ:دَعَا الْقُرَّاءَ فِي رَمَضَانَ، فَأَمَرَ مِنْهُمْ رَجُلاً يُصَلِّي بِالنَّاسِ عِشْرِينَ رَكْعَةً. قَالَ : وَكَانَ عَلِيٌّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يُوتِرُ بِهِمْ.»[۲]

ترجمه: از ابو عبد الرحمن سلمی رحمه الله روایت است که حضرت علی رضی الله عنه در رمضان قاریان را فرا خواند، سپس یکی را امر نمود که با مردم بیست رکعت تراویح بخواند وخود حضرت علی رضی الله عنه در وتر امامت می فرمود.

شبه اوّل:

غیر مقلدان می گویند:در این روایت، یک راوی به نام«حماد بن شعیب» ضعیف است.

۱ـ مسند الامام زید،ص۱۵۹،۱۵۸.

۲ـ السنن الکبری للبیهقی:۴۹۶/۲.

جواب:

اوّلاً ؛ اگرچه بعضی از ائمه حماد بن شعیب را تضعیف نموده‌اند امّا دیگر ائمه اورا توثیق کرده‌اند، مثلاً:

۱ـ امام عدی می گوید:«**یُکتَبُ حَدِیثُه مع ضَعفِهِ.**»[۱]

ترجمه: با وجود ضعف، حدیث او نوشته می‌شود.

و نزد « ارشاد الحق اثری» غیر مقلد، الفاظ جمله‌ی«**یُکتَبُ حَدِیثُهُ**» از الفاظ تعدیل به شمار است.[۲]

۲ـ امام ابن حبان او را از ثقات شمرده است.[۳]

۳ـ علامه ابن تیمیه[رحمه الله] از روایت همین حماد بن شعیب استدلال نموده است.[۴]

۴ـ امام بیهقی[رحمه الله] این اثر را جهت تقویت نمودن اثر «شُتَیرِ بنِ شَکَل» روایت نموده که دلیل بر قوی بودن آن است.[۵]

۵ ـ نقّادی مانند علامه ذهبی در«المنتقی:ص۵۴۲» برآن سکوت نمودند.[۶]

۶ ـ امام ترمذی روایت بیست رکعت تراویحِ مروی از حضرت علی رضی الله عنه را صحیح می‌داند، بدین‌جهت ازآن استدلال می‌فرماید، چنان‌که می گوید: «**واکثر اهل العلم علی ما روی عن علی وعمر و غیرهما من اصحاب النبی صلی الله علیه وسلم عشرین رکعةً.**»[۷]

---

۱ ـ لسان المیزان: ۳۴۸/۲.

۲ ـ توضیح الکلام: ۵۴۷/۱.

۳ ـ تهذیب الکمال:۳۷۸/۸.

۴ ـ منهاج السنة: ۲۲۴/۲.

۵ ـ السنن الکبری للبیهقی: ۹۹۶/۲.

۶ ـ تجلیات صفدر:۳۲۳/۳.

۷ ـ سنن ترمذی:۱۶۶/۱.

ترجمه: نظر اکثر علما بر این است که تراویح بیست رکعت می باشد، همان گونه که از حضرت علی، حضرت عمر و بسیاری دیگر از صحابه کرام ﷺ مروی است.

[لذا] حماد بن شعیب از راویان حسن الحدیث بوده وروایتش مقبول است.

ثانیاً؛ حضرت حسین ﷺ و ابو الحسناء نیز از راویان بیست رکعت تراویح در زمان حضرت علی ﷺ هستند، لذا اگر فرضاً ضعفی در این روایت باشد (که نیست) به وسیله‌ی این مؤیِّدات از بین خواهد رفت.

شبه دوّم:

یکی از غیر مقلدان نوشته است: عطاء بن سائب، راوی مختلطی است و حماد بن شعیب از کسانی نیست که قبل از اختلاط از وی روایت کرده باشند.[1]

جواب:

اولاً؛ گرچه عطاء بن السائب در آخر عمر مختلط شده بود، ولی باوجودآن، این قدر ضعیف نیست که روایاتش مردود گردد، بلکه نزد محدّثین احادیث او حدّ اقل به درجه‌ی «حسن» هستند، مثلاً:

۱ـ امام هیثمی ما تحت یک روایت می نویسد: «**فِيهِ عطاء بن السَّائِبِ وفِيهِ كلامٌ و هُوَ حَسَنُ الحديثِ**»[2].

ترجمه: در این روایت عطاء بن السائب که متکلم فیه است وجود دارد[ولی] او حسن الحدیث است.

---

۱ ـ هشت رکعت نماز تراویح، ص۱۳.

۲ ـ مجمع الزوائد:۱۴۲/۳، باب التكبير على الجنازة.

۲ـ علامه ذهبی می گوید: « **تابعیٌ مشهورٌ، حسنُ الحدیثِ**.»[1]

ترجمه: او تابعی مشهور و حسن الحدیث است.

۳ـ امام حاکم بعد از نقل روایتی از عطاء بن السائب که جریر بن عبد الحمید روایت کرده است می نویسد: «**صحیح الإسناد**.»[2]

حال آن که سماع جریر [از عطاء بن السائب] بعد از اختلاط است.[3]

[پس] معلوم شد که او با وجود مختلط بودن، حسن الحدیث می باشد.

۴ـ حافظ ابن حجر[رحمه الله] می گوید: «**وکان اختلط بآخره ولم یفحش حتی یستحق ان یعتدل به عن مسلک العدول**.»[4]

ترجمه: عطاء بن السائب درآخر عمر مختلط شده بود اما اختلاطش فاحش نبود که بنابر اختلاط از راه راویان عادل تجاوز کند.

۵ ـ امام مسلم در مقدمه‌ی صحیح مسلم عطاءبن السائب را از راویان طبقه‌ی دوّم و قابل اعتماد شمرده است.[5]

از این رو، او از راویان حسن الحدیث و روایتش به درجه‌ی حسن می باشد.

ثانیاً؛ روایات دیگری که از طریق حضرت حسین و ابو الحسناء وارد شده مؤید آن است، لذا بنابر مؤیدات روایت مذکورحجت و قابل اعتماد است.

۳ـ حضرت ابو الحسناء رحمه الله:

«**عن أَبِی الحَسناءِ: أَنَّ عَلِیّاً أَمَرَ رَجُلاً أن یُصَلِّیَ بِهِم فِی رَمَضَانَ عِشرِینَ رکعةً**.»[1]

---

۱ ـ المغنی فی الضعفاء:۵۹/۲، ترجمه ی شماره:۴۱۲۱.

۲ ـ المستدرک للحاکم:۳۵۰/۵،کتاب التوبة والإنابة.

۳ ـ الشذ الفیاح من علوم ابن الصلاح:۷۵۰/۲.

۴ ـ تهذیب التهذیب:۴۹۳/۴.

۵ ـ مقدمه مسلم:ص۳.

ترجمه:از ابو الحسناء روایت است که حضرت علیﷺ شخصی را امر نمودند که با مردم بیست رکعت تراویح ادا نماید.

فایده: این روایت به درجه‌ی حسن است ودر آن حکم حضرت علی کرّم‌الله‌وجهه[به اقامه‌ی بیست رکعت تراویح] مذکور است.

شبه: غیرمقلدان می گویند: چون ابو الحسناء مجهول العین است لذا این روایت ضعیف می باشد.

جواب:

اولاً؛ نزد احناف جهالت، تدلیس و ارسال خیر القرون جرح نیست، ونزد شوافع این جرح با متابع از بین می رود؛ زیرا در نقل بیست رکعت تراویح از حضرت علیﷺ تنها نیست، بلکه سیدنا امام حسینﷺ وامام ابو عبدالرحمن السلمیﷺ با او شریک می باشند.[۲]

ثانیاً؛ این روایت را از ابوالحسناء دو راوی روایت می کند:

۱ـ عمرو بن قیس.[۳]

۲ـ ابوسعید البقّال.[۴]

وهر دو به ترتیب ثقه وصدوق هستند.[۵]

حافظ بن حجر [ﷺ] می نویسد:

---

۱ ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۲۸۵/۲، السنن الکبری۴۹۷/۲.

۲ ـ تجلیات صفدر:۳۲۸/۳.

۳ ـ مصنف ابن ابی شیبه:۲۸۵/۲.

۴ ـ السنن الکبری للبیهقی:۴۹۷/۲.

۵ ـ تقریب التهذیب:ص۴۵۶،ص۲۹۹.

«مَن رَوَی عنه اکثر مِن واحِدٍ ولم یُوَثَّق، إلیه الإشارةُ بلفظ مستور اومجهول الحال».[1]

ترجمه: کسی که بیش از یک نفر از او روایت نموده وتوثیق نشده است می توان با لفظ مستور ومجهول الحال به او اشاره نمود.

اینجا نیز دو نفر از ابو الحسناء روایت نموده است، لذا اصولاً او مجهول [العین] قرار نمی گیرد بلکه مستور می باشد، لذا او را مجهول العین قرار دادن شرم آور است.

حاصل کلام این که: ابو الحسناء راوی مستور الحالی است، و نزد محدّثین این قاعده وجود دارد که اگر شخص بهتر یا مساوی متابعت مستور بنماید روایت مستور «حسن» می گردد، چنان که حافظ ابن حجر[رحمه الله]می نویسد:

«ومَتی توبِعَ السیءُ الحفظ بمعتبرٍ: کَأَن یکونَ فَوقَهُ أَو مِثلَهُ لاَ دُونَهُ، وکذا المختلط الذی لم یتمیز، والمستور، والإسناد المرسل، وکذا المُدَلَّسُ إذا لم یعرف المحذوفُ منه صارحدیثهم حسناً، لا لِذاتِهِ، بل وَصفُهُ بذالک بإعتبار المجموعِ.»[2]

ترجمه: زمانی که متابعت سیّءُ الحفظ [بدحافظه] به وسیله‌ی راوی معتبری که در مرتبه از او بالاتر یا با او مساوی باشد، وکم تر نباشد صورت گیرد، وهمچنین اگر راوی مختلطی که روایتش تمییز داده نشود، ونیز مستور،مرسل و مدلس تأیید کرده شود، روایات همه‌ی این‌ها به اعتبار مجموع «حسن» [لغیرها] قرار می گیرد نه «حسن لذاتها».

[نظر به ضابطه‌ی مذکور می گوییم:] ابو عبدالرحمن متابعت ابو الحسناء نموده است.[3]

و او از ابوالحسناء در ثقاهت برتر است، لذا این روایت نزد جمهور نیز مقبول می‌باشد.

---

۱ ـ تقریب التهذیب: ص ۱۱۱.

۲ ـ نزهةالنظر فی توضیح نخبة الفکر:ص۲۳۴.

۳ ـ السنن الکبری للبیهقی:۲/۴۹۶.

خلاصه‌ی روایات:

از این روایات، چون روز روشن واضح گردید، که در عهد خلافت حضرت علی ﷺ بر بیست رکعت تراویح مداومت می شد.

بیست رکعت تراویح ودیگر صحابه و تابعین:

قرونی که رسول‌خدا ﷺ خبر از بهتر بودن آن‌ها نسبت به سایر زمان ها داده، قرن صحابه، تابعین وتبع تابعین است[چنان که] امام بخاری از حضرت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه ارشاد رسول خدا ﷺ را نقل نموده که فرمودند:

«خيرُ أُمّتِي قَرنِي ثُمّ الّذين يلونهم ثم الّذين يلونهم.»[1]

ترجمه: بهترین زمان‌ها، زمان من است، سپس زمان متصل به آن، وسپس زمان متصل به آن.

اصحاب کرام رضی الله عنهم شاهدان عینی زندگی رسول خدا ﷺ هستند که لحظه لحظه زندگی شان بر راست گفتاری وصدق مقال آنان گواه است، آنان به هرصورت که رسول خدا ﷺ را دیده بودند همواره برآن پای بند واستوار ماندند. تابعین نیزاقوال و افعال رسول الله ﷺ را از صحابه حاصل نموده و عمر خویش را، به روش زندگی او سپری کردند.

همان طورکه خلفای راشدین در خصوص تراویح عمل می کردند؛ خود نیز بیست رکعت خوانده ودیگران را به آن امر می نمودند، دیگرصحابه و تابعین نیز بیست رکعت ادا می کردند، ذیلاً عمل چند نفر از این شخصیت ها که بیست رکعت تراویح خوانده و یا امامت دیگران را نموده‌اند، تقدیم می گردد:

---

۱ ـ صحيح البخاری:۳۶۲/۱ ،باب فضايل اصحاب النبی صلی الله عليه وسلم.

حضرت عبد الله بن مسعودرضی الله عنه:

او از صحابه‌ی مشهور وقدیم الإسلام است، سعادت وافتخارحمل نعلین[کفش‌های] مبارك رسول خداﷺ را داشت، پیامبر دعا فرمود بود؛ «خدایا! به او فهم دین عطا کن»، حضرت زید بن وهب[درمورد او] می‌گوید:«**كَانَ عبدُ الله بنُ مسعودٍ يُصَلِّي بِنَا فِي شَهرِ رَمَضان فَيَنصَرِفُ و عليهِ لَيلٌ، قالَ الأعمشُ: كان يُصلِّي عشرينَ ركعةً ويُوتر بثلاثٍ.**»[1]

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعودرضی الله عنه در نماز تراویح امامت ما را می نمود وسپس درحالی که شب باقی بود به خانه برمی گشت. اعمش می گوید:

او بیست رکعت تراویح وسه رکعت وتر می خواند.

فایده: سند این روایت در« عمدة القاری» شرح البخاری علامه عینی موجود است که به منظور افاده‌ی بیش تر نقل می گردد: «**رواه محمّد بن نصر المروزی قال: أخبرنا يحيى بن يحيى أخبرناحفصُ بنُ غياثٍ عن الأعمش عن زيد بن وهبٍ قال: كان عبد الله بن مسعودٍ...**»[2]

و این سند طبق شرط بخاری ومسلم صحیح است.

حضرت ابی بن کعبرضی الله عنه:

او از اصحاب جلیل القدر است که رسول اللهﷺ لقب [أَقرَء] بهترین قاری را به او داده بود، در مورد او حضرت حسن بصری رحمه الله ازعبد العزیز بن رفیع رحمه الله روایت می کند:

---

۱ ـ قیام اللیل للمروزی:ص۱۵۷.

۲ ـ عمدة القاری:۲۴۶/۸، باب فضل من قام رمضان.

« كانَ أُبی بن كعبٍ يصلی بالناس فی رمضان بالمدينةِ عشرين ركعةً ويوتر بثلاثٍ.»[۱]

ترجمه: حضرت ابی بن کعبؓ در رمضان بیست رکعت تراویح وسه رکعت وتر با مردم ادا می کرد.

سند این روایت صحیح و همه ی راویان آن ثقه وقابل اعتمادند.

شبه:

اهل حدیث می نویسد: ملاقات عبد العزیز بن رفیعؒ با حضرت ابی بن کعبؓ ثابت نیست، لذا این روایت منقطع می باشد.

جواب: امام عبدالعزیز بن رفیع (م۱۳۰ه) از راویان صحاح سته ومحدثین ثقه‌ی خیر القرون است[۲].

ونزد جمهور به ویژه احناف ارسال و انقطاع مضرّ صحت نیست. (تفصیل قبلاً گذشت) لذا اعتراض باطل است.

حضرت عطاء بن ابی رباحؒ:

او تابعی جلیل القدرو مشهور واز شاگردان حضرت ابن عباس، ابن عمرو، ابن عمر، معاویه و... ؓ می باشد، حدود دویست تن از صحابه را ملاقات نموده است[۳].

او می گوید: **«أَدرَكتُ النَّاسَ وَهُم يُصَلُّونَ ثلاثاً وعِشرِينَ رَكعَةً بِالوِترِ.»**[۴]

ترجمه: من مردم (صحابه و تابعین) را بر ادای بیست رکعت تراویح وسه رکعت وتر یافتم.

---

۱ ـ مصنف ابن ابی شیبه:۲۸۵/۲،کم يصلی فی رمضان من ركعةٍ.

۲ ـ تقریب التهذیب: ص۳۸۹.

۳ ـ تهذیب: ۴۸۸/۴.

۴ ـ مصنف ابن ابی شیبه:۲۸۵/۲.

فایده: سند این روایت مطابق شرط بخاری ومسلم صحیح است.

امام ابراهیم نخعی رحمه الله:

او فقیه مشهور ومفتی نامی کوفه است، امام شافعی می گوید: من از او عالم برتری ندیدم.[۱]

او می فرماید: «**إِنَّ النَّاسَ كَانُوا يُصَلُّونَ خَمسَ تَروِيحاتٍ فی رمضان.**»[۲]

ترجمه: مردم در رمضان پنج ترویحه(بیست‌رکعت)می‌خواندند.

سند این روایت [نیز] مطابق شرط بخاری و مسلم است.

ازاله‌ی چند شبه:

بعضی از غیرمقلدان براین روایت شبهاتی ایراد کرده‌اندکه درذیل برای این که مبلغ علم ایشان مشخص شود، جواب شبهات تقدیم خدمت است.

شبه اوّل:

توثیق یوسف بن ابی یوسف نا معلوم است.

جواب:

اولاً؛ قاعده‌ی [علم] اصول حدیث است که هرگاه نسبت کتاب به صاحب کتاب[نویسنده‌اش] مشهور باشد،نیازی به بررسی راویان ماتحت نیست، علامه ابن

---

۱ ـ تهذیب التهذیب: ۱۸۶/۱.

۲ ـ کتاب الآثاربروایة ابی یوسف:ص۴۱، باب السهو.

حجرمی نویسد: «**لأَنَّ الکتاب المشهور الغنی بشهرته عن اعتبار الإسناد منا إلی مصنفهِ.**»[۱]

ترجمه: کتابی که مشهور است(که نوشته‌ی فلان مصنف است)شهرت آن ما را از نگاه کردن به واسطه‌های بین ما و مصنف بی نیاز می سازد.

لذا سؤال از توثیق باطل است.

ثانیاً؛ علامه قرشی در«الجواهر المضیئة» حالات او را نوشته‌اند که معلوم می‌شود او یک فقیه است وفقیه بودن[خود نوعی] توثیق است.[۲]

شبه دوّم:

برقاضی ابویوسف جرح شده است.

جواب:

اولاً؛ این جرح مردود است[؛ زیرا]از امام ابوحنیفه[رحمه الله] مدح، ثنا، وتوثیق او ثابت است، آنگاه که امام ابویوسف[رحمه الله] بیمارشده وامام ابوحنیفه برای عیادت او تشریف برده بود، فرمود:

«**إن یَمُت هَذَا الفَتَی فَهُوَ اَعلَمُ مَن عَلَیهَا وَ اَومَأَإِلَی الأَرضِ.**» (یعنی؛ اگر این جوان فوت کند(برای علم خسارت است؛زیرا) او بزرگ‌ترین عالم زمین است.

ثانیاً؛ ائمه‌ی جرح وتعدیل درمورد او کلمات و الفاظ زیر را به کار برده‌اند:«**حافظ‌الحدیث**»،«**اثبت‌فی‌الحدیث**»، «**صاحب‌السنة**»، «**افقه‌الفقهاء**»، «**سید الفقهاء**»، «**ثقة**» و...[۱]

---

۱ ـ النکت لابن حجر:ص۵۶.

۲ ـ الجواهر المضیئة:ص۴۳۸ـ۴۳۹.

لهذا جرح نمودن بر او باطل است.

سیدنا شتیر بن شکل رحمه الله:

تابعی نامورى است، که شاگرد حضرت علی رضی الله عنه بوده و از حضرت عبد الله بن مسعود، حضرت ام حبیبه، وحضرت حفصه رضی الله عنهم اخذ روایت نموده است.[۲]

در مورد او روایت شده که: «**أَنَّهُ كانَ يُصَلِّي فِي رمضانَ عشرين ركعةً والوتر.**»[۳]

ترجمه: حضرت شتیر بن شکل در رمضان بیست رکعت تراویح و(سه رکعت) وتر می‌خواند.

فایده: این روایت سنداً به درجه‌ی حسن می‌باشد.

سیدنا ابو البختری رحمه الله:

او شاگرد حضرت ابن عباس، ابن عمر، ابوسعید رضی الله عنهم و... می‌باشد ودر میان اهل کوفه دارای مقام[بلند] علمی‌است، در مورد وی روایت شده که: «**أَنَّهُ كانَ يصلِّي خمس ترويحاتٍ فى رمضان ويُوتِر بثلاثٍ.**»[٤]

ترجمه: او در رمضان پنج ترویحه یعنی؛ بیست رکعت تراویح وسه رکعت وتر می‌خواند.

فایده: این روایت [نیز] به درجه‌ی حسن می‌باشد.

---

۱ ـ حسن التقاضی من سیرة الإمام ابی یوسف القاضی للعلامة الکوثری.

۲ ـ تهذیب التهذیب:۱۳۸/۳.

۳ ـ مصنف ابن ابی شیبه:۲۸۵/۲، باب کم یصلی فی رمضان من رکعةٍ

۴ ـ مصنف ابن ابی شیبه:۲۸۵/۲، باب کم یصلی فی رمضان من رکعةٍ

سیدنا سوید بن غفله رحمه الله:

او تابعی مشهوری است که به زیارت وملاقات با حضرت ابوبکر،عمر، عثمان، علی، ابن مسعود ودیگر اصحاب کرام رضی الله عنهم مشرف شده و از ایشان روایت نموده‌است.[1]

ابوالخصیب در مورد او روایت می‌کند که:«**كَانَ يَؤُمُّنَا سُوِيدُ بنُ غَفَلَة فِي رمضانَ فَيُصَلِّي خمسَ ترويحاتٍ عشرين ركعةً.**»[2]

ترجمه: حضرت سوید بن غفله در رمضان با ما پنج ترویحه یعنی؛ بیست رکعت تراویح می‌خواند.

سیدنا ابن ابی ملیکه رحمه الله:

تابعی مشهوری‌است که به دیدار ۳۰ صحابی مشرف شده‌است.[3]

نافع بن ابن عمر[رضی الله عنهما] در باره‌ی او می‌گوید:«**كَانَ ابنُ أَبِي مليكة يُصَلِّي بِنَا فی رمضان عشرين ركعة.**»[4]

ترجمه: ابن ابی ملیکه در رمضان با ما بیست رکعت ادا می‌کرد.

فایده: این روایت از روی سند مطابق شرط بخاری ومسلم صحیح است.

سیدنا سعید بن جبیر رحمه الله:

او از کبار تابعین است ، از حضرت ابن عباس، ابن زبیر، ابن عمر،عدی بن حاتم و... رضی الله عنهم روایت نموده‌است، در میان اهل کوفه دارای منزلت علمی ممتازی می‌باشد.حجاج بن یوسف او را ظلماً به قتل رساند[1].

---

۱ ـ تهذیب التهذیب:۱۰۷/۳.

۲ ـ السنن الکبری للبیهقی:۴۹۶/۲، باب مارُوِیَ فِی عددِ رکعات القیام فی شهر رمضان.

۳ ـ تهذیب التهذیب۵۵۹/۴.

۴ ـ ۲۸۵/۲، باب کم یصلی فی رمضان من رکعة.

اسماعیل بن عبدالملک درمورد او می‌گویند:«**کان سعیدُ بن جبیریَؤُمُّنا فی شهررمضان فکان یقرأ بالقراءتین جمیعاً یقرأ لیلةً بقراءة ابن مسعودٍ فکان یصلّی خمسَ ترویحاتٍ.**»[۲]

ترجمه: حضرت سعید بن جبیر در رمضان امامت ما را می‌نمود، او دوقراءت می‌خواند: دریک شب قراءت عبدالله بن مسعود رضی الله عنه (ودرشب دیگر قراءت حضرت عثمان رضی الله عنه) را می‌خواند، او رحمه الله پنج ترویحه(یعنی؛ بیست رکعت)می‌خواند.[۱]

سیدنا علی بن ربیعه رحمه الله:

او تابعی مشهور و شاگرد اصحاب جلیل القدری مانند حضرت علی، مغیره بن شعبه، سمره بن جندب رضی الله عنهم است.[۳]

حضرت سعید بن عبید رحمه الله در باره‌ی او می‌فرماید:

«**أَنَّ عَلِيَّ بنِ ربیعةَ کان یصلی بهم فی رمضان خمس ترویحات ویوتر بثلاثٍ.**»[٤]

ترجمه: حضرت علی بن ربیعه رحمه الله در رمضان پنج ترویحه(یعنی؛ بیست رکعت) وسه رکعت وترمی‌خواند.

فایده: سند این حدیث حسن است.

سیدنا حارث رحمه الله:

«**عَنِ الْحَارِثِ رحمه الله أَنَّهُ كَانَ يَؤُمُّ النَّاسَ فِي رَمَضَانَ بِاللَّيْلِ بِعِشْرِينَ رَكْعَةً وَيُوتِرُ بِثَلاَثٍ.**»[٥]

۱ـ تهذیب التهذیب:۶۲۵/۲.

۲ـ مصنف عبدالرزاق:۲۰۴/۴، باب قیام رمضان.

۳ـ تهذیب التهذیب:۵۹۶/۴.

۴ـ مصنف ابن ابی شیبه:۲۸۵/۲، باب کم یصلی فی رمضان من رکعة.

۵ـ مصنف ابن ابی شیبه:۲۸۵/۲، باب کم یصلی فی رمضان من رکعة.

ترجمه: حضرت حارث رحمه الله با مردم در رمضان بیست رکعت تراویح وسه رکعت وتر ادا می‌فرمود.

شاگردان علی مرتضی رضی الله عنه:

سیدنا عبدالرحمن بن ابی بکر، سعید بن ابی الحسن و عمران العبدی رحمهم الله هرسه نفر از شاگردان حضرت علی [رضی الله عنه] بودند، یونس رحمه الله می گوید:

«ادرکت مسجد الجامع قبل فِتنَةِ ابن الاشعث یصلی بِهِم عبدالرحمن بن ابی بکر و سعید بن ابی الحسن وعمران العبدی کانوا یصلون خمس تراویح.»[۱]

ترجمه: قبل از فتنه‌ی ابن اشعث مسجد جامع بصره را دیدم که عبدالرحمن بن ابی بکر، سعید بن ابی الحسن وعمران عبدی با مردم پنج ترویحه(بیست رکعت) ادا می کردند.

خلاصه‌ی روایات:

از این روایات واضح گردید که حضرات صحابه رضی الله عنهم و تابعین کرام رحمهم الله در رمضان بیست رکعت تراویح می‌خواندند.

موقف جمهور علما واجماع امت:

(۱)ـ ملا علی قاری رحمه الله می گوید: **«اجمع الصحابة علی ان التراویح عشرون رکعة.»**[۲]

ترجمه: تمام صحابه رضی الله عنهم بر بیست رکعت تراویح اجماع نموده‌اند.

نیز در «شرح نقایه» می‌نویسد: **«فصار اجماعا لما روی البیهقی باسناد صحیح: انّهم کانوا یقیمون علی عهد عمر بعشرین رکعة وعلی عهد عثمان وعلی رضی الله عنهما.»**[۱]

---

۱ ـ قیام اللیل للمروزی: ص۱۵۸.

۲ ـ المرقات: ۱۹۴/۳.

ترجمه: پس (بر بیست رکعت) اجماع منعقد شد؛ زیرا امام بیهقی ﷫ با سند صحیح روایت نموده‌است که صحابه کرام﷢ در خلافت عمر﷛ بیست رکعت می‌خواندند، همچنین در دوران حضرت عثمان وحضرت علی﷠ نیز[بیست رکعت می‌خواندند.]

۲ـ علامه سید محمّد بن محمّد الزبیدی مشهوربه المرتضی می‌فرماید:

«وبِالإجمَاعِ الَّذِی وَقَعَ فِی زَمَنِ عمرَ أَخَذَ ابوحنیفه والنووی والشافعی واحمد والجمهور وإختاره ابن عبد البرِّ.»[۲]

ترجمه: بنابر اجماعی که در زمان عمر ﷛ منعقد شده بود،امام ابوحنیفه، امام نووی، امام شافعی، امام احمد وجمهور[علما] ﷭ (بیست رکعت تراویح) را اختیارنمودند و همین رأی را علامه ابن عبدالبرّ [﷫] نیز پسندیدند.

۳ـ امام ترمذی ﷫ می‌فرماید: **«و اَکثَرُ اَهلِ العِلمِ علی مَا رُوِیَ عَن عليٍ و عُمَرَ وغیرِهِمَا مِن اَصحَابِ النَّبِیِّ صلی الله علیه وسلّم عِشرِینَ رَکعَةً.»**[۳]

ترجمه: نظر اکثر علما بنابر آنچه از حضرت علی وحضرت عمر﷠ و دیگر اصحاب پیامبر ﷺ روایت شده براین است که [تراویح] بیست رکعت می‌باشد.

۴ـ فقیه مشهور، ملك العلماء علامه ابوبکر کاسانی﷫ در کتاب «بدائع الصنائع» خود، اجماع را با این الفاظ ذکر می‌نماید که: **«والصحیح قول العامة لما روی ان عمررضی الله عنه جمع ابی بن کعب فیصلی بهم فی کل لیلة عشرین رکعةً ولم ینکر علیه احد فیکون اجماعا منهم علی ذلک.»**[٤]

ترجمه: قول عامه‌ی علما صحیح است؛ زیرا روایت شده است که حضرت عمر ﷛

۱ـ ۳۴۲/۱، فصل فی صلاة التراویح.

۲ـ اتحاف السادة المتقین بشرح احیاء علوم الدین: ۴۲۲/۳.

۳ـ سنن الترمذی: ۱۶۶/۱.

۴ـ بدائع الصنائع: ۶۴۴/۱.

مردم را برامامت ابی بن کعبؓ بر بیست رکعت در هرشب متفق نمود وکسی بر اواعتراض نکرد، پس اجماع صحابه بر بیست رکعت واقع گردید.

۵ـ محدّث مشهور علامه ابو زکریایحیی بن شرف نووی دمشقیؒ می گوید: «**اعلم ان صلاة التراویح سُنَّةٌ باتفاق العلماء وهی عشرون رکعةً.**»[۱]

ترجمه: نماز تراویح به اتفاق علما سنت است وآن بیست رکعت می‌باشد.

۶ـ علامه ابن عبد البرّ مالکیؒ می‌گوید: « **و هو قول جمهور العلماء وبه قال الکوفیون والشافعی واکثر الفقهاء و هو الصحیح عن ابی بن کعب من غیر خلاف من الصحابةِ.**»[۲]

ترجمه: بیست رکعت تراویح، قول جمهور علماست و همین قولِ اهل کوفه، امام شافعی، واکثر فقهاء کرام می‌باشد، وهمین با روایت صحیح از حضرت ابی بن کعبؓ ثابت شده وهیچ کس از صحابه کرامؓ اختلاف نکرده‌است.

۷ـ علامه ابن عابدین شامیؒ می‌گوید: (**وهی عشرون رکعةً) هو قول الجمهور و علیه عمل الناس شرقاً وغربا.**[۳]

ترجمه: بیست رکعت [تراویح] قول جمهوراست وعمل تمام مردم شرق وغرب برهمین امر استوار است.

۸ـ استاذ المحدّثین فقیه النفس، قطب الإرشاد حضرت مولانا رشید احمد گنگوهیؒ در رساله‌ی«الحق الصریح» می‌فرماید: الحاصل ثبوت بیست رکعت [تراویح] به اجماع صحابهؓ در آخر زمان حضرت عمرؓ ثابت شد، پس سنت باشد وکسی که از سنت آن‌ها انکار دارد خطاست.[۴]

۱ـ کتاب الأذکار:ص۲۲۶.

۲ـ عمدة القاری شرح صحیح الباری:۲۴۶/۸.

۳ـ ردالمحتار:۴۹۵/۲.

۴ـ الحق الصریح: ص۱۴.

خلاصه این که، بیست رکعت به اجماع صحابه ثابت شده لذا همین سنت است وهرکه منکرسنیّت آن باشد، دچار اشتباه است.

تعداد رکعات تراویح در بلاد اسلامی

بلاد اسلامی آیینه دار تعالیم اسلامی هستند بویژه در عهد مبارک صحابه و تابعینرضی الله عنهم کرشمه‌های آن به طور آشکار نمایان است، وقتی در رمضان به بلاد وشهرهای اسلامی نگاه کنیم، مسلمانان را در حال ادای بیست رکعت تراویح خواهیم یافت، در ذیل تفصیل مختصری از نماز تراویح شهرهای مشهور اسلامی را تقدیم می‌نماییم.

اهل مکه:

۱ـ امام دارالهجره، مالك بن انس رحمه الله می‌فرماید:«**وبِمَكَّةَ بِثَلاَثٍ وعِشرِينَ.**»[۱]

[ترجمه:] درمکه بیست وسه رکعت(بیست تراویح وسه رکعت وتر) خوانده می‌شد.

۲ـ امام عطاء بن ابی رباح رحمه الله تابعی مشهور، شاگرد حضرت ابن عباس، ابن عمررضی الله عنهم و...می‌باشد که با دویست صحابی ملاقات داشته است.[۲]

او اهل مکه است، وی نماز تراویح شهر خود را این‌گونه تذکره می‌فرماید:«**ادرکت الناس وهم یصلون ثلاث وعشرین رکعة بالوتر.**»[۳]

[ترجمه:] من مردم[مکه] را در حال ادای بیست رکعت تراویح و سه رکعت وتر یافتم.

۳ـ فقیه نامور امام محمّد بن ادریس شافعی[رحمه الله] می‌فرماید:

«**هکذا ادرکت ببلدنا بمکة یصلون عشرین رکعة.**»[۴]

۱ـ نیل الأوطار:۵۱۴/۱.

۲ـ تهذیب التهذیب:۴۸۸/۴.

۳ـ مصنف ابن ابی شیبه:۲۸۵/۲، باب کم یصلی فی رمضان منرکعة.

۴ـ جامع الترمذی: ۱۶۶/۱.

[ترجمه:] من درشهرمان مکه، مردم را بر ادای بیست رکعت[تراویح] یافتم.

اهل مدینه:

این حقیقت مسلّمه‌ای است که در عهد فاروقی صورت اجتماعی تراویح، درشهرمدینه به عنوان پایتخت خلافت راشده آغاز شده بود، وهمان‌گونه که تفصیل آن گذشت در عهد صدیقی وعثمانی نیز درمدینه منوره بیست رکعت تراویح خوانده می‌شد.

۱ـ حضرت ابن ابی ملیکه تابعی مشهوری است که با۳۰ تن از صحابه ملاقات نموده‌است[۱].

نافع بن ابن عمر در مورد او می‌فرماید:«**کان ابن ابی ملیکة یصلی بنا فی رمضان عشرین رکعةً.**»[۲]

[ترجمه:] حضرت ابن ابی ملیکه با ما در رمضان بیست رکعت ادا می‌فرمود.

۲ـ حضرت داود بن قیس اهل مدینه و محدّث و حافظ مشهوری است، می‌فرماید:«**ادرکت الناس بالمدینة فی زمن عمر بن عبدالعزیز وابان بن عثمان یصلون ستا وثلاثین رکعةً ویوترون بثلاث.**»[۳]

[ترجمه:] در زمان خلافت عمر بن عبد العزیز وابان بن عثمان مردم را دیدم که سی و شش رکعت(تراویح) وسه رکعت وتر ادا می‌کردند.

در این مورد که اهل مدینه چگونه[وچرا] سی وشش رکعت ادا می‌کردند، امام جلال الدین سیوطی رحمه الله می‌گوید:« **تشبیهاً بِأهلِ مکّةَ حیث کانوا یطوفون بین کل ترویحتین طوافا ویصلون رکعتیهِ ولایطوفون بعدالخامسةِ فاراد اهل المدینةِ مساواتهم**

۱ـ تهذیب التهذیب: ۵۵۹/۳.

۲ـ مصنف ابن ابی شیبه:۲۸۵/۲، باب کم یصلی فی رمضان من رکعةٍ.

۳ـ مصنف ابن ابی شیبه:۲۸۵/۲، باب کم یصلی فی رمضان من رکعةٍ.

فجعلوا مکان کل طواف اربع رکعات.»[۱]

ترجمه: اهل مدینه برای مشابهت با اهل مکه سی وشش رکعت اختیار نمودند؛ زیرا آنان پس از هر چهار رکعت، طواف کعبه می‌کردند، و بعد از ترویحه پنجم طواف نمی‌کردند. لذا به جای طواف، در هر ترویحه چهار رکعت نفل می‌خواندند.

گویا رکعات اضافی جزو تراویح نبود، بلکه از قبیل نوافل در میانی بود وتراویح فقط بیست رکعت بود.

اهل کوفه:

کوفه از شهرهای اسلامی‌است که در عهد فاروقی درسال هفدهم هجری به فرمان امیر المؤمنین رضی الله عنه تعمیر گردید. شخصیتی همچون فقیه امت حضرت عبد الله بن مسعود، صحابی عظیم المرتبه‌ی رسول‌خدا صلی الله علیه وسلم جهت تعلیم وتدریس به آنجا اعزام گردید. حضرت علی رضی الله عنه آن‌را دار الخلافه قرار داد، زمانی فرا رسید که در این شهرچهار هزار طلبه‌ی حدیث وچهارصد فقیه وجود داشت. امام بخاری رحمه الله می‌فرماید: نمی‌توانم بشمارم که چند بار برای طلب حدیث به کوفه رفتم.(ملخصاً از مقدمه‌ی نصب الرایة للکوثری)

فقیه مشهور کوفه حضرت ابراهیم بن یزید نخعی [رحمه الله] می گوید: «**النّاسُ کانوا یصلون خمس ترویحاتٍ فی رمضان.**»[۲]

[ترجمه:] مردم(صحابه وتابعین) در ماه رمضان پنج ترویحه(یعنی؛ بیست رکعت) می‌خواندند.

۲ـ تابعی مشهورسعید بن جبیر رحمه الله که از اصحاب جلیل القدری مانند ابن عباس وابن عمر و غیره رضی الله عنهم علم حاصل کرده بود ودر شهرکوفه[توسط حجاج بن یوسف] به

---

۱ ـ الحاوی للفتاوی:۳۳۶/۱.

۲ ـ کتاب الآثار:ص ۴۱.

شهادت رسید، در رابطه با او منقول است که:

«عن إسماعیل بن عبد الملك قال كان سعيد بن جبير يؤمنا في شهر رمضان فكان يقرأ بالقراءتين جميعا يقرأ ليلة بقراءة بن مسعود فكان يصلي خمس ترويحات.»[۱]

ترجمه: حضرت سعید بن جبیر در رمضان امامت می‌نمود، او دو قراءت می‌خواند: دریک شب با قراءت ابن مسعود(ودر شب دیگربا قراءت حضرت عثمان)پنج ترویحه(یعنی؛ بیست رکعت) ادا می کرد.

۳ـ حضرت شتیر بن شَکَل شاگرد حضرت علی رضی الله عنه وساکن کوفه بود،در مورد وی روایت شده‌است که:

«أَنَّهُ كَانَ يُصَلِّي فِي رَمَضانَ عِشرِينَ رَكعَةً والوترَ.»[۲]

ترجمه: حضرت شتیر بن شکل در رمضان بیست رکعت تراویح وسه رکعت وتر می خواند.

۴ـ حضرت حارث همدانی شاگرد حضرت علی وابن مسعود رضی الله عنهم بود، وی بسال ۵۶هـ درکوفه درگذشت، در مورد او روایت است که:

«أَنَّهُ كانَ يَؤُمُّ النّاسَ فی رَمَضَانَ باللَّيلِ بِعِشرِينَ رَكعَةً و يُوتِرُ بِثَلاَثٍ.»[۳]

ترجمه: حضرت حارث همدانی [رحمه الله] در شب‌های رمضان با مردم بیست رکعت تراویح وسه رکعت وتر ادا می کرد.

۵ ـ تابعی مشهور امام سفیان ثوری ساکن کوفه بود که بسال ۱۶۱هـ وفات یافت، [امام ترمذی در مورد او می‌فرماید:]

«قال الترمذی رحمه الله: رُوِیَ عَن عُمَرَ وعليٍ و غَيرِهُما مِن أصحابِ النَّبیِّ صلی الله علیه وسلم عشرین رکعةً وهو قول الثوری.»[۴]

---

۱ ـ مصنف عبدالرزاق:۲۰۴/۴، باب قیام رمضان.

۲ ـ مصنف ابن ابی شیبه:۲۸۵/۲، باب کم یصلی فی رمضان من رکعةٍ.

۳ ـ مصنف ابن ابی شیبه۲۸۵/۲، باب کم یصلی فی رمضان من رکعةٍ.

۴ ـ جامع الترمذی:۱۶۶/۱.

ترجمه: امام ترمذی می‌گوید: (موقف اکثر علما بیست رکعت تراویح است، همان‌گونه که] از حضرت عمر وعلی ﷺ وافراد دیگری از اصحاب رسول‌خدا ﷺ روایت شده و نظر سفیان ثوری نیز همین است.

اهل بصره:

حضرت یونس بن عبید[ﷺ] که شاگرد حضرت حسن بصری و امام ابن سیرین واستاد سفیان ثوری و شعبه [ﷺ] است، می‌گوید:

«اَدرَکتُ مسجِدَ الجامعِ قَبلَ فِتنَةِ ابنِ الأشعثِ یصلی بهم عبدالرحمن بن ابی بکر وسعید بن ابی الحسن وعمران العبدی کانوا یصلون خمس تراویح.»[1]

ترجمه: من قبل از فتنه‌ی ابن الأشعث در مسجدجامع بصره مردم را دیدم که حضرت عبدالرحمن بن ابی بکر، سعید بن ابی الحسن وعمران عبدی ﷺ در پنج ترویحه(یعنی؛ بیست رکعت) آنان را امامت می‌کردند.

ائمه اربعه ﷺ و بیست رکعت تراویح

کار تدوین وحفاظت سنت‌های پاک رسول‌خدا ﷺ و روش‌های مقدّس خلفای راشدین ﷺ را آن‌گونه که ائمه‌ی اربعه ﷺ با جامعیت وتفصیل به انجام رساندند، نصیب دیگری از افراد امت نشده‌است، از این رو تمام امت بر اساس راهنمایی‌های آنان برسنت‌های پاک عمل پیرا [بوده و] هستند. وهمه‌ی ائمه‌ی اربعه قایل به بیست رکعت تراویح بودند که تفصیل آن تقدیم خدمت می‌باشد.

امام اعظم ابوحنیفه نعمان بن ثابت ﷺ:

امام اعظم ابوحنیفه ﷺ و تمام مقلدین او قایل به بیست رکعت تراویح هستند.

---

۱ ـ قیام اللیل للمروزی: ص۱۵۸.

۱ـعلامه ابن رشد در کتاب مشهور« بدایة المجتهد» می‌نویسد:

«فإختار... ابوحنیفة... القیام بعشرین رکعة سوی الوتر.»[1]

[ترجمه:] امام ابوحنیفه رحمه الله بیست رکعت تراویح علاوه برسه رکعت وتر را اختیار نمودند.

۲ـ امام قاضی خان حنفی[رحمه الله] درفتاوی خود می‌نویسد:

«عن ابی حنیفة قال: القیام فی شهر رمضان سنة... کلّ لیلةٍ سوی الوتر عشرین رکعةً خمسَ ترویحات.»[2]

[ترجمه:] امام ابوحنیفه رحمه الله می‌فرماید: درهر شب بیست رکعت یعنی؛ پنج ترویحه به غیر از وتر سنت است.

۳ـ علامه ابن عابدین شامی محقق عظیم فقه حنفی رحمه الله می‌فرماید: **(قوله: و عشرون رکعة) وهو قول الجمهور وعلیه عمل النّاس شرقاً وغرباً.**[3]

[ترجمه:] بیست رکعت[تراویح] قول جمهور است وبر همین قول مردم دنیا در شرق و غرب عامل هستند.

امام مالک بن انس رحمه الله:

طبق یک قول، امام مالک بیست رکعت [تراویح] را مستحسن فرموده‌است، علامه ابن رشد می گوید:

«واختار مالک فی احد قولیه... القیام بعشرین رکعةً.»[4]

[ترجمه:] امام مالک در یکی از دو قول خود بیست رکعت تراویح را اختیار نمودند.

---

۱ ـ بدایة المجتهد: ۲۱۴/۱.

۲ ـ فتاوی قاضی خان:۱۱۲/۱.

۳ ـ رد المحتار: ۴۹۵/۲.

۴ ـ بدایة المجتهد:۲۱۴/۱.

قول دیگرش سی وشش رکعت است، که بیست رکعت آن تراویح وشانزده رکعت نفل است، [همان طور که]تفصیل آن گذشت.

امام محمّد بن ادریس شافعی رحمه‌الله:

او که یکی از چهار امام مشهوراست، می‌فرماید:

«اَحَبُّ إِلَیَّ عشرون...... وکذلک یقومون بمکّة.»[۱]

[ترجمه:] من بیست رکعت تراویح را می پسندم، ودر مکه نیز بیست رکعت می‌خوانند.

درجایی دیگر می‌فرماید:

«وهکذا اَدرَکتُ ببلدنا بمکة یصلّون عشرین رکعةً.»[۲]

[ترجمه:] من درشهرخود، مکه [مکرمه] مردم را بر ادای بیست رکعت یافتم.

دانشمند معروف شافعی، محقق عصر امام نووی دمشقی می‌فرماید:

«إعلَم أَنَّ صلوة التراویح سنةٌ بإتفاقِ العلماءِ وهیَ عشرونَ رکعةً.»[۳]

[ترجمه:] تراویح به اتفاق علما سنت است وآن بیست رکعت می‌باشد.

امام احمد بن حنبل رحمه‌الله:

او[نیز] قایل به بیست رکعت تراویح بود، چنان‌که ترجمان ممتاز فقه حنبلی حضرت امام ابن قدامه رحمه‌الله می‌نویسد:

«وَالمُختَارُ عِندَ ابی عبدالله (احمد بن حنبل) فیها عشرونَ رکعة وبهذا قال الثوری وابوحنیفة والشافعی.»[۴]

ترجمه: طبق قول مختار، امام احمد رحمه‌الله قایل به بیست رکعت تراویح بودند، ومذهب امام سفیان ثوری، امام ابوحنیفه وامام شافعی[رحمهم‌الله] نیز همین است.

۱ـ قیام اللیل:ص۱۵۹.

۲ـ جامع الترمذی:۱۶۶/۱، باب ما جاء فی قیام شهر رمضان.

۳ـ کتاب الأذکار:ص۲۲۶.

۴ـ المغنی:۸۰۲/۱

مشایخ عظام [رحمهم الله] و بیست رکعت تراویح

مشایخی که درامت مسلمه[اسلامی] گذشته‌اند، عمل، اخلاق، و حسن رفتار آنان برای امت قابل اتباع وپیروی است، از نگاه بر زندگی ایشان پی می‌بریم که آن‌ها نیز بر بیست رکعت تراویح عمل می‌کردند که دلیل هدایت و رشد است.

۱ـ شیخ ابو حامد محمّد غزالی (م۵۰۵ هـ) رحمه الله:

[او می‌فرماید:] «**التراویح وهی عشرون رکعة و کیفیتها مشهورة وهی سنة مؤکدة.**»[۱]

ترجمه: تراویح بیست رکعت و طریقه‌ی [ادای] آن مشهوراست، وآن سنت مؤکده می‌باشد.

۲ـ شیخ عبدالقادر جیلانی[م ۵۶۱هـ] رحمه الله:

او عالم بی بدیل همه‌ی علوم وفنون اسلامی، وامام مشهور تصوف وسلوك است، وی در کتاب مشهور«غنیةالطالبین»خویش می‌نویسد:

«**صلوة التراویح سنة النبی وهی عشرون رکعة.**»[۲]

[ترجمه:] نماز تراویح سنت نبی اکرم صلی الله علیه وسلم وبیست رکعت است.

۳ـ شیخ امام عبد الوهاب شعرانی(م۹۳۷ هـ) رحمه الله:

او محدث و فقیه ودر سلسله‌ی تصوف دارای مقام ویژه‌ای‌است، در کتاب شهیر« المیزان الکبری» خویش می‌نگارد:

«**التراویح فی شهر رمضان عشرون رکعةً.**»[۳]

ترجمه: نماز تراویح در رمضان بیست رکعت است.

۱ـ احیاء العلوم: ۱۲۳/۱.

۲ ـ غنیة الطالبین: ص۲۶۸،۲۶۷.

۳ـ [المیزان الکبری:](ص۱۵۳.

حرمین شریفین و بیست رکعت تراویح:

در دو حرم مقدس اسلام؛ حرم مکی ومدنی در طول چهارده قرن خواندن کم‌تر از بیست رکعت تراویح ثابت نشده‌است، بلکه عمل متوارث و متواتر[حرمین شریفین زادهما الله عزّاً وشرفاً] بیست رکعت بوده، چنان‌که مدرس مشهور مسجد النبی و قاضی سابق مدینه[منوره] شیخ عطیه سالم در مورد تاریخ چهارده سده‌ی تراویح در مسجد نبوی کتاب مستقلی به نام«التراویح اکثرمن الف عام» تألیف کرده و اثبات نموده است که بیست رکعت تراویح عمل متواتر است وکم‌تر از آن ثابت نیست.[همچنین] دانشگاه «اُمُّ القری» مکه‌ی مکرمه رساله‌ای از شیخ محمّدعلی صابونی استاد دانشکده«الشریعة والدراسات الإسلامیة» به نام «الهدی النبوی الصحیح فی صلوة التراویح» منتشرنموده که مصنف در آن بیست رکعت تراویح از عهد خلافت راشده تا زمان حکومت سعودی درمکه و مسجد الحرام را اثبات نموده‌است.

خلاصه کلام:

از احادیث و آثار مذکور، عمل حضرات صحابه‌ﷺ و تابعین و اقوال ائمه‌ی مجتهدین ﷺ امور ذیل مستفاد می‌شود:

(۱)ـ آن‌حضرتﷺ مردم را به قیام رمضان بسیار ترغیب نموده، خودش نیز تراویح می‌خواند،[چنان‌که] سه شب جماعت برگزارفرمود، وآن‌را برای امّت مسنون قرار داد.

(۲)ـ بیست رکعت تراویح از رسول‌خداﷺ ثابت است همان‌طور که از احادیث حضرت عبد الله بن عباس و حضرت جابر بن عبد الله ﷺ ظاهر می‌شود؛ زیرا این روایات به دلیل تلقی بالقبول امت، «صحیح لغیره» هستند.

(۳)ـ پس از آنحضرتﷺ، از میان خلفای راشدین حضرت عمرﷺ بر آن مداومت و امت را بر بیست رکعت متفق فرمود، در حضور همه‌ی مهاجرین وانصارﷺ اجماع

منعقد گردید، در زمان حضرت عثمان وحضرت علی ﷺ نیز بیست رکعت خوانده می‌شد.

(۴)ـ دیگر صحابه‌ی کرام ﷺ و تابعین نیز قایل به بیست رکعت و عامل برآن بودند.

(۵)ـ ائمه‌ی اربعه و پیروان‌شان نیز پیوسته تا به امروز بیست رکعت ادا نموده‌اند، گویا این عمل متوارث و متواتر است.

(۶)ـ در بلاد اسلامی به ویژه مکه‌ی مکرمه، مدینه‌ی منوره، بصره، و کوفه بیست رکعت[تراویح] جریان داشته است.

(۷)ـ مشایخ وبزرگان امت اسلامی بربیست رکعت عامل و پای بند بوده‌اند.

(۸)ـ در طول چهارده قرن درمراکز اسلام یعنی؛ حرمین شریفین همواره بیست رکعت خوانده‌شده وتا به امروز در بهار رمضان مبارک بیست رکعت بپا داشته می‌شود.

حقیقت دیدگاه و شبهات غیر مقلدان

خوانندگان محترم! شما در صفحات گذشته ملاحظه فرمودید که نماز تراویح بیست رکعت است، ولی غیر مقلدان با ترک عمل متوارث بر هشت رکعت بسنده می‌کنند، ما به توفیق خدا به نقد وبررسی موقف و دلایل ایشان خواهیم پرداخت.

دلیل اوّل:

غیر مقلدان روایت حضرت عائشه رضی الله عنها را با تمام زور وشور ارایه می‌کنند که ازآن هشت رکعت تراویح ثابت می‌شود، خلاصه‌ی روایت این‌که؛ باری حضرت سلمه بن عبدالرحمن از حضرت عائشه رضی الله عنها پرسیدند: نماز رسول الله صلی الله علیه وسلم در رمضان چگونه می‌بود؟ حضرت عائشه رضی الله عنها در جواب فرمودند:

«مَاكَانَ رسُولُ اللهِ صلی الله علیه وسلم يَزِيدُ فِي رمضان ولاَ فی غيره علی إحدی عشرةَ ركعةً، يُصَلِّي اربعاً فلا تَسئَل عَن حُسنِهنَّ و طُولِهِنَّ ثُمَّ يصلّی اربعاً فَلاَ تَسئَل عَن حُسنِهنَّ و طُولِهِنَّ ثُمَّ يُصَلِّي ثَلاَثاً.»[1]

[یعنی؛] ایشان در رمضان وغیر رمضان بیش از یازده رکعت نمی‌خواند؛ نخست چهار رکعت ادا می‌فرمود، نپرس که چه زیبا وچقدر طولانی بودند، سپس چهار رکعت دیگر می‌خواند، نپرس چه زیبا وطولانی بودند، آنگاه سه رکعت(وتر) ادا می‌فرمود.

جواب اوّل:

استدلال از این روایت برای اثبات هشت رکعت تراویح باطل است؛زیرا:

---

۱ ـ صحیح البخاری.

۱ـ درآن ذکر یازده رکعت در رمضان وغیر رمضان آمده‌است، در صورتی که‌تراویح فقط در رمضان خوانده می‌شود، نه در غیر رمضان.از جمله‌ی« **مَاكَانَ رسُولُ اللهِﷺ يَزِيدُ فِي رمضان ولاَ في غيره على إحدى عشرةَ ركعةً**» همین مطلب مفهوم می‌شود. لذا از این صاف واضح است که مراد ازآن، نمازی‌است که در رمضان وغیر رمضان بپا داشته می‌شود، وآن نماز تهجد است.(توضیح بیش‌تر در[صفحات بعد] خواهد آمد.)

۲ـ دراین روایت ذکرخواندن یازده رکعت انفراداً وجود دارد، نه با جماعت، حال آن‌که تراویح با جماعت خوانده می‌شود.

۳ـ در این چهار رکعت بایک سلام مذکور است درحالی‌که تراویح، هر دو رکعت با یک سلام خوانده می‌شود.

جواب دوّم:

نزد محدثین نیز این حدیث مربوط به نماز تراویح نیست؛ زیرا عموماً محدثین برای نماز تهجد عنوان« باب قیام اللیل» وبرای تراویح عنوان«باب قیام رمضان» قائم می کنند.

در ذیل جدولی بدین منظور تنظیم می‌شود که بین نماز تراویح وتهجد فرق است و کسانی که آن‌ها را یک می‌پندارند، بنابر کم دانشی خویش سخت در اشتباه‌اند.

ملاحظه فرمایید:

نام کتاب	باب التهجد	باب تراویح
صحیح بخاری	باب فضل قیام اللیل	باب فضل من قام رمضان
صحیح مسلم	باب صلوة اللیل	باب الترغیب فی قیام رمضان وهو التراویح
سنن ابی داؤد	باب فی صلوة اللیل	باب قیام شهر رمضان
جامع ترمذی	باب فی فضل صلوة اللیل	باب ما جاء فی قیام شهر رمضان
سنن نسائی	کتاب قیام اللیل	ثواب من قام وصام

سنن ابن ماجه	باب ما جاء فی قیام اللیل	باب ما جاء فی قیام شهر رمضان
مؤطاامام مالك	باب فی صلوة اللیل	باب فی قیام رمضان
مؤطاامام محمد	باب فی صلوة اللیل	باب قیام شهر رمضان
مشکوةالمصابیح	باب فی صلوة اللیل	باب قیام شهر رمضان
ریاض‌الصالحین	باب فضل قیام اللیل	باب استحباب قیام رمضان وهو التراویح
صحیح ابن حبان	فضل قیام اللیل	فصل فی التراویح
مجمع الزوائد	باب فی صلوة اللیل	قیام رمضان
سنن کبری‌للبیهقی	باب فی صلوة اللیل	باب فی قیام شهر رمضان
جمع الفوائد	صلوة اللیل	قیام رمضان و التراویح و غیر ذلک
قیام اللیل للمروزی	باب فی صلوة اللیل	قیام رمضان
بلوغ المرام	صلوة التطوع	قیام رمضان

محدثین حدیث حضرت عائشه رضی الله عنها را در باب صلوة اللیل(یعنی؛ باب تهجد) ذکر نموده‌اند.

به جدول زیر توجه فرمایید!

نام کتاب	باب
صحیح بخاری	۱۵۴/۱، کتاب التهجد
صحیح مسلم	۲۵۴/۱، باب صلاة اللیل وعدد رکعات النبی ﷺ فی اللیل
سنن ابی داؤد	۱۸۹/۱،باب صلاة اللیل
جامع ترمذی	۹۸/۱،باب صلاة اللیل
مؤطا امام مالك	ص۹۹،باب فی صلاة اللیل
سنن النسائی	۲۳۷/۱، کتاب قیام اللیل
زاد المعاد لابن القیم	ص۱۲۵، قیام اللیل

ذکر این روایت توسط محدثین در قیام اللیل(یعنی؛ باب تهجد) دلیل روشنی است بر این که مربوط به نماز تهجد است نه نماز تراویح.

اعتراض بر جواب دوّم:

از این که امام بخاری این حدیث را در باب«**فضل من قام رمضان**» [نیز] آورده وامام محمّد درباب «**قیام شهر رمضان**» ذکرفرموده، معلوم می‌شودکه آن در مورد تراویح است.

جواب: امام بخاری و امام محمّد[رحمهما الله] این روایت را در باب تهجد، وقیام رمضان و... بدین جهت آورده‌اند تا ثابت کنندکه تهجد همان‌گونه که در غیر رمضان خوانده می‌شود، در رمضان نیز خوانده می‌شود.

فایده: خود غیر مقلدین نیز بر این حدیث عمل نمی‌کنند؛ زیرا در آن ذکر سه رکعت وتر در رمضان وغیر رمضان وجود دارد، ولی آن‌ها یک رکعت وتر می‌خوانند.

دلیل دوّم:

غیر مقلدان برای اثبات هشت رکعت تراویح این دلیل را نیز ارایه می کنند:

«**عن جابر بن عبدالله قال: صلی بنا رسول الله صلی الله علیه وسلم فی شهر رمضان ثمان رکعاتٍ و اوتر، فلمّا کانت القابلة اجتمعنا فی المسجد و رجونا أن یخرج، فلم نزل فیه حتی اصبحنا ثم دخلنا فقلنا یارسول الله إجتمعنا البارحة فی المسجد و رجونا أن تصلی بنا فقال: إنّی خشیتُ أن یکتب علیکم.**»[1]

ترجمه: حضرت جابر رضی الله عنه می‌فرماید: رسول خدا صلی الله علیه وسلم دریکی ازشب‌های رمضان با ما هشت رکعت تراویح وسه رکعت وتر ادا فرمودند، چون شب دوّم شد، ما

---

۱ ـ المعجم الصغیر للطبرانی.

در مسجد جمع شدیم و امیدوار بودیم که رسول‌خداﷺ تشریف بیاورند، به همین انتظار تا صبح ماندیم، چون رسول‌خداﷺ تشریف آورد عرض نمودیم: ای رسول‌خدا! دیشب ما به این امید جمع شده بودیم که شما امامت نمایید،آن‌حضرتﷺ فرمود: من از این بیم داشتم که برشما فرض شود(از این جهت نیامدم).

همین روایت در صحیح ابن خزیمه، صحیح ابن حبان،و قیام اللیل للمروزی نیز آمده‌است.

جواب:

درکتب مذکوره، این روایت از دو طریق آمده‌است:

۱ـ اسحاق ـ ابوالربیع ـ یعقوب قمی ـ عیسی بن جاریه ـ جابر بن عبد الله.

۲ـ محمّد بن حمید الرازی ـ یعقوب قمی ـ عیسی بن جاریه ـ جابر بن عبد الله.

در هر دو طریق، راویان ذیل مجروح هستند:

عیسی بن جاریه:

عیسی بن جاریه تنها راوی این روایت از حضرت جابرؓ می‌باشد، مدار بر اوست، در حاشیه‌ی ابن خزیمه در مورد او نوشته شده که:«**عیسی بن جاریة فیه لینٌ**.»[۱]

ترجمه: در عیسی بن جاریه ضعف وجود دارد.

محدّثین دیگری نیز بر او جرح نموده‌اند:

۱ـ امام یحیی بن معین؛ «**لیس بذاک،عنده مناکیر**.» (این شخص قوی نیست، او روایات منکری دارد.)

۲ـ امام نسائی؛« **منکر الحدیث**.»(منکر الحدیث است.)

۱ـ صحیح ابن خزیمه:۵۳۱/۱.

۳ـ امام ابوداؤد؛ «**منکر الحدیث**.»(منکر الحدیث است.)

۴ـ امام نسائی؛ «**متروک الحدیث**.» (متروک الحدیث است.)

۵ ـ امام ابن عدی؛ «**احادیثه غیر محفوظة**». (احادیث او محفوظ نیستند.)

۶ـ امام ساجی؛ او را از ضعفاء شمردند.

۷ـ امام عقیلی؛ او را از ضعفاء شمردند.[1]

یعقوب قمی:

این راوی در هر دو طریق وجود دارد، اسمش یعقوب بن عبد الله القمی و راوی مجروحی است، امام دارقطنی می‌فرماید:«**لیس بالقوی**.»[2]

ترجمه: این در حدیث، قوی نیست.

[لذا] این روایت ضعیف و متروک، در مقابل روایات صحیح حجّت نیست.

دلیل سوّم:

«**حدثناعبد الأعلی حدثنا یعقوب بن عیسی بن جاریة حدثنا جابر بن عبد الله قال: جاء ابی بن کعب إلی رسول الله ﷺ فقال: یارسول الله! إن کان منّی اللیلة شیءٌ یعنی فی رمضان قال: وما ذاک یا ابی قال: نسوة فی داری قلن انا لانقرأ القرآن فنصلی بصلاتک، قال: فصلیتُ بهنّ ثمان رکعاتٍ ثم اوترتُ قال: فکان شبه الرضا ولم یقل شیئاً**.»[3]

ترجمه: حضرت ابی بن کعب رضی الله عنه به خدمت رسول‌خدا ﷺ عرض نمود: ای رسول‌خدا! امشب یعنی؛ در رمضان مسأله‌ای برایم پیش آمد، پیامبر ﷺ فرمود: ای ابی!

---

۱ ـ میزان الإعتدال:۳۱۲/۳، تهذیب التهذیب: ۱۹۲/۵،۱۹۳.

۲ ـ میزان الإعتدال:۱۷۸/۵.

۳ ـ مسند ابی یعلی.

آن چیست؟ حضرت ابیس عرض نمود: زنان در خانه‌ی من بودند، گفتند: ما نمی توانیم قرآن بخوانیم؛ از این جهت ما پشت سر تو نماز می‌خوانیم، لذا من هشت رکعت و وتر را با آن‌ها ادا نمودم، این به منزله‌ی رضا بود[؛چون] پیامبرص چیزی نفرمود.

جواب اوّل:

در سند این روایت، همان عیسی بن جاریه ویعقوب القمی که سخت مجروح و ضعیف‌اند، قرار دارند، در صفحات گذشته پیرامون جرح آن‌ها سخن گفتیم، لذا این روایت بنابر ضعیف شدید قابل احتجاج نیست.

جواب دوّم:

از جمع نمودن طرق مختلف این حدیث، قرائن زیادی بر مضطرب بودن آن به دست می‌آید.

۱ـ این روایت در سه کتاب آمده است، در مسند امام احمد اصلاً ذکری از رمضان به میان نیامده، ودر مسند ابی یعلی لفظ «**یعنی رمضان**» موجود است، معلوم می‌شود که فهم راوی است نه لفظ حدیث، ودر قیام اللیل للمروزی لفظ «**فی رمضان**» مذکوراست که یقیناً ادراج یکی از روایان بعدی می‌باشد، وقتی لفظ «**فی رمضان**» مدرج شد چگونه با تراویح مرتبط می‌شود؟!

۲ـ از مسند ابی یعلی و قیام اللیل للمروزی چنان معلوم می‌شود که صاحب واقعه خود ابی بن کعبس می‌باشد، درحالی‌که الفاظ روایت مسند احمد بدین قرار است که: «**عن جابر عن ابی بن کعبٍ قال جاء رجلٌ إلی النبیص** ...».(یعنی؛ حضرت جابر از حضرت ابی روایت می‌کند که مردی به محضر رسول‌خداص حاضر شد...) از آن بر می‌آید که این داستان مربوط به شخص دیگری است نه حضرت ابی بن کعبس.

۳ـ بالاتر از همه این که، کسی که هشت رکعت ادا نموده بود می گوید: «**إِنَّهُ كان منّی اللیلة**» (امشب از من این کار سرزد) یا «**عملتُ اللیلة عملاً**» (من امشب کاری انجام دادم) معلوم می‌شود که فقط همان شب هشت رکعت خوانده بود، قبل از آن، هشت رکعت معمول نبود، از این رو گفت: من کار تازه‌ای انجام دادم به همین خاطر رسول اللهﷺ سکوت فرمود، شخصی که خودش کار خود را عجیب می‌پندارد سرزنش وملامتش لازم نیست.

دلیل چهارم:

روایت سائب بن یزید است که حضرت عمررضی الله عنه به ابی بن کعب و تمیم داری رضی الله عنهم دستور داد که با مردم یازده رکعت ادا کنند.(مؤطا امام مالک)

جواب اوّل:

نقل کنندگان تراویح عهد فاروقیرضی الله عنه به قرار ذیل‌اند:

ردیف	راوی	تعداد رکعات	مأخذ
۱	السائب بن یزید	تفصیل خواهد آمد	....
۲	یزید بن رومان	۲۳(با وتر)	مؤطا امام مالک
۳	عبد العزیز بن رفیع	۲۰	مصنف ابن ابی شیبه
۴	ابی بن کعب	۲۰	مسند احمد بن منیع
۵	یحیی بن سعید	۲۰	مصنف ابن ابی شیبه
۶	محمّد بن کعب القرظی	۲۰	قیام اللیل للمروزی
۷	حسن بصری	۲۰	سنن ابی داؤد

همه‌ی این افراد بیست رکعت تراویح روایت نموده‌اند، امّا تفصیل روایت سائب بن یزید به قرار ذیل است: سائب بن یزید دارای سه شاگرد است:

ردیف	راوی	تعدادرکعات	مأخذ
۱	یزید بن خصیفه	۲۰	السنن الکبری
۲	حارث بن عبد الرحمن ابی ذهاب	۲۳(با وتر)	مصنف‌عبدالرزاق
۳	محمّد بن یوسف	تفصیل آن بعداً می‌آید	.....

از این تفصیل واضح گردید که از میان سه شاگرد سائب بن یزید، یزید بن خصیفه بیست و حارث بن عبدالرحمن بیست وسه رکعت(با وتر) روایت می‌کنند، البته محمّد بن یوسف در دو مورد اختلاف نموده‌است.

۱ـ یزید بن خصیفه و حارث بن عبد الرحمن ابی ذهاب تعداد قاریان[پیشنمازان] را ذکر نکرده‌اند، امّا محمّد بن یوسف می‌گوید: آن‌ها دو نفر یعنی ابی بن کعب و تمیم داری رضی الله عنهم بودند.

۲ـ دو راوی اوّل، بیست رکعت تراویح نقل نموده‌اند، ولی محمّد بن یوسف [سه قول] یازده، سیزده وبیست ویک رکعت نقل نموده‌است.

تفصیل شاگردان محمّد بن یوسف به شرح زیر است:

ردیف	راوی	تعدادرکعات	مأخذ
۱	امام مالك	۱۱	مؤطاامام مالك
۲	یحیی بن سعید القطان	۱۱	مصنف ابن ابی شیبه
۳	عبدالعزیز بن محمّدالدَّرَاوَردِی	۱۱	سعید بن ابی منصور
۴	محمّد بن اسحاق	۱۳	قیام‌اللیل للمروزی
5	داؤد بن قیس وغیره	۲۱	مصنف عبدالرزاق

از این واضح گردید که بیانات پنج شاگرد محمّد بن یوسف در خصوص تعداد رکعات و کیفیت آن متفاوت است:

۱ـ سه شاگرد اول یازده رکعت، محمّد بن اسحاق سیزده وشاگرد پنجم [یعنی] داؤد بن قیس بیست ویک رکعت نقل نموده‌است.

۲ـ در روایت امام مالک رحمه الله حکم به اقامه‌ی یازده رکعت موجود است، ولی ذکری از عمل نیست، در روایت یحیی بن سعید القطان رحمه الله ذکری از حکم وجود ندارد، در روایت عبد العزیز بن محمّد رحمه الله یازده رکعت مذکور است ولی نه حکمی ذکرشده ونه نامی از ابی بن کعب و تمیم داری رضی الله عنهما به میان آمده‌است، در روایت محمّد بن اسحاق سیزده رکعت ذکر شده ولی نه ذکر حکم ونه نامی از حضرت ابی بن کعب و تمیم داری رضی الله عنهما برده شده است، ودر روایت داؤد بن قیس حکم موجود است، امّا به جای یازده رکعت بیست و یک رکعت آمده‌است.

خلاصه این که؛ روایت محمّد بن یوسف به شدّت مضطرب است.

اضطراب در متن، موجب ضعف می‌باشد، [چنان که محدّثین تصریح نموده‌اند که: «**الإِضطِرابُ یُوجِبُ ضعفَ الحدِیثِ**.»[1]

ترجمه: اضطراب روایت را ضعیف می کند.

لذا این روایت ضعیف است.

جواب دوّم:

عمل خود امام مالک رحمه الله خلاف این است، علامه ابن رشد رحمه الله می‌نویسد: «**وإختار مالک فی احد قولیه.... القیام بعشرین رکعة**.»[2]

[ترجمه:] امام مالک دریکی از دو قول خویش بیست رکعت را اختیار نموده‌است.

۱ـ تقریب النووی مع شرحه التدریب: ص۲۳۴.

۲ـ بدایة المجتهد: ۲۱۴/۱.

وقاعده‌ی اصول حدیث است که عمل راوی برخلاف روایت خود، دلیل ساقط [الإعتبار] بودن آن حدیث است.[۱]

جواب سوّم:

عمل راویِ حدیث سائب بن یزید نیز بر خلاف روایت است؛ زیرا با سند صحیح از ایشان منقول است که می گفت:

«**كُنَّا نَقُومُ فِي زَمَانِ عُمَرَ بنِ الخَطَّابِ بِعِشرِينَ ركعةً والوترِ.**»[۲]

ترجمه: ما در زمان حضرت عمرؓ بیست رکعت تراویح و وتر می‌خواندیم.

فایده: چون این روایت برخلاف مرویات تمام راویان است، از این جهت علما در مورد آن دو موقف اختیار نمودند:

۱ـ ترجیح ۲ـ تطبیق.

ترجیح: این روایت(یعنی؛ یازده رکعت) وهم راوی و مرجوح قرار داده شده است، چنان‌که ابن عبدالبرّ رحمه الله می نویسد:

«**انَّ الأغلب عندی انّ قوله احدی عشرة وهمٌ.**»[۳]

ترجمه: نزد من غالب(راجح) این است‌که قول راوی«**احدی عشرة**» (یازده رکعت) وهم است.

تطبیق: برخی سعی درتطبیق نموده‌اند، مثلاً:

۱ـ علامه بدر الدین عینی رحمه الله:

«**لَعَلَّ هذا مِن فِعلِ عمراولاً ثُمَّ نَقَلَهُم إِلَی ثلاثٍ وعشرين.**»[٤]

---

۱ ـ المنار مع شرحه نور الانوار:ص ۱۹۰.

۲ ـ معرفة السنن والآثار للبيهقی: ۲/ ۳۰۲، کتاب الصلوة.

۳ ـ الزرقانی شرح مؤطا:۲۱۵/۱.

۴ ـ عمدة القاری:۲۴۶/۸.

ترجمه: ممکن است این(یازده رکعت) نخستین عمل حضرت عمرﷺ باشد که پس ازآن به بیست وسه رکعت(بیست رکعت تراویح وسه رکعت وتر)منقل شد.

۲ـ ملاعلی قاری رحمه الله:

«وجمع بینهما بانه وقع اولاً (ای احدی عشرة رکعة فی زمان عمر) ثم إِستَقَرَّ الأَمرُ علی العِشرِینَ فإنّه المتوارث.»[1]

ترجمه: درمیان روایات این گونه نیز می‌توان تطبیق داد که این [یعنی؛ یازده رکعت] در ابتدای امر بود، سپس بر بیست رکعت استقرار یافت؛ زیرا همین عمل در میان امت متوارث ومتواتراست.

۳ـ علامه محمّد بن علی النیموی رحمه الله:

«وجَمَعَ البَیهَقِیُّ بَینَهُمَا کانوا یَقُومُونَ بِإِحدَی عَشرَةَ ثُمَّ قامُوا بِعِشرِینَ وَ اَوتَرُوا بِثَلاَثٍ وَ قَد عَدُّوا مَا وَقَعَ فِی زَمَنِ عُمَرَکَالإِجمَاعِ.»[2]

ترجمه: امام بیهقی رحمه الله به این صورت تطبیق نموده‌اند که(ممکن است) ایشان ابتدا یازده رکعت می‌خواندند، وسپس بر بیست رکعت تراویح وسه رکعت وترعمل نمودند، وآنچه در زمان حضرت عمرﷺپیش آمد آن‌را به منزله‌ی اجماع شمردند.

---

۱ ـ المرقاة علی المشکوة: ۱۹۴/۳.

۲ ـ حاشیة آثار السنن:ص ۲۲۱.

چند مسأله‌ی متفرقه پیرامون تراویح

مسأله‌ی رکعات تراویح:

سؤال: نماز تراویح چند رکعت است؟

جواب: تراویح بیست رکعت است، [بنابر] احادیث مندرج ذیل:

[۱ـ] **«عَن ابنِ عبَّاسٍ: أَنَّ رَسُولَ اللهِﷺ كَانَ يُصَلِّى فِى رَمَضَانَ عِشرِينَ رَكعَةً وَالوِترَ.»**[۱]

ترجمه: از ابن عباسؓ مروی است که پیامبرﷺ در رمضان بیست رکعت(تراویح) و وتر را می‌خواندند.

[۲ـ] **«عَن جَابِرِ بنِ عَبدِاللهِ قَالَ: خَرَجَ النَّبِىُّﷺ ذَاتَ لَيلَةٍ فِى رَمَضَانَ فَصَلَّى النَّاسَ اَربَعَةًو عِشرِينَ رَكعَةً وَ اَوتَرَ بِثَلاثَةٍ.»**[۲]

ترجمه: حضرت جابر بن عبد اللهؓ می‌گوید: رسول اللهﷺ دریک شب رمضان تشریف آورده با مردم چهار رکعت(فرض) بیست (تراویح) وسه رکعت وتر ادا فرمودند.

[۳ـ] **«عَن اُبَىِّ بنِ كَعبٍ أَنَّ عُمَرَ بنِ الخَطَّابِ اَمَرَ اُبَىَّ بنَ كَعبٍ أَن يُصَلِّىَ بِاللَّيلِ فِى رَمَضَانَ فَصَلَّى بِهِم عِشرِينَ رَكعَةً.»**[۳]

ترجمه: حضرت ابی بن کعبؓ می‌گوید: حضرت عمر بن خطابؓ به او دستور دادند که درشب‌های رمضان نماز (تراویح) بخواند، لذا او با آن‌ها بیست رکعت(تراویح) ادا می‌فرمود.

۱ـــ مصنف ابن ابی شیبه:۲۸۴/۲، باب کم یصلی فی رمضان من رکعةٍ، المعجم الکبیر للطبرانی:۴۳۳/۵، شماره:۱۱۹۳۴، المنتخبُ من مسندعبدِ بنِ حُمَید:ص۲۱۸، شماره:۶۵۳ .

۲ـ تاریخ جرجان للسهمی:ص۳۱۷، فی نسخةٍ ۱۴۲.

۳ـ مسند احمد بن منیع به نقل از اتحاف الخیرةِ المهرةِ:۴۲۴/۲.

[۴ـ] «عَن السَّائِبِ بنِ يَزِيدَ قَال: كَانُوا يَقُومُونَ عَلَى عَهدِ عُمَرَ بنِ الخَطَّابِ رضی الله عنه فِي شَهرِ رَمَضَانَ بِعِشرِينَ رَكعَةً وَ كَانوا يَقرَءُونَ بِالمِئِينِ، و كانوا يَتَوَكَّؤُنَ على عصِيِّهِم فِي عَهدِ عُثمَانَ بنِ عَفَّانَ رضی الله عنه مِن شِدَّةِ القِيَامِ.»[1]

ترجمه: حضرت سائب بن یزید رضی الله عنه می‌فرماید: صحابه وتابعین در زمان حضرت عمر رضی الله عنه بیست رکعت تراویح (با جماعت) می‌خواندند، وامام [شان] سوره‌های «مئین»[یعنی؛] صدآیه‌ای را قرائت می کرد ومردم در زمان عثمان رضی الله عنه بنابر طول قیام بر عصاهای خویش تکیه می‌زدند.

[۵ـ] «عَن زيدِ بنِ عَليٍّ عن ابيهِ عن جدّه عن عَلِيٍّ رضی الله عنه أَنَّهُ اَمَرَ الَّذِى يُصَلِّى بالنَّاسِ صلاةَ القيامِ فى شهرِ رمضان أن يصلّىَ بِهِم عشرينَ ركعةً يُسَلِّمُ فى كلِّ ركعتينِ و يُرَاوِحَ مَا بَينَ كُلِّ اَربَعِ ركعات.»[2]

ترجمه: حضرت زید از پدرش امام زین العابدین رحمه الله و او از پدرش حسین رضی الله عنه و او از پدرش علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت می کند که حضرت علی رضی الله عنه به امامی که مأمور اقامه‌ی نماز تراویح بود، فرمود: با مردم بیست رکعت به این صورت ادا کند که برهر دو رکعت سلام بگرداند وبرهرچهار رکعت برای استراحت به اندازه‌ای که فرد نیازمند از حاجتش فارغ شده و وضوبگیرد، وقفه نماید، وسپس وتر را بخواند.

[۶ـ] حضرت زید بن وهب می گوید:

«كانَ عبدُ اللهِ بنِ مسعودٍ يُصَلِّى بِنَا فى شهرِ رمضانَ فَيَنصَرِفُ و عليهِ اللَّيلُ ، قال الأعمشُ: كان يصلّى عشرين ركعةً و يُوتِرُ بثلاثٍ.»[3]

---

۱ ـ السنن الکبری للبیهقی:۴۹۶/۲،باب ما رُوِیَ فی عدد رکعات القیام فی شهر رمضان.

۲ ـ مسند الإمام زید:ص۱۵۸.

۳ ـ قیام اللیل للمروزی:ص۱۵۷.

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعودﷺ در ماه رمضان امامت ما را انجام داده، هنوز شب باقی بود که به خانه‌اش برمی‌گشت. راوی حدیث امام اعمش می‌گوید: او بیست رکعت تراویح و سه رکعت وتر می‌خواند.

اجماع امت:

۱ـ ملا علی قاری رحمه الله می‌نویسد: **«اَجمَعَ الصَّحَابَةُ على أنَّ التَّراويحَ عشرونَ رَكعةً.»**[۱]

ترجمه: تمام صحابه اجماع نمودند براین که تراویح بیست رکعت است.

۲ـ محدث[بزرگ] علامه ابو زکریا یحیی بن شرف الدین نووی رحمه الله می گوید: **«إعلَم أَنَّ صَلاَةَ التَّرَاوِيحَ سُنَّةٌ بِإتِفَاقِ العُلَمَاءِ وَهِيَ عِشرُونَ رَكعَةً.»**[۲]

ترجمه: بدان که تراویح به اتفاق علما سنت است وآن بیست رکعت می‌باشد.

تسبیح تراویح:

سؤال: خواندن تسبیح بعد از هر چهار رکعت، چه حکمی دارد؟ وآیا خواندن تسبیح ثابت است؟

جواب: اصل مسأله در فقه حنفی این است که نماز گزار درمیان دو ترویحه اختیار دارد که تسبیح گوید، یا حمد و ثنا[ی خداوند] نماید، واگرخواست سکوت نموده ودر انتظار رکعات بعدی بنشیند، به چند تصریح [از فقهاء] توجه فرمایید:

۱ـ **«قوله: وَيَجلِسُ بينَ كُلِّ تَروِيحَتَينِ مِقدَارَ تَروِيحَةٍ وذلک مُستَحَبٌّ، وَ هُم بالخيار فی ذلک الجلوس؛ إن شاءُوا يُسبِّحُونَ أَو يُهَلِّلُونَ أَو يَنتَظِرُونَ سكوتاً.»**[۳]

۱ـ مرقاة‌المفاتیح: ۳/۳۴۶، باب قیام شهر رمضان، الفصل الثالث.

۲ـ کتاب الأذکار: ص۲۲۶، باب اذکار صلاةِ التراویح.

۳ـ الجوهرةُ النیّرةُ: ص۳۸۵.

ترجمه: واین مستحب است که بعد از هر چهار رکعت بنشیند، ونمازگزاران اختیار دارندکه در این نشست تسبیح یا تهلیل گویند ویا ساکت وخاموش در انتظار رکعات بعدی بمانند.

۲ـ «والإنتظار بين كلّ ترويحتين مستحبٌّ بقدر ترويحةٍ عند ابى حنيفه رحمه الله وعليه عمل أهل الحرمين، غير أنَّ أهل مكّةَ يطوفونَ بين كلّ ترويحتين أسبوعاً، وأهل المدينةِ يُصلون بدل ذلک اربع ركعاتٍ، وأهل كُلِّ بلدةٍ بالخيارِ يُسَبِّحُونَ أو يهللون أو ينتظرون سكوتاً.»[1]

ترجمه: نزد امام ابوحنیفه رحمه الله در میان هردو ترویحه قدری انتظار نمودن مستحب است، و عمل اهل حرمین[شریفین نیز] بر این است، با این تفاوت که اهل مکه در این اثنا هفت بار طواف می‌کنند، ولی اهل مدینه به جای آن چهار رکعت نفل ادا می‌نمایند، و اهالی هر شهر اختیار دارند که در این نشست تسبیح گویند یا **لاإله إلا الله**، ویا سکوت محض بنمایند.

تذکر: انتظارکشیدن بعد از هر چهار رکعت واستراحت نمودن تنها مسأله‌ی مربوط به فقه حنفی نیست، بلکه از عمل خلیفه‌ی راشد[حضرت علی رضی الله عنه نیز] ثابت است، چنان که در روایت وارد شده‌است:

«حدثنى زيدِ بنِ عَلىٍّ عن ابيهِ عن جدّه عن عَلِيٍّ رضی الله عنه أَنَّهُ اَمَرَ الَّذِى يُصَلِّى بالنَّاسِ صلاةَ القيامِ فى شهرِ رمضان أن يصلّىَ بِهِم عشرينَ ركعةً يُسَلِّمُ فى كلِّ ركعتينِ و يُرَاوِحَ مَا بَينَ كُلِّ اَربَعِ ركعات فيرجع ذو الحاجةِ و يَتَوضأ وأن يوتر بهم من آخر الليل حين الإنصراف.»[2]

ترجمه: حضرت زید از پدرش امام زین العابدین رحمه الله و او از پدرش حسین رضی الله عنه و او از پدرش علی بن ابی طالب رضی الله عنه روایت می کند که حضرت علی رضی الله عنه به امامی که مأمور

---

۱ ـ المحيط البرهانى:۱۸۱/۲.

۲ ـ مسند الإمام زيد:ص۱۵۹،۱۵۸.

اقامه‌ی نماز تراویح بود، فرمود: با مردم بیست رکعت به این صورت ادا کند که برهر دو رکعت سلام بگرداند وبرهرچهار رکعت برای استراحت به اندازه‌ای که فرد نیازمند از حاجتش فارغ شده و وضوبگیرد، وقفه نماید، وسپس وتر راآخر شب زمان بازگشت بخواند.

از توضیح گذشته معلوم شدکه در اثنای این نشست، هم می‌توان تسبیح [وتهلیل]گفت وهم سکوت نمود، وتسبیح متداول امروزی را نیز می‌توان خواند، به شرط این که آن را ضروری ندانند. امّا در خصوص فضیلت آن، الفاظ وارده در کتب حدیث بدین قرار است:

«إنَّ لِلهِ بَحراً من نور،حوله ملائکةٌ من نورٍ، علی خیلٍ من نورٍ،بأیدیهم حرابٌ من نورٍ، یسبّحون حَولَ ذلک البحرِ؛ سبحان ذی الملکِ والملکوت،سبحان ذی العرشِ والجبروت، سبحان الحیِّ الّذی لا یموتُ،سبّوحٌ قُدُوسٌ ربِّ الملائکةِ والروح، فَمَن قالَهَا فی یومٍ أو شهرٍ أوسنةٍ مرّةً، أو فی عمره غَفَرَ اللهُ له ما تقدّم من ذنبهِ وما تأخّر ولو کانت ذنوبه مثل زبدِ البحرِ، أو مثل رملِ عالجٍ، أوفرّ منَ الزحفِ»(الدیلمی عن انس.)[1]

[ترجمه: خداوند دریایی از نور دارد که دور و برش فرشتگانی از نور، و براسب‌های نورانی هستند، و نیزه‌هایی از نور به دست گرفته،گردآن دریا خدا را تسبیح می‌گویندکه؛ پاک است صاحب ملك و ملکوت، پاك ومنزه‌است صاحب عرش وجبروت،پاك است همیشه زنده‌ای که نمی‌میرد، بسیار منزه و مقدّس است پروردگار(عامه‌ی) فرشتگان و جبرئیل. هرکه این تسبیح را روزانه، یا در ماه، یا در سال ویا در عمرش بگوید خداوند گناهان گذشته و آینده‌ی او را گرچه به اندازه‌ی کف دریا، یا به مقدار ریگ‌های حجاز باشد، ویا از جنگ گریخته باشد، مغفرت می‌کند.]

---

۱ ـ جمع الجوامع أو الجامع الکبیر للسیوطی: حدیث شماره:۱۵۸۷.

امام نووی رحمه الله بر کسانی که جملهی«**اللّهُمَّ اَجِرنِی مِنَ النَّارِ**» انکار کردهاند، ردّ بلیغ نموده وآنرا ثابت از سنت قرار دادهاست[1].

فایده: گنجایش تغییر صیغهی الفاظ دعا وجود دارد، همانگونه که اندک اضافه در الفاظ تلبیه، از عبد الله بن عمر رضی الله عنهما درکتب حدیث منقول وثابت است.

ختم قرآن در تراویح:

سؤال: ختم قرآن در تراویح شرعاً چه حیثیتی دارد؟ آیا میتوان بیشتر از یک بار قرآن را در تراویح ختم نمود؟

جواب: یک ختم کامل قرآن در تراویح سنت، وتارک آن، تارک سنت است، اما بیشتر از یک ختم موجب سعادت ثواب است.

«عَنِ الحَسَنِ قَالَ: مَن اَمَّ النَّاسَ فی رمضان فَلیَأخُذ بِهِمُ الیُسرَ فَإن کانَ بَطِیءَ القِرَاءةِ فَلیَختِمِ القُرآنَ خَتمَةً و إن کانَ بَینَ ذلک، فَخَتمَةً ونِصفاً، وإن کانَ سَریعَ القراءةِ فَمَرَّتَینِ.»[2]

ترجمه: حضرت حسن بصری رحمه الله میگوید: هرکه در رمضان امامت مردم را میکند باید آنها را به مسیرآسانی ببرد، اگر قرائتش کند است یک ختم واگر متوسط است یک ختم ونیم واگر سریع است دوختم بنماید.

قال الإمام الفقیه محمّد بن علی الحصکفی رحمه الله: (والختم) مرّةً سُنَّةٌ ومَرَّتَینِ فَضِیلَةٌ وثلاثاً اَفضلُ (ولا یترک) الختمُ (لکسل القوم.)[3]

ترجمه: امام محمّد بن علی خصکفی رحمه الله میگوید: یک بار در تراویح ختم قرآن سنت، دوبار فضیلت وسه بار افضل است، وبه خاطر سستی قوم آن را ترک نکند.

۱ـ الأذکار للنووی:ص۳۸۴.

۲ـ مصنف ابن ابی شیبه:۲۲۲/۵،باب فی صلاة رمضان.

۳ـ الدر المختار للخصکفی:۶۰۱/۲، کتاب الصلاة، مبحث صلاة التراویح.

السُنَّةُ فی التراویح إنّما هو الختمُ مرّةً فلا یُترَکُ لِکَسلِ القَومِ.[1]

ترجمه: یک بار ختم قرآن در تراویح سنت است وبه خاطر سستی مردم ترک نشود.

قرائت قرآن از روی [مصحف] در تراویح:

سؤال: آیا قراءت قرآن در نماز تراویح از روی مصحف جایز است؟

جواب: در تراویح قرائت قرآن از روی مصحف جایز نیست؛

«**عن ابن عبّاسٍ قال: نَهَانَا أَمِیرُ المُؤمنین عمرُ أن نَؤُمَّ النَّاسَ فی المصحفِ.**»[2]

ترجمه: حضرت ابن عباس﷜ می‌فرماید: امیرالمؤمنین عمر بن خطاب﷜ ما را از این که به وقت امامت از روی قرآن نگاه کنیم، منع فرمود.

«**عَن مُجَاهِدٍ أَنَّهُ کَانَ یَکرَهُ أن یَؤُمَّ الرَّجُلُ فِی المُصحَفِ.**»[3]

ترجمه: امام مجاهد﵀ناپسند می‌نمود که امام از روی مصحف قرائت نماید.

امامت نابالغ:

سؤال: آیا می‌توان پشت سر نا بالغ تراویح ادا نمود؟

جواب: ادای تراویح به امامت نا بالغ [بنابر دلایل زیر] جایز نیست:

[۱ـ] «**عن ابن عبّاسٍ قال: نَهَانَا أَمِیرُ المُؤمنین عمرُ أن نَؤُمَّ النَّاسَ فی المصحفِ و نَهَانَا أن یَؤُمَّنَا إلاَّ المُحتَلِمُ.**»[4]

۱ـ فتاوی عالمگیری: ۱۳۰/۱، فصلٌ فی التراویح.

۲ـ کتاب المصاحف لابن ابی داؤد:ص۷۱۱،باب هل یؤم القرآنَ.

۳ـ مصنف ابن ابی شیبه:۸۹/۵ باب من کرهه(ای الإمامةَ بالقراءة فی المصحف.

۴ـ کتاب المصاحف لابن ابی داؤد:ص۷۱۱، باب هل یؤم القرآنَ.

ترجمه: حضرت ابن عباسﷺ می‌فرماید: امیرالمؤمنین عمربن خطابﷺ ما را از این که به وقت امامت از روی قرآن نگاه کنیم، ویا نابالغی امام ما بشود، منع فرمود.

[۲ـ] «**عن ابنِ مسعودٍﷺ قال: لاَ يَؤُمُّ الغُلاَمُ حتَّى تجب عليهِ الحُدُودُ.**»[۱]

ترجمه: ابن مسعودﷺ می‌فرمود: بچه تا زمانی که به حدّی که بتوان بر او حدّ اجرا کرد، نرسد امامت نکند.

اجرت تراویح:

سؤال: آیا برای حافظ قرآن معاوضه گرفتن جایز است؟ تعیین مبلغ چطور؟ و اگر مقتدی‌ها با رضایت خود، هدیه‌ای به امام دهند، جایز است یاخیر؟

جواب: نظرمحققان اکابرما ومفتیان مستند عصر حاضر براین است که شرعاً معاوضه گرفتن بابت تراویح جایز نیست، و همچنین تعیین مبلغ برای امامت تراویح نارواست. البته اگر حافظی که برای الله در تراویح امامت کند، پیدا نشود امامِ تراویح را به عنوان نایب امام قرار داده، یک و دو نماز بر ذمه او بگذارند وبرای او حقوق معقولی درنظر بگیرند[اشکالی ندارد] واگر امامت تراویح را خود امام مسجد انجام می‌دهد، افزودن مبلغی به حقوق او جایز است؛ زیرا اجرت امامت [نمازهای پنج گانه] را جایز قرار داده‌اند، امام باید نیت رضای خدا را نموده، نه مبلغی تعیین کند ونه قصد گرفتن معاوضه داشته باشد، ولی اگر مقتدی‌ها هدیه‌ای به او دادند، گرفتن آن جایزاست. والله اعلم بالصواب

---

۱ ـ نيلُ الأوطارللشوكانى:۱۷۶/۳، باب ماجاء فى امامة الصبىِّ.

آیا بعض ائمه‌ی حنفی قایل به هشت رکعت تراویح بوده‌اند؟

سوال: امروزه از غیر مقلدان شنیده می‌شود که بعض علما حنفی نیز قایل به هشت رکعت تراویح بوده‌اند، که درمیان آن‌ها علمای برجسته‌ای امثال امام اعظم ابوحنیفه، امام ابن همام،علامه ابن نجیم حنفی، امام طحاوی،ملا علی قاری،علامه عبدالحی لکهنوی، امام سیوطی،علامه انورشاه کشمیری رحمهم الله و... نام می‌برند وبطور دلیل به عبارات ذیل تمسک می‌نمایند، مثلاً در مورد امام اعظم رحمه الله این مدرک را ارایه می‌دهند:

۱ـ «**عن ابی حنیفة رحمه الله عن ابی جعفر ان صلوة النبی صلی الله علیه وسلم باللیل کانت ثلٰث عشرة رکعة منهن ثلاث رکعات الوتر و رکعتا الفجر.**»[1]

ترجمه: امام ابو حنیفه رحمه الله از امام ابوجعفر رحمه الله نقل می کند که نماز رسول‌خدا صلی الله علیه وسلم سیزده رکعت می‌بودکه شامل سه رکعت وتر ودو رکعت سنت فجر نیز می‌شد.

۲ـ در مورد امام ابن همام رحمه الله می گویند: امام ابن همام از روایت ام المؤمنین عایشه صدیقه رضی الله عنها نتیجه گیری نموده است:

فتحصل من هذا كله أن قيام رمضان سنة إحدى عشرة ركعة بالوتر في جماعة فعله صلی الله علیه وسلم.[2]

[ترجمه:]حاصل بحث این که نماز تراویح به همراه وتر یازده رکعت باجماعت سنت است، رسول‌خدا صلی الله علیه وسلم همین قدرنماز تراویح ادا نموده است.«**قال ابن همام: إنَّ ثَمَانِيَةَ رکعاتٍ سنةٌ مُؤَکَّدةٌ.**»[3]

[ترجمه: ابن همام رحمه الله می گوید: هشت رکعت سنت مؤکده می‌باشد.]

۳ـعلامه ابن نجیم مصری حنفی رحمه الله در کتاب«البحر الرائق»می‌فرماید:

---

۱ ـ مسند امام اعظم:ص۱۸۷، باب التهجد.

۲ ـ فتح القدیر شرح هدایه:۳۳۴/۱، طبع مصر.

۳ ـ العرف الشذی:۱۶۶/۱.

«قد ثبت ان ذلک کان احدی عشرة رکعةً بالوتر کما ثبت فی الصحیحین من حدیث عائشة فیکون المسنون علی اصول مشائخنا ثمانیةً منها.»[۱]

[ترجمه: ثابت شده که تراویح با وتر یازده رکعت است، همان‌گونه که از حدیث عائشه رضی الله عنها در صحیحین به دست می‌آید، لذا طبق اصول مشایخ ما هشت رکعت آن مسنون است.]

۴ـ امام طحطاوی نیز در «در مختار» مانند ابن همام نوشته است.

۵ ـ ملاعلی قاری حنفی رحمه الله می‌گوید: **«إعلم أنّه لم یوقت رسول الله ﷺ فی التراویح عدداً معیناً بل لا یزید فی رمضان ولا فی غیره علی احدی عشرة رکعةً.»**[۲]

[ترجمه: بدان که رسول‌خدا ﷺ در تراویح عددی را معین ننموده، بلکه در رمضان وغیر رمضان بیش ازیازده رکعت نمی‌خواندند.]

۶ـ علامه سیوطی رحمه الله می‌گوید: **«وکان النبیّ ﷺ قیامه باللیل و وتره یصلی باللیل فی رمضان وغیره احدی عشرة رکعةً.»**[۳]

[ترجمه: قیام رسول‌الله ﷺ درشب و وتر او در رمضان وغیر رمضان یازده رکعت بود.]

علامه سیوطی رحمه الله [درجایی دیگر] می‌فرماید: **«لم یثبت أنّه ﷺ صلّی عشرین رکعةً والوجه الثانی أنّه ثبت فی صحیح البخاری وغیره أنَّ عائشة سُئِلَت عن قیام رسول الله ﷺ فی رمضان فقالت: ماکان یزید في رمضان ولا فی غیره علی احدی عشرة رکعةً.»**[۴]

[ترجمه: ثابت نشده که پیامبر علیه السلام بیست رکعت بخواند، و وجه دوّم این‌که درصحیح بخاری وغیره ثابت شده ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها از قیام رسول‌خدا ﷺ در

---

۱ ـ البحر الرائق:۲/۶۶.

۲ ـ مرقاة شرح مشکوة.

۳ ـ

۴ ـ المصابیح فی صلاة التراویح:ص۶۰۳.

رمضان سؤال شد، فرمود: پیامبرﷺ در رمضان وغیرآن بیش‌تر از یازده رکعت نمی‌خواند.]

۷ـ مولانا عبدالحی لکهنوی رحمه الله می نویسد: بیش از هشت رکعت تراویح و سه رکعت وتر با جماعت از رسول اکرمﷺ نقل نشده، تا بر امت فرض نشود.[1]

۸ ـ سید محمّد انور شاه کشمیری حنفی رحمه الله می‌فرماید: ازحضرت عائشه رضی الله عنها همین ثابت است که تراویح رسول‌خداﷺ هشت رکعت بود. «**ولامناص من تسلیم أن تراویحه** علیه السلام **کانت ثمانية رکعاتٍ**.»[2] [یعنی؛ گریزی نیست که بپذیریم تراویح آن‌حضرت علیه السلام هشت رکعت بوده است.]

۹ـ مولانا اشفاق الرحمن کاندهلوی رحمه الله در«کشف الغطاء» تعلیق مؤطا مالک ص۹۶ می‌نویسد: «**قال الکرمانی: إتفقوا علی أن المراد بقیام رمضان صلوة التراویح.**» (کرمانی می گوید: به اتفاق مراد ازقیام رمضان نماز تراویح است. «**ماجاء فی قیام شهر رمضان ویسمّی التراویح کما تقدّم قال الکرمانی: إتفقوا علی أن المراد بقیام رمضان التراویح وبه جزم النووی و غیره.**»[3]

این همان منابعی است که برمبنای آن می گویند: علمای حنفی نیز قایل به هشت رکعت تراویح هستند، با توجه به منابع مذکور آیا واقعاً نظر این حضرات همین بوده است که در بالا بیان گردید؟

السائل: کاشف احمد، گجرات

الجواب بعون الوهاب:

خداوند به شما پاداش نیکو بخشد و همواره توفیق وابستگی به اهل حق، اهل سنت وجماعت عطا کند. شما درسؤال حضراتی را نام برده‌اید که یقیناً از اهل سنت

---

۱ ـ مجموعه فتاوی: ۳۵۴/۱.

۲ ـ العرف الشذی:۱۰۱/۱،۱۶۶.

۳ ـ کشف الغطاء:ص۹۷.

وجماعت و با جمهور علما متفق هستند. خداوند ارتباط ما را با آنان قائم و دائم بفرماید.

۱ـ مسلک امام اعظم ابوحنیفه رحمه الله:

حدیثی که از سیده عائشه صدیقه رضی الله عنها درمسند امام اعظم رحمه الله نقل شده در مورد نماز تهجد است نه نماز تراویح، در خودحدیث الفاظ «**صلاة النبيِّ صلی الله علیه وسلم بالليل**» وجود داردکه معنی آن، این است نماز رسول‌خدا صلی الله علیه وسلم درشب سیزده رکعت می‌بود، ومراد از نمازشب تهجد است یعنی؛ نمازتهجد آن‌حضرت صلی الله علیه وسلم به همراه وتر سیزده رکعت می‌بود.

الفاظ «**صلاة النبيِّ بالليل**» دلیل واضحی است بر این‌که امام رکعات تهجد را ثابت می‌نماید نه نماز تراویح را.

مناسب است که برای شما مسلک خود امام رحمه الله نقل کرده شود، تا سخن کاملاً روشن و آشکارگردد. در «کتاب الآثار» ابویوسف روایت شده است:

«**ابوحنيفة عن حمّاد عن ابراهيم أَنَّ النَّاسَ كانوا يُصَلُّونَ خمسَ ترويحاتٍ فی رمضان.**»[1]

ترجمه: ابوحنیفه از حماد و او از ابراهیم روایت نموده که مردم در رمضان پنج ترویحه یعنی؛ بیست رکعت می‌خواندند.

در«فتاوی قاضی‌خان»آمده‌است: **التراويح سنةٌ مؤكّدةٌ للرجال والنساء توارثها الخلف عن السلف من لدن تاريخ رسول الله صلی الله علیه وسلم إلى يومنا وهكذا روى الحسن عن ابى حنيفه رحمه الله أنها سنةٌ لاينبغى تركها .... قد واظب عليها الخلفاءالراشدون رضى الله عنهم وقال عليه السلام : عليكم بسنتى وسنة الخلفاء من بعدى.**»[2]

۱ـ[کتاب الآثار لأبی یوسف: ۴۱/۱، رقم الحدیث: ۲۱۱.]

۲ـفتاوی قاضی خان بر هامش فتاوی عالمگیریه:۳۳۲/۱.

ترجمه: نماز تراویح برای مردان و زنان سنت مؤکده است، از زمان رسول اکرمﷺ تا به امروز اخلاف(بعدی‌ها) از اسلاف(قبلی‌ها) آن‌را به وراثت بردند. وهمچنین حسن از ابوحنیفه‌رحمه الله روایت نموده که بدون تردید تراویح سنت [مؤکده] وترک آن نامناسب است، سپس می‌نویسد:

«مقدار التراویح عند اصحابنا والشافعی رحمه الله ماروی الحسن عن ابی حنیفة رحمه الله قال: القیام فی شهر رمضان سنة لاینبغی ترکها، یصلی اهل کل مسجدٍ فی مسجدهم کل لیلة سوی الوتر عشرین رکعة خمس ترویحات بعشر تسلیماتٍ یُسلّم فی کل رکعتین.»[1]

ترجمه: مقدار تراویح نزد ما وشوافع همان است که حسن از ابوحنیفه‌رحمه الله روایت نموده است، فرمود: قیام رمضان (تراویح) سنت است، ترک آن مناسب نیست، اهل هر مسجد در مسجد خود بیست رکعت تراویح علاوه بر وتر بخوانند، پنج ترویحه، با ده سلام وبعد از هر دو رکعت سلام برگردانند.

در«بدایة المجتهد» آمده است: **فاختار مالک فی احد قولیه وابو حنیفه والشافعی واحمد وداؤد رحمهم الله القیام بعشرین رکعةً سوی الوتر.»**[2]

ترجمه: امام مالك دریکی از دو قولش و امام ابوحنیفه و شافعی واحمد و داؤدرحمهم الله بیست رکعت تراویح علاوه بر وتر را اختیار فرمودند.

در«رحمة الامة» مذکور است:«**فالمسنون عند ابی حنیفة والشافعی واحمد رحمهم الله عشرون رکعة.»**[3]

ترجمه: نزد امام ابوحنیفه، امام شافعی و امام احمدرحمهم الله بیست رکعت تراویح سنت است.

۱ـ فتاوی قاضی‌خان:ص۲۳۴.

۲ـ بدایة المجتهد:۱/۲۱۰.

۳ـ رحمة الامة:ص۲۳.

خوانندگان محترم! درتمام متون وشروح فقه حنفی«**التراویح عشرون رکعة**» و«**خمس ترویحات**» تصریح شده‌است، ولی با وجود این تصریحات فریفتن عوام الناس به نام ابوحنیفه رحمه الله و نسبت نمودن هشت رکعت به سوی او بسیار تعجب آور وحیرت انگیز است.

۲ـ قول شاذ امام ابن همام رحمه الله:

خوانندگان محترم! قول مذکور امام ابن همام رحمه الله قولی شاذ ومرجوح و از تفردات شخصی اوست، علمای ما بارها تصریح نموده‌اند که اقوال شاذ وتفردات اعتباری ندارد،چنان‌که شاگرد مایه‌ی ناز امام ابن همام علامه قاسم بن قطلوبغا رحمه الله می‌فرماید:

« **لاعبرة بابحاث شیخنا یعنی ابن الهمام الّتی خالفت المنقول فی المذهب.**»[۱]

ترجمه: آن دسته از مباحث استاد ما ابن همام که با مسایل منقول مذهب مخالف است اعتباری ندارد.

امّا این سخن معترضان که امام ابن همام رحمه الله قایل به هشت رکعت تراویح است سراسر بد دیانتی می‌باشد؛ زیرا او نیز مانند جمهور قایل به بیست رکعت تراویح هستند،[با این تفاوت که هشت رکعت را سنت مؤکده و دوازده رکعت را مستحب می داند] چنان‌که می‌نویسد:

«**ثم استقرّ الامر علی العشرین فإنّه المتوارث.**»[۲]

ترجمه: بالآخره مسأله‌ی تراویح بر بیست رکعت که متوارث است، استقرار یافت.

امام ابن همام رحمه الله نیز قایل به بیست رکعت تراویح است، ولی مستحب قرار دادن عمل صحابه رضی الله عنهم و روایات تهجد وتراویح را متعارض هم شمردن او شاذ، خلاف اجماع وتفرد است.

---

۱ ـ شامی:۲۲۵/۱.

۲ ـ فتح القدیر:۴۰۷/۱.

اصول اهل سنت است که: «**وأنّ الحکم والفتیا بالقول المرجوح جهلٌ وخرقٌ للإجماع.**»[۱]

ترجمه: حکم نمودن قاضی و فتوا دادن مفتی بر قول مرجوح جهالت و مخالفت اجماع و باطل وحرام است.

۳ـ مسلک امام ابن نجیم حنفی رحمه‌الله:

معترضان سعی نموده‌اند که از یک عبارت ابن نجیم رحمه‌الله ثابت کنند که او نیز قایل به هشت رکعت تراویح بودند، حال آن‌که ابن نجیم رحمه‌الله می‌فرماید:

«**قوله: عشرون رکعة بیان لکمیتها وهو قول الجمهور لِمَا فی المؤطا عن یزید بن رومان قال: کان النّاس یقومون فی زمن عمر بن الخطاب** رضی الله عنه **بثلاث وعشرین رکعة وعلیه عمل الناس شرقاً وغرباً.**»[۲]

ترجمه: قول مصنف که تراویح بیست رکعت است بیان رکعات تراویح می‌باشد وهمین قول، قول جمهوراست بنابر روایتی که در مؤطا از یزید بن رومان واردشده که مردم در زمان حضرت عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه بیست وسه رکعت برپا می‌نمودند،(بیست رکعت تراویح وسه رکعت وتر) ودرشرق وغرب دنیا مردم برهمین عامل هستند.

۴ـ مسلک امام طحطاوی رحمه‌الله:

امام طحطاوی حنفی رحمه‌الله قایل به هشت رکعت تراویح نبوده بلکه او نیز مانند دیگر علمای حنفی قایل به بیست رکعت بوده ومی‌گوید: بر بیست رکعت تراویح اجماع متوارث ثابت است.

---

۱ ـ درمختار: ۳۱/۱.

۲ ـ البحر الرائق شرح کنز الدقائق: ۶۶/۲.

۵ـ مسلک ملاعلی قاری حنفی رحمه‌الله:

عبارت منقوله به نام ملاعلی قاری رحمه‌الله، نقل قولی است از ابن تیمیه رحمه‌الله، نه از خود ملا علی قاری؛[زیرا] ملاعلی قاری رحمه‌الله شخصاً قایل به بیست رکعت تراویح هستند،چنان که می‌فرماید:«**لکن اجمع الصحابة علی أنّ التراویح عشرون رکعةً.**»[۱]

علاوه بر این، ایشان در«شرح نقایه» ص۱۰۴ بر بیست رکعت تراویح نقل اجماع نموده‌اند.

مسلک امام سیوطی رحمه‌الله:

امام جلال الدین سیوطی رحمه‌الله قایل به بیست رکعت تراویح است، چنان که او به نقل از علامه سبکی رحمه‌الله می‌نویسد:

«**ومَذهَبُنَا أنَّ التَّرَاوِیحَ عِشرُونَ رَکعَةً؛لِمَا رَوَی البَیهَقِیُّ وَغَیرُهُ بِالإِسنَادِ الصحیحِ عَنِ السَّائِبِ بنِ یَزِیدَ الصَّحَابِیِّ رضی اللهُ تَعَالَی عَنهُ قَالَ:کُنَّا نَقُومُ عَلَی عَهدِ عُمَرَبنِ الخَطَّابِ رضی الله تعالی عنه بِعِشرِینَ رَکعَةً والوِترِ.**»[۲]

[ترجمه:] مذهب ما این است که تراویح بیست رکعت است؛ به دلیل روایتی که بیهقی وغیره با سند صحیح از سائب بن یزید صحابی رضی‌الله‌عنه روایت نموده‌اند که ما در زمان عمر بن خطاب رضی‌الله‌عنه بیست رکعت تراویح و وتر را می‌خواندیم.

سپس نوشتند:«**إِستَقَرَّ العَمَلُ عَلَی هذا**» یعنی؛ بالآخره عمل بر بیست رکعت تراویح استقرار واستحکام یافت، وخلفای راشدین وصحابه کرام رضی‌الله‌عنهم برآن اتفاق واجماع نمودند.

باز عدّه‌ای نظر به این عبارت ابن حجرعسقلانی رحمه‌الله او را هم‌خیال خود پنداشته نقل می‌کنند که[ایشان می‌فرمایند:]

۱ـ مرقات:۱۹۴/۳.

۲ـ الحاوی للفتاوی:۳۵۰/۱.

«وامّا ما رواهُ ابن ابی شیبة من حدیثِ ابن عباسٍ رضی الله عنهما کان رسول اللهِ صلی الله علیه وسلم یصلی فی رمضان عشرین رکعة والوترفإسناده ضعیفٌ وقد عارضهُ حدیث عائشة هذا الذی فی الصحیحین مع کونها اَعلَمُ بِحَالِ النبیّ صلی الله علیه وسلم لیلاً من غیرِها والله اعلم.»[1]

[ترجمه: امّا آنچه ابن ابی شیبه از ابن عباس رضی الله عنهما روایت نموده که رسول اکرم ﷺ در رمضان بیست رکعت تراویح با سه رکعت وتر ادا فرمودند سندش ضعیف است و با این حدیث عائشه رضی الله عنها که در صحیحین آمده معارض است، در حالی که عائشه رضی الله عنها از اعمال شبانه‌ی رسول الله ﷺ نسبت به دیگران آگاه‌تراست. والله اعلم]

حافظ ابن حجر رحمه الله در مسأله‌ی تراویح ازپیروان صادق امام شافعی رحمه الله است وشوافع همواره بر بیست رکعت تراویح متفق بوده‌اند.

امام موصوف؛به واسطه‌ی امام رافعی رحمه الله نقل می‌نماید:

«إنّه صلی الله علیه وسلم صلّی بالنّاسِ عشرین رکعةً لیلتین فلمّا کان فی اللیلة الثالثة إجتمع النّاس فلم یخرج إلیهم ثم قال من الغدِ خشِیتُ أن تُفرَضَ علیکم فلا تطِیقوها.»

[ترجمه:پیامبر ﷺ بامردم دوشب بیست رکعت نماز ادا فرمودند، زمانی که شب سوم فرا رسید ومردم گرد آمدند، پیامبر علیه السلام به سوی آن‌ها نیامدند وروز بعد فرمودند:ترسیدم که برشما فرض شود و آنگاه نتوانید آن‌را بجا آورید.]

او پس از نقل این عبارت می‌نویسد:«**متفق علی صحتهِ**» برصحت آن همه‌ی محدثین اتفاق دارند.[2]

معلوم شد روایتی که ازآن، خواندن بیست رکعت تراویح پیامبر ﷺ ثابت می‌شود، نزد حافظ ابن حجرعسقلانی رحمه الله به اتفاق محدّثین صحیح است.

---

۱ ـ فتح الباری:۳۱۹/۴.

۲ ـ تلخیص الحبیرفی تخریج احادیث الرافعی الکبیر:۵۴۰/۱.

۷ـ مسلک علامه عبدالحی لکهنوی رحمه الله:

به پرسش و پاسخی از مجموعه‌ی فتاوی ایشان توجه فرمایید:

سؤال: حنفیه بست رکعت تراویح سوای وتر می‌خوانند و درحدیث صحیح از عائشه صدیقه رضی الله عنها وارد شده «**ما کان یزید فی رمضان ولافی غیره علی إحدی عشرة رکعةً**» پس سند بست رکعت چیست؟

جواب: روایت عائشه صدیقه رضی الله عنها محمول برنماز تهجد است که در رمضان وغیر رمضان یکسان بود و غالباً بعد یازده رکعت مع الوتر بر سند ودلیل برین محل آنست که راوی این حدیث ابوسلمه است درنیه این حدیث می گوید:

«**قالت عائشة رضی الله عنها: فقلتُ: یا رسولَ اللهِ** صلی الله علیه وآله وسلم**! تنامُ قبلَ أن تُوتِرَ؟ قال: یا عائشةُ! إنَّ عَینیَّ تَنَامَانِ ولا ینامُ قلبی.**»[1]

ونماز تراویح درعرف آن وقت قیام رمضان می گفتند و حد صحاح ستّه به روایات صحیحه مرفوعه إلی النبیّ صلی الله علیه وآله وسلّم تعین عدد قیام رمضان مصرّح نشده این قدرهست که «**قالت عائشة: کان رسول الله یجتهد فی رمضان مالا یجتهد فی غیره.**»[2]

لیکن در مصنف ابن ابی شیبه وسنن بیهقی به روایت ابن عباس[رضی الله عنهما] وارد شده: « **کان رسول الله صلی الله علیه وآله وسلّم یصلّی فی رمضان جماعةً عشرینَ رکعةً والوتر و رواه البیهقی فی سننه بإسناد صحیح عن السائب بن یزید قال: کانوا یقومون فی عهد عمربن الخطاب رضی الله عنه فی شهر رمضان بعشرین رکعة.**»[3]

در این عبارت مولانا عبدالحیّ لکهنوی رحمه الله با تمام صراحت می‌فرمایند که: بیست رکعت تراویح با سند صحیح ثابت است، و روایت مادرم عائشه صدیقه رضی الله عنها برتهجد

۱ـ کذا رواه البخاری ومسلم.

۲ـ رواه مسلم.

۳ـ مجموعه‌ی فتاوی مولانا عبدالحیّ لکهنوی رحمه الله:ص۵۸،۵۹.

محمول است. ولی باوجود این، اسم بردن از او به عنوان کسی که قایل به هشت رکعت تراویح است ازفهم بدور است.

مولانای موصوف در کتاب دیگری می‌نویسد:

«إنَّ مجموعَ عِشرينَ ركعةً فى التراويحِ سنّةٌ مُؤَكَّدةٌ؛ لأنّه مما واظب عليه الخلفاء و إن لم يواظب عليه النبيُّ صلى الله عليه وآله وسلّم و قد سبق أنَّ سُنَّةَ الخلفاءِ ايضاً لازم الإتّباعِ و تاركها آثمٌ وإن كان إثمه دون إثمِ تاركِ السنّةِ النبويّةِ، فَمَن إكتفى على ثمانِ ركعاتٍ يكونُ مُسِيئاً لتركه سنّةَ الخلفاءِ وإن شِئتَ ترتيبهُ على سبيل القياس فقل: عشرون ركعةً ممّا واظب عليه الخلفاءُ الراشدون وكُلُّ ما واظب عليهِ الخلفاءُ سُنّةٌ مؤكّدةٌ، ثم تَضُمَّهُ مع أَنَّ كلّ سنّةٍ مؤكّدةٍ يَأثِمُ تاركها فينتبع عشرون ركعةً يأثم تاركها، ومقدّمات هذا القياس قد اثبتناها فى الأصول السابقةِ.»[1]

ترجمه: بیست رکعت تراویح سنت مؤکده می‌باشد؛ زیرا خلفای راشدین برآن مواظبت نموده‌اند، گرچه رسول اکرمﷺ مداومت نفرمودند. وقبلاً گفته شدکه سنت خلفای راشدین نیز واجب الإتباع وتارک آن گنهکار است، اگرچه گناه آن نسبت به گناه تارک سنت رسول اکرمﷺ کم‌تراست، لذا هرکه برهشت رکعت اکتفا وبسنده کند، بدکرده؛ زیرا او سنت خلفای راشدین را ترک نموده‌است. واگر خواستی ترتیب آن را به شکل مقدمات قیاسی بفهمی این‌گونه بگوی:[مقدمه‌ی اولی:] خلفای راشدین بربیست رکعت تراویح مواظبت نمودند.[مقدمه‌ی دوّم:] وچیزی که خلفای راشدین برآن مواظبت کرده باشند، سنت مؤکده است.[نتیجه:] پس بیست رکعت تراویح سنت مؤکده است.سپس این را اضافه کن که: تارک سنت مؤکده گنهکار است، لذا تارک بیست رکعت تراویح نیز گنهکارخواهد بود. مقدمات این قیاس را ما در اصول سابقه ثابت نموده‌ایم.

---

۱ ـ تحفة الأخيار فى إحياءِ سنّة سيّدِالأبرار:ص۲۰۹.

خوانندگان [محترم]! مولانا عبدالحیّ لکهنوی رحمه‌الله می‌فرماید: اداکننده‌ی هشت رکعت وتارک رکعات دیگر گنهکاراست؛ زیرا بیست رکعت تراویح سنت مؤکده می‌باشد:

«فَمُؤَدّیُ ثمانِ رکعاتٍ یکونُ تارکاً للسنّةِ المؤکدةِ.»[1]

[ترجمه:] فقط ادا کننده‌ی هشت رکعت تراویح تارک سنت مؤکده (وگنهکار) است؛ چراکه ترک سنت مؤکده گناه است.

علاوه براین علامه لکنهوی رحمه‌الله در حاشیه‌ی «مؤطا امام محمّد» نوشته‌است: بر بیست رکعت تراویح اجماع شده ونماز تراویح سنت مؤکده می‌باشد.[2]

۸ـ مسلک علامه انورشاه کشمیری رحمه‌الله :

خود امام العصر، خاتم المحدّثین علامه انورشاه کشمیری قائل به بیست رکعت تراویح اند وادا کننده‌ی هشت رکعت را از سواد اعظم(اهل سنت وجماعت) خارج می‌دانند، چنان که می گوید:

«وامّا من إکتفی بالرکعات الثمانیة وشذَّ عن السواد الأعظم وجعل یرمیهم بالبدعةِ فَلیَرَ عَاقِبَتَهُ.»[3]

یعنی؛ کسی که بر هشت رکعت اکتفا نموده واز سواد اعظم جدا شود وآنان را به بدعت متهم کند، درمورد سرانجام خویش بیندیشد.

حضرت انورشاه رحمه‌الله اضافه برآن می‌نویسد:

«لم یقل احدٌ مِنَ الأئمةِ الأربعةِ بِاَقَلّ من عشرینَ رکعةً فی التراویح وإلیهِ جمهور الصحابةِ رضی الله عنهم، وقال ابن الهمام: إنَّ ثمانیةَ رکعاتٍ سُنّةٌ مؤکّدةٌ وثنتی عشرةَ رکعةً مستحبّةٌ، وما قال بهذا احدٌ. أقول: إنَّ سنّةَ الخلفاء الراشدین ایضاً یکونُ سنّةَ

۱ـ حاشیه هدایه :۱۳۱/۱،مطبوعه‌ی مکتبه‌ی امدادیه‌ی ملتان.

۲ـ[التعلیق الممجّد علی المؤطا للإمام محمّد: ۲۷۴/۱.]

۳ـ فیض الباری شرح صحیح بخاری: ۳/ ۱۸۱.

الشريعةِ؛ لِمَا فی الاصول:إِنَّ السُنَّةَ سنّة الخلفاء وسنّتهُ عليه السلام وقد صحَّ فی الحديث عليكم بسنتی وسنّةِ الخلفاء الراشدين المهديين، فيكون فعل الفاروق الأعظم ايضاً سُنّةً... ففی التاتارخانيةِ : سَأَلَ ابويوسف ابا حنيفةَ رحمه الله انّ اعلان عمربعشرين ركعةً هل كان له عهدٌ منه عليه السلام؟ قال ابوحنيفة رحمه الله: ماكان عمر مبتدعاً ای لعله يكون له عهدٌ فدلَّ علی عشرين ركعةً لابدّ له من ان يكون له اصلٌ منه عليه السلام... وإستقرّ الأمر علی عشرين ركعةً.»[1]

ترجمه: کسی از ائمه‌ی اربعه نگفته که تراویح کم‌تر از بیست رکعت است، وجمهور صحابه‌ی کرام ﷺ نیز به همین جهت گراییده‌اند، وآنچه ابن همام گفته که هشت رکعت سنت مؤکده ودوازده رکعت دیگر مستحب است، سخنی است که کسی دیگرنگفته(یعنی؛ از تفردات ابن الهمام می‌باشد).

سنت خلفای راشدین ﷺ نیز سنت شریعت است؛ زیرا سنت رسول اکرمﷺ وسنت خلفای راشدین، سنت است واین درحدیث صحیح آمده که «سنت مرا وسنت خلفای راشدین وهدایت یافته‌ی مرا لازم بگیرید» وعمل فاروق اعظم[ﷺ نیز] سنت است.

در «فتاوی تاتارخانیه» مذکور است: امام ابویوسفﷺ از امام ابوحنیفهﷺ پرسیدند: بیست رکعت تراویحی که حضرت عمرﷺ اعلام فرمودندآیا علم آن‌را از پیامبرﷺ یافته بودند؟ ابوحنیفهﷺ فرمودند: حضرت عمرﷺ (معاذ الله) مبتدع نبودند، یعنی؛ شاید نزد ایشان علم آن وجود داشته‌است، این خود دلالت می‌کند که اصل بیست رکعت تراویح از رسول اللهﷺ ثابت است وتراویح بر بیست رکعت استقرار یافته است.

۹ـ مسلك مولانا اشفاق الرحمن کاندهلویﷺ:

مولانا اشفاق الرحمن ﷺ نیز قائل به بیست رکعت تراویح است، او می‌فرماید:

---

۱ ـ العرف الشذی علی هامش الترمذی:۹۹/۱،۱۰۰.

« والظاهرعندی ما رجّحهُ ابنُ عبدالبرِّ لأَنَّ جُلُّ المرویات نصٌ فی أَنَّهَا کانت عشرین رکعةً.»[۱]

[ترجمه:] نزد من سخنی که ابن عبدالبر[رحمه‌الله] ترجیح داده‌اند، مرجَّح است؛ زیرا اغلب روایات تصریح دارند که تراویح بیست رکعت است.

از دلایل بالا واضح گردیدکه علمای اهل سنّت بویژه احناف را قائل به هشت رکعت گفتن کمال بی انصافی‌است، همه‌ی علمای احناف (کثّر اللهُ سوادهم) اجماع امت را پذیرفته و بیست رکعت تراویح به جا می‌آورند. خداوند ما را بر نقش قدم آن‌ها گامزن کند.

---

۱ ـ کشف الغطاء حاشیةُ مؤطا امام مالك:ص۹۸.

مسایل وتر

ازشانس بد! عدّه‌ای از مردم گویا قسم خورده‌اندکه به هرقیمت باید با اهل سنت وجماعت مخالفت بنمایند، چنان‌که عقاید باشد یا مسایل، ایشان باید راه جداگانه‌ای درپیش گیرند، بویژه ایجاد انتشار وافتراق بین مردم در مهم‌ترین مسایل نماز علامت خاصِ این گروه از مردم است؛ یک شمردن تهجد وتراویح در رمضان، پافشاری برهشت رکعت تراویح، واختلاف در موارد زیر در خصوص وتر:

۱ـ حکم وتر؛

۲ـ تعداد رکعات وتر؛

۳ـ کیفیت وتر(دوتشهد بایک سلام)؛

۴ـ الفاظ قنوت؛

۵ ـ قنوت قبل الرکوع؛

۶ ـ برداشتن دست‌ها به وقت قنوت؛

از این جهت لازم دانستیم که همراه تراویح، مسایلی از وتر را که این عدّه، با امت اختلاف نموده‌اند نشاندهی نماییم واضافه برآن موقف اهل سنّت وجماعت را با ارایه‌ی دلیل تقدیم کنیم، لذا مباحث مفصّل و مدلل را ملاحظه فرمایید.

تذکر: در مورد تعداد رکعات وتر، دلایل ایشان مستقلاً در بحث متصل با این بحث، به نقد وبررسی گذاشته شده‌است.

۱ـ حکم وتر:

وتر واجب است، نه فرض و بر این ادعا احادیث صحیحه، مرفوعه،آثارصحابه وتابعین وجود دارد.

احادیث مرفوعه و وجوب وتر:

۱ـ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُرَيْدَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «الْوِتْرُ حَقٌّ، فَمَنْ لَمْ يُوتِرْ فَلَيْسَ مِنَّا» قَالَهُ ثَلاثًا.[1]

ترجمه: حضرت عبدالله بن بریده رضی‌الله‌عنه از پدرخویش روایت می‌کند که او از رسول‌خدا صلی‌الله‌علیه‌وسلم شنید که می‌فرمود: «نماز وتر حق است وهرکه وتر نخواند از ما نیست» این جمله را سه بار تکرار فرمودند.

فایده: امام حاکم این روایت را صحیح گفته است.[2]

۲ـ عَن عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بُرَيْدَةَ، عَنْ أَبِيهِ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْوِتْرُ حَقٌّ، فَمَنْ لَمْ يُوتِرْ فَلَيْسَ مِنَّا.»[3]

۳ـ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ الْأَنْصَارِيِّ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْوِتْرُ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ.»[4]

۴ـ عَن عَبدِاللهِ عَنِ النَّبِيِّ قَالَ: «الْوِتْرُ حَقٌّ عَلَى كُلِّ مُسْلِمٍ.»[5]

ترجمه: نماز وتر برهر مسلمان حق[واجب] است.

۵ ـ عَنْ أَبِي أَيُّوبَ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:«الْوِتْرُ حَقٌّ وَاجِبٌ.»[6]

۶ ـ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ نَامَ عَنْ وِتْرِهِ أَوْ نَسِيَهُ، فَلْيُصَلِّهِ إِذَا أَصْبَحَ أَوْ ذَكَرَهُ.»[7]

۱ـ سنن ابی داؤد:۲۰۸/۱، باب فمن لم یوتر.

۲ـ فتح القدیر:۳۷۱/۱، نصب الرایه:۱۱۲/۲.

۳ـ مستدرک حاکم:۶۰۹/۱، مصنف ابن ابی شیبه:۱۹۷/۲.

۴ـ ابوداؤد:۲۰۸/۱.

۵ـ مسند بزار:۶۷/۵،حدیث شماره:۱۶۳۷.

۶ـ دارقطنی:ص۲۸۳، باب الوتر.

۷ـ مستدرک حاکم:۶۰۴/۱،حدیث شماره:۱۱۶۸.

ترجمه: حضرت ابو سعید خدری‌رضی‌الله‌عنه می‌گوید: رسول‌خدا‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند:« هرکه از ادای وتر بخواب رود، یا آن‌را فراموش کند زمانی که بیدارشد ویا بیاد افتاد[قضای] آن‌را بخواند.»

۷ ـ عَنْ خَارِجَةَ بْنِ حُذَافَةَ الْعَدَوِيِّ، قَالَ: خَرَجَ عَلَيْنَا النَّبِيُّ – صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ – فَقَالَ: "إِنَّ اللَّهَ قَدْ أَمَدَّكُمْ بِصَلَاةٍ لَهِيَ خَيْرٌ لَكُمْ مِنْ حُمُرِ النَّعَمِ: الْوِتْرُ، جَعَلَهُ اللَّهُ لَكُمْ فِيمَا بَيْنَ صَلَاةِ الْعِشَاءِ إِلَى أَنْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ."[1]

ترجمه: حضرت خارجه بن حذافه‌رضی‌الله‌عنه می‌گوید: باری رسول الله‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم نزد ما تشریف آورده و فرمودند: «خداوند نمازجدیدی بر نمازهای شما اضافه نموده که از شتران سرخ رنگ بهتراست، خداوند [وقت] آن را بین نماز عشاء وفجر قرار داده‌است.

۸ ـ عَنْ أَبِي سَعِيدٍ، أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، قَالَ: «أَوْتِرُوا قَبْلَ أَنْ تُصْبِحُوا.»[2]

ترجمه: حضرت ابوسعید خدری‌رضی‌الله‌عنه می‌گوید: رسول‌خدا‌صلی‌الله‌علیه‌وسلم فرمودند: «قبل از فجر وتر بخوانید».

۹ـ عَن عَلِيٍّ رضى الله عنه قال: قال رسولُ الله صلى الله عليه وسلم: «أَوْتِرُوا يَا أَهْلَ الْقُرْآنِ.»[3]

ترجمه: آنحضرت‌علیه‌السلام فرمودند:«ای اهل قرآن! وتر بخوانید.»

فایده: در پرتو روایات مذکوره که برترک وتر، وعید وسختی[وارد شده] ومزید برآن گفته شده کسی که وتر نخواند ازما نیست، و دستور دادن امت به وسیله‌ی صیغه‌ی امر دلیل روشنی بر این است که وتر واجب می‌باشد، علاوه برآن لازم بودن قضای وتر دلیل مستقل دیگری بر وجوب آن است.

---

۱ ـ جامع الترمذی: باب الوتر[حدیث شماره:۱۱۶۸.

۲ ـ صحیح مسلم:۲۸۵/۱.

۳ ـ جامع الترمذی:ص ۶۰، سنن ابی داؤد:۲۰۷/۱.

فایده: شیخ الحدیث مولانا محمّد زکریا کاندهلوی رحمه الله تحت حدیث قضا وتر می‌نویسد: از این حدیث واضح گردید که قضای وتر واجب است، و وجوب قضا فرع وجوب ادا می‌باشد.[1]

آثار صحابه رضی الله عنهم و وجوب وتر:

۱ـ عَن أَبِي مَرِيَمَ، قَالَ: جَاءَ رَجُلٌ إِلَى عَلِيٍّ فَقَالَ: إِنّي نِمتُ وَ نَسِيتُ الوِترَ حتّى طَلَعَت الشَّمسُ ، فقال:«إِذَا استَيقَظتَ و ذَكَرتَ فَصَلِّ.»[2]

ترجمه: شخصی نزد حضرت علی رضی الله عنه آمد وعرض نمود: ای امیر المؤمنین! (اگر) من بخوابم و وتر را فراموش کنم تا این‌که آفتاب طلوع نماید(چه کار کنم؟) فرمود: زمانی که بیدار شدی و یا بیاد افتادی آن‌را ادا کن.

۲ـ عَن وَبَرَةَ قَالَ: سَأَلتُ ابنَ عُمَرَ عَن رَجُلٍ أَصبَحَ وَ لَم يُوتِر؟قَالَ: أَ رَأيتَ لَو نِمتَ عَنِ الفَجرِ حَتَّى تَطلُعَ الشَّمسُ، أَلَيسَ كَنتَ تُصَلِّي؟ كَأَنَّهُ يَقُولُ: يُوتِرُ.[3]

ترجمه: حضرت و بره رحمه الله می‌گوید: از ابن عمر رضی الله عنهما در مورد شخصی که بدون خواندن وتر صبح می‌کند، پرسیدم. او فرمود: چه می‌فرمایی اگر به وقت نماز فجر بخواب روی وبعد از طلوع خورشید بیدار گردی آیا (قضای)نمازت را نمی‌خوانی؟ گویا فرمود : وتر را بخواند.

۳ـ عَن ابی أَيُّوبَ قَالَ: الوِترُ حَقٌّ أَو وَاجِبٌ.[4]

ترجمه: حضرت ابو ایوب [انصاری رضی الله عنه] می‌فرماید: وتر حق است یا فرمود: وتر واجب است.

---

۱ ـ اوجز المسالک:۴۳۲/۱.

۲ ـ مصنف ابن ابی شیبه:۱۹۲/۲، باب من قال یوتر و إن اصبح وعلیه قضاءه.

۳ ـ مصنف ابن ابی شیبه: ۱۹۱/۲،حدیث شماره:۴.

۴ ـ مصنف ابن ابی شیبه:۱۹۷/۲، باب الوتر واجب، حدیث شماره:۳.

آثار تابعین رحمهم الله و وجوب وتر:

۱ـ عن مجاهدٍ، قال: واجبٌ الوتر ولم يُكتب. [۱]

ترجمه: امام مجاهد رحمه الله می‌فرماید: وتر واجب است، فرض نیست.

۲ـ عَن طَاوسٍ قال: الوترُ واجبٌ يُعَادُ إلَيهِ إذا نسى. [۲]

ترجمه: امام طاوس[رحمه الله] می‌فرماید: وتر واجب است، اگر فراموش شود[زمان به یاد افتادن] حتماً قضا کند.

اقوال فقهاء رحمهم الله و وجوب وتر:

[۱ـ] امام اعظم رحمه الله می‌فرماید: «**هُوَ واجبٌ**»، وتر واجب است. [۳]

[۲ـ] امام دار الهجره، مالک ابن انس رحمه الله:

من تركه أُدِّبَ وكان جرحةً في شهادتهِ. [۴]

ترجمه: هرکه وتر را ترک کند، تأدیب می‌شود، وموجب جرح در شهادتش می‌شود.

[۳ـ] امام احمد بن حنبل رحمه الله:

من ترک الوتر عمداً فهو رجل سوء لاينبغی أن تقبل له شهادة. [۵]

ترجمه: ترک کننده‌ی وتر به عمد، انسان بدی‌است وشایسته نیست که گواهی‌اش پذیرفته شود.

[۴ـ] امام حسن بصری رحمه الله: **أَجمع المسلمون على أنّ الوتر حق واجبٌ.** [۶]

ترجمه:مسلمانان اتفاق نموده‌اند که وترواجب است.

۱ـ مصنف عبدالرزاق:۳۸۸/۱، حدیث شماره:۴۵۹۵،۹۶، باب الوتر واجبٌ.

۲ـ مصنف عبد الرزاق: حدیث شماره:۴۵۹۸.

۳ـ اوجز المسالک: ۴۴۱/۲.

۴ـ اوجز المسالک: ۴۴۲/۲.

۵ـ المغنی لابن القدامة الحنبلی:۳۵۹/۲، فصلٌ الوتر غیر واجب.

۶ـ اوجز المسالک:۴۴۴/۲.

علاوه بر این امام ابراهیم نخعی، امام سعید بن مسیّب، استاد امام شافعی یعنی؛ یوسف بن خالد، امام سحنون، امام ابوعبید بن عبدالله بن مسعود، امام ضحّاک، امام اصبغ رحمهم الله و... قائل‌اند که وتر واجب است.[۱]

همه براین مطلب متفق‌اند که ترک وتر جایز نیست، این نیز دلیل وجوب آن‌است.

۲ـ تعداد رکعات وتر:

وتر سه رکعت است و در این زمینه احادیث مرفوعه وصحیحه، آثار صحابه و تابعین و اقوال فقهاء دلالت می‌نماید.

احادیث مرفوعه و تعداد رکعات وتر:

۱ـ «عن عائشة رضی الله عنها کیف کانت صلاة رسول الله صلی الله علیه وسلم فی رمضان قالت: ما کان یزید فی رمضان ولافی غیره علی احدی عشرة رکعةً یصلّی أربعاً فلا تسأل عن حسنهنّ وطولهنّ ثم یصلّی اربع رکعات لاتسأل عن حسنهنّ وطولهنّ ثم یصلّی ثلاثاً.»[۲]

ترجمه: حضرت عائشه رضی الله عنها در مورد کیفیت نماز شب رسول‌خدا صلی الله علیه وسلم پرسیده شد، فرمود: پیامبر صلی الله علیه وسلم در رمضان وغیر رمضان بیش از یازده رکعت ادا نمی‌کرد. چهار رکعت ادا می‌نمود ازحسن وطول آن مپرس،سپس چهار رکعت ادا می نمود از حسن و طول آن مپرس وسپس سه رکعت ادا می فرمود.

از این روایت معلوم می‌شود که آنحضرت صلی الله علیه وسلم سه رکعت وتر را با یک سلام ادا می فرمود.

---

۱ ـ اوجز المسالک:۴۴۳/۲.

۲ ـ صحیح بخاری:۱۵۴/۱، باب قیام النبی باللیل فی رمضان.

۲ـ امام نسائی رحمه الله در«سنن نسائی»۱/۲۴۸،تحت عنوان«باب کیف الوتر بثلاث» حدیث مرفوع ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها را آورده‌است که: «**انّ رسول الله صلی الله علیه وسلم کان لایُسلّم فی رکعتی الوتر.**»

ترجمه: آنحضرت صلی الله علیه وسلم بردو رکعت وتر سلام نمی دادند.

از این واضح می‌شود که نزد امام نسائی مراد از حدیث مذکور حضرت عائشه رضی الله عنها که بخاری ومسلم آن‌را تخریج نموده‌اند، خواندن سه رکعت وتر با یک سلام است.

۳ـ از عائشه رضی الله عنها مرفوعاً روایت شده که: «**ثُمَّ أَوتَرَ بِثَلاثٍ لاَیَفصِلُ بَینَهُنَّ.**» (سپس آنحضرت علیه السلام سه رکعت می‌خواند ودر میان آن‌ها فصل نمی‌کرد)یعنی؛ بر دو رکعت سلام نمی‌گفت.[1]

۴ـ چهارمین حدیث مرفوع از اُمُّ المؤمنین عائشه رضی الله عنها است که: «**کَانَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیه وسلّم یُوتِرُ بِثَلاَثٍ، لاَ یُسلِّمُ إلاَّ فِی آخِرِهِنَّ.**»[2]

ترجمه: آنحضرت علیه السلام سه رکعت وتر می‌خواند ودرآخرشان سلام می‌گفت.

۵ ـ عَن أُبَیّ بنِ کَعبٍ أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه وسلّم کَانَ یُوتِرُبِثَلاَثِ رَکعَاتٍ، کَانَ یَقرَأُ فِی الأُولی بِسَبّح اسمَ رَبّکَ الأَعلَی وفِی الثَّانِیَةِ بِقُل یَا أَیُّهَا الکَافِرُونَ فِی الثَّالِثَةِ بِقُل هُوَ اللهُ أَحَدٌ وَ یَقنُتُ قَبلَ الرُّکُوعِ.»[3]

ترجمه: حضرت ابی بن کعب رضی الله عنه می‌فرماید: رسول‌خدا صلی الله علیه وسلم سه رکعت وتر ادا می‌کرد، در رکعت اول سوره‌ی«أعلی»، در رکعت دوّم سوره‌ی«کافرون» ودر رکعت سوّم سوره‌ی«اخلاص» را قرائت می‌نمود.

---

۱ ـ مسند امام احمد:۶/۱۵۶.

۲ ـ مستدرک حاکم:ص۶۰۸.

۳ ـ [عمل الیوم واللیلة للنسائی، باب ما یقول إذا فرغ من وتره ، حدیث شماره:۷۳۴].

۶ـ عَن عائِشةَ رضی الله عنها أنَّ النَّبِيَّ صلى الله عليه وسلم كَانَ يَقرَأُ فِي الأُولى من الوتر بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ، وَسَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى،وفی الثَّانِيَةِ،قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ،وَفِي الثَّالِثَةِ قُلْ هُوَ اللهُ أَحَدٌ. [1]

ترجمه: حضرت عائشه رضی‌الله‌عنها می‌گوید: رسول اکرم ﷺ در رکعت اوّل از وتر سوره‌ی«فاتحه» و«أعلی» ودر رکعت دوّم سوره‌ی «کافرون» ودر رکعت سوّم سوره‌ی«اخلاص» را قرائت می‌نمود.

۷ـ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ ثَمَانَ رَكَعَاتٍ، وَيُوتِرُ بِثَلَاثٍ، وَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ قَبْلَ صَلَاةِ الْفَجْرِ.» [2]

ترجمه: حضرت ابن عباس رضی‌الله‌عنهما می‌فرماید: رسول اکرم ﷺ درنماز تهجد هشت رکعت می‌خواند وسپس سه رکعت وتر وقبل از نماز فجر دو رکعت [سنت] ادا می‌فرمود.

۸ـ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ , قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «وِتْرُ اللَّيْلِ ثَلَاثٌ كَوِتْرِ النَّهَارِ صَلَاةُ الْمَغْرِبِ.» [3]

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضی‌الله‌عنه می‌فرماید:رسول‌خدا ﷺ فرمودند:« وتر شب، مانند وتر روز [یعنی؛] نماز مغرب سه رکعت است.

۹ـ عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «الْوِتْرُ ثَلَاثٌ كَثَلَاثِ الْمَغْرِبِ.» [4]

ترجمه: نماز وتر مانند نماز مغرب سه رکعت است.

۱۰ـ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: أُرْسِلَتْ أُمِّي لَيْلَةً لِتَبِيتَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَتَنْظُرَ كَيْفَ يُوتِرُ [فَبَاتَتْ عِنْدَ النَّبِيِّ] فَصَلَّى مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يُصَلِّيَ، حَتَّى إِذَا كان آخر الليل وأراد الوتر...الخ [1]

---

۱ ـ جامع الترمذی،باب ما یقرء فی الوتر.

۲ ـ سنن نسائی، باب الوتر،[حدیث شماره:۱۷۰۷].

۳ـ سنن دارقطنی،ص۲۸۵،[باب] الوتر ثلاث کثلاث المغرب[حدیث شماره:۱۶۵۳].

۴ ـ المعجم الأوسط للطبرانی:۳۲/۵، حدیث شماره:۷۱۷۰،[وکذا روی عن ابن مسعود فی مؤطا مالک بروایةِ محمّد بن الحسن الشیبانیّ، باب السلام فی الوتر].

ترجمه: حضرت عبدالله بن مسعودؓ می‌گوید: شبی مادرم را برای این که کیفیت نماز وتر رسول اللهﷺ را بفهمد، به خانه‌ی ایشان فرستادم، چنان‌که مادرم شب را درآنجا سپری نمودند[وی می‌گوید:]پیامبر ﷺ [بیدارشد و] به اندازه‌ای که خداوند برایش خواسته بود نماز خواند،چون آخرشب شد، و پیامبرﷺ اراده نمودکه وترش را بخواند در رکعت اوّل سوره‌ی «سبح اسم ربّک الأعلی» ودر رکعت دوّم «قل یاایها الکافرون» خوانده وقعده‌ی اولی نمود،سپس بدون سلام بلند شد ودر رکعت سوّم سوره‌ی«اخلاص» را قرائت نموده وهنگامی‌که سوره تمام شد تکبیرگفت و دعای قنوت راخواند وبه مقداری که منظورالهی بود، دعا فرمود وآنگاه تکبیرگفته وبه رکوع رفتند.

آثار صحابه ؓ وتعداد رکعات وتر:

۱ـ عَنْ عُمَرَ بْنِ الْخَطَّابِ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ، أَنَّهُ قَالَ: «مَا أُحِبُّ أَنِّي تَرَكْتُ الْوِتْرَ بِثَلاثٍ، وَإِنَّ لِي حُمْرَ النَّعَمِ.»[۲]

ترجمه: من دوست ندارم که سه رکعت وتر را در عوض شتران سرخ رنگ، ترک نمایم.

۲ـ عَنْ عَبْدِ الْمَلِكِ بْنِ عُمَيْرٍ، قَالَ: «كَانَ ابْنُ مَسْعُودٍ يُوتِرُ بِثَلَاثٍ.»[۳]

ترجمه: حضرت ابن مسعود ؓ سه رکعت وتر می‌خواند.

۳ـ عن علقمة قال: اخبرنا عبد الله بن مسعودٍ رضی الله عنه «أَهوَنُ ما یکون الوترثلاث رکعاتٍ.»[۴]

---

۱ ـ الإستیعاب لابن عبدالبرّ:ص۹۳۴،حدیث شماره:۷۴۲.

۲ ـ مؤطا امام محمّد:ص۱۴۹.

۳ ـ مصنف ابن ابی شیبه:۱۹۹/۲، حدیث شماره:۵، باب فی الوترمایقرء فیه.

۴ ـ مؤطا امام محمّد:ص ۱۵۰، باب السلام فی الوتر.

ترجمه: حضرت علقمه رحمه الله می گوید: حضرت ابن مسعود رضی الله عنه به ما گفت: حد اقلّ وتر سه رکعت است.

۴ـ عن زاذان أَنَّ عَلِيّاً كانَ يُوتِرُ بِثَلاَثٍ.[1]

ترجمه: حضرت علی کرّم الله وجهه سه رکعت وتر ادا می کرد.

۵ ـ عَن حُمَيدٍ عَن اَنَسٍ رضی الله عنه قَالَ:« الوِترُ ثَلاَثُ رَكعَاتٍ وكَانَ يُوتِرُ بِثَلاَثِ رَكعَاتٍ.»[2]

ترجمه: حضرت انس رضی الله عنه می‌فرمود: وتر سه رکعت است، خود او [نیز] سه رکعت وتر می‌خواند.

آثار تابعین رحمهم الله وتعداد رکعات وتر:

۱ـ عن سعيد بن جبير أنّه كان يوتر بثلاثٍ.[3]

ترجمه:حضرت سعید بن جبیر رحمه الله سه رکعت وتر می‌خواند.

۲ـ عن علقمة قال: الوتر ثلاثٌ.[4]

ترجمه: حضرت علقمه [رحمه الله] می گوید: وترسه رکعت است.

۳ـ حضرت قاسم بن محمّد بن ابی بکر، نوه‌ی حضرت ابوبکر صدیق رضی الله عنه می گفت: **«و رَأَينَا أُناساً منذُ ادركنا يوترون بثلاثٍ.»**[5]

ترجمه: از زمانی که ما به درک وفهم رسیدیم مردم را بر ادای سه رکعت وتریافتیم.(عمل صحابه کرام و تابعین را نقل می کند.)

۴ـ عن مكحول أنّه كان يوتر بثلاثٍ.[1]

۱ـ مصنف ابن ابی شیبه:۵۱۲/۴.

۲ـ سنن طحاوی:۲۰۶/۱، باب الوتر.

۳ـ مصنف ابن ابی شیبه:۱۹۴/۲، حدیث شماره:۱۸.

۴ـ مصنف ابن ابی شیبه:۱۹/۲،حدیث شماره:۱۳.

۵ـ صحیح بخاری:۱۳۵/۱، باب ما جاء فی الوتر.

ترجمه: امام مکحول رحمه‌الله نیز سه رکعت وتر می‌خواند.

۵ ـ حضرت حسن بصری رحمه‌الله می‌فرماید: **أَجمَعَ المُسلِمُونَ عَلَى أَنَّ الوِترَثَلاَثٌ، لاَ يُسَلِّمُ إِلاَّ فِي آخِرِهِنَّ.**[۲]

ترجمه: اهل اسلام متفق‌اند بر این که وتر سه رکعت است، ودرآخرش سلام گفته می‌شود.

اقوال فقهاء رحمهم‌الله وتعداد رکعات وتر:

۱ـ امام اعظم رحمه‌الله: **قَالَ بِوُجُوبِ الوِترِ ثَلاَثُ رَكعَاتٍ.**(تفسیر کبیرللرازی:۱۰۵/۲۵، سوره‌ی«روم» تحت آیه‌ی«**فَسُبحَانَ اللهِ حِينَ تُمسُونَ.**»[۳]

ترجمه: مذهب امام ابوحنیفه رحمه‌الله وجوب سه رکعت وتر است.

۲ـ امام مالک بن انس رحمه‌الله: **أَدنَى الوِترِ ثَلاَثٌ.**[٤]

ترجمه: وتر کم‌تر از سه رکعت نیست.

۳ـ امام سفیان ثوری رحمه‌الله:**إِنَّهُ لاَيَصِحُّ الوِترُ رَكعَةً وَاحِدَةً.**[۵]

ترجمه: علامه عینی رحمه‌الله در«عمدة القاری» از امام سفیان ثوری رحمه‌الله نقل نموده که وتر تک رکعتی درست نیست.[۶]

۳ـ کیفیت وتر:

کیفیت وتر این است که با دو تشهد ویک سلام ادا کرده شود، احادیث صحیحه مرفوعه،آثار صحابه واجماع براین دلالت دارند.

---

۱ ـ مصنف ابن ابی شیبه:۱۹۴/۲، حدیث شماره:۱۸.

۲ ـ مصنف ابن ابی شیبه:۲۹۴/۲، نصب الرایه:۱۲۲/۱.

۳ ـ [روم:۱۷.]

۴ ـ مؤطا امام مالک:ص ۱۱۰، باب الامربالوتر.

۵ ـ فقه سفیان ثوری:ص۵۶۵.

۶ ـ عمدة القاری: ج۴/۷

۱ـ ازحضرت ابی بن کعبس مرفوعاً روایت شده است که:

«عَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ قَالَ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقْرَأُ فِي الْوِتْرِ بِسَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى، وَفِي الرَّكْعَةِ الثَّانِيَةِ بِقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، وَفِي الثَّالِثَةِ بِقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَلَا يُسَلِّمُ إِلَّا فِي آخِرِهِنَّ.»[1]

ترجمه: حضرت ابی بن کعبس می‌فرماید: رسول‌خداص سه رکعت وتر ادا می‌کرد، در رکعت اول سوره‌ی«أعلی»، در رکعت دوّم سوره‌ی«کافرون» ودر رکعت سوّم سوره‌ی«اخلاص» را قرائت می‌نمود.

۲ـ حضرت عائشه ل مرفوعاً روایت نموده است که: **ثُمَّ أَوتَرَ بِثَلاَثِ رَكَعَاتٍ لاَ يَفصِلُ فِيهِنَّ.**[2]

۳ـ حدیث مرفوع عائشه ل است: **كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وسلم يُوتِرُ بِثَلاَثٍ لاَ يُسَلِّمُ إِلاَّ فِى آخِرِهِنَّ.**[3]

ترجمه: پیامبر اکرم ص سه رکعت وتر ادا می‌فرمود، و فقط درآخر سلام می گفت.

تذکر: سپس امام حاکم اضافه می کند: **وَهَذَا وِترُ أَمِيرِ المُؤمِنِينَ عُمَرَ بنِ الخَطَّابِ، وَعَنهُ أَخَذَهُ أَهلُ المَدِينَةِ.**[4]

[ترجمه:] این وتر امیر المؤمنین عمر بن خطابس می‌باشد، واهل مدینه این عمل را از وی اخذ نموده‌اند.

۶ـ عن أَبِى سَعِيدِ الخُدرِىِّ رضى الله عنه قَالَ: قَالَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وسلم «لاَفَصلَ فِى الوِترِ.»[5]

۱ـ سنن نسائی:۲۴۸/۱.

۲ـ مسند امام احمد:۱۵۶/۶، شماره:۲۵۱۰۱.

۳ـ مستدرک حاکم:۶۰۸/۱.

۴ـ[المستدرک للحاکم:۴۴۷/۱، حدیث شماره:۱۱۴۰]

۵ـ جامع المسانید:۴۰۲/۱.

ترجمه: حضرت ابوسعید خدری ﷺ می‌گوید: رسول الله ﷺ فرمودند: در وتر فاصله (سلام) وجود ندارد.

۷ـ عَن عَائِشةَ رضی الله عنها قَالَت: كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وسلم لاَ يُسَلِّمُ فِى الرَّكعَتَينِ الأُولَيَينِ مِنَ الوِترِ.[1]

ترجمه:حضرت عائشه ﷺ روایت می‌کند که رسول‌خدا ﷺ در دو رکعت اوّل وتر سلام نمی‌گفت.

۸ ـ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ، قَالَ: أُرْسِلَتْ أُمِّي لَيْلَةً لِتَبِيتَ عِنْدَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، فَتَنْظُرَ كَيْفَ يُوتِرُ [فَبَاتَتْ عِنْدَ النَّبِيِّ] صلى الله عليه و سلم فَصَلَّى مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يُصَلِّي، حَتَّى إِذَا كان آخر الليل وأراد الوتر...الخ[2]

ترجمه: حضرت عبدالله بن مسعود ﷺ می‌گوید: شبی مادرم را برای این که کیفیت نماز وتر رسول الله ﷺ را بفهمد، به خانه‌ی ایشان فرستادم، چنان‌که مادرم شب را درآنجا سپری نمودند[وی می‌گوید:]پیامبر ﷺ [بیدارشد و] به اندازه‌ای که خداوند برایش خواسته بود نماز خواند،چون آخرشب شد، و پیامبر ﷺ اراده نمودکه وترش را بخواند در رکعت اوّل سوره‌ی «سبح اسم ربّک الأعلی» ودر رکعت دوّم «قل یاایها الکافرون» خوانده وقعده‌ی اولی نمود، سپس بدون سلام بلندشد ودر رکعت سوّم سوره‌ی«اخلاص» را قرائت نموده وهنگامی‌که سوره تمام شد تکبیرگفت و دعای قنوت راخواند وبه مقداری که منظورالهی بود، دعا فرمود وآنگاه تکبیرگفته وبه رکوع رفتند.

آثار صحابه ﷺ و کیفیت وتر:

۱ـ عَن ابنِ عُمَرَ رضى الله عنهما قَالَ: قَالَ النَّبِىُّ صلى الله عليه وسلم صلوة المغربِ وِترُ النَّهَارِ،فَأَوتِرُوا صَلوة الليلِ.[1]

---

۱ ـ مستدرک حاکم:۶۰۷/۱، کتاب الوتر.

۲ ـ الإستیعاب لابن عبدالبرّ:ص۹۳۴، حدیث شماره:۷۴۲.

ترجمه: از ابن عمرﷺ روایت است که رسول اکرمﷺ فرمودند: مغرب وتر روز است، لذا وتر شب را بخوانید.

تذکر: یعنی؛ همان‌گونه که نمازمغرب با دو تشهد ویک سلام است، نماز وتر نیز دارای دو تشهد ویک سلام می‌باشد.

۲ـ عَن عُقبَةَ بنِ مُسلِمٍ قَالَ: سَأَلتُ عبدَ اللهِ بنِ عُمَرَ رضی الله عنهما عَنِ الوِترِ، فَقَالَ: أَ تَعرِفُ وِترَ النَّهَارِ؟ قُلتُ: نَعَم صَلاَةُ المَغرِبِ، قَالَ صَدَقتَ، أَو أَحسَنتَ. [۲]

[ترجمه:] حضرت عقبه بن مسلم می‌گوید: از ابن عمرﷺ در مورد وترپرسیدم، فرمودند: وتر روز را می‌شناسی؟ گفتم: آری، نماز مغرب. او به من«**احسنتَ**» یا«**صَدَقتَ**» گفت.

اجماع امت و کیفیت وتر:

۱ـ عَنِ الحَسنِ أَجمَعَ المُسلِمُونَ عَلَی أَنَّ الوِترَثَلاَثٌ، لاَ یُسَلِّمُ إلاَّ فِی آخِرِهِنَّ. [۳]

ترجمه: اهل اسلام متفق‌اند بر این که وتر سه رکعت است، و درآخرش سلام گفته می‌شود.

۲ـ قَد أَجمَعُوا أَنَّ الوِترَ ثَلاَثٌ لاَ یسلّم إلاَّ فِی آخِرِهِنَّ. [۴]

ترجمه: [علما] بر این اجماع نموده‌اند که وتر سه رکعت با یک سلام است.

۱ـ مصنف عبدالرزاق:۴۰۱/۲.

۲ـ[شرح معانی الآثار للطحاوی، باب الوتر: ۲۷۹/۱، حدیث شماره:۱۶۶۷،السنن الکبری للبیهقی:۳۸/۳ حدیث شماره: ۴۷۹۱، معرفة السنن والآثار، باب الوتر: ۵۷/۴، حدیث شماره:۵۴۵۴.]

۳ـ مصنف ابن ابی شیبه:۱۹۴/۲، شماره:۱۷۷.

۴ـ طحاوی:۲۰۷/۱، باب الوتر.

تشهد در رکعت دوّم وتر:

۱ـ عَن عَائِشةَ رضی الله عنها قَالَت: کَانَ رَسُولُ اللهِ صلی الله علیهِ وسَلّم یَستَفتِحُ الصّلوةَ بالتّکبِیرِ و القِرَاءةَ بِالحَمد لِلهِ رَبِّ العَالَمِینَ... وَکَانَ یَقُولُ فِی کُلِّ رَکعَتَینِ التَّحِیّة... الحدیث.[1]

ترجمه: حضرت عائشه رضی الله عنها می‌گوید: رسول‌اکرم صلی الله علیه وسلم نمازش را با تکبیر و قرائت را با ﴿**الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ**﴾آغاز می‌نمود، ومی‌فرمود: در هر دو رکعت تشهدی است.

۲ـ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: كُنَّا لَا نَدْرِي مَا نَقُولُ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ غَيْرَ أَنْ نُسَبِّحَ وَنُكَبِّرَ وَنَحْمَدَ رَبَّنَا، وَإِنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَلَّمَ فَوَاتِحَ الْخَيْرِ وَخَوَاتِمَهُ، فَقَالَ: " إِذَا قَعَدْتُمْ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ، فَقُولُوا: التَّحِيَّاتُ لِلَّهِ وَالصَّلَوَاتُ وَالطَّيِّبَاتُ، السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ، أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ».[2]

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود رضی الله عنه می‌گوید: ما نمی‌دانستیم بعد از هر دو رکعت چه بگوییم، جز این‌که تسبیح و تکبیر می‌گفتیم و خدای خویش را ستایش می‌کردیم، حضرت محمّد صلی الله علیه وسلم آغاز وانجام خوبی‌ها را به ما آموزش داد وفرمود: هرگاه بر دو رکعت نشستید، بگویید: **التحیات لله**... الحدیث.

۳ـ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ الْعَبَّاسِ، عَنْ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «الصَّلَاةُ مَثْنَى مَثْنَى، تَشَهَّدُ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ.»[3]

ترجمه: آنحضرت صلی الله علیه وسلم فرمودند: «نماز شب دو دو رکعت است، ودر هر دو رکعت تشهدی است.»

۱ـ مسلم:۱۹۴/۱، باب ما یجمع صفة الصلاة.

۲ـ سنن نسائی:۱۷۴/۱،کیف التشهد الأوّل.

۳ـ جامع الترمذی:۱۸۷/۱، المعجم الکبیر:۲۶/۸.

الفاظ دعای قنوت:

الفاظ «**اللهم انّا نستعینک**» در دعای قنوت وتر، از احادیث صحیح ثابت است که خلفای راشدین از میان صحابه ﷺ ونیز جمهور امت آن را معمول خود نموده بودند.

[۱-] **عَنْ خَالِدِ بْنِ أَبِي عِمْرَانَ، قَالَ: «بَيْنَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسلَّمَ يَدْعُو عَلَى مُضَرَ إِذْ جَاءَهُ جِبْرِيلُ فَأَوْمَأَ إِلَيْهِ أَنِ اسْكُتْ فَسَكَتَ، فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ إِنَّ اللَّهَ لَمْ يَبْعَثْكَ سَبَّابًا وَلَا لَعَّانًا وَإِنَّمَا بَعَثَكَ رَحْمَةً وَلَمْ يَبْعَثْكَ عَذَابًا {لَيْسَ لَكَ مِنَ الْأَمْرِ شَيْءٌ أَوْ يَتُوبَ عَلَيْهِمْ أَوْ يُعَذِّبَهُمْ فَإِنَّهُمْ ظَالِمُونَ} [آل عمران: ۱۲۸] " قَالَ: ثُمَّ عَلَّمَهُ هَذَا الْقُنُوتَ: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ وَنُؤْمِنُ بِكَ وَنَخْضَعُ لَكَ، وَنَخْلَعُ وَنَتْرُكُ مَنْ يَكْفُرُكَ، اللَّهُمَّ إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَلَكَ نُصَلِّي وَنَسْجُدُ، وَإِلَيْكَ نَسْعَى وَنَحْفِدُ نَرْجُو رَحْمَتَكَ وَنَخَافُ عَذَابَكَ الْجَدَّ، إِنَّ عَذَابَكَ بِالْكُفَّارِ مُلْحِقٌ.»**[۱]

ترجمه: حضرت خالدبن ابی عمران [رضی الله عنه] می‌فرماید: روزی رسول‌خدا ﷺ علیه قبیله‌ی«مضر» بد دعا می کردندکه ناگهان جبریل امین علیه السلام تشریف آورده، اشاره به سکوت نمودند، پیامبر ﷺ خاموش شد،آنگاه جبریل علیه السلام فرمود: [ای محمّد!] خداوند شما را ناسزا گوی ونفرین کننده نفرستاده است، خداوند شما را به عنوان رحمتی فرستادند، نه عذاب. واین امور در اختیار تو نیست، خداوند بخواهد توبه‌ی آن‌ها را قبول می کند ویا عذاب‌شان می‌کند؛ زیرا این‌ها ستمگرند. سپس دعای قنوت را آموزش دادندکه:«**اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْتَعِينُكَ وَنَسْتَغْفِرُكَ** و.....».

همین دعا با اندک تفاوتی در الفاظ، درآثار متعددی از عمر، عثمان، علی، عبدالله بن مسعود، ابی بن کعب، رضی الله عنهم مروی است که از مجموعه‌ی آن‌ها این دعای کامل ثابت می‌شود.[۲]

۱ـ سنن الکبری للبیهقی:۲۱۰/۲، مصنف ابن ابی شیبه:۵۱۸/۴.

۲ـ برای تفصیل مراجعه شود به(مصنف ابن ابی شیبه:۲۱۳/۲تا۲۱۵، مصنف عبدالرزاق:۲۹/۳تا۳۱)

فایده: امام ابن ابی شیبه رحمه الله، شیخ و استاد امام بخاری وامام مسلم رحمهما الله وامام عبد الرزاق رحمه الله، استاد امام احمد بن حنبل رحمه الله است.

قنوت قبل از رکوع:

دعای قنوت در رکعت سوّم وتر پیش از رکوع و در تمام سال است و احادیثی که درآن قنوت بعد از رکوع ذکرشده مربوط به قنوت نازله می‌باشد.

۱ـ عن عَاصِمٌ، قَالَ: سَأَلْتُ أَنَسَ بْنَ مَالِكٍ عَنِ الْقُنُوتِ، فَقَالَ: قَدْ كَانَ الْقُنُوتُ قُلْتُ: قَبْلَ الرُّكُوعِ أَوْ بَعْدَهُ؟ قَالَ: قَبْلَهُ، قَالَ: فَإِنَّ فُلاَنًا أَخْبَرَنِي عَنْكَ أَنَّكَ قُلْتَ بَعْدَ الرُّكُوعِ، فَقَالَ: «كَذَبَ إِنَّمَا قَنَتَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ بَعْدَ الرُّكُوعِ شَهْرًا.»[1]

ترجمه: حضرت عاصم رحمه الله می گوید: از حضرت انس رضی الله عنه در مورد قنوت پرسیدم، که قبل از رکوع است یا بعد از آن؟ فرمود: قبل از رکوع، پیامبر علیه السلام فقط یک ماه بعد از رکوع قنوت خواندند.

۲ـ از حضرت ابی بن کعب رضی الله عنه مرفوعاً روایت است :**«انّ رسولَ اللهِ صلی الله علیه وسلم كَانَ يُوتِرُ و يَقنَتُ قَبلَ الرُّكُوعِ.»**[2]

ترجمه: رسول اکرم صلی الله علیه وسلم وتر می‌خواند و پیش از رکوع قنوت می‌خواند.

۳ـ عَنْ أُبَيِّ بْنِ كَعْبٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ يُوتِرُ بِثَلَاثِ رَكَعَاتٍ، كَانَ يَقْرَأُ فِي الْأُولَى بِسَبِّحِ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى، وَفِي الثَّانِيَةِ بِقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، وَفِي الثَّالِثَةِ بِقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَيَقْنُتُ قَبْلَ الرُّكُوعِ.»[3]

۱ـ صحیح بخاری:۱۳۶/۱، باب القنوت قبل الرکوع او بعده.

۲ـ سنن نسائی:۲۴۸/۱.

۳ـ سنن نسائی:ص۲۴۳،قیام اللیل للمروزی: باب کیف الوتر بثلاثٍ،ص۲۴۸.

ترجمه: حضرت ابی بن کعب ﵁ می‌فرماید:رسول‌خدا ﷺ سه رکعت وتر می‌خواند، در رکعت نخست سوره‌ی«أعلی»، در رکعت دوّم سوره‌ی«کافرون»و در رکعت سوّم سوره‌ی «اخلاص» را قرائت می‌نمود.

۴ـ عَن علقَمَةَ أَنَّ ابنَ مسعودٍ وَأَصحَاب النَّبِيِّ صلى الله عليه وسلم كَانُوايَقنَتُونَ فِي الوِترِ قَبلَ الرُّكُوعِ.[۱]

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعود ودیگرصحابه‌ی کرام﵃ در وتر قبل از رکوع قنوت می‌خواندند.

فایده: خود علمای غیر مقلد نیز قائل‌اند که محل قنوت وتر پیش از رکوع است، وروایاتی که درآن بعد الرکوع ذکرشده مربوط به قنوت نازله هستند، چنان‌که؛

۱ـ غیرمقلد مشهور، مبشّر ربانی می‌نویسد: از قول و فعل آنحضرت﵇ وعمل صحابه‌ی کرام، قنوت در وتر قبل از رکوع ثابت است، و اکثر روایات بر قنوت قبل از رکوع دلالت دارند، ودعایی که در حالات ویژه برای خیرخواهی مسلمانان و دعا بد خلاف کفار ومشرکان که «قنوت نازله» گفته می‌شود، بعد از رکوع می‌بود.[۲]

۲ـ غیر مقلدان می‌گویند: خواندن قنوت وتر قبل از رکوع همان‌گونه‌که در سنن نسائی ثابت است، راجح می‌باشد وکسانی که بعد از رکوع قنوت می‌خوانند، به قیاس بر قنوت نازله چنین می‌کنند. روایات مذکوره‌ی مؤلف کتاب، مربوط به قنوت نازله است.[۳]

۱ـ مصنف ابن ابی شیبه:۵۲۱/۴.

۲ـ مبشر ربانی ، آپ کا مسائل اور انکا حل:۱۸۵/۱.

۳ـ تسهیل الوصول إلی تخریج وتعلیق صلاة الرسول:ص۲۹۵.

۳ـ بعضی از غیرمقلدان می‌نویسند: همه‌ی روایات بعد از رکوع در وتر ضعیف‌اند، و روایات صحیح، غیر صریح‌اند که این قنوت آنحضرتﷺ قنوت نازله بود یا وتر؟ لهذا روش درست خواندن قنوت وتر، پیش از رکوع است.[۱]

رفع یدین در دعای قنوت:

پس از فارغ شدن از رکعت سوّم وتر، تکبیرگفتن و بلند کردن دست‌ها از احادیث صحیح ثابت است.

۱ـ عَن أَبِی عثمانَ قال: کَانَ عُمَرُ یَرفَعُ یَدَیهِ فِی القُنُوتِ.[۲]

ترجمه: ابو عثمان[رحمه الله] می‌گوید: حضرت عمر[رضی الله عنه] هنگام قنوت، دست‌هایش را بلند می‌کرد.

۲ـ عَن عَبدِ اللهِ أَنَّهُ کَانَ یَقرَءُ فِی آخِرِ رَکعَةٍ مِنَ الوِترِ قُل هُوَ اللهُ اَحَدٌ ،ثُمَّ یَرفَعُ یَدَیهِ وَیَقنُتُ قَبلَ الرَّکعَةِ.[۳]

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعودرضی الله عنه در رکعت آخر وتر﴿**قُل هُوَ اللهُ اَحَدٌ**﴾ را خوانده، وقبل از رکوع قنوت می‌خواند.

۳ـ عَن الأَسوَدِ عَن عَبدِ اللهِ بنِ مَسعُودٍ رضی الله عنه أَنَّهُ کَانَ یَرفَعُ یَدَیهِ فِی قُنُوتِ الوِترِ.[۴]

ترجمه: حضرت اسود[بن یزید] رحمه الله می‌گوید: ابن مسعودرضی الله عنه در قنوت وتر رفع یدین می‌فرمود.

۱ـ نماز نبوی صحیح احادیث کی روشنی مین:ص۲۳۶.

۲ـ جزء رفع الیدین مترجم:ص۳۴۶.

۳ـ جزء رفع الیدین مترجم:ص۳۴۶.

۴ـ مصنف ابن ابی شیبه:۵۳۱/۴.

فایده: خود علمای غیر مقلد نیز این سخن را می‌پذیرند که در مورد برداشتن دست‌ها و دعا نمودن حدیث صحیحی ثابت نیست.[ملاحظه شود:]

۱ـ از حدیث صحیح به صراحت بلندکردن دست یا بستن آن در قنوت ثابت نمی‌شود.[۱]

۲ـ در رابطه با بلند کردن دست‌ها در دعای قنوت وتر، حدیث مرفوع وصحیحی وجود ندارد.[۲]

۳ـ آثار ضعیفی از بعض صحابه درمورد بلند نمودن دست‌ها در دعای وتر نیز یافته می‌شود، بهتر این است که در قنوت وتر دست‌ها برداشته نشود.[۳]

تذکر: نگارنده در موضوع نماز وتر ودیگر مسایل مهم، مباحث تفصیلی ومدللی به شکل فایل محفوظ نموده‌ام که می‌توان آن‌ها را با تماس به شماره‌ی(۰۳۲۱۶۳۵۳۵۴۰) حاصل نمود.

۱ـ فتاوی علمای حدیث:۲۰۶/۳.

۲ـ نماز نبوی:ص۲۳۷.

۳ـ حاشیه صلوة الرسول:ص۲۹۷.

پژوهشی پیرامون وتر تک رکعتی

غیرمقلدان یک رکعت وتر می‌خوانند، وچند حدیث به عنوان دلیل ارایه می کنند، بیاییم با هم به بررسی حقیقت موقف آنان بپردازیم:

دلیل اول؛ حدیث عائشه[رضی الله عنها] به روایت سعد بن هشام:

حضرت سعد بن هشام انصاری[رحمه الله] می‌گوید: خدمت ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها عرض نمودم:

«يَا أُمَّ الْمُؤْمِنِينَ أَنْبِئِينِي عَنْ وِتْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ فَقَالَتْ كُنَّا نُعِدُّ لَهُ سِوَاكَهُ وَطَهُورَهُ مِنَ اللَّيْلِ فَيَبْعَثُهُ اللَّهُ لِمَا شَاءَ أَنْ يَبْعَثَهُ فَيَتَسَوَّكُ وَيَتَوَضَّأُ ثُمَّ يُصَلِّي تِسْعَ رَكَعَاتٍ لَا يَقْعُدُ فِيهِنَّ إِلا عِنْدَ الثَّامِنَةِ فَيَحْمَدُ اللَّهَ وَيَذْكُرُهُ وَيَدْعُوهُ ثُمَّ يَنْهَضُ وَلا يُسَلِّمُ ثُمَّ يُصَلِّي التَّاسِعَةَ فَيَقْعُدُ وَيَحْمَدُ اللَّهَ وَيَذْكُرُهُ وَيَدْعُوهُ ثُمَّ يُسَلِّمُ تَسْلِيمًا يُسْمِعُنَا ثُمَّ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ وَهُوَ قَاعِدٌ بَعْدَ مَا يُسَلِّمُ فَتِلْكَ إِحْدَى عَشْرَةَ أَيْ بُنَيَّ فَلَمَّا أَسَنَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ وَأَخَذَ اللَّحْمُ أَوْتَرَ بِسَبْعٍ وَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَهُوَ قَاعِدٌ بَعْدَ مَا سَلَّمَ فَتِلْكَ تِسْعٌ أَيْ بُنَيَّ.[1]

ترجمه: ای مادر مؤمنان! مرا از وتر رسول‌خدا ﷺ باخبرکن، فرمود: ما برای آنحضرت ﷺ مسواک وآب فراهم می‌نمودیم، هرحصّه‌ای از شب که خدا می‌خواست بیدارش می‌نمود، وی مسواک می‌زد و وضو می گرفت، سپس نه رکعت می‌خواندکه فقط بر رکعت هشتم می نشست، و به ذکر، حمد وستایش خداوند می‌پرداخت ودعا می‌فرمود، آنگاه به نحوی که ما بشنویم سلام می گفت، پس از آن دو رکعت نماز درحالی وی نشسته بود ادا می کرد که مجموع آن ای فرزندم! یازده رکعت می‌شد. هنگامی که رسول الله ﷺ به سن پیری رسیدند وبدنش سنگین شد، هفت رکعت وتر، و دو رکعت به کیفیت سابق ادا می‌نمود که جمعاً نه رکعت می‌شد.

---

۱ ـ صحیح مسلم:۲۵۶/۱.

روش استدلال:

در آغاز پیامبر اکرمﷺ نه رکعت وتر می‌خواند، وفقط بر رکعت هشتم می‌نشست و بر رکعت نهم سلام می‌گفت، وبعدها هفت رکعت وتر می‌خواند وبر رکعت ششم بدون سلام می‌نشست، و بر رکعت هفتم سلام می‌گفت، لذا معلوم شد که وتر یک رکعت است.

جواب:

خوانندگان گرامی! دلیل غیرمقلدان ونحوه‌ی استدلال آن‌ها را مشاهده فرمودید، اینک با هم به بررسی آن می‌پردازیم:

همین روایت باسند مذکور در سنن نسائی ۲۴۸/۱، مؤطا امام محمّد، ص ۱۵۱، طحاوی ۱۳۷/۱، مصنف ابن ابی شیبه ۲۹۵/۲، دارقطنی ۱۷۵/۱، و بیهقی ۳۱/۳ با این الفاظ مروی است که: «**كَانَ النَّبِيُّ صلى الله عليه وسلم لاَ يُسَلِّمُ فِي رَكعَتَيِ الوِترِ**» یعنی؛ آنحضرتﷺ بر دو رکعت وتر سلام نمی‌گفت. ودر مستدرک حاکم ۳۰۴/۱ همین حدیث با این الفاظ راویت شده که: «**كَانَ رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وسلم يُوتِرُ بِثَلاَثٍ، لاَ يُسَلِّمُ إِلاَّ فِي آخِرِهِنَّ.**» یعنی؛ آنحضرتﷺ سه رکعت وتر ادا می‌فرمود و صرفاً در پایان آن سلام می‌گفت.

در مسند احمد ۱۵۶/۶ حدیث مذکور سعد بن هشام با این الفاظ وارد شده است:

«**أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ كَانَ إِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ دَخَلَ الْمَنْزِلَ، ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ صَلَّى بَعْدَهُمَا رَكْعَتَيْنِ أَطْوَلَ مِنْهُمَا، ثُمَّ أَوْتَرَ بِثَلَاثٍ لَا يَفْصِلُ فِيهِنَّ، ثُمَّ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ وَهُوَ جَالِسٌ.**»

ترجمه: رسول اکرمﷺ بعد از نماز عشاء به خانه تشریف می‌آورند،آنگاه دو رکعت و پس ازآن دو رکعت دیگر طولانی‌تر از دو رکعت اوّل ادا می‌فرمود، سپس سه رکعت وتر می‌خواندند و در میان آن[باسلام] فصل نمی‌کردند، پس ازآن در حالی‌که نشسته بود دو رکعت می‌خواندند.

نکته‌ی قابل توجه:

این‌ها همه الفاظ متفاوت روایت یک راوی است که از جمع کردن تمام طرق، امور زیر مستفاد می‌شود:

۱ـ طبق روایت سعد بن هشام آنحضرتﷺ یازده رکعت به شمول وتر و دو رکعت بعد ازآن، ادا می‌فرمود.

۲ـ بر هر دو رکعت می‌نشستند.

۳ـ سه رکعت آن‌ها وتر بود.

۴ـ بر دو رکعت وتر می‌نشستند ولی سلام نمی‌گفتند.

۵ ـ پس از وتر دو رکعت[نفل] نشسته ادا می‌فرمودند.

خلاصه‌ی کلام:

در روایت بالا نوافلِ قبل از وتر و بعد ازآن با هم ذکر شده‌اند، که بر اثرآن، اشکال پیدا شده است حال آن‌که سؤال سائل از صلوة اللیل[ونماز تهجد] نبود بلکه در مورد وتر بود، از این جهت ام المؤمنین رضی الله عنها رکعات صلوة اللیل را به صورت اجمال، و رکعات مربوط به وتر را قدری مفصل بیان فرمود، بر رکعت هشتم که[در واقع] رکعت دوّم وتر بود می نشستند ولی سلام نمی‌گفتند و بر رکعت نهم که رکعت سوّم وتر بود سلام می‌دادند.

تذکر: آنچه در «صحیح مسلم» ۲۵۶/۱ از قول ام المؤمنین عائشه رضی الله عنها آمده که آنحضرتﷺ نه رکعت می‌خواند وبجز بر رکعت هشتم قعود نمی‌کرد وپس از حمد وثنای خدا و دعا بدون سلام برمی‌خاست و بر رکعت نهم سلام می‌داد، هرگز مراد آن، این نیست که در تمام هشت رکعت قعودی وجود نداشت؛ زیرا این مفهوم مخالف با احادیث خود ام المؤمنین رضی الله عنها می‌باشد، بلکه مراد این است که قعده‌ی

رکعت هشتم که درآن سلام نمی‌گفت با رکعات ماقبل که برهر دو رکعت سلام می‌داد متفاوت بود.

از تفصیل بالا در میان روایات مختلف سعد بن هشام تطبیق پیدا شده واختلافی باقی نمی‌ماند. اگر روایت یک راوی با یک سند والفاظ مختلف وارد شود، حمل نمودن آن بر واقعات مختلف که گاهی پیامبرﷺ چنین وگاهی چنان عمل می‌کردند درست نیست؛ زیرا [درحقیقت] این تعابیر گوناگون یک جریان است که از اختلاف در تعبیر و کلمات، واقعه مختلف نخواهد شد.

دلیل دوّم؛ حدیث عائشه[رضی الله عنها] به روایت عروه بن زبیر:

حضرت عروه بن زبیر رضی الله عنهما خواهر زاده‌ی حضرت عائشه رضی الله عنها از خاله‌ی خویش روایت می‌کند:

«أَنَّ رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، كَانَ يُصَلِّي بِاللَّيْلِ إِحْدَى عَشْرَةَ رَكْعَةً، يُوتِرُ مِنْهَا بِوَاحِدَةٍ، فَإِذَا فَرَغَ مِنْهَا اضْطَجَعَ عَلَى شِقِّهِ الْأَيْمَنِ، حَتَّى يَأْتِيَهُ الْمُؤَذِّنُ فَيُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ.»[1]

ترجمه: رسول اللهﷺ در شب یازده رکعت ادا نموده وبا یک رکعت ازآن، وتر می نمود.[زمانی که فراغت می‌یافت برپهلوی راست می‌آرمید تا آن‌که مؤذن می‌آمد[وی برخاسته] دو رکعت مختصر بجا می‌آورد.]

[خلاصه از جمله‌ی«**يُوتِرُ مِنْهَا بِوَاحِدَةٍ**» بر مدعای خویش استدلال می‌کنند.]

جواب: از سیدنا عروه بن زبیر رضی الله عنهما در مورد وتر روایات مختلفی مروی است، مثلاً الفاظ موجود در طحاوی ۱۳۸/۱ بدین نحو است:

«كَانَ يُصَلِّى بِاللَّيلِ ثَلاثَ عَشرَةَ رَكعَةً، ثُمَّ يُصَلِّى إِذَا سَمِعَ النِّدَاءَ رَكعَتَينِ خَفِيفَتَينِ.»

---

۱ ـ صحیح مسلم ۲۵۳/۱.

[ترجمه: رسول‌خداﷺ درشب سیزده رکعت می‌خواند، سپس زمانی‌که اذان را می‌شنید دو رکعت مختصر ادا می‌فرمود.]

از این روایت معلوم می‌شودکه پیامبرؑ سیزده رکعت می‌خواند، در حالی‌که روایت سابق بر یازده رکعت دلالت می‌کرد، نزد ما اهل سنت وجماعت در میان این دو روایتِ سیدنا عروه بن زبیرؓ نه تعارضی وجود دارد ونه بر دو واقعه‌ی جداگانه محمول است، بلکه تعابیر مختلف یک جریان می‌باشد.

در روایتی که بیان شده بود رسول خداﷺ یازده رکعت می‌خواند وبرهر دو رکعت سلام می‌گفت وبا یک رکعت وتر می نمود، دران دو حکم جداگانه بیان شده‌است:

۱ـ بر هر دو رکعت قعده نمودن ونشستن.

۲ـ افزودن یک رکعت بر دو رکعت گذشته وآن‌را وترنمودن.

حکم اوّل مربوط به هشت رکعت پیش از وتر و حکم دوّم در رابطه با سه رکعت وتر است. لذا مراد روایت بالا این نیست که پیامبرﷺ تنها یک رکعت وتر ادا می‌نمود بلکه مرادش این است که با افزودن رکعت یازدهم به دو رکعتی‌های گذشته وتر می‌ساخت، بر این توجیه ما دو قرینه زیر تقدیم خدمت است:

قرینه‌ی اوّل:

روایات خود عائشه صدیقهؓ که دران سه رکعت وتر تصریح شده است، مثلاً:

۱ـ **ثُمَّ يُصَلِّي ثَلاَثاً.**[۱]

۲ـ عن سعد بن هشام،أنَّ عائشةَ حَدَّثَتهُ أَنَّ رسولَ اللهِ صلى الله عليه وسلم كَانَ لاَ يُسَلِّمُ فِي رَكعَتَيِ الوِترِ.[۲]

---

۱ ـ بخاری ۱۵۴/۱،مسلم ۲۵۴/۱،ابو داؤد ۱۸۹/۱.

۲ ـ سنن نسائی ۲۴۸/۱، مؤطا امام محمّد:ص ۱۵۱.

۳ـ عَن عَمرَةَ عَن عَائِشةَ رضی اللهُ عنها أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلی الله علیه وسلم کَانَ یُوتِرُ بِثَلاَثٍ، یَقرَءُ فِی الرَّکَعَةِ الأُولی بِسَبّحِ اسمَ ربّکَ الأَعلی... الخ[1]

قرینه‌ی دوّم:

فتوای خود سیدنا عروه بن زبیر رضی الله عنه درمورد سه رکعت وتر موجود است:

عن أَبِی الزّنَادِ عَنِ السَّبعَةِ؛ سَعِیدبن المسیّب وعروة بن الزبیر والقاسم بن مُحَمَّدٍ.... أنَّ الوِترَثَلاَثٌ، لاَ یُسَلَّمُ إِلاَّ فِی آخِرِهِنَّ.[2]

دلیل سوّم؛ حدیث ابن عباس رضی الله عنهما:

سیدنا عبد الله بن عباس رضی الله عنهما شبی به منظور مشاهده‌ی نماز شب رسول‌خدا صلی الله علیه وسلم در خانه‌ی خاله‌اش أم المؤمنین حضرت میمونه رضی الله عنها قیام نمود، این روایت با الفاظ وطرق مختلف مروی است، ازجمله در یک طریق با این الفاظ آمده است:

عَنْ کُرَیْبٍ، مَوْلَی ابْنِ عَبَّاسٍ، عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُمَا، قَالَ: نِمْتُ عِنْدَ مَیْمُونَةَ وَالنَّبِيُّ صَلَّی اللهُ عَلَیْهِ وَسَلَّمَ عِنْدَهَا تِلْكَ اللَّیْلَةَ «فَتَوَضَّأَ، ثُمَّ قَامَ یُصَلِّي، فَقُمْتُ عَلَی یَسَارِهِ، فَأَخَذَنِي، فَجَعَلَنِي عَنْ یَمِینِهِ، فَصَلَّی ثَلاَثَ عَشْرَةَ رَکْعَةً، ثُمَّ نَامَ حَتَّی نَفَخَ، وَکَانَ إِذَا نَامَ نَفَخَ، ثُمَّ أَتَاهُ المُؤَذِّنُ، فَخَرَجَ، فَصَلَّی وَلَمْ یَتَوَضَّأْ.»[3]

[ترجمه:کریب مولای ابن عباس رضی الله عنه از او روایت می‌کند که شبی که در آن شب پیامبر علیه السلام نیز نزد میمونه بود درخانه‌ی [خاله‌ام اُمُّ المؤمنین] میمونه خوابیدم.رسول‌خدا صلی الله علیه وسلم وضو نموده وبرای نماز بر خاست. من [نیز] به جانب چپ آنحضرت علیه السلام ایستادم، آنحضرت مرا به طرف راست خود قرار دادند، سیزده رکعت ادا نمود. سپس خوابیدم

۱ـ مستدرک حاکم ۳۰۵/۱.

۲ـ سنن طحاوی ۱۴۵/۱.

۳ـ صحیح بخاری ۹۷/۱.

تا آن‌که صدای نفسش شنیده شد، وعادت داشت چون بخواب می رفت صدای نفسش به گوش می رسید، آنگاه مؤذن نزد او آمد، وی از خانه خارج شد ونماز خواند و(مجدداً) وضو نگرفت.]

این دلیل سه جواب دارد:

جواب اوّل:

حافظ ابن حجر رحمه الله با تبصره بر این واقعه می‌نگارد:

وَالْحَاصِلُ أَنَّ قِصَّةَ مَبِيتِ ابْنِ عَبَّاسٍ يَغْلِبُ عَلَى الظَّنِّ عَدَمُ تَعَدُّدِهَا فَيَنْبَغِي الِاعْتِنَاءُ بِالْجَمْعِ بَيْنَ مُخْتَلِفِ الرِّوَايَاتِ فِيهَا، وَلَا شَكَّ أَنَّ الْأَخْذَ بِمَا اتَّفَقَ عَلَيْهِ الْأَكْثَرُ وَالْأَحْفَظُ أَوْلَى مِمَّا خَالَفَهُمْ فِيهِ مَنْ هُوَ دُونَهُمْ وَلَا سِيَّمَا إِنْ زَادَ أَوْ نَقَصَ.[1]

[ترجمه:] خلاصه، داستان شب گذرانی ابن عباس رضی الله عنهما درخانه‌ی نبی اکرم صلی الله علیه وسلم به ظن غالب یک بار پیش آمده‌است، از این رو باید بین روایات مختلفی‌که در این مورد وارد شده‌اند جمع نمود و بدون شک گرفتن[و اختیارنمودن] آنچه که اکثر و احفظ برآن متفق‌اند نسبت به مخالفان‌شان اولی‌تر است، بویژه زمانی که درآن کمی وزیادتی بنماید.

جواب دوّم:

ازخود سیدنا ابن عباس رضی الله عنهما تصریح سه رکعت وتر موجود است، مثلاً:

۱ـ در روایت علی بن عبد الله فرزند سیدنا ابن عباس رضی الله عنهم آمده‌است: **ثُمَّ اَوتَرَ بِثَلاَثٍ.**[2]

---

۱ ـ فتح الباری ۳۸۸/۲ ، طبع مصر.

۲ ـ صحیح مسلم ۲۶۱/۱، سنن طحاوی ۱۴۰/۱.

۲ـ روایت یحیی بن الجزار است که: **كَانَ يُصَلِّى مِنَ اللَّيلِ ثَمَانَ رَكَعَاتٍ، وَ يُوتِرُ بِثَلاَثٍ، ويُصَلِّى رَكعَتَينِ قَبلَ صَلاَةِ الفَجرِ.**[۱]

۳ـ در روایت کریب مولی ابن عباس رضی الله عنهما آمده‌است: **فَصَلَّى رَسُولُ اللهِ صلى الله عليه وسلم رَكعَتَينِ بَعدَ العِشَاءِ، ثُمَّ رَكعَتَينِ، ثُمَّ رَكعَتَينِ، ثُمَّ رَكعَتَينِ،ثُمَّ اَوتَرَ بِثَلاَثٍ.**[۲]

جواب سوّم:

خود ابن عباس رضی الله عنهما بر سه رکعت وتر فتوا می‌دادند، چنان‌که حضرت ابو منصور می‌گوید: «**سَأَلتُ ابنَ عباسٍ رضى الله عنهما عَنِ الوِترِ فَقَالَ: ثَلاَثٌ.**»[۳]

خلاصه‌ی کلام:

از بررسی تمام روایات ابن عباس رضی الله عنهما معلوم می‌شود که در بسیاری از روایات، سه رکعت وتر تصریح شده است و وروایات دیگر نیز احتمال آن‌را دارد، از این جهت روایات دیگر نیز بر سه رکعت وتر حمل کرده می‌شود، حمل نمودن روایات بر تعدد واقعه همان گونه که به نقل از ابن حجر رحمه الله گذشت به هیچ وجه درست نیست،[بلکه] همه‌ی این‌ها تعبیرات مختلف از یک جریان است، لذا تعبیرات مختلف را بر واقعات متعدد حمل کردن ویا تلاش برای پیدا نمودن چندین صورت برای وتر چندان مناسب نیست.

دلیل چهارم؛ حدیث ام سلمه رضی الله عنها:

در روایت یحیی بن جزار از ام المؤمنین ام سلمه رضی الله عنها آمده است:

۱ـ سنن نسائی ۱۴۹/۱.

۲ـ سنن طحاوی ۱۴۱/۱.

۳ـ سنن طحاوی ۱۴۱/۱.

عَنْ يَحْيَى بْنِ الجَزَّارِ، عَنْ أُمِّ سَلَمَةَ، قَالَتْ: كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُوتِرُ بِثَلاَثَ عَشْرَةَ، فَلَمَّا كَبِرَ وَضَعُفَ أَوْتَرَ بِسَبْعٍ.[1]

جواب:

این روایت با حدیث ام المؤمنین رضی‌الله‌عنها موافق است، قبلاً تصریح نموده بودندکه هشت رکعت آن نفل و سه رکعت وتر می‌بود، ولی مجموع را به «صلاة اللیل» یعنی نماز شب تعبیر فرمود، چنان‌که خود امام ترمذی رحمه‌الله ماتحت این روایت، از امام اسحاق بن ابراهیم رحمه‌الله تصریح آن‌را نقل نموده‌است: **إِنَّمَا مَعْنَاهُ أَنَّهُ كَانَ يُصَلِّي مِنَ اللَّيْلِ ثَلاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً مَعَ الْوِتْرِ فَنُسِبَتْ صَلاةُ اللَّيْلِ إِلَى الْوِتْرِ.**[2]

[ترجمه: معنی(روایت أم المؤمنین رضی‌الله‌عنها که پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وسلم سیزده رکعت می‌خواند) این است که آنحضرت علیه‌السلام شبانه به همراه وتر سیزده رکعت ادا می‌فرمود، پس نماز تهجد را به سوی وتر منسوب نمود.]

دلیل پنجم؛ حدیث ابن عمر رضی‌الله‌عنهما:

در صحیحین از سیدنا ابن عمر رضی‌الله‌عنهما مروی است:

أَنَّ رَجُلاً سَأَلَ النَّبِيَّ صلی الله علیه وسلم **عَن صلوةِ اللَّيلِ فقال رَسُولُ اللهِ** صلی الله علیه وسلم: **«صَلاةُ الليل مَثْنَى مَثْنَى فإذا خشِي أحدكم الصبح صلى ركعة واحدةً تُوتِرله ما قد صَلَّى.»**[3]

همچنین در صحیح مسلم از سیدنا ابن عباس رضی‌الله‌عنهما وسیدنا ابن عمر رضی‌الله‌عنهما مرفوعاً مروی است که: **الوِترُ رَكعَةٌ مِنَ اللَّيلِ.**[4]

این[دلیل] سه جواب دارد:

---

۱ ـ جامع ترمذی ۶۰/۱،سنن نسائی ۲۵۱/۱.
۲ ـ جامع الترمذی ۶۰/۱.
۳ ـ صحیح بخاری ۱۳۶/۱،صحیح مسلم ۲۵۷/۱.
۴ ـ صحیح مسلم ۲۵۷/۱.

جواب اوّل:

حافظ ابن حجر رحمه الله می‌نویسد: **وَتُعُقِّبَ بِأَنَّهُ لَيْسَ صَرِيحًا فِي الْفَصْلِ فَيُحْتَمَلُ أَنْ يُرِيدَ بِقَوْلِهِ صَلِّ رَكْعَةً وَاحِدَةً أَيْ مُضَافَةً إِلَى رَكْعَتَيْنِ مِمَّا مَضَى.**[۱]

ترجمه: این حدیث بر خواندن یک رکعت صریح نیست؛ زیرا احتمال داردکه مراد آنحضرت صلی الله علیه وسلم این باشد که به همراه دو رکعت گذشته، یک رکعت افزوده وسه رکعت وتر بخواند.

علت این است که وتر(طاق) شدن بر رکعت آخر موقوف است،که به وسیله‌ی آن نمازگزار نمازخویش را وتر(طاق) می‌سازد بدون آن اگر تمام شب نماز بخواند وتر نخواهد بود، برای اظهار این حقیقت تعبیر دیگری این گونه اختیارکرده شده است: «**الوِترُ رَكعَةٌ مِنَ اللَّيلِ.**» [یعنی؛] وتر یک رکعت است از آخرشب.

جواب دوّم:

«**الوِترُ رَكعَةٌ مِن آخِرِ اللَّيلِ**» عیناً مانند این تعبیر درمورد حج است که: «**الحج العرفة.**»[۲]

مراد از آن این است که بدون وقوف عرفه حج تحقق نمی‌یابد، هیچ انسان عاقل وخردمندی این برداشت را نخواهد داشت که حقیقت کامل حج همین وقوف به عرفات است وبس، نه برای آن نیازی به احرام است ونه دیگر مناسک. بعینه مراد از جمله‌ی«**الوِترُ رَكعَةٌ مِن آخِرِ اللَّيلِ**» این است که تا زمانی که یک رکعت بر رکعات گذشته افزوده نشود حقیقت وتر محقق نخواهد شد، مراد آن هرگز این نیست که حقیقت وتر تنها همین یک رکعت است وبس. همین مفهوم به تعبیر دیگر این گونه

۱ـ فتح الباری شرح صحیح بخاری ۳۸۵/۲.

۲ـ جامع الترمذی ۱۷۸/۱.

بیان شده است: **«صَلوةُ اللَّیلِ مثنی مثنی فَإِذَا خَشِیَ اَحَدُکُمُ الصُّبحَ صَلَّی رَکعَةً وَاحِدَةً تُوتِرُ لَهُ مَا قَد صَلَّی.»**[1]

مراد از این فرمان پاک، چیزی جز این نتوان بود، که می‌بایست در شب دو دو رکعت خوانده و زمانی که بیم طلوع صبح صادق پیش آید، با آخرین دو رکعت، یک رکعت اضافه نموده ونماز را وتر باید ساخت.

جواب سوّم:

نزد خود سیدنا ابن عمر رضی الله عنهما وتر سه رکعت است[چنان که] سیدنا عامر الشعبی می‌فرماید:

سَأَلتُ ابنَ عمرَ و ابنَ عباسٍ رضی الله عنهم کَیفَ کَانَ صَلاَةُ رَسُولِ اللهِ صلی الله علیه وسلم باللَّیلِ؟ فَقَالاَ: ثَلاَثَ عَشرَةَ رَکعَةً، ثَمَان وَ یُوتِرُ بِثَلاَثٍ رَکعَتَینِ بَعدَ الفَجرِ.[2]

دلیل ششم؛ حدیث ابو ایوب انصاری رضی الله عنه:

سیدنا ابو ایوب انصاری رضی الله عنه می‌فرماید:

قَالَ رَسُولُ اللهِ صلّی الله علیه وسلّم:«الوِترُ حَقٌّ عَلَی کُلِّ مُسلِمٍ، فَمَن أَحَبَّ أَن یُوتِرَ بِخَمسٍ فَلیَفعَل، وَ مَن أَحَبَّ أَن یُوتِرَ بِثلاَثٍ فَلیَفعَل، وَ مَن أَحَبَّ أَن یُوتِرَ بِوَاحِدَةٍ فَلیَفعَل.»[3]

دو جواب برای این دلیل تقدیم خدمت است:

---

۱ ـ [سنن أبی داؤد، باب صلاة اللیل مثنی مثنی: ۴۹۰/۲، حدیث شماره:۱۳۲۶، مؤطا مالک،باب الأمر بالوتر:۱۱۸/۱، حدیث شماره: ۲۹۸، مسند الشافعی : ۲۱۳/۱]

۲ ـ سنن طحاوی ۱۳۶/۱.

۳ ـ سنن ابی داؤد ۲۰۸/۱.

جواب اوّل:

نزد محدّثین کرام بر این روایت کلام است که این ارشاد رسول اکرمﷺ است یا قول خود ابوایوب انصاریرضی الله عنه، چنان‌که حافظ ابن حجررحمه الله در«التلخیص الحبیر۱۳/۱» می‌نویسد: **صَحَّحَ اَبُو حاتم والذهلی والدار قطنی فی العلل والبیهقی وغیرُ واحدٍ وقفه و هو الصواب.**

[ترجمه:] ابو حاتم، ذهلی، دارقطنی در«العلل»، بیهقی وغیره حضرات زیادی این را موقوف قرار داده‌اند و صحیح همین است.

یعنی؛ سخن درست این است که این روایت قول خود سیّدنا ابو ایوب انصاریرضی الله عنه است، وبه حیث حدیث مرفوع صحت ندارد.

جواب دوّم:

علامه بدر الدین عینیرحمه الله می‌نویسد:

قلت:هُوَ مَحْمُول علی أنه کَانَ قبل استقرارها، لِأَن الصَّلَاة المستقرة لَا یُخَیّر فِي أعداد رکعاتها.[1]

[ترجمه: می‌گویم این بر قبل از استقرار آن محمول است؛ زیرا در مورد تعداد رکعات نماز استقرار یافته، اختیار داده نخواهد شد.]

قرینه‌ی این سخن، الفاظ روایت دیگر سیدنا ابو ایوب انصاریرضی الله عنه می‌باشد که فرمودند:

الوترُحقٌّ علی کلِّ مسلمٍ فَمَن أَحَبَّ أَن یُوتِرَ بِخمسِ رکعاتٍ فَلیَفعَل، ومن أحبَّ أَن یُوتِرَ بِثَلاَثٍ فلیفعل، و من أحبَّ أَن یُوتِرَ بِوَاحِدَةٍ فلیفعل، ومن لم یستطع إلاَّ أن یومی إیماءً فلیفعل.[2]

۱ـ عمدة القاری شرح صحیح البخاری۲۱۵/۵.

۲ـ مصنف عبدالرزاق:۲۹۵/۲، حدیث شماره۴۶۴۵، باب کم الوتر، عمدة القاری:۲۴۵/۵.

خلاصه‌ی کلام:

اولاً؛ حدیث مذکورمرفوع نیست، بلکه قول خود سیدنا ابوایوب انصاریؓ می‌باشد.

ثانیا؛ مضطرب است، در بعض روایات پنج،[و در بعض] سه و[در بعض]یک رکعت مذکوراست ودر بعض فقط یک رکعت ودر بعض دیگراجازه‌ی اشاره نیز داده شده‌است. در چنین وضعیتی این سخن که حضرت ابوایوب انصاریؓ به جواز وتر تک رکعتی فتوی می‌دادند بسیار مشکل است.

دلیل هفتم؛ حدیث سیدنا امیر معاویهؓ:

حضرت امیر معاویهؓ وتر تک رکعتی می‌خواند.

عَن ابنِ ابی ملیکةَ، أَنَّهُ قیلَ لابنِ عباسٍ رضی الله عنهما: هَل لَکَ فِی أَمیرِ المُؤمنینَ معاویةَ فَإِنَّهُ مَا اَوتَرَ إِلاَّ بِوَاحِدَةٍ، قَالَ: «أَصَابَ إِنَّهُ مُجتَهِدٌ.»[1]

[ترجمه: از ابن ابی ملیکه روایت است به ابن عباسؓ گفته شد: آیا تو رغبتی به دانستن عمل امیر معاویهؓ داری؟ زیرا او وتر تک رکعتی می‌خواند، ابن عباس فرمود: درست عمل نموده؛ چرا که او مجتهد است.]

ودر حدیث دیگر این الفاظ آمده‌اندکه: «**دَعهُ فَإِنَّهُ قَد صَحِبَ.**»[2] [یعنی؛ او را رها کن؛ چون با پیامبرﷺ مصاحب بوده است.

معلوم می‌شود جواز وتر تک رکعتی از حدیث صحیح ثابت است.

جواب:

[۱ـ] این اجتهاد شخصی امیر معاویهؓ بود، و از روی حدیث صحیح مجتهد برخطا اجتهادی نیز پاداش می‌برد.

---

۱ ـ صحیح بخاری:۵۳۱/۱.

۲ ـ [مختصرالصحیح الإمام البخاری :۵۱۶/۲، حدیث شماره: ۱۶۰۲]

۲ـ این عمل صحابی است که نزد شما حجت نیست[1].

۳ـ الفاظ این روایت بیانگر این است که آن زمان خواندن یک رکعت معمول نبود، بلکه سه رکعت می‌خواندند ورنه معترض هرگز اعتراض نمی‌کرد.

۴ـ علامه عینی رحمه الله می‌فرماید: **دَعهُ ای أُترُکِ القَولَ فِیهِ والإنکارَ علیهِ**[2] [یعنی؛ ازسخن گفتن وانکار بر او باز آی].

۵ ـ علامه محمّد یوسف بنوری رحمه الله می‌فرماید:

اَمَّا قَولُهُ: دَعهُ فَإِنَّهُ قَد صَحِبَ وَقَولُهُ: اَصَابَ إِنَّهُ فَقِیهٌ، مَعنَاهُ اَصَابَ فِی زَعمِهِ؛لأنَّهُ مجتهدٌ وَاَرَادَ بِذَالِکَ زَجرُ التَّابِعِینَ الصِّغارَ عَنِ الإِنکَار عَلَی الصِّحابةِ الکِبَارِ، لاَ سِیّمَا علی الفُقَهَاءِ المُجتَهِدِینَ مِنهُم.[3]

[ترجمه: امّا معنی قول (ابن عباس رضی الله عنهما) «**دَعهُ فَإِنَّهُ قَد صَحِبَ**» و« **اَصَابَ إِنَّهُ فَقِیهٌ**» این است که او به زعم خود مصیب است؛ زیرا او مجتهد است. و(نیز) با این روش خواست تابعین خرد سال را از انکار بر صحابه‌ی جلیل القدر بویژه بر فقهای مجتهدین آن‌ها زجر کند.]

۶ـ وقتی این عمل امیر معاویه رضی الله عنه مشهور شد حضرت ابن عباس رضی الله عنهما بشدّت بر او انکار فرمودند.[4]

---

۱ ـ نزل الابرار:ص۱۰۱.

۲ ـ عمدة القاری شرح صحیح البخاری:۴۶۶/۱۱.

۳ ـ امانی الأحبار:۲۵۲/۴.

۴ ـ سنن طحاوی:۲۰۳/۱.

حرف آخر:

حقیقتاً وتر یک رکعت نیست. خواندن یک رکعت وتر از رسول‌خدا ﷺ در هیچ روایت [صریح و] صحیحی نیامده است، [چنان‌که]

۱ـ حافظ ابن حجر رحمه الله در«التلخیص الحبیر» به نقل از امام رافعی، این قول حافظ ابن صلاح را ذکر نموده که: **لاَ نَعلَمُ فِی رِوَایاتِ الوِترِ مَعَ کَثرَتِهَا أُنَّهُ علیه الصلوة والسلام أَوتَرَ بِوَاحِدَةٍ فَحَسبُ.**[1]

ترجمه: با وجود کثرت روایات وتر، از هیچ روایتی معلوم نمی‌شود که آنحضرت علیه السلام فقط یک رکعت وتر خوانده باشد.

۲ـ سیِّدنا ابو سَعیدِ خدری رضی الله عنه می‌فرماید:أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلّی الله علیه وسلّم نَهَی عَنِ البُتَیرَاءِ؛ أَن یُصَلِّی الرَّجُلُ رَکعَةً وَاحِدَةً یُوتِرُ بِهَا.[2]

۳ـ سیدنا ابن مسعود رضی الله عنه می‌فرماید: **مَا اَجزَأَت رَکعَةٌ وَاحِدَةٌ قَطُّ.**[3]

از تفصیلات گذشته به خوبی معلوم شد که دلایل غیر مقلدان بسیار ضعیف‌اند، وآنچه ما در مورد سه رکعت وتر مطرح نموده‌ایم بسیار وزین و قوی هستند. نظر به دلایل مذکور اهل سنت قائل به سه رکعت وتربوده وکم‌تر از سه رکعت وتر را نمی‌پذیرند.

درخواست ما از افراد منصف این است که با توجه به دلایل، موقف و دیدگاه اهل سنت را بپذیرند. خداوند به ما اتحاد و اتفاق وهمراهی با اهل حق عطا بفرماید.

آمین بِجَاهِ النَّبِیِّ الأُمِّیِّ الکریم

۱ـ التلخیص الحبیر:۱۵/۲.

۲ـ التمهید لابن عبد البرّ:۲۷۵/۵.

۳ـ مؤطا امام محمّد:ص ۱۵۰، باب السلام فی الوتر.

مسایل سجده‌ی تلاوت

قرآن منبع هدایت است، زمانی که تلاوت آن با [رعایت] تمام آداب وشرایط وبا ادای حقوق همراه با تفکر و اندیشه صورت گیرد، خداوند متعال [تلاوت کننده را] هدایت نموده دریای علم وحکمت را روان می‌فرماید. یکی از احکام تلاوت قرآن سجده‌ی تلاوت است که از تلاوت نمودن یا شنیدن بعضی از آیات معیّن[بر تلاوت کننده وشنونده] واجب می گردد.

روش سجده‌ی تلاوت:

مسأله۱: یکی از روش‌های سجده تلاوت این است که تکبیر گفته به سجده رود. به وقت تکبیر دست‌ها را برندارد، حدّ اقل سه بار «**سُبحَانَ رَبِّیَ الأَعلَی**» گفته، تکبیر گویان سر از سجده بردارد، با این روش سجده تلاوت اداگردید.

مسأله۲: بهتر این است که ایستاده و بدون بلندکردن دست‌ها تکبیر گفته وبه سجده رود، و پس از سه بار«**سُبحَانَ رَبِّیَ الأَعلَی**» تکبیر گویان سر بردارد، ورنه نشسته تکبیر بگوید وآنگاه به سجده رفته و سه بار«**سُبحَانَ رَبِّیَ الأَعلَی**» بگوید و پس از آن، تکبیر گفته بنشیند و بدین طریق سجده‌ی تلاوت تو ادا گردید.

مسایل متفرقه‌ی سجده‌ی تلاوت:

مسأله۱: سجده‌ی تلاوت بر هریک از تالی[تلاوت کننده] وسامع [شنونده] واجب می‌شود، خواه سامع به قصد گوش فرا دادن به تلاوت قرآن نشسته باشد ویا این که به کار دیگری مشغول بوده و بدون قصد واراده‌اش آیه‌ی سجده را بشنود، از این جهت بهتر است تلاوت کننده آیه‌ی سجده را آهسته بخواند تا [ناخواسته] بر دیگری سجده واجب نشود.

مسأله۲: اگر در نماز آیه‌ی سجده را تلاوت نمود ولی سجده نکرد ، از سجده نمودن بعد از نماز، سجده‌اش ادا نخواهد شد و[بنابر ترک سجده] سخت گنهکار شده سوای توبه و استغفار چاره‌ای ندارد.

مسأله۳: امام آیه‌ی سجده را فراموش نمود، مقتدی او را لقمه داده ویادآوری کرد، امام آیه را خوانده سجده کرد، یک سجده کفایت می‌کند و نیازی به دو سجده جداگانه نیست.

مسأله۴: اگر کسی درنماز آیه‌ی سجده را تلاوت نمود فوراً سجده نمودن واجب است.[لذا] اگر پس از سه آیه‌ی کوچک ویا یک آیه‌ی بزرگ سجده نمود سجده سهو واجب خواهد بود، امّا اگرپس از قرائت کم‌تر از سه آیه‌ی کوچک سجده کرد، سجده سهو واجب نخواهد شد.

مسأله۵: اعلان نمودن آیه‌ی سجده در نماز تراویح لازم نیست واگر اعلان کند نیز اشکالی ندارد به شرط این که اعلان کردن را لازم و ضروری نداند؛ زیرا در خیر القرون از سلف صالح اعلان ثابت نشده است، البته اگر اندیشه‌ی وقوع خلل در نماز مقتدی‌ها باشد، اعلان نمودن بهتر است.

مسأله۶: در رکعتی که آیه‌ی سجده را خوانده بود به فراموشی سجده نکرد، هرگاه در رکعت دوّم وسوّم به یاد افتاد فوراً سجده نموده و در پایان نماز، سجده‌ی سهو کند.

مسأله۷: بدون وضو سجده‌ی تلاوت نمودن جایز نیست.

مسأله۸ : از تلاوت یا شنیدن یک آیه‌ی سجده فقط یک سجده ادا کند نه بیش‌تر ازآن.

مسأله۹ : اگر چندین آیه‌ی سجده را تلاوت نموده ویا شنیده است به تعداد آن‌ها سجده کند، مثلاً؛ اگر پنج آیه را خوانده ویا شنیده است پنج سجده‌ی تلاوت بجا آورد.

مسأله۱۰: بجا آوردن سجده‌ی تلاوت فوراً لازم نیست، لیکن مستحب این است که اگر وضو دارد سجده کند؛[زیرا] ممکن است فراموش نماید.

مسأله۱۱: هر آنچه در نماز شرط است برای سجده‌ی تلاوت نیز شرط است، مثل: با وضو بودن، پاکی مکان، پاکی بدن ولباس، استقبال قبله، و...

مسأله۱۲: اگر زنی در حال حیض ونفاس آیه‌ی سجده را بشنود، سجده‌ی تلاوت بر او واجب نمی‌شود،[امّا] اگر آیه‌ی سجده را زمانی بشنود که مدت حیض ونفاسش تمام شده ولی غسل ننموده است، سجده‌ی تلاوت بر او واجب گشته بعد از غسل حتماً باید سجده نماید.

مسأله ۱۳: اگر در اثنای نماز آیه‌ی سجده را بشنود، در نماز سجده نکند بلکه بعد از نماز سجده بنماید واگر در نماز سجده نمود سجده‌اش ادا نشده وگناهکار است و دو باره باید سجده کند.

مسأله۱۴: شخصی آیه‌ی سجده را تلاوت نمود، پیش از این که سجده کند، همان جا به نماز پرداخت وهمان آیه را در نماز قرائت کرده سجده نمود، همین سجده برای هر دوبار قرائت کفایت می‌کند، البته اگر جایش عوض شده سجده‌ی دیگری بجا آورد.

مسأله۱۵: اگر کسی قبل از اقتدا آیه‌ی سجده را از امام بشنود وسپس به او اقتدا نماید، لازم است با امام سجده کند واگر امام قبل از اقتدای او سجده کرده از دو صورت خارج نخواهد بود:

صورت اوّل: اگر همان رکعتی را که امام آیه‌ی سجده را تلاوت کرده بود دریافت، نیاز به سجده ندارد وگویا سجده تلاوت را نیز یافته است.

صورت دوّم: آن رکعت را نیافت، در این صورت پس از نماز سجده کند.

مسأله۱۶: اگرفوراً پس از تلاوت آیه‌ی سجده ویا بعد از قرائت دو- سه آیه به رکوع رفت ودر رکوع نیت سجده‌ی تلاوت نمود سجده‌اش ادا می‌شود [البته]

مقتدی‌ها نیز باید نیت کنند وبدون نیت سجده‌ی تلاوت آن‌ها ادا نمی‌شود واگر بیش ازسه آیه قرائت نموده رکوع کند، سجده‌ی تلاوتش در رکوع ادا نخواهد شد.

مسأله ۱۷: اگر بر ذمه‌ی شخصی چندین سجده‌ی تلاوت واجب مانده است، وحالا به سبب بیماری قادر به سجده نمودن بر زمین نیست، همان‌گونه که سجده‌ی نماز را با اشاره ادا می‌کند سجده‌ی تلاوت را نیز با اشاره ادا کند، فدیه دادن کفایت نمی کند وبه خاطر تأخیر توبه و استغفار لازم است.

مسأله۱۸: از تلاوت قسمتی از آیه‌ی سجده نیز سجده واجب خواهد بود اگرچه کل آیه را تلاوت نکرده باشد.

مسأله ۱۹: اگر در اوقات مکروهه یعنی؛ به وقت طلوع و غروب و زوال آفتاب، آیه‌ی سجده نمود، با کراهیت تنزیهی جایز است در این اوقات سجده‌ی تلاوت را بجا آورد،[ولی] افضل وبهتر این است که بعد از خروج اوقات مذکوره سجده نماید واگر در غیر اوقات مکروهه آیه‌ی سجده را تلاوت نموده درست نیست که در این اوقات سجده کند بلکه قبل از این اوقات، یا بعد از آن سجده‌ی تلاوت را انجام دهد.

تعداد آیات سجده[ومحل آن]:

ردیف	جزء	سوره	آیه
۱	۹	اعراف	۲۰۶
۲	۱۳	رعد	۱۵
۳	۱۴	نحل	۵۰
۴	۱۵	بنی اسرائیل	۱۰۹
۵	۱۶	مریم	۵۸
۶	۱۷	حج	۱۸
۷	۱۹	فرقان	۶۰

۸	۱۹	نمل	۲۶
۹	۲۱	سجده	۱۵
۱۰	۲۳	ص	۲۴
۱۱	۲۴	حم سجده	۳۸
۱۲	۲۷	نجم	۶۲
۱۳	۳۰	انشقاق	۲۱
۱۴	۳۰	علق	۱۹

تذکر: نزد احناف آیه‌ی اوّل سوره‌ی« حج »[که برآن علامت سجده نوشته شده]آیه‌ی سجده است نه آیه‌ی دوّم، ولی نزد شوافع سوره‌ی «حج» دارای دو آیه‌ی سجده می‌باشد وآیه‌ی سوره «ص» سجده‌ی شکر است نه سجده تلاوت.

فضایل و مسایل زکات

در دین اسلام زکات بر هر سرمایه دار صاحب نصاب فرض است. زکات به اعتبار معاشرت یک نظام کامل و جامع می‌باشد. اگر هر صاحب نصاب زکات[اموالش را] بپردازد، قطعاً در زندگی مسلمانان خوش‌حالی پیدا شده قابلیت خواهند یافت که از دیگران طلب قرض ویا گدایی نکنند، وبا پرداخت زکات مسلمانان به حیث مجموع از مشکل سود رهایی خواهند یافت.

فضلیت زکات:

در قرآن کریم خداوند متعال حدوداً در سی ودو موضع نماز وزکات را با هم ذکر نموده که ازآن می‌توان به اهمّیت زکات پی برد، ودر احادیث بی شماری از نبی مکرم اسلامﷺ فضیلت زکات، ترغیب به پرداخت آن، و سودمند بودنش تبیین وآشکارگردیده است که خود بیانگراهمّیت فوق العاده‌ی آن در دین می‌باشد. و برای تارک زکات وعید شدید وارد شده است، به یک حدیث توجه فرمایید:

عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، يَبْلُغُ بِهِ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «مَا مِنْ رَجُلٍ لَا يُؤَدِّي زَكَاةَ مَالِهِ إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ يَوْمَ القِيَامَةِ فِي عُنُقِهِ شُجَاعًا»، ثُمَّ قَرَأَ عَلَيْنَا مِصْدَاقَهُ مِنْ كِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:﴿وَلَا يَحْسَبَنَّ الَّذِينَ يَبْخَلُونَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ﴾[1] الآيَةَ

ترجمه: حضرت عبد الله بن مسعودؓ از رسول‌خداﷺ نقل می‌کندکه آنحضرت‌؈ فرمودند: هرکه زکات اموالش را ادا نکند، در قیامت مالش به صورت اژدهای کچلی بر گردنش آویخته خواهد شد.(راوی می‌گوید: سپس آنحضرتﷺ مصداق یک آیه‌ی قرآنی را به ما تفهیم و تلاوت فرمودند که معنی آن به قرار زیر است: «هرگز کسانی که از[دادن] اموالی که خداوند به فضل خویش به آن‌ها بخشیده است بخل می‌ورزند گمان نبرند که این برای‌شان بهتر است، بلکه بسیار بد است ودر

۱ـ آل عمران: ۱۸۰.

قیامت گردن بندهایی از آنچه بدان بخل می‌ورزیدند بر گردن‌شان انداخته خواهد شد.»

صاحب نصاب کیست؟

هر مرد و زنی که در ملک او[۵۲,۵] پنجاه دو توله ونیم [۶۱۲گرم] نقره ویا معادل آن به همین اندازه پول نقد، یا مال تجارت ویا کالایی بیش از نیاز نزد او باشد ویا قیمت مجموعی این کالاها برابر با پنجاه و دو توله ونیم نقره باشد، صاحب نصاب گفته می‌شود.

شرایط وجوب[زکات]:

۱ـ مسلمان بودن؛
۲ـ داشتن نصاب کامل؛
۳ـ عاقل وبالغ بودن؛
۴ـ گذشتن یک سال برملک نصاب؛

چند مسأله‌ی مهم زکات:

مسأله۱: اگر شخصی درآمد کافی دارد، ولی مقروض است وبه علت زیاد بودن مخارج زندگی قادر به پرداخت قرض نیست، بر چنین فردی زکات واجب نیست.

مسأله۲: شخصی درماه درآمد خوبی دارد، ولی در تمام سال نزد او مقدار نصاب زکات باقی نمی‌ماند، زکات بر او واجب نمی شود.

مسأله۳: اگر مبلغ وام به اندازه‌ی نصاب ویا بیش‌تر ازآن باشد، پرداخت زکات آن، بعد از وصول لازم خواهد بود، واگرچند سالی وصول نشود، هنگام وصول، زکات تمام سال‌ها گذشته را باید پرداخت نماید.

مسأله۴: اگر استاد فقیر و تهی دست باشد، جایز است شاگرد زکات خود را به استادش به پردازد، بلکه دادن زکات به استاد نیازمند ومستحق ثواب بیش‌تری دارد.

مسأله۵: دادن مبلغ زکات برای ایصال ثواب به میّت جایز نیست، بلکه از دیگر اموال برای میت ایصال ثواب کند ورنه ثوابی به میت نخواهد رسید.

مسأله۶: پدر وپسر با هم به کسب وکار مشغول‌اند، وپول‌ها به دست پدر می‌باشد و او درآن‌ها تصرف می‌نماید، مبلغ مذکور به قدر نصاب می‌رسد پدر باید زکات مبلغ یاد شده را بپردازد نه پسر؛ زیرا پدر مالك این اموال است نه پسر. آری اگرملبغ را تقسیم کنند بر هرکدام مستقلاً زکات واجب می‌شود [مشروط به این که سهم هر کدام به اندازه‌ی نصاب زکات باشد.]

مسأله۷: دادن زکات به پدر[ومادر] جایز نیست.

مسأله۸ : بچه اگر صاحب نصاب باشد مانند عبادات دیگر، به دلیل نابالغ بودن زکات[نیز] بر او واجب نخواهد شد، و بر ولی وسرپرست بچه لازم نیست زکات اموال او را ادا نماید.

مسأله۹: از بنای ساختمان با اموال زکات و تقسیم آن‌ها بین افراد مستحق، زکات ادا می‌شود البته لازم است که ساختمان‌ها تملیکاً به افراد مستحق داده شود [یعنی] هم خود اماکن به آن‌ها سپرد گردد وهم مدارك واسناد آن. تا او بتواند به هر نحوی که می‌خواهد دران تصرف کند.

مسأله۱۰: مبلغی که بدون نیت زکات پرداخت شود و گیرنده‌ی فقیر نیز قبل از نیت مزکّی آن را خرج نموده باشد، زکات ادا نخواهد شد[گرچه مزکی بعداً نیت زکات کند].

مسأله۱۱: دادن زکات به برادر و برادر زاده وخواهر، اگر صاحب نصاب نباشند و مستحق زکات‌اند و مخارج زندگی‌شان نیز از مزکّی(زکات دهنده) جداست جایز است.

مسأله۱۲: اگر حکومت یا بانک با اجازه‌ی سهام داران، مبلغ زکات را اخراج و به مستحق آن پرداخت کنند زکات ادا می‌شود، امّا اگر از اصل مبلغ بدون اجازه‌ی مالك ادا کنند، زکات ادا نشده و برمالك لازم است مجدداً زکات اموالش را پرداخت نماید. واگر حکومت یا بانك از سود حاصل شده مبلغ زکات را بپردازند، نه از اصل مبلغ زکات، به هیچ وجه ادا نخواهد شد؛ زیرا زکات از مال حرام ادا نمی‌شود.

مسأله۱۳: دادن زکات شوهر به همسرجایز نیست.

مسأله۱۴: اگر زنی صاحب نصاب باشد، پرداخت زکات اموالش بر ذمه‌ی خود اوست نه شوهرش.

مسأله۱۵: اگر اصل قیمت اوراق قرضه دار یعنی مبلغی که به وسیله‌ی آن اوراق قرضه دار را خرید نموده‌است با نصاب برابر باشد، بر مبلغ اصلی زکات واجب است، ومبلغ زایدی که درهر قرعه کشی، درصورت بیرون آمدن اسم به شخص می‌رسد نه برداشتن آن جایزاست ونه برآن زکات واجب.[لذا] باید مبلغ مذکور را به همان جایی که ازآن‌جای دریافت نموده برگرداند. ویا بدون نیت ثواب، صدقه نماید.

مسأله۱۶: اگر کسی به نیت تجارت(وخرید وفروش) زمینی خرید ، هرسال بر قیمت آن زکات واجب است و[در این مورد] قیمت فروخت بازار اعتبار دارد. مثلاً؛ زمین را به قیمت صدهزار[تومان]خریده بود وپس از تکمیل سال قیمت آن پانصدهزار[تومان]گردید باید زکات پانصد هزار را به پردازد. واگر زمین را برای ضرورت شخصی خود خریده بود نه برای تجارت، زکات برآن واجب نخواهد بود. واگر به منظور حفاظت ونگهداری سرمایه خریده است در این صورت نیز باید زکات آن را پرداخت کند.

مسأله ۱۷: اگر به وقت خرید زمین، قصد فروش نداشت بعداً اراده نمود که آن را بفروشد، تا زمانی که آن‌را نفروخته زکات براو واجب نمی گردد.

مسأله۱۸: جایز است که شخص قبل از تکمیل سال ویا بعد ازآن، زکاتش را کم کم [وقسط وار] ادا کند.

مسأله۱۹: اگرکسی در کمیته‌ای پول جمع کرده است که به حدّ نصاب می‌رسد وشخص مذکور هیچ گونه قرض وبدهی هم ندارد، پرداخت زکات اموال جمع شده نیز ضروری است، وهنگام ادای زکات باید مبلغ مذکور را با اصل مال و[دیگر] نقود محاسبه بنماید.

مسأله۲۰: اگر شخصی مالیات و عوارض ادا می‌کند وچنین می‌پندارد که از پرداخت مالیات زکات نیز ادا می‌شود، این تصورش اشتباه است؛ زیرا مالیات به خاطر ضروریات ملکی از سوی حکومت بر صاحب ملك تقرّر می‌یابد، در حالی که زکات یك فریضه‌ی الهی و عبادتی واجب بر فرد مسلمان است [لذا] ازمالیات وعوارض حکومتی زکات ادا نشده بلکه پرداخت زکات به صورت مستقل و جداگانه بر او واجب خواهد بود.

تذکر: ما چند مسأله نوشتیم، برای دریافت مسایل دیگر زکات به نزدیك‌ترین علما و دار الإفتاء خود مراجعه فرمایید.

نماز تسبیح

نمازتسبیح دارای اهمّیت فراوان است،[و] آن چهار رکعت است که با یک سلام خوانده می‌شود، در هر رکعت هفتادو پنج بار بایدتسبیح«**سُبحَانَ اللهِ وَالحَمدُ للهِ وَلاَ إِلهَ إِلاَّ اللهُ وَاللهُ أكبَرُ**» خوانده شود، روش ادای آن دراین روایت آمده‌است:

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ لِلْعَبَّاسِ بْنِ عَبْدِ الْمُطَّلِبِ: «يَا عَبَّاسُ، يَا عَمَّاهُ، أَلَا أُعْطِيكَ، أَلَا أَمْنَحُكَ، أَلَا أَحْبُوكَ، أَلَا أَفْعَلُ بِكَ عَشْرَ خِصَالٍ، إِذَا أَنْتَ فَعَلْتَ ذَلِكَ غَفَرَ اللَّهُ لَكَ ذَنْبَكَ أَوَّلَهُ وَآخِرَهُ، قَدِيمَهُ وَحَدِيثَهُ، خَطَأَهُ وَعَمْدَهُ، صَغِيرَهُ وَكَبِيرَهُ، سِرَّهُ وَعَلَانِيَتَهُ، عَشْرَ خِصَالٍ: أَنْ تُصَلِّيَ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَسُورَةً، فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ الْقِرَاءَةِ فِي أَوَّلِ رَكْعَةٍ وَأَنْتَ قَائِمٌ، قُلْتَ: سُبْحَانَ اللَّهِ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، وَاللَّهُ أَكْبَرُ، خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، ثُمَّ تَرْكَعُ، فَتَقُولُهَا وَأَنْتَ رَاكِعٌ عَشْرًا، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ، فَتَقُولُهَا عَشْرًا، ثُمَّ تَهْوِي سَاجِدًا، فَتَقُولُهَا وَأَنْتَ سَاجِدٌ عَشْرًا، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ مِنَ السُّجُودِ فَتَقُولُهَا عَشْرًا، ثُمَّ تَسْجُدُ، فَتَقُولُهَا عَشْرًا، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ، فَتَقُولُهَا عَشْرًا، فَذَلِكَ خَمْسٌ وَسَبْعُونَ، فِي كُلِّ رَكْعَةٍ تَفْعَلُ ذَلِكَ فِي أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ، إِنِ اسْتَطَعْتَ أَنْ تُصَلِّيَهَا فِي كُلِّ يَوْمٍ مَرَّةً فَافْعَلْ، فَإِنْ لَمْ تَفعَلْ فَفِي كُلِّ جُمُعَةٍ مَرَّةً، فَإِنْ لَمْ تَفعَلْ فَفِي كُلِّ شَهْرٍ مَرَّةً، فَإِنْ لَمْ تَفعَلْ فَفِي كُلِّ سَنَةٍ مَرَّةً، فَإِنْ لَمْ تَفعَلْ، فَفِي عُمُرِكَ مَرَّةً.»[1]

[**روش اوّل:**] از حضرت عبد الله بن عباس رضی الله عنهما روایت است‌که رسول‌خدا صلی الله علیه وسلم به حضرت عباس رضی الله عنه فرمودند: ای عموی من! آیا به تو یک هدیه، ارمغان ویک خبر ندهم؟ آیا ده چیز به تو نگویم که اگر برآن‌ها عمل‌کنی خداوند متعال همه‌ی گناهان تو اعم از قدیم وجدید، خطا وعمد، کوچک و بزرگ، پنهان و آشکار را می‌آمرزد؟ وآن این که چهار رکعت ادا نما، ودر هر رکعت سوره‌ی «فاتحه» و سوره‌ی دیگری بخوان، زمانی‌که از قرائت فارغ شدی درحالی که ایستاده‌ای پانزده بارکلمات«**سُبحَانَ**

۱ ـ سنن ابی داؤد:۱۹۰/۱، باب صلوة التسبیح.

اللهِ وَالحَمدُ للهِ وَلاَ إِلهَ إِلاَّ اللهُ وَاللهُ اَكبَرُ» را بخوان، هنگام رکوع در رکوع ده بار، وهنگام[قومه] بلند شدن از رکوع ده بار، وسپس در سجده[اول] ده بار، ودر جلسه ده بار، ودر سجده‌ی[دوّم] ده بار، وبه وقت بلند نمودن سر از سجده ده بار[تسبیح مذکور را بخوان] (آنگاه برای رکعت دوّم برخیز) درهر رکعت هفتاد وپنج بارتسبیح مذکور خوانده می‌شود، لذا در هر رکعت به همین صورت عمل کن. اگر می‌توانی این نماز را هر روز بخوان، واگر هر روز نمی‌توانی، هرهفته یک بار، واگر این را هم نمی‌توانی درماه یک بار، واگر براین هم قادر نیستی، سالی یک بار واگر این را نتوانی[حدّاقل] در عمر یک بار، حتماً آن‌را ادا کن.

[**روش دوّم:**] روش دوّم این‌که بعد از ثناء[یعنی؛**سُبحَانَکَ اللّهُمَّ**...] پانزده بار تسبیح مذکور را بخوان، باز ده بار قبل از رفتن به رکوع، ده بار در رکوع،ده بار درقومه[هنگام بلند شدن از رکوع]، ده بار در سجده‌ی اولی ، ده بار درجلسه[نشست بین دوسجده] و ده باردر سجده‌ی دوّم [تسبیح مذکور را بخوان] سپس بعد از سجده‌ی دوّم منشین وبرای رکعت بعدی بلند شو[و درهر رکعت به همین ترتیب عمل کن.][1]

۱ ـ جامع ترمذی:۱۰۹/۱، باب ما جاء فی صلوة التسبیح، الترغیب والترهیب للمنذری:۲۶۹/۱،[باب] الترغیب فی صلوة التسبیح.

فضایل و مسایل اعتکاف

عن عائشةَ رضيَ الله عنها زوجِ النبيِّ – صلى الله عليه وسلم:أَنَّ النبيَّ صلى الله عليه وسلم **كانَ يَعتكِفُ العشرَ الأَواخِرَ من رَمَضانَ؛ حَتى توفَّاهُ الله تَعالى، ثُمَّ اعْتكفَ أَزواجُهُ مِنْ بَعدِه.**[۱]

ترجمه: حضرت عائشه رضی الله عنها می‌فرماید: نبی اکرم ﷺ تا زمان وفات درعشر اخیر رمضان اعتکاف می نمود، سپس همسرانش بعد از او به اعتکاف می‌نشستند.

عَنِ ابْنِ عَبَّاسٍ، عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: «.... وَمَنِ اعْتَكَفَ يَوْمًا ابْتِغَاءَ وَجْهِ اللَّهِ جَعَلَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ النَّارِ ثَلَاثَ خَنَادِقَ، كُلُّ خَنْدَقٍ أَبْعَدُ مِمَّا بَيْنَ الْخَافِقَيْنِ.»[۲]

ترجمه: از حضرت ابن عباس رضی الله عنهما روایت که رسول الله ﷺ فرمودند: کسی که برای خشنودی خدا یک روز اعتکاف نماید، خداوند متعال درمیان او و جهنم به اندازه‌ی سه خندق فاصله می‌اندازد که مسافت هر خندق، دورتر از فاصله‌ی مشرق ومغرب است.

فایده[۱]: سبحان الله! وقتی فضیلت یک روز اعتکاف این قدر است، فضیلت اعتکاف ده روز پایانی رمضان مبارک چقدر خواهد بود؟ خوش نصیب کسانی‌اند که در ساعات رمضان اعتکاف نموده و مستحق فضیلت مذکورمی گردند.

عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ، أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ – صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ – قَالَ فِي الْمُعْتَكِفِ: «هُوَ يَعْكِفُ الذُّنُوبَ، وَيُجْرَى لَهُ مِنْ الْحَسَنَاتِ كَعَامِلِ الْحَسَنَاتِ كُلِّهَا.»[۳]

ترجمه: حضرت ابن عباس رضی الله عنهما می گوید: رسول‌خدا ﷺ فرمودند: معتکف از گناهان محفوظ می‌شود، ونیکی‌هایش همان طور که خود انجام می‌داده است برایش نوشته خواهد شد.

۱ـ صحیح البخاری: باب الإعتکاف فی العشر الاواخر، ۲۷۱/۱.

۲ـ المعجم الأوسط للطبرانی: ۲۷۹/۵، حدیث شماره ۷۳۲۶.

۳ـ سنن ابن ماجه، باب فی ثواب الإعتکاف: ص۱۲۸)[حدیث شماره: ۱۷۸۱.

فایده[۲]: در این حدیث دو فایده از فواید اعتکاف بیان شده است:

۱ـ به تعداد روزهایی که معتکف، اعتکاف می‌نشیند از گناهان مصون می‌ماند.

۲ـ ثواب تمام اعمال نیکی که دربیرون [قبل از اعتکاف] انجام می‌داد مثل: عیادت مریض، تشییع جنایز، کمک به مستمندان، حضور در مجالس علماو... که در حال اعتکاف نمی‌تواندآن‌ها را انجام دهد برای او در نامه‌ی اعمالش ثبت می‌شود.

درحدیث دیگری آمده است:

مَنِ اعتَکَفَ اِیمَاناً وَ اِحتِسَاباً غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ.[1]

ترجمه: کسی که برای رضای خدا با ایمان واخلاص اعتکاف نماید، گناهان گذشته‌ی او بخشیده خواهد شد.

فایده[۳]: مراد ازگناهانی که در این حدیث وعده‌ی معافی آن‌ها وارد شده، گناهان صغیره هستند؛ زیرا برای معافی گناهان کبیره توبه شرط است، زمانی که معتکف در لحظات مبارک رمضان به دربار خدا الحاح و زاری نموده واز گناهان سابق خویش صادقانه توبه کند و عزم بنمایدکه درآینده آن‌ها را تکرار نکند قطعاً گناهان کبیره‌اش آمرزیده خواهد شد.

در این صورت گناهان کبیره نیز می‌توانند مصداق این حدیث نبوی قرار گرفته و به سبب اعتکاف بخشیده شوند. لذا معتکف باید به توبه واستغفار اهتمام ورزد.

عَنْ عَائِشَةَ، قَالَتْ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يُجَاوِرُ فِي العَشْرِ الأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ وَيَقُولُ: «تَحَرَّوْا لَيْلَةَ القَدْرِ فِي العَشْرِ الأَوَاخِرِ مِنْ رَمَضَانَ.»[2]

ترجمه: حضرت عائشه رضی الله عنها می‌گوید: رسول‌خدا ﷺ در عشر اخیر رمضان به اعتکاف می‌نشست ومی‌فرمودند: شب قدر را در دهه‌ی اخیر رمضان جست وجو کنید.

---

۱ ـ کنز العمّال، کتاب الصوم، الفصل السابع فی الإعتکاف ولیلة القدر:۲۴۴/۸.

۲ـ صحیح البخاری، باب تحرّی لیلة القدرفی الوترمن العشر الاواخر:۱/۲۷۰)[حدیث شماره:۲۰۲۰].

فایده[۴]**:** مقصود از اعتکاف، یافتن شب قدر است که بیش از هزار ماه فضیلت دارد، همچنین در این روایت دستور اهتمام به جست وجوی شب قدر در عشر اخیر رمضان وارد شده که از روی احادیث دیگر در شب‌های فرد قرار دارد، لذا بهتر این است که تمام این ده شب را به عبادت روزکند ورنه حدّ اقل شب‌های فرد را به عبادت سپری نماید.

چند مسأله‌ی ضروری:

اعتکاف عشر اخیر رمضان«سنت مؤکده علی الکفایه» می‌باشد. یعنی؛ در هرمسجد محله‌ی شهرهای بزرگ و دریکی از مساجد روستاهای کوچک، اگر یک شخص اعتکاف کند، سنت از طرف همه‌ی اهل محله و روستا ادا خواهد شد واگر هیچ کس اعتکاف نکند همه [بنابر ترک سنت] گناهکارمی‌شوند.

چند مسأله پیرامون اعتکاف رمضان:

مسأله۱: اعتکاف مسنون رمضان پیش از غروب خورشید روز بیستم رمضان آغاز وتا رؤیت هلال شوال ادامه خواهد یافت لذا معتکف باید اندکی پیش از غروب آفتاب روز بیستم در محل اعتکاف حضور یابد.

مسأله۲: درهر محله یا روستایی که اعتکاف صورت گیرد سنت مردم همان محله و روستا ادا می‌شود گرچه اعتکاف کننده از محله و روستای دیگری باشد.

مسأله۳: اعتکاف چند روز از عشر اخیر رمضان، اعتکاف نافله به حساب می‌آید نه اعتکاف مسنون.

مسأله۴: زنان می‌باید به جای مسجد در خانه‌ی خود اعتکاف کنند.

مسأله۵: برای اعتکاف مسنون نیت قلبی کفایت می‌کندکه من برای خشنودی خداوند متعال دهه‌ی پایانی رمضان را به اعتکاف می نشینم.

مسأله۶: کسی را با کرایه، به اعتکاف نشاندن جایز نیست.

مسأله۷: اگر در مسجدی بیش از یک نفر اعتکاف کند، به همه ثواب می رسد.

مسأله۸ : نیت اعتکاف مسنون می‌باید قبل از غروب آفتاب روز بیستم انجام گیرد،[لذا] اگر شخصی بدون نیت اعتکاف به موقع وارد مسجد شود و بعد از غروب آفتاب نیت اعتکاف کند، اعتکاف مسنون ادا نخواهد شد.

مسأله۹: برای صحت اعتکاف مسنون امور ذیل ضروری است:

۱ـ مسلمان بودن؛

۲ـ عاقل بودن؛

۳ـ نیت اعتکاف نمودن؛

۴ـ اعتکاف نمودن مرد درون مسجد؛

۵ ـ پاکی مرد و زن از جنابت و موجبات غسل؛

(این شرط، برای جواز اعتکاف است لذا اگر کسی در حال جنابت اعتکاف را شروع نماید، اعتکافش درست است امّا گنهکار می‌شود.)

۶ـ زن از حیض ونفاس خالی[وپاک] باشد؛

۷ـ روزه بودن؛(لذا اگر در اثنای اعتکاف، به هر دلیلی نتواند روزی را روزه بگیرد، اعتکاف مسنون نیز از بین خواهد رفت)

۸ ـ کسی که از بدنش بوی بد می‌آید ویا به مرضی مبتلا است که دیگران اذیت می‌شوند، چنین شخص به اعتکاف ننشیند، البته اگر بدبوی او اندک است وبا استعمال خوشبویی از بین رفته، اذیت مردم زایل می گردد،[اعتکافش] جایزمی‌باشد.

امور جایز در حال اعتکاف:

[۱] خوردن وآشامدن(به شرطی باعث تلویث مسجد نشود)؛

[۲] خوابیدن؛

[۳] صحبت‌های ضروری؛

[۴] منعقد نمودن عقد نکاح خود یا دیگری ویا هر عقد دیگر؛

[۵] تعویض لباس‌ها؛

[۶] استعمال خوشبوی؛

[۷] مالیدن روغن؛

[۸] شانه زدن[سر و ریش](به شرطی که حصیر، قالین و... مسجد خراب نشود)

[۹] ویزیت و معاینه‌ی مریض وتجویز دارو برای او به شرط این که بدون مزد باشد، ورنه مکروه است؛

[۱۰] شستن ظروف وغیره؛

[۱۱] خرید وفروش لوازم ضروری بدون احضار مبیع در مسجد؛ زیرا محل تجارت قرار دادن مسجد جایز نیست؛

[۱۲] شیر دادن بچه برای زنان شیرده؛

[۱۳] نصب پرده وچادر بر جایی که معتکف می‌نشیند؛

[۱۴] تغییردادن محل اعتکاف در مسجد؛

[۱۵] همراه داشتن رخت خواب،صابون، ظروف خورد ونوش، ظرف برای شستن دست‌ها، وکتب دینی برای مطالعه به قدر ضرورت ونیاز؛

ممنوعات ومکروهات:

[۱] حرف های بی ضرورت[و بیهوده؛

[۲] به مسجد آوردن، خواندن، نگهداری ویا گوش فرا دادن به مجلات ونوشتارهای مشتمل برداستان‌های زشت، بیهوده، ودروغین و مضامین ضد اسلام؛

[۳] همچنین به مسجد آوردن روزنامه و رسایل تصویردار وحاوی خبرهای دروغین؛

[۴] آوردن وسایل بیش از قدر ضرورت و انتشار آن در مسجد؛

[۵] استفاده‌ی بی جا از برق،گاز وآب مسجد بدون ضرورت ونیاز؛

[۶]کشیدن سیگار و قلیان و...،

[۷] حجامت نمودن درعوض مزد، امّا اگرشخصی نیاز به حجامت داشته باشد و حجامت کننده‌ی مجانی یافته نشود، در چنین صورتی می‌توان از حجامت گر معاوضه گیر استفاده نمود به شرطی که حجامت کننده بیرون ومعتکف درون مسجد باشد.

نیازهای طبعی:

بنابر نیاز دستشویی و استنجا و... معتکف می‌توان از مسجد خارج شود به این تفصیل که:

۱ـ برای دستشویی وغیره نزدیک‌ترین محل را انتخاب کند.

۲ـ اگر متصل با مسجد سرویس بهداشتی وجود دارد و در استفاده از آن حرجی نیست، ازآن‌ها استفاده نماید ورنه می‌تواند بدین منظور به جای دورتری برود.

۳ـ اگر سرویس بهداشتی مشغول باشد انتظارکشیدن اشکال ندارد ولی پس از فراغت نباید آنجا درنگ کند.

۴ـ در راه رفت وآمد به دستشویی برای قضای حاجت، مختصر گفت وگو اشکالی ندارد به شرطی که مجبور به توقف وایستادن نشود.

اعتکاف بانوان:

عدّه‌ای در زمینه‌ی عبادات در میان مرد و زن فرق نمی‌کنند ومرد و زن را در مساجد، عیدگاه‌ها و [محل] اعتکاف یک جا گرد می‌آورند. انگلیس در لباس دنیوی وغیر مقلدان در پوشش دینی تفریق زن و مرد را از بین بردند. حال آن‌که فرق در عبادات مرد و زن هم تقاضای عقل است و هم نقل[؛ زیرا] عبادات بر دو قسم‌اند:

۱ـ بدنی ۲ـ مالی

ازآن جایی که در مال مرد و زن فرق نیست یعنی؛ در نصاب زکات، شرایط زکات وغیره تفاوتی وجود ندارد در عبادات مالی نیز بین زن و مرد فرقی وجود ندارد. بخلاف آن از آنجایی که در ساختارجسمانی مرد و زن تفاوت وجود دارد، لامحاله در عبادات بدنی فرق باید باشد.

چند مثال و نمونه:

۱ـ مرد در تمام رمضان روزه می‌گیرد، حال آن‌که زن در ایام مخصوص نمی‌تواند روزه بگیرد.

۲ـ در مورد وجوب حج یک نصاب وجود دارد، مرد می‌تواند به تنهایی به سفرحج برود ولی برای زن وجود محرم نیزشرط است.

۳ـ در لباس احرام مرد و زن تفاوت وجود دارد.

۴ـ مرد به آواز بلند تلبیه[لبیک] می‌گوید ولی زن آهسته.

۵ ـ در دوران طواف، مرد رمل نموده وبه قوت راه می‌رود، در حالی که زن به صورت معتدل راه می رود.

۶ـ مرد اضطباع می‌کندیعنی؛چادر احرام را از زیر بغل راست رد وبر شانه‌ی چپ می‌گذارد، ولی برای زن این کار جایز نیست.

۷ـ مرد در هنگام سعی[بین صفا و مروه] باید بدود، ولی زن نباید چنین کند.

۸ ـ برای مرد حلق(تراشیدن سر)[برای خروج از احرام] افضل است، امّا برای زن ناجایز می‌باشد.

۹ـ در حدود شرعی میان مرد و زن فرق است.

۱۰ـ در کفن و دفن مرد و زن فرق است.

همه‌ی این تفاوت به خاطر ساختار بدن و حجاب است. وچون اعتکاف نیز از قبیل عبادات بدنی است از این رو باید درآن بین مرد و زن فرق باشد. واین تفاوت از قرآن

وحدیث و عمل متوارث ثابت است. از این جهت فقها در پرتو کتاب و سنت نوشته‌اند: برای مرد در مسجد محله و برای زن در [مسجد و] محل مخصوص خانه‌اش اعتکاف نمودن افضل است.[۱]

خداوند در قرآن کریم می‌فرماید: ﴿**وَأَنتُمْ عَاكِفُونَ فِي الْمَسَاجِدِ**﴾[۲]

ترجمه: [با زنان مباشرت نکنید] درحالی که شما در مساجد معتکف هستید.

امام ابوبکرجصّاص[م۳۷۰ه] رحمه الله در تفسیر این آیه می‌نویسد: **وَامّاَ شَرطُ اللّبثِ فِی المَسجِدِ فَإِنَّهُ لِلرِّجَالِ خَاصَةٌ دُونَ النِّسَاءِ.**[۳]

ترجمه: شرط ماندن در مسجد(به وقت اعتکاف) ویژه‌ی مردان است نه زنان.

حضرت عائشه رضی الله عنها روایت می‌فرماید: باری رسول الله ﷺ فرمودند: من در عشر اخیر رمضان به اعتکاف می‌نشینم، ام المؤمنین از وی اجازه خواستند(که او نیز اعتکاف کند) آنحضرت ﷺ اجازه دادند، حضرت حفصه رضی الله عنها از حضرت عائشه رضی الله عنها خواستند که اجازه‌ی او را نیز بگیرد، حضرت عائشه اجازه‌ی او را [نیز]گرفت، زمانی که ام المؤمنین زینب بنت جحش رضی الله عنها این را دیدند(به خدمت گزاران خود دستور دادند که خیمه‌ی او را نیز نصب کنند)و خیمه‌ی اونیز نصب گردید، هنگامی که پیامبر ﷺ پس از نماز به سوی خیمه‌ی خود تشریف می‌بردند با دیدن خیمه‌های زیاد فرمودند:[جریان] این خیمه‌ها چیست؟ صحابه عرض کردند: حضرات عائشه، حفصه و زینب بنت جحش رضی الله عنهن این خیمه‌ها را نصب نموده‌اند، آنحضرت علیه السلام فرمودند: آیا آن‌ها اراده‌ی نیکی نموده‌اند، من اعتکاف نمی کنم، چنان‌که آن‌حضر ﷺ از اعتکاف بیرون رفتند وپس از عید فطر در ماه شوال ده روز به اعتکاف نشستند[۴].

۱ـ هدایه:۲۰۹/۱.

۲ـ البقرة: ۱۸۷ .

۳ـ احکام القرآن للجصاص:۳۳۳/۱.

۴ـ صحیح البخاری، باب من اراد أن یعتکف ثمّ بدا له أن یخرج:۲۷۴/۱.

خوانندگان محترم! از این حدیث به وضوح معلوم می‌شود که زن در مسجد اعتکاف نکند ورنه رسول اکرمﷺ پس از اطلاع از خیمه‌های ازواج مطهرات حکم کندن خیمه‌ها را نمی دادند.

فضایل ومسایل شب قدر

از حضرت ابوهریرهرضی الله عنه روایت است که رسول خداصلی الله علیه وسلم فرمودند:«**مَن قَامَ لَيلَةَ القَدرِ إِيمَاناً وَ إِحتِسَاباً غُفِرَ لَهُ مَا تَقَدَّمَ مِن ذَنبِهِ.**»[1]

[ترجمه:] کسی که با ایمان واخلاص شب قدر، عبادت کندگناهان گذشته‌اش بخشیده خواهد شد.

ولی برای رسیدن به این فضیلت آنحضرتعلیه السلام دو شرط ذکر نمودند:

۱ـ عبادت کننده مؤمن باشد یعنی؛ دارای عقیده صحیح باشد، اگر عقیده‌ی فرد درست نباشد، نه یک شب قدر، بلکه اگر هزار شب قدر نیز عبادت کند، محروم می‌ماند؛چراکه عقیده اصل و بنیاد[امور] است، اگر بنیاد واساس درست نباشد ساختمان عبادت چگونه می‌تواند استوار بماند؟ یعنی؛ عقاید اساس اسلام‌اند، اگر یک عقیده فاسد باشد گمراهی مقدر خواهد بود. از این جهت لازم است برای مستفید شدن از برکات این شب، عقیده اهل سنت را التزام نموده ودیگران را به سوی آن فرا خوانیم.

۲ـ نیت عبادت کننده درست باشد؛ زیرا اگرهدف ریا وسمعه باشد، تمام شب بیداری وعبادات به هدر رفته است.

فایده:

در این حدیث وامثال آن که ذکر معاف شدن گناهان وجود دارد، مراد از آن گناهان صغیره است، امّا برای معافی گناهان کبیره توبه وبرای معافی حقوق العباد، ادا نمودن حقوق ویا طلب عفو ضروری است، به صرف عبادت هرگز معاف نخواهند شد.

کدام شب، شب قدر است؟

عَن عَائِشَةَ رضی اللهُ عَنهَا أَنَّ رَسُولَ اللهِ صلّی اللهُ علیهِ وسلّم قال: تَحَرَّوا لَيلَةَ القَدرِفِی العَشرِ الأَوَاخِرِ مِن رَمَضَانَ.[1]

۱ـ صحیح البخاری، باب فضل لیلة القدر:۲۷۰/۱.

ترجمه: شب قدر را در شب‌های فرد دهه‌ی اخیریعنی؛ بیست ویک، بیست و سه، بیست وپنج، بیست وهفت و بیست ونه جست‌و جو کنید. شبیه همین حدیث، حدیثی در مسند امام احمد:۳۹۹/۱۶، بشماره:۲۲۶۱۲ نیز وارد شده است که حضرت عباده بن صامتﷺ از رسول خداﷺ در مورد شب قدر پرسیدند که در کدام شب است؟ آنحضرتﷺ فرمودند: آن را در شب‌های فرد دهه‌ی اخیرجست وجو نمایید.

دعای مخصوص شب قدر:

رسول‌خداﷺ فرمودند: در شب قدر این‌گونه دعا باید نمودکه:«**اللَّهُمَّ إِنَّکَ عَفُوٌّ تُحِبُّ العَفوَ فَاعفُ عَنِّی**.»[۲]

ترجمه: پروردگارا! تو بسیار بخشنده‌ای و عفو و بخشش را دوست می‌داری، لذا مرا معاف فرما.

در شب قدر از امور بیهوده پرهیز باید کرد:

در چنین شب مبارکی نیز بسیاری از افراد امت دامن اعتدال را رها و اسیر افراط وتفریط گشته خود را مستحق عتاب الهی می‌گردانند: چراغان نمودن مساجد، با اهتمام اعلان نمودن و برگزاری نماز جماعت صلوة التسبیح، [از این قبیل موارد هستند].

الله متعال در این شب مبارک به ما توفیق عبادت وبندگی عطا وآن را وسیله‌ی آمرزش ما بگرداند.

۱ـ صحیح بخاری:۲۷۰/۱.

۲ـ سنن ابن ماجه:ص۲۷۴، باب الدعاء بالعفو والعافیةِ.

مسأله‌ی قضای عمری

خداوند متعال درقرآن کریم جزء پنجم، سوره‌ی «نساء» آیه‌ی۱۰۳ ارشاد می‌فرماید: ﴿إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَّوْقُوتًا﴾ [یعنی؛] خداوند متعال نماز را در اوقات مشخصی بر مؤمنان فرض نموده‌است، از این جهت ادای نماز در وقت مقررضروری است.آری اگرهراز گاهی بنابر عذر، بیماری، ویا محظور دیگری نماز سر وقت ادا نشود، نظر به اهمیت این عبادت شریعت اسلام تأکید اکید به ادای آن در وقت دیگری نموده‌است. امروزه زمان سهل انگاری است، اولاً؛ بسیاری از مسلمانان نماز نمی‌خوانند، واگرگاهی بخوانند اعتنایی به شرایط وآداب آن ندارند و نمازی بدون خشوع وخضوع که نمونه‌ای از نشست وبرخاست است تقدیم می‌کنند.

لازم بود که مسلمان از ترک عبادت مهمّی چون نماز نادم وپشیمان و تائب شود و مطابق با دستور شرع نمازهای فوت شده‌ی خویش را فوراً قضا نماید. متأسفانه بعضی از متولیان دین، بنابر کم علمی ونادانی خویش این امر را نیز به خواهشات نفسانی خود واگذار نموده و دچار افراط وتفریط شده‌اند.

گروهی می‌گوید: نیازی به قضای نمازهای قضا شده نیست وصرف توبه[و استغفار] کافی است. ازطرف دیگربعض اهل بدعت صورت عبادت را تغییر واین راه حل را ارایه کردند که قضای نمازهای تمام عمر دشوار است لذا در آخرین جمعه رمضان مبارک نمازی به نام«قضای عمری» ایجاد نموده و گفتند: فقط با ادای چهار رکعت به شکل خاص همه‌ی نمازهای زندگی ادا خواهد شد.

این افراد در رمضان مبارک پیامک‌های دروغینی برای این نماز مخصوص منتشر می‌کنندکه به سبب آن تعداد برزگی از امت شکار فریب آن‌ها می‌شود، عموم مسلمانان ساده لوح نیز این را صحیح پنداشته، تمام عمر نماز نمی‌خوانند وپس از خواندن این نماز، تصور می‌کنند که نیازی به ادای نمازهای قضا شده نیست.

درحالی که نظر اهل سنت وجماعت جدا از هردو گروه این است که؛ نه قضای نمازهای قضا شده با توبه واستغفار از ذمه‌ی انسان ساقط می شود ونه چهار رکعت مخصوص در آخرین جمعه‌ی رمضان، به جای آن‌ها کفایت می کند، بلکه بجا آوردن قضای نمازهای فوت شده به دلایل زیر واجب و ضروری می‌باشد:

احادیث مبارکه:

۱ـ حضرت انس بن مالکؓ از آنحضرت‌ؑ نقل می کند که وی فرمودند: «**مَن نسيَ صلاةً فليصلِّ إذا ذكَرَها، لا كفَّارةَ لها إلا ذلكَ**»[۱].

ترجمه: هرکه نماز را (سر وقتش) فراموش کند، لازم است چون یاد افتد(که فلان نماز را نخوانده) آن‌را بخواند[؛زیرا] سوای این کفاره‌ای ندارد.

۲ـ در صحیح مسلم همین روایت با اختلاف الفاظ به این شکل آمده است:

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ، قَالَ: قَالَ نَبِيُّ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ: «مَنْ نَسِيَ صَلَاةً، أَوْ نَامَ عَنْهَا، فَكَفَّارَتُهَا أَنْ يُصَلِّيَهَا إِذَا ذَكَرَهَا.»[۲]

ترجمه: حضرت انس بن مالکؓ روایت می کند که رسول اللهﷺ ارشاد فرمودند: هرکه نمازی را فراموش کند ویا به خواب رود، کفاره‌اش این است که چون به یاد افتد آن را ادا نماید.

۳ـ امام نسائی در سنن خود روایتی آورده است که:

عَنْ أَنَسِ بْنِ مَالِكٍ قَالَ:سُئِلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنِ الرَّجُلِ يَرْقُدُ عَنِ الصَّلَاةِ أَوْ يَغْفُلُ عَنْهَا، قَالَ:«كَفَّارَتُهَا يُصَلِّيهَا إِذَا ذَكَرَهَا.»[۳]

۱ـ صحیح بخاری:۸۸/۱ باب من نسی صلاة.

۲ـ صحیح مسلم:۲۷/۱.

۳ـ سنن نسائی:۱۰۰/۱، باب فی من نام عن صلوة.

ترجمه: حضرت انس بن مالکﷺ می فرماید: رسول‌خداﷺ در مورد شخصی سؤال شد که وقت نماز بخوابد و یا از نماز غافل شود، آن‌حضرتﷺ فرمودند: کفاره‌اش این است که چون نماز فوت شده را به یاد آورد آن‌را قضا کند.

اقوال صحابه [ﷺ]:

۱ـ امام مالکﷺ در«مؤطا» قول حضرت عبد الله بن عمرﷺ را نقل نموده که فرمودند:

«مَنْ نَسِيَ صَلاةً مِنْ صَلاتِهِ، فَلَمْ يَذْكُرْ إِلا وَهُوَ مَعَ الإِمَامِ، فَإِذَا سَلَّمَ الإِمَامُ، فَلْيُصَلِّ صَلاتَهُ الَّتِي نَسِيَ، ثُمَّ لِيُصَلِّ بَعْدَهَا الصَّلاةَ الأُخْرَى.»[۱]

ترجمه: حضرت نافعﷺ از حضرت عبد الله بن عمرﷺ روایت می کند که ابن عمرﷺ می‌فرمود: هرکه نمازی را فراموش کند، وسپس زمانی که با امام مشغول نماز جماعت بود به یاد افتاد، پس از سلام امام نماز فراموش شده را خوانده، آنگاه نمازهای دیگر را بخواند.

۲ـ امام ترمذیﷺ در«جامع ترمذی» به نقل از حضرت ابوعبیده بن عبدالله بن مسعودﷺ نوشته‌اندکه ایشان فرمودند:

عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَسْعُودٍ، قَالَ: قَالَ عَبْدُ اللَّهِ: «إِنَّ الْمُشْرِكِينَ شَغَلُوا رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ عَنْ أَرْبَعِ صَلَوَاتٍ يَوْمَ الخَنْدَقِ، حَتَّى ذَهَبَ مِنَ اللَّيْلِ مَا شَاءَ اللَّهُ، فَأَمَرَ بِلَالًا فَأَذَّنَ، ثُمَّ أَقَامَ فَصَلَّى الظُّهْرَ، ثُمَّ أَقَامَ فَصَلَّى العَصْرَ، ثُمَّ أَقَامَ فَصَلَّى المَغْرِبَ، ثُمَّ أَقَامَ فَصَلَّى العِشَاءَ.»[۲]

[ترجمه:] حضرت ابوعبیده بن عبد الله بن مسعودﷺ از پدرش روایت می‌کند که ایشان فرمودند: در روز غزوه‌ی خندق مشرکین رسول‌خداﷺ را ازچهار نماز باز داشتند

۱ـ مؤطا امام مالک:ص۱۵۵.

۲ـ جامع ترمذی:ص۴۳.

تا این که بخشی از شب گذشت، رسول الله ﷺ به بلال دستور داد[تا اذان گوید]، وی اذان واقامه گفت، آنحضرت نماز ظهر را ادا فرمود، سپس برای نماز عصر اقامه[تکبیر] گفته ونماز عصر را خواندند، آنگاه برای نماز مغرب تکبیر گفته ونماز مغرب را خواندند، پس ازآن تکبیر گفته ونماز عشاء را خواندند.

اقوال فقهاء [رحمهم الله]:

۱ـ امام بخاری[رحمه الله] قول حضرت ابراهیم نخعی رحمه الله را نقل فرمودند: **وقالَ إبراهيمُ: مَن تركَ صلاةً واحدةً عشرينَ سنَةً لم يُعدْ إلا تلكَ الصلاةَ الواحدةَ.**[1]

[ترجمه:] ابراهیم رحمه الله می گوید: کسی که یک نماز را ترک کند(گرچه) بیست سال بگذرد آن را حتماً باید قضایش را بجا آورد.

۲ـ امام ابن نجیم رحمه الله می‌فرماید: **فَالْأَصْلُ فِيهِ أَنَّ كُلَّ صَلَاةٍ فَاتَتْ عَنْ الْوَقْتِ بَعْدَ ثُبُوتِ وُجُوبِهَا فِيهِ فَإِنَّهُ يَلْزَمُ قَضَاؤُهَا سَوَاءٌ تَرَكَهَا عَمْدًا أَوْ سَهْوًا أَوْ بِسَبَبِ نَوْمٍ وَسَوَاءٌ كَانَتْ الْفَوَائِتُ كَثِيرَةً أَوْ قَلِيلَةً.**[2]

ترجمه: اصل این است که هرنمازی بعد ازثبوت وجوبش از وقت خود فوت شود، خواه عمداً آن را ترک نموده باشد یاسهواً، ویا به سبب خواب، فوائت زیاد باشند یاکم، قضای آن لازم است.

۳ـ شارح مشهور صحیح مسلم علامه نووی شافعی رحمه الله می‌فرماید: **فِيهِ وُجُوبُ قَضَاءِ الْفَرِيضَةِ الْفَائِتَةِ سَوَاءٌ تَرَكَهَا بِعُذْرٍ كنوم ونسيان أم بِغَيْرِ عُذْرٍ.**[3]

ترجمه: هرکسی که نمازش فوت شود، قضای آن بر ذمه‌ی او واجب است، خواه به عذری مثل خواب و فراموشی آن را ترک نموده باشد ویا بدون عذر.

۱ـ صحیح بخاری:۸۴/۱

۲ـ البحر الرائق:۱۴۱/۲.

۳ـ شرح مسلم للنووی:۲۳۱/۱.

۴- امام جصاص ﷫ می‌گوید: **وهَذَا الَّذِی وَرَدَ الأَثَرُ مِن إِيجَابِ قَضَاءِ الصَّلاَةِ المَنسِيَّةِ عِندَ الذِّكرِ لاَ خِلاَفَ بَينَ الفُقَهَاءِ فِيهِ، وَ قَد رُوِیَ عَنِ بَعضِ السَّلَفِ فِيهِ قَولٌ شَاذٌ لَيسَ العَمَلُ عَلَيهِ.**[1]

ترجمه: اثری که در مورد وجوب قضای نماز فراموش شده بعد از یادآمدن وارد شده، درمورد آن هیچ اختلافی بین فقها نیست، قول شاذی که از بعض سلف مروی معمول به نمی‌باشد.

۵ـ صاحب«رحمة الأمّة»می‌گوید:**وَاتَّفَقُوا عَلَى وُجُوبِ قَضَاءِ الفَوَائِتِ.**[2]

ترجمه: علما بر وجوب قضای نمازهای فوت شده اتفاق دارند.

تذکر: موقف پیروان دیگر ائمه‌ی کرام در پرتو قرآن وسنت همچون دیدگاه احناف است. برای تفصیل بیش‌تر ملاحظه فرمایند:

دیدگاه پیروان امام مالك را در « المدوّنة الکبری:۲۱۵/۱».

و دیدگاه پیروان امام شافعی﷫ را در«فتح الجواد:۲۲۳/۱»

ودیدگاه پیراوان امام احمد بن حنبل ﷫ را در«الإنصاف:۴۴۲/۱)

۱ـ احکام القرآن للجصاص:۲۸۸/۳.

۲ـ رحمة الأمّة: ص ۱۴۶.

فیصله‌ی قطعی محدّث جلیل القدر[ملا علی قاری رحمه الله]:

علامه ملا علی قاری رحمه الله می‌فرماید:

حدیث «**من قضى صلاة من الفرائض في آخر جمعة من شهر رمضان؛ كان ذلك جابرًا لكل صلاة فائتة في عمره إلى سبعين سنة» باطل قطعًا؛ لأنه مناقض للإجماع على أن شيئًا من العبادات لا يقوم مقام فائتة سنوات.**[1]

ترجمه: این روایت که «هرکس درآخرین جمعه رمضان قضای فرضی را بجا آورد، تا هفتاد سال از عمرش تمام نمازهای فوت شده‌اش را جبران می‌کند» قطعاً باطل است؛ زیرا مناقض با اجماعی است که هیچ عبادتی نمی‌تواند جایگزین نمازهای فوت شده چندین سال باشد.

تذکر: فقها تصریح نموده‌اند که فقط قضای فرایض و وتر لازم است نه سنن و نوافل.

۱ ـ الموضوعات الکبری: ص۳۵۶.

فضایل ومسایل صدقه‌ی فطر

نصاب صدقه‌ی فطر:

هر مرد یا زنی که مالک هفت ونیم توله طلا، یا پنجاه ودو توله ونیم نقره، یا مال نقدی، یاکالای تجاری، یا سامان‌های زاید بر ضرورت باشدکه قیمت همه‌ی آن‌ها ، یا بعضی ازآن‌ها مساوی با ارزش پنجاه ودو توله ونیم نقره باشد، برچنین مرد و زنی صدقه‌ی فطر واجب است.[۱]

به یاد داشته باشید اشیایی که مورد نیاز نیستند بلکه صرفاً برای نمایش هستند و یا در خانه نگهداری شده، تمام سال مورد استفاده وبهره برداری قرار نمی‌گیرند، جزو نصاب محسوب می‌شوند.[۲]

وقت ادای صدقه‌ی فطر:

اصل زمان ادای صدقه‌ی فطر، قبل از نماز عید الفطراست. البته در آخر رمضان نیز می‌توان پرداخت نمود.[۳]

مقدار صدقه‌ی فطر:

صدقه‌ی فطر اگر ازجنس خرما، کشمش، یا جو ادا کرده شود، مقدار یک صاع باید ادا گردد، واگر از گندم باشد نیم صاع پرداخت شود.[۴]

مقدار یک صاع سه ونیم سیر، ونیم برابر با یک سیر و سه چهارم سیر است.[۵]

---

۱ ـ الجوهرة النّيرة: ۱۶۰/۱،باب من يجوز دفع الصدقة إليه و من لايجوز.

۲ ـ بدائع الصنائع: ۱۵۸/۲.

۳ ـ نورالانوار: ص۵۶.

۴ ـ الاختيار لتعليل المختار: ۱۲۳/۱،۱۲۴،باب صدقة الفطر.

۵ ـ ملخصاً از اوزان شرعیه، مفتی محمّد شفیع عثمانی: ص۳۴،۳۸.

مصارف صدقه‌ی فطر:

۱ـ مستحق صدقه‌ی فطر افراد مستمند و فقیری هستند که می‌توان به آن‌ها زکات داد.[۱]

۲ـ دادن صدقه‌ی فطربه پدر ومادر، پدر برزگ و مادر بزرگ، پسر و دختر، ونوه‌ها ناجایز است، همچنین زن وشوهر نیز نمی‌توانند به همدیگر صدقه‌ی فطر بدهند.[۲]

۳ـ به غیر از خویشاوندان مذکور، به افراد دیگرمثل برادر وخواهر، برادر زاده وخواهر زاده، عمو وهمسرعمو، عمه وشوهر عمه، دایی وهمسر دایی، خاله و شوهر خاله،خانواده‌ی زن وشوهر، برادر زن وشوهر خواهر، نا مادری، نا پدری را می‌توان صدقه داد به این شرط که فقیر و نیازمند باشند.[۳]

مسایل متفرقه‌ی صدقه‌ی فطر:

۱ـ اگر زنی صاحب نصاب باشد بر او نیز صدقه‌ی فطر[خودش] واجب است، ولی لازم نیست فطریه‌ی دیگری مثل بچه‌ها، پدر ومادر، و شوهر را پرداخت کند.[۴]

۲ـ همان‌گونه که برمرد صدقه‌ی خودش واجب است، صدقه نمودن از جانب فرزندان نا بالغ نیز ضروری است. امّا دادن صدقه‌ی فطر پدرو مادر وهمسر بر او واجب نیست.[۵]

وهمچنین دادن فطریه‌ی خواهر وبرادر ودیگر خویشاوندان گرچه تحت تکفل او باشند، بر شخص لازم نیست.[۶]

۱ـ الدر المختار: ۳۷۹/۳،باب صدقة الفطر.

۲ـ تحفة الفقهاء: ۳۰۳/۱، باب من یوضع فیه الصدقة.

۳ـ البحر الرائق : ۴۲۵/۲، کتاب الزکوة، باب مصرف الزکوة.

۴ـ ردالمحتار: ۳۷۰/۳،باب صدقة الفطر، الإختیار لتعلیل المختار: ۱۲۳/۱، باب صدقة الفطر.

۵ـ الإختیار لتعلیل المختار: ۱۲۳/۱، باب صدقة الفطر.

۶ـ فتاوی عالمگیری: ۲۱۲/۱، الباب الثامن فی صدقة الفطر.

البته اگر پسر و دختر بالغ مجنون و دیوانه باشد، پدر باید فطریه‌ی‌شان را بپردازد[۱].

۳ـ اگر کسی از غیر گندم[واجناس منصوصه] صدقه ادا می‌کند، مثل زرّت، برنج و... قیمت گندم اعتبار دارد یعنی؛ باید به اندازه‌ی قیمت یک کیلو وهفتصد وپنجاه گرم گندم ارزش داشته باشد.[۲]

۴ـ کسی که روزه‌ی رمضان را بهر دلیلی نگرفته باشد بر او نیز صدقه‌ی فطر واجب خواهد بود، همان‌گونه که بر روزه دار واجب است ودر این مورد فرقی بین روزه دار و بی روزه نیست.[۳]

۱ـ رد المحتار: ۳۶۸/۳، باب صدقة الفطر.

۲ـ فتاوی رحیمیه: ۱۷۲/۵.

۳ـ فتاوی رحیمیه: ۱۷۲/۵.

نماز عید

نماز عید دو رکعت است به همراه شش تکبیر زاید. سه تکبیر در رکعت اوّل پس از ثناء ، ودر رکعت دوّم، پس از قرائت گفته وبا تکبیر چهارم به رکوع رود. چون تکبیرات زاید رکعت اوّل پس از تکبیر تحریمه وثناء و در رکعت دوّم پیش از تکبیر رکوع هستند، از این جهت در رکعت اوّل به همراه تکبیر تحریمه ودر رکعت دوّم به همراه تکبیر رکوع،چهار چهار تکبیر گفته می‌شود. گویا در هر رکعت چهار تکبیر وجود دارد.

دربعض روایات در رکعت اوّل، تکبیرات زایده به همراه تکبیر تحریمه وتکبیر رکوع، با هم پنج تکبیر، ودر رکعت دوّم تکبیرات زواید وتکبیر رکوع چهار تکبیر شمرده شده و مجموع تکبیرات نه می‌باشد، و در هر دو صورت تکبیرات زواید فقط شش هستند.

عَنِ الْقَاسِمِ أَبِی عَبْدِ الرَّحْمَنِ حَدَّثَهُ، قَالَ: حَدَّثَنِي بَعْضُ أَصْحَابِ رَسُولِ اللهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ: صَلَّى بِنَا، النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَوْمَ عِيدٍ، فَكَبَّرَ أَرْبَعًا، وَأَرْبَعًا، ثُمَّ أَقْبَلَ عَلَيْنَا بِوَجْهِهِ حِينَ انْصَرَفَ، قَالَ: «لَا تَنْسَوْا، كَتَكْبِيرِ الْجَنَائِزِ، وَأَشَارَ بِأَصَابِعِهِ، وَقَبَضَ إِبْهَامَهُ.»[۱]

ترجمه: ابو عبد الرحمن قاسم می گوید: یکی از اصحاب رسول‌اللهﷺ برای من بیان کرد که رسول اللهﷺ با ما نماز عید را ادا فرموده [درهر رکعت] چهار تکبیر گفتند و زمانی که از نماز فارغ شدند رو به سوی ما نموده ارشاد فرمودند: فراموش نکنید،تکبیرات عید(مانند) نماز جنازه چهاراند، آنحضرتؑ با انگشتان دست اشاره نموده وانگشت ابهام خود را بستند.

۲ـ عَنْ مَكْحُولٍ، قَالَ: أَخْبَرَنِي أَبُو عَائِشَةَ، جَلِيسٌ لِأَبِي هُرَيْرَةَ، أَنَّ سَعِيدَ بْنَ الْعَاصِ، سَأَلَ أَبَا مُوسَى الْأَشْعَرِيَّ، وَحُذَيْفَةَ بْنَ الْيَمَانِ، كَيْفَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ

۱ـ شرح معانی الآثار: ۳۷۱/۲، باب صلوة العید.

يُكَبِّرُ فِي الْأَضْحَى وَالْفِطْرِ؟ فَقَالَ أَبُو مُوسَى: «كَانَ يُكَبِّرُ أَرْبَعًا تَكْبِيرَهُ عَلَى الْجَنَائِزِ»، فَقَالَ حُذَيْفَةُ: صَدَقَ، فَقَالَ أَبُو مُوسَى: «كَذَلِكَ كُنْتُ أُكَبِّرُ فِي الْبَصْرَةِ، حَيْثُ كُنْتُ عَلَيْهِمْ.»[1]

ترجمه: حضرت مکحول می گوید: ابوعائشه یکی از هم نشینان ابوهریرهؓ به من گفت: سعید بن العاصؓ از ابو موسی اشعری و حذیفه بن الیمانؓ پرسید: رسول‌خداﷺ در «عید الأضحی» و«فطر» چند تکبیر می گفتند؟ حضرت ابوموسیؓ فرمودند: مانند نماز جنازه چهار تکبیر می‌گفتند. حضرت حذیفهؓ فرمودند:(ابوموسی) راست می‌گوید. ابو موسی[اضافه نمود و] فرمود: من در دوران استانداری بصره این گونه تکبیر می گفتم.

۳ـ عَنْ عَلْقَمَةَ، وَالْأَسْوَدِ بْنِ يَزِيدَ، قَالَا: كَانَ ابْنُ مَسْعُودٍ جَالِسًا، وَعِنْدَهُ حُذَيْفَةُ، وَأَبُو مُوسَى، فَسَأَلَهُمْ سَعِيدُ بْنُ الْعَاصِ عَنِ التَّكْبِيرِ فِي الصَّلَاةِ يَوْمَ الْفِطْرِ، وَالْأَضْحَى فَجَعَلَ هَذَا يَقُولُ: سَلْ هَذَا، وَهَذَا يَقُولُ: سَلْ هَذَا، حَتَّى قَالَ لَهُ حُذَيْفَةُ: سَلْ هَذَا – لِعَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ – فَسَأَلَهُ فَقَالَ ابْنُ مَسْعُودٍ: «يُكَبِّرُ أَرْبَعًا، ثُمَّ يَقْرَأُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ، فَيَرْكَعُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ فِي الثَّانِيَةِ فَيَقْرَأُ، ثُمَّ يُكَبِّرُ أَرْبَعًا بَعْدَ الْقِرَاءَةِ.»[2]

ترجمه: علقمه واسود بن یزید رحمهما الله می‌فرمایند: باری حضرت عبد الله بن مسعود با حضرت حذیفه وحضرت ابو موسی اشعریؓ نشسته بودند که حضرت سعید بن العاصؓ در مورد تکبیرات عیدین از آن‌ها پرسید، هریک به سوی دیگری اشاره می‌کرد که از او سؤال کند، چنان‌که از ابن مسعودؓ سؤال شد وایشان فرمودند:(نماز گزار) چهار تکبیرگوید(یک تکبیر تحریمه وسه تکبیر زواید) سپس قرائت کند وبعد تکبیر گفته و به رکوع رود. در رکعت دوم تکبیر وقرائت نموده آنگاه بعد از قرائت چهار تکبیر (سه تکبیر زواید ویک تکبیربرای رکوع) بگوید.

۱ـ سنن ابی داؤد : ۱۷۰/۱، باب التکبیر فی العیدین، السنن الکبری للبیهقی: ۲۸۹/۳.

۲ـ المعجم الکبیر للطبرانی: ۵۹۳/۴،حدیث شماره:۹۴۰۲، مصنف عبدالرزاق: ۱۶۷/۳، حدیث شماره:۵۷۰۴.

۴ـ عَنْ كُرْدُوسٍ، قَالَ: أَرْسَلَ الْوَلِيدُ إِلَى عَبْدِ اللهِ بْنِ مَسْعُودٍ، وَحُذَيْفَةَ، وَأَبِي مَسْعُودٍ، وَأَبِي مُوسَى الْأَشْعَرِيِّ بَعْدَ الْعَتَمَةِ فَقَالَ: إِنَّ هَذَا عِيدُ الْمُسْلِمِينَ فَكَيْفَ الصَّلَاةُ؟ فَقَالُوا: سَلْ أَبَا عَبْدِ الرَّحْمَنِ فَسَأَلَهُ فَقَالَ: «يَقُومُ فَيُكَبِّرُ أَرْبَعًا، ثُمَّ يَقْرَأُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ، وَسُورَةٍ مِنَ الْمُفَصَّلِ، ثُمَّ يُكَبِّرُ، وَيَرْكَعُ فَتِلْكَ خَمْسٌ، ثُمَّ يَقُومُ فَيَقْرَأُ بِفَاتِحَةِ الْكِتَابِ، وَسُورَةٍ مِنَ الْمُفَصَّلِ، ثُمَّ يُكَبِّرُ أَرْبَعًا يَرْكَعُ فِي آخِرِهِنَّ فَتِلْكَ تِسْعٌ فِي الْعِيدَيْنِ، فَمَا أَنْكَرَهُ وَاحِدٌ مِنْهُمْ.[۱]

ترجمه: از کردوس رحمه الله روایت است که حضرت ولید بن عقبه رضی الله عنه پس از گذشت یک سوّم شب به حضرت عبدالله بن مسعود، حضرت حذیفه، وحضرت ابوموسی اشعری رضی الله عنهم پیغام دادند که امروز روز عید مسلمانان است. روش نماز در این روز چگونه می‌باشد؟ همه گفتند: از ابو عبد الرحمن یعنی؛ ابن مسعود رضی الله عنه بپرس.چنان‌که قاصد از وی سؤال نمود و او فرمود: ایستاده چهار تکبیر(یک تکبیر تحریمه، وسه تکبیر زواید) گوید، آنگاه سوره‌ی فاتحه ویکی از مفصلات را بخواند، باز تکبیر گفته و به رکوع برود، این‌ها پنج تکبیر است، باز برای رکعت دوّم برخیزد، سوره‌ی فاتحه و یکی از مفصلات را بخواند، سپس چهار تکبیر که آخرین آن تکبیر رکوع می‌باشد بگوید، در عید الأضحی وفطر نه تکبیر می‌شود، هیچ کس از حاضران بر ابن مسعود انکار ننمود(که از سوی ایشان تأیید قول ابن مسعود محسوب می‌شود.)

۵ ـ در دوران خلافت فاروق اعظم رضی الله عنه همه اتفاق نمودند که تکبیرات جنایز مانند تکبیرات عیدین چهار باشد.

فَأَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ عَلَى أَنْ يَجْعَلُوا التَّكْبِيرَ عَلَى الْجَنَائِزِ، مِثْلَ التَّكْبِيرِ فِي الْأَضْحَى وَالْفِطْرِ، أَرْبَعَ تَكْبِيرَاتٍ، فَأُجْمِعَ أَمْرُهُمْ عَلَى ذَلِكَ.»[۲]

ترجمه:آن‌ها اتفاق نمودند براین که تکبیرات نماز جنازه مانند عیدین چهار تکبیر است وبر همین امر اجماع نمودند.

---

۱ ـ المعجم الکبیر للطبرانی: ۳۹۴،۳۹۳/۴، شماره: ۹۴۰۰.

۲ ـ شرح معانی الآثار: ۳۱۹/۱، باب التکبیر علی الجنائز کم هو؟.

۶ـ عَنِ ابْنِ مَسْعُودٍ، «فِي الْأُولَى خَمْسَ تَكْبِيرَاتٍ بِتَكْبِيرَةِ الرَّكْعَةِ وَبِتَكْبِيرَةِ الِاسْتِفْتَاحِ، وَفِي الرَّكْعَةِ الْأُخْرَى أَرْبَعَةٌ بِتَكْبِيرَةِ الرَّكْعَةِ.»[1]

ترجمه: ابن مسعودؓ می‌گوید: در رکعت اوّل عید به همراه تکبیرات تحریمه و رکوع پنج تکبیر، و در رکعت دوّم به همراه تکبیر رکوع چهار تکبیر می‌شوند(خلاصه در هر رکعت، سه تکبیر زاید وجود دارد.)

۷ـ عَنْ عَبْدِ اللهِ بْنِ الْحَارِثِ، «أَنَّهُ صَلَّى خَلْفَ ابْنِ عَبَّاسٍ رَضِيَ اللهُ عَنْهُمَا فِي الْعِيدِ، فَكَبَّرَ أَرْبَعًا، ثُمَّ قَرَأَ، ثُمَّ كَبَّرَ فَرَفَعَ، ثُمَّ قَامَ فِي الثَّانِيَةِ فَقَرَأَ، ثُمَّ كَبَّرَ ثَلَاثًا، ثُمَّ كَبَّرَ فَرَفَعَ.»[2]

ترجمه: حضرت عبدالله بن حارث پشت سر عبدالله بن عباس ﷺ نماز عید را ادا نمودند، ابن عباس نخست چهار تکبیر گفته، قرائت نمود وپس ازآن تکبیر گویان به رکوع رفت، وزمانی که برای رکعت دوّم برخاست، نخست قرائت نمود، پس ازآن سه تکبیر[زاید را] گفت و بعد با تکبیر چهارم به رکوع رفت.

رفع یدین در تکبیرات عیدین:

در نماز عید به وقت تکبیرات دست‌ها بلند کرده می‌شود.

دلیل اوّل:

عَنْ إِبْرَاهِيمَ النَّخَعِيِّ قَالَ:«تُرْفَعُ الْأَيْدِي فِي سَبْعِ مَوَاطِنَ: فِي افْتِتَاحِ الصَّلَاةِ، وَفِي التَّكْبِيرِ لِلْقُنُوتِ فِي الْوِتْرِ، وَفِي الْعِيدَيْنِ، وَعِنْدَ اسْتِلَامِ الْحَجَرِ، وَعَلَى الصَّفَا وَالْمَرْوَةِ، وَبِجُمْعٍ وَعَرَفَاتٍ، وَعِنْدَ الْمَقَامَيْنِ عِنْدَ الْجَمْرَتَيْنِ.»[3]

۱ـ مصنف عبدالرزاق: ۱۶۶/۳،حدیث شماره:۵۷۰۲، باب التکبیرفی صلوة العید.

۲ـ سنن الطحاوی: ۳۷۲/۲، باب التکبیر علی الجنائز کم هو؟.

۳ـ سنن الطحاوی: ۴۱۷/۱، باب رفع الیدین عند رؤیةِ البیت.

ترجمه: تابعی جلیل القدر حضرت ابراهیم نخعی رحمه الله می فرمود: در هفت محل دست‌ها برداشته می‌شود:

۱ـ آغاز نماز؛

۲ـ هنگام قنوت وتر؛

۳ـ در[نماز] عیدین ؛

۴ـ به وقت استلام حجر اسود؛

۵ـ بر صفا و مروه؛

۶ ـ در مزدلفه وعرفات؛

۷ ـ هنگام توقف در دو جمره؛

دلیل دوّم:

وَاتَّفَقُوا عَلَى رَفعِ اليَدَينِ فِى التَّكبِيرَاتِ.[1]

ترجمه: فقها بر رفع یدین در تکبیرات عیدین اتفاق نموده‌اند.

دلیل سوّم:

وَ اَجمَعُوا عَلَى أَنَّهُ يُرفَعُ الأَيدِى فِى تَكبِيرِ القُنُوتِ وَتَكبِيرَاتِ العِيدَينِ.[2]

ترجمه: فقها اتفاق نموده‌اند که هنگام قنوت وتر وتکبیرات عیدین دست‌ها بر داشته خواهد شد.

فایده: هنگام رفتن به رکوع، وبر داشتن سر از رکوع، وآغاز رکعت سوّم نمازهای پنج گانه رفع یدین کردن ممنوع و در نماز عیدین رفع یدین مشروع است؛ زیرا ارشاد

---

۱ ـ مرقاة المفاتيح لعلى القارى:۴۹۵/۳، باب صلاة العيدين، رحمة الامّة فِى إختلاف الأئمة: ص۶۳.

۲ ـ بدائع الصنائع للكاسانى: ۴۸۴/۱، رفع اليدين فى الصلوة.

خداوند متعال است که:﴿وَأَقِمِ الصَّلٰوةَ لِذِكْرِى.﴾[۱]

ترجمه: نماز را برای یاد من بپا دار.

لذا عملی که در نماز ذکر یا مقرون(متصل) بالذکرباشد از روی این آیه مطلوب خواهد بود، امّا عملی که نه خودش ذکر است ونه مقرون به ذکر غیر مطلوب وقابل ترک می‌باشد. رفع یدین در عیدین با ذکر یعنی؛ الله اکبر مقرون ومتصل است از این جهت مطلوب شریعت است، امّا رفع یدین (در موارد مذکور) نمازهای پنج‌گانه حرکت خالی بدون ذکر است، ازاین رو به سبب غیر مطلوب بودن ممنوع می‌باشد.

---

۱ ـ طه:۱۴.

روزه‌های شش روز شوّال

در احادیث فضیلت و ترغیب‌های فراوانی در مورد روزه‌ی رمضان مبارک و شش روز شوّال وارد شده است:

عَنْ أَبِي أَيُّوبَ أَنّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قَالَ:«مَنْ صَامَ رَمَضَانَ ثُمَّ أَتْبَعَهُ سِتًّا مِنْ شَوَّالٍ كَانَ كَصِيَامِ الدَّهْرِ.»[1]

ترجمه: ازحضرت ابو ایوب انصاریؓ روایت است که رسول اللهﷺ فرمودند: «هرکه رمضان را روزه بگیرد وسپس روزه‌ی شش روز شوّال را درپی آن بیاورد، همچون روزه گرفتن تمام عمر خواهد بود.»

در روایتی دیگر ابو ایوب انصاریؓ چنین می‌فرماید:

سَمِعْتُ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ يَقُولُ: «مَنْ صَامَ رَمَضَانَ، وَسِتًّا مِنْ شَوَّالٍ، فَكَأَنَّمَا صَامَ السَّنَةَ كُلَّهَا.»[2]

[ترجمه:] من از رسول‌خداﷺ شنیدم که فرمود:« هرکه رمضان وشش روز از شوّال را روزه بگیرد، گویا تمام سال را روزه گرفته است.

در حدیث اوّل روزه‌ی شوّال[پس از رمضان] به منزله‌ی روزه‌ی تمام عمر و در روایت دوّم به منزله‌ی روزه‌ی سال قرار داده شده است؛ زیرا وقتی مسلمان تمام رمضان را روزه می‌گیرد، طبق قاعده« **الحسنة بعشر أمثالها**» (اجر وپاداش یک نیکی حد اقل ده برابر است) روزه‌های یک ماه برابر با ده ماه می‌شود، وپس از آن روزه‌ی شش روز شوّال برابر با دو ماه خواهد بود، لذا این شخص مستحق پاداش روزه‌ی تمام سال می‌شود. با این توضیح مطلب حدیث« گویا تمام سال روزه گرفته است» کاملاً واضح می‌گردد. به همین منوال اگر مسلمانی روزه‌ی این شش روز شوال را بعد از رمضان معمول همیشگی خود کند، گویا تمام زندگی را با روزه سپری نموده است،

---

۱ ـ صحیح مسلم، کتاب الصیام، باب استحباب صوم ستة من شوال.

۲ ـ مسند احمد: حدیث شماره: ۱۴۳۰۲.

با این توضیح حدیث« گویا تمام عمر روزه گرفته است» کاملاً واضح می‌شود. لذا برای تحصیل این فضیلت باید کوشید.

چند مسأله:

۱ـ اگر روزه‌ی چند روز ازماه رمضان بر ذمه‌ی کسی باشد، احتیاطاً اوّل قضای رمضان وسپس شش روز شوّال را بگیرد.[1]

۲ـ روزه گرفتن این شش روز فوراً پس از عید لازم نیست، بلکه پس از عید، هرگاه بخواهد می‌تواند، آن‌ها را بگیرد. فقط اهتمام بنماید که این شش روز را در شوّال تکمیل کند.[2]

پایان ترجمه: عصر روز پنج شنبه۲۲ رمضان ۱۴۳۶هـق برابر با ۹۴/۴/۱۸ خورشیدی.

الحَمدُ لِلَّهِ الَّذِی بِنعمَتِهِ تَتِمُّ الصَّالِحَاتِ، ربّنا تَقَبَّل مِنَّا إِنَّکَ أَنتَ السَّمِیعُ العَلِیمُ وَ تُب عَلَینَا إِنَّکَ التَّوَّابُ الرَّحِیمُ وصَلَّی اللهُ تَعَالَی عَلَی خَیرِ خَلقِهِ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ وَ صَحبِهِ أَجمَعِینَ.

محمّد روشندل ورکاتی
مدرّس جامعة الحرمین الشریفین چابهار

۱ـ نهایة المحتاج: ۳۱۰/۱۰، باب فی صوم التطوع.
۲ـ شرح نقایه: ۲۱۵/۲، الأیام الّتی یستحبّ صومها.